

آذری

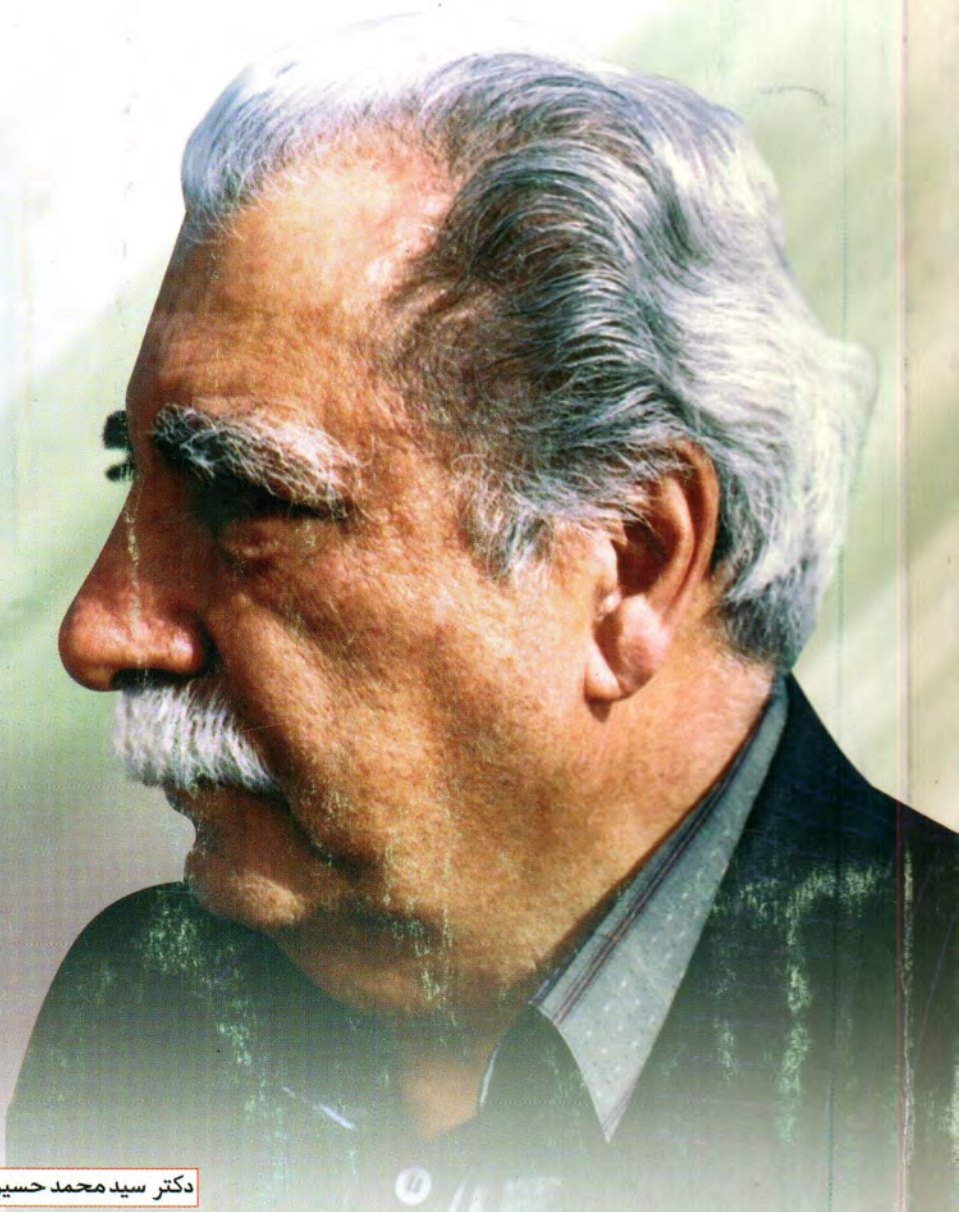
اٲل دیلی وادیاتی

پائیز ۱۳۸۲

سال اول

شماره : ۱

فصلنامه (بین المللی) فرهنگی ، اجتماعی ، ادبی و هنری



دکتر سید محمد حسین مبین (م.شمشک)

آذری

فصلنامه (بین المللی) به زبان ترکی و فارسی

مجله فرهنگی - اجتماعی - ادبی - هنری

شماره ثبت: ۱۲۴/۳۸۳۸



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: بهزاد بهزادی

مدیر داخلی: حشمت حافظی

مدیر اجرایی: حسن ریاضی (ایلدیریم)

ویراستار: فرامرز شهبازی - فریدون محمدی

خروف نگار: کاروس نصیری

با همکاری هنری: لاجین اسماعیلی - وقار فرشباف

چاپ و اجرا: نشر نخستین

بهای تکفروشی: ۱۲۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، سعادت آباد، میدان کاج، چهارراه شهرداری، ساختمان اداری -

تجاری سرو - طبقه ۷ - واحد ۲ - دفتر وکالت بهزاد بهزادی.

کدپستی: ۱۹۹۷۸۵۵۳۲

فاکس: ۲۳۵۲۲۶۷

تلفن: ۲۰۹۴۹۰۰

پست الکترونیکی: Azari_Eldili@yahoo.com

نشانی در اینترنت: azari@ocaq.net

مجله در حک و اصلاح مقالات وارده آزاد است.

فهرست

صفحه

۴	بهراد بهزادی	اوغور بخیر!
۶	کند اوشاغی	ااشید اینانما
۸	نگاهی به زندگی و آثار دکتر سید محمد حسین مبین (م. شیمشک)	خالچاتین حیکمتی
۱۲	آنار	آذری مجله‌سی نین مارشی
۱۸	هاشم ترلان	سیستم آوایی - مفهومی در ترکی آذربایجان
۱۹	ناصر منظوری	ارک قالاسی
۲۲	رسول رضا	خودونون تۆته‌یی
۲۳	ع.م. آغداشلو	بیر باهارین سحری
۲۹	فیکرت قوجا	اثل حسرتی لی نغمه‌لر - صمیمی اولان هر شئی
۳۰	لنگستون هیوز - هتینس کالان	پوست قوتوسو
۳۱	جلیل محمدقلی‌زاده (ملانصرالدین)	«آرزو» دان - «آرزئ» یا
۳۸	حسن ایلدیریم	آلچالماز هیتمیم
۴۴	ا. آلاو	از اسناد تاریخی
۴۵		«قفیل سورغو...»
۴۹	نریمان ناظم	نگاهی گذرا به سیر نقاشی در آذربایجان
۵۴	وجیه فکور (صرافی)	خالق موسیقی سینین اینجی لری
۵۹	مسعود فیوضات	تاختالی کؤیدن مکتوبلار
۶۲	عزیزنسن	بیردن - بیر
۶۶	عمران صلاحی	دۆنیاتین ان گؤزل اولوسو
۶۷	گابریل گارسیا مارکز	شیندیرلمیش گؤزگؤ
۷۳	سنویل مرسل	سسله‌یر - سنی شئودیم
۷۶	م. امین موید - ائلدار موغانلی	شیندان قالاسی حاققیندا بعضی مۆلاحیظه‌لر
۷۷	سید آقا عون اللهی	«گۆی آتلی بالاخان»
۸۵	حبیب فرشایف	«قوّصه»
۸۸	آنتوان چنخوف	شعور: سلیمان ثالث - شهرک (میرزا) - ذبیح‌الله سماپور - میر هدایت حصاری -
۹۴		حمید آرش آزاد - م. قافلاتی - ف. شیخ‌الاسلامی - جمشید شیبانی
۹۹	ق. زامان	معرفتمیزه ماشاللاه
۱۰۳	آ. س. پوشکین	قیش سحری
۱۰۴	چشورین: ای. وئی‌تئو	بیلقاقیش
۱۰۹	حسن ریاضی	دیوان نظامی گنجوی
۱۱۰	ترتیب‌چی یوسف قوسی (فرزانه)	یثنی کیتابلارین سیاهیسی

بسم الله الرحمن الرحيم

برگزیده از دو نامه گروهی از نمایندگان مردم آذربایجان در مجلس شورای اسلامی، نویسندگان، شعرا و مسئولین مطبوعات آذربایجان، به مقام محترم ریاست جمهوری اسلامی ایران سالهای ۱۳۷۷، ۱۳۷۹

- به اجرا در آمدن اصل پانزدهم قانون اساسی و تحصیل و تدریس زبان ترکی در کلیه سطوح از ابتدائی تا عالیترین سطح دانشگاهی.
- تأسیس دانشکده زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی در دانشگاه‌های کشور.
- اجرای بند نهم از اصل سوم قانون اساسی.
- تسهیل در چگونگی شکل‌گیری مراکز فرهنگی که اشاعه فرهنگ زبان ترکی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند.
- تهیه و پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیونی به زبان ترکی با روش علمی... در کنار زبان فارسی.
- توجه به مشکلات اقتصادی و معیشتی منطقه آذربایجان.

از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

اصل سوم- دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد...
بند ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

اصل پانزدهم- زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی کتب درسی باید باین زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

اصل نوزدهم- مردم ایران از همه قوم و قوم قبيله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند؛ فرهنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.

اوغور بخیر!

پنجاه و دو سال پیش در شرایط دشوار خفقان و ترور و در آستانه نهضت ضد استعماری مردم ایران برای ملی کردن صنعت نفت، با انتشار دو روزنامه بزبان آذربایجانی و فارسی خدمات مطبوعاتی را آغاز کردیم. انتشار این روزنامه‌ها به زبان ترکی در شرایطی که سیاست مستعمراتی شاهنشاهی در آذربایجان با خشونت کم‌نظیر جریان داشت، دارای اهمیت تاریخی ویژه‌ایست. گروهی از فرزندان غیور و جان برکف آذربایجانی، از میان خون و دود و آتش و حکومت سرنیزه و ترور بپا خاستند و نشان دادند که زبان و فرهنگ ریشه‌دار ملتی آگاه و مبارز را نمی‌توان برای همیشه، بزور سرنیزه و زندان و کشتار خاموش کرد.

این روزنامه‌ها نقش مهمی در بیداری شعور ملی ایفا نموده و مکتبی برای پرورش و بالندگی نسل جدیدی از شیفتگان به زبان و ادبیات آذربایجانی گردیدند.

اینک خوشوقتییم که در شرایط مساعدی که پس از انقلاب اسلامی برای اشاعه زبان و ادبیات آذربایجانی بوجود آمده است با انتشار فصلنامه «آذری» بمنظور پیشبرد اهداف ملی-دموکراتیک و کسب حقوق طبیعی و قانونی زبان و فرهنگ آذربایجانی در جبهه مطبوعات، به فعالیت می‌پردازیم.

هدف فعالیت فصلنامه «آذری» تحقق اجرای اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی است که ناظر به تأیید حقوق ملی و قومی ایرانیان بوده و با خواسته‌های مردم آذربایجان و ترکان ایران همخوانی داشته و آزادی زبان و فرهنگ آنها را تضمین کرده است. فصلنامه «آذری» مجله‌ایست فرهنگی، اجتماعی و ادبی و هنری که بزبانهای ترکی آذری و فارسی انتشار می‌یابد.

ما بر اساس بررسی شرایط امروزی و نیاز جامعه «ضرورت»ها را در برنامه فعالیت ادبی خود قرار دادیم. سالها بررسی و تلاش برای تدوین و انتشار فرهنگ لغات آذربایجانی در شش جلد به نتیجه مطلوب رسید. به نظر ما این فرهنگ‌های آذربایجانی-فارسی و فارسی-آذربایجانی و آذربایجانی در اولویت قرار داشت.

در مرحله بعدی با همکاری گروهی از اساتید و علاقمندان به گردآوری و انتشار فولکلور و ادبیات شفاهی ترکان ایران که گنجینه بسیار غنی و متنوعی از خلاقیت مردمی را تشکیل می‌دهد و متأسفانه در معرض فراموشی است، پرداختیم و تاکنون هفت نشریه تحت عنوان «اتل دیلی» و «ادبیاتی» در این زمینه انتشار یافته و پس از این نیز با همان روش قبلی بخش دوم فصلنامه «آذری» به انتشار «اتل دیلی» اختصاص خواهد یافت. در بخش اول فصلنامه آثار ادبی و فرهنگی و هنری منتشر خواهد شد. با توجه به گسترش قابل توجه شعرسرایی بزبان آذربایجانی، ضمن ارائه نمونه برگزیده از این اشعار به انتشار نمونه‌هایی از اشعار شعرای معروف

جهانی، بویژه فارسی و آذربایجانی، در هدایت شعرای جوانان مستعد، جهت به کاربردن مضامین غنی تر و اشکال مناسبتر خواهیم کوشید.

بویژه نثر نویسی مورد توجه ماست. باید اذعان کرد که فعالیت در این زمینه در مرحله ابتدایی است. ما انتشار نمونه‌هایی از آثار نثر نویسندگان معاصر آذربایجانی، و ارائه نمونه‌هایی از آثار نثر نویسندگان فارسی، آذربایجان شمالی و جهانی، استعدادهای شایسته را به آفرینش آثار پر بارتر تشویق خواهیم کرد.

زبان فارسی، زبان مشترک رسمی ما ایرانیان است و ما تحصیلات خود را باین زبان پایان رسانیده و بواسطه آن با جهان علم و ادب آشنا شده‌ایم و به آن ارج می‌نهیم. در صفحات «آذری» بمنظور آشنا ساختن هموطنان فارسی زبان با ویژگیهای زبان و فرهنگ آذربایجانی مقالاتی انتشار خواهد یافت و مبادلات فرهنگی این دو زبان مورد توجه خاص قرار خواهد گرفت.

اشتراک زبان ادبی آذربایجان جنوبی و شمالی، و اعتلای زبان ادبی ما در آذربایجان شمالی بعلمت امکانات تحصیلی و دانشگاهی و پژوهش‌های آکادمیک و خلق آثار ادبی ارزشمند؛ ایجاب می‌کند که بطور شایسته از دستاوردهای دانشمندان آذربایجان شمالی، نمونه‌هایی برای خوانندگان و علاقمندان در صفحات «آذری» آورده شود. در گسترش و تعمیق این روابط فرهنگی بتدریج کوشش خواهد شد.

موقع را مفتنم شمرده یادآوری می‌نماید که بدون هر گونه تعصب ما واژه‌های آذربایجانی، آذری، ترکی، ترکی آذربایجانی و زبان ترکی آذری و زبان ترکی را در نوشته‌ها به مفهوم مترادف بکار خواهیم برد و در مفهوم عام و با تسامح آگاهانه آنرا شامل زبان مشترک ادبی همه ترکان ایرانی قلمداد خواهیم کرد.

فصلنامه «آذری» نشریه‌ایست مردمی که مخاطب آن توده مردم خواهد بود، مجله انعکاس منویات و خواسته‌های خلق خواهد بود و در راه منافع خلق و همراه آنان گام بر خواهد داشت و با تکیه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی برای تحقق حقوق ملی و دموکراتیک و اشاعه زبان و ادبیات و فرهنگ آذربایجانی به پیش خواهد رفت. یقین داریم که علاقمندان به زبان، و ادبیات و فرهنگ آذربایجانی به همراهی و یاری ما خواهند شتافت.

همکاری شما در این راه و هدف مقدس، ضامن موفقیت ماست:

اوغور بخیر!

یاخشی یول!

بهزاد بهزادی

ائشيد، اينانما

كند اوشاغى

ائشيدىسن كى بيزده ايشلر دۆزەلەر، سولار قايداسىندا آخىر، خۇروز و اخىندا بانلاشەر، صۆب يىرىندە آچىشەر... و يا مثلن لەلەشىن جىيىندە، دىك آستار يىرىنە پۇل- مۇل الە گلەر، بىزىم آدى گۆزەلە آلاە بىر اۆسگۆك عاغىل و ئرمىش؛ ايكى ائششەيىن آرباسىنى بۆلە بىلىر... و يا بو اۆچ جۆت- بىر تىك الى قىلمى لىرىمىز، سۆز بىز اولوب، اليف- بىنى اۆستە اۆچۆن سۇيو بىر آرخا كىلدەر، بىزىمكى لىر دە، جىب لىرىندىن باشقا بىر آزدا ائل لىرى، دىل لىرىنى دۆشۆنۆرلر و يا آلاە قولۇ كۆخا، پىر آز اينىصافا گلېب؛ خلقى بىر گۆزدە گۆرور... و يا ياتدىن، يۇخودا گۆردۆن كى، غرىبە عالم دىر، دۆنيا ترسىنە دۆنۆر، گۆنش مغرىبدىن گلەر، مشرىقەدە سۆنۆر. «هۆنر بىزدە دىر دىل بىزدە، چىچىك بىزدە دىر گۆلدە بىزدە» يىرىنە «بۆتۆن اينسانلار آلاھىن قولودور، اوزۆنە بگىندىگىنى قونشونادا ايستە!...» دىئىرلر. حتا آتالارىمىزدا دىيى دگىشمىش: ائولادىن دۇغماسى اۆگىنى اولماز، بىرىنى ازدىرىب، بىرىنى بىزدىرملر، دىئىرلر...

آغلين جايماستىن اۇغۇم، كى يۇخودور، يۇخو! ها... دىئەرلر: آج تۇيۇق ياتار يۇخودا دارى گۆرەر؟! سىن تۇتۇلە دە ياتىش، بالاخانا يۇخوسو گۆرۆرسىن. خىشەر اولالا... يۇخ بىرىندىن ائشيتىمىس، اينانماكى، اينانماق آغىلا ضرر، جانە خطردىر. سۆيىن قوردون آغزى باغلى اولار... آغىر اوتور، باتمان گل.... بانلاما سىيىن تاتىنار، باشىنى اگ، داش گلەر؛ دىك توتارسان آلىنا تۇخونار؛ سىن، بوغدايىلا چاۋدار آيرى دىر دىندىن؟! نە ايسە گۆلۆم، دۆنيا دگىشلىر؛ آمما قايدالار دگىشمىز! مثلن بىزىم بو آدى گۆزل، آلاە ياراداندان خاخۇلدور؛ دگىشە بىلىر؟ اصلن! بىر دىلى دە بو كى، هر ائشيتىدىگىنە ايناتىر. مثلن ائشيدىب كى «چۇباتىن مىتلى اولسا تكدەن سۆد ساغار» اۆ گۆن يازىق قىدمالى چۇباندان ال قىر- ياخا قىر يايىشمىشدى كى، ساققار، تكدەنى ساغىپ؛ اونا سۆد وئرسىن! دى گل بو پاپاغى باشا سال كى، جاتىم، سۆزدۆر، تكدە سۆد، نە گزىر؟! يىلىنى واركى سۆدۆدە اولالا!... ايندى دە نىكىمدىن ائشيدىب كى، «بۆتۆن اينسانلار بىر بىرلەر!» اۆ

گۆندىن ئۆزۈنۈ باغدادداكى كۆر خەلىفە بىلە بىر بىر گۆرۈر! داي دىمىركى جاتىم، سۆز باشقا، ناز باشقا! آخى قارىزىن

سارىسى قىزمىزىسى ۋاركن، اينىنلارنىن آغاسى، بىگى، يۇلۇغۇ- جۇلۇغۇ، گەدەسى- گۆدەسى نىجە بىر اولاي بىلىر؟! ئىلە سۆز دىتتىركى، پىشمىش تۇتۇغۇن گۆلمەنى گىلىر! بىرىنىن قەلەسى قاتىرى، مالى قاراسى، داۋارنى سۆرۈسۈ، گىتىر- گۆتۈر، ۋار- دۆلت، باس- كىس!... او بىرىنىن ئىندى دىگىرماندا بىر پۇنزا اونو يۇخ، ايتەدە بىر كۆت بۇرجلۇدور، جىرىغىندىن جىن ۋلكۈر، آجىندىن ياتىر، گۆن اورتا دورور... بويتور گۆرەك؛ بونلارنىن ھاراسى بىردىر؟! نەدە بىر- بىرلىنە بنزەيىر؟! باخ؛ ماشاللا، بىرىنىن دىلى شىب- شىرىن قىدا! دائىشاندا، آغىز بالدادى ۋثرىر. اوچ آيدا بىر دۈنە، دىشچىنە گىتمەك گرەكدىر كى؛ شىرىنى دىشى چۆرۈتمەسىن، رادىو دائىشاندا، دۆۋرەسىندە چىيىن پۇھرە ۋثرىر... او بىرىسىنىن دىلى، بىر كۆلۈ!... او قەدەر آجى دىر؛ مدرسە- ئە- زادا قۇيمازلاركى، اولمايا طىغىل اوشاقلارنىن، دىل- دۈداغىنى ياندىر!... حتا رادىودان دائىشماغا مەجبور قالاندا يارنى «شكر» قاتارلار كى، بلكە بىر آز آجىسى آلىنىش!...

ايندى گل گۆرەك؛ ياخشى اوغلان، بونلارنىن ھاراسى بىردىر؟! بىرى آغا بالاسى كىمى يۇخارنى باشدا ئايتىپ، باغ- باغ آچىلىر، مئىداننى دۆز گۆرۈر، او بىرى آستانا آغزىندا، الى قۇتۇندا مۇقىرلىر كىمى، قىستىلىپ اوتورموش، ھىچ كىمىن قاتىرىنى ۋلكۈتمەمىشەدە، ئىشتن اونا بۇز- بۇز باخىر، آز قالا اوراداندا قۇۋاجاقلار... سىن ھى- دىكى، بونلار يۇلداس- قارداشدىلار! او كى قالدى چاتى بركىتەندە «قارداش، قارداش!» دىمەك؛ اۋنادا بىزىم ئىردە «قۇلتۇغۇنا قارىزىر ۋثرمەك» دىتەرلىر. آرامىزدا قالسىن لەشەدە ايش برەكە چاتاندا، آدى گۆزلىن دابائىنا صابىن چكىپ، «بالام، بالام» دىتىپ قاباغا اۋتۇرۇرم. اينىصافدا ۋار، بو آدى گۆزل اولماسايدى، دۇنيا نىجە اولوردو! آلاھ بىلىر. بىر ئىلە دىتەندىن سۇنرا، بىزىم بو مايماق بىر پارچا جۋاھىردىر! ھر كىم دىمىش؛ دۇغرو دىمىش كى، «پىخە اولماسا زىرنىگ آجىندىن اولر!».

نگاهی به زندگی و آثار دکتر سید محمد حسین مبین (م. شمشک)

[دکتر سید محمد حسین مبین پزشک حاذق، دلسوز و مهربان که بمناسبت خدمات صادقانه‌اش در معالجه و مداوای جذامیان به «پدر جذامیان» ملقب گردیده، بخاطر خدمات ارزشمند و خصوصیات اخلاقی والا و آثار ادبی گرانبها از طرف مردم و مقامات قدرشناس استان آذربایجان شرقی و شهر تبریز به پاداش خدمات پزشکی و ادبی‌اش، پارک و فرهنگسرای در تبریز بنام ایشان نامگذاری شده است:

دکتر مبین ادیبی محقق و شاعری با ذوق سرشار و تواناست. بویژه اشعار وی در زمره بهترین‌های ادبیات کودکان شناخته شده است.

پاره‌ای از اشعار فارسی و آذربایجانی دکتر مبین چاپ شده و امیدواریم که با چاپ همه آثار خود بخدمات پرارزش فرهنگی خود ادامه دهد.

مجله «آذری» روی جلد نخستین شماره خود را با چاپ عکس این رادمرد فرهیخته و درج مقاله هر چند کوتاه، ضمن تجلیل از فعالیت‌های پزشکی، اجتماعی و فرهنگی ایشان، برای وی آرزوی طول عمر، سلامتی و موفقیت دارد.]

در نیمروز سیزده آذر ۱۳۰۶ شمسی در یکی از خانه‌های محله چرنداب از محلات قدیمی تبریز در خانه کربلانی سید علی مبین کودکی به دنیا آمد که سیدمحمدحسین نامش نهادند. محمدحسین دوران کودکی و سالهای اول تا پنجم ابتدائی را در مدرسه معرفت واقع در کوچه مسجد خونی- چرنداب سپری کرده در خرداد ماه ۱۳۲۰ همراه خانواده‌اش به قصد دیدار برادر ارشد رهسپار کرمان گردید. این دیدار، چندین سال طول کشید و محمدحسین

کلاس ششم ابتدائی تا یازدهم متوسطه را در دبستان و دبیرستان «پهلوی» کرمان سپری نموده در سال ۱۳۲۷ بوطن خود تبریز بازگشت. در دبیرستان فردوسی تبریز بدریافت دیپلم متوسطه در رشته طبیعی توفیق یافته و در سال ۱۳۲۸ در رشته پزشکی به تحصیلات عالی در دانشگاه تبریز ادامه می‌دهد. در سال ۱۳۳۴ به اخذ دکترای عالی در رشته پزشکی نائل گردیده است.

چند سالی در خدمت هموطنان خود بوده و در سال ۱۳۳۷ باستخدام وزارت بهداشتی در آمده، خدمات پزشکی خود را با بیماریابی جذام در شهرستان اهر و ارسباران آغاز می‌نماید. پس از یک سال خدمت در امر بیماریابی در سال ۱۳۳۸ به عنوان کفیل بیمارستان جذامیان بابا باغی منصوب می‌شود. پس از تمشیت امور جذامیان و سامان‌بخشی وضع رقت‌بار آنان در سال ۱۳۴۱ با استفاده از بورس تحصیلی سازمان

بهداشت جهانی راهی کشورهای اروپائی اسپانیا و پرتغال و کشورهای آفریقائی مالی و نیجریه شده و با کسب تجربیات فراوان در امر مبارزه با بیماری جذام و اخذ تعلیمات لازم در جذام شناسی به ایران مراجعت و در سمت ریاست بیمارستان بابا باغی به خدمات بهداشتی- درمانی خود ادامه می‌دهد. در سال ۱۳۴۸ با ادغام سازمان بهداشتی و دانشگاه تبریز با اتمام فرصت به اخذ تخصص بیماریهای پوست و آمیزشی از دانشگاه تبریز توفیق یافته و در بخش

بیماریهای پوست دانشکده پزشکی (بیمارستان بابک) تبریز، تحت ریاست استاد، دانشمند بزرگوار، جناب آقای دکتر عبدالمجید گنجویان بعنوان عضو هیئت علمی بخدمات علمی پزشکی خود ادامه می‌دهد. دکتر سیدمحمدحسین مبین در سال ۱۳۵۵ به عضویت هیئت تحریریه مجله

بیماران خود کتاب شعر «جذاملی سارا» را برشته تحریر کشیده است.

دکتر مبین (م. شمشک) علاوه بر ادبیات کودکان (اوشاقلار ادبیاتی) در زمینه‌های ادبی و تحقیقی دیگر مانند «سخنان عارفانه و نصایح حکیمانه نظامی گنجوی در مخزن الاسرار»، «شیطان در شهر شهریار» و «تیریز گنجینه نهفته در بستر تاریخ» و غنچه‌های خونین (قانلی چیچکلر) عمادالدین نسیمی شاعر طبیعت، ادیب و دانشمند و کتاب «بر یاد شهریار- سوگواره و سوگنامه‌ها» به خاطر اولین سال در گذشت استاد محمد حسین شهریار بشکل مجموعه‌ای از اشعار فارسی و ترکی سروده شده توسط شاعران ایران و آذربایجان جمع‌آوری و بدرقه راه سلطان شعر و غزل ایران نموده است.

دکتر مبین در برنامه دلنشین «گوللو بوداق» صدای و سیمای تیریز شرکت فعال داشته و در معرفی شعرا و ادبای آذربایجان تلاش فراوانی دارد.

سخن آخر اینکه وی علاوه بر اینکه پزشکی حاذق، عالمی دانشمند، شاعری ژرف‌نگر و نویسنده‌ای تواناست، انسانی متواضع و وارسته و عارفی پاکباز است. به قول استاد دکتر علی اکبر ترابی «دکتر مبین علاوه بر وقف و صرف عمر و جوانی خود به معالجه و سرپرستی بیماران مجذوم باباباغی و گذشته از سرمایه علمی و ادراک قوی از عواطف لطیف و ژرف انسانی نیز کاملاً» بهرمند است و همین دو ویژگی سبب شده تا وی همچنان که پزشکی حاذق است، شاعری ژرف‌نگر و درد آشنا نیز باشد.

دکتر سید محمدحسین مبین در سال ۱۳۷۸ بعنوان یکی از ده نفر پزشک پیشکسوت فرهیخته منتخب از طرف

پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز انتخاب می‌شود و تا سال ۱۳۷۹ در تعالی سطح دانش این مجله وزین علمی و پزشکی کشور فعالیت می‌نماید و هم اکنون نیز بعنوان عضو هیئت داوران به همکاری خود با مدیران مجله ادامه می‌دهد.

دکتر محمد حسین مبین بیاس خدمات خالصانه خود از طرف بیماران مجذوم به لقب «پدر جذامیان ایران» مفتخر گردیده و خود نیز باین لقب افتخار می‌نماید. آسایشگاه جذامیان بابا باغی در سایه تلاش خستگی‌ناپذیر وی پیشرفت چشم‌گیری یافته از بعد کمی و کیفی از غزلتگاه متروک جذامیان محروم و مهجور، به مرکز فعال تحقیق و بررسی جذام و نگهداری جذامیان تبدیل شده است.

بیمارستان جذامیان بابا باغی از نظر علمی و عملی به مرکز بررسی و تحقیق محققین و پژوهشگران ایرانی و خارجی و آموزش دانشجویان پزشکی، پرستاری، کاردانا و کارشناسان علوم آزمایشگاهی و دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی مبدل شده و به کسب شهرت جهانی توفیق یافته است. دکتر مبین، علاوه بر خدمات روزمره درامربارزه با جذام و حمایت از جذامیان، به خاطر عشق و علاقه خاصی که به فرهنگ و ادب ایران و آذربایجان دارد؛ در وادی ادبیات نیز سهم و تلاش در خور و قابل تأمل دارد. خصوصاً به کودکان و نوباوگان کشور عشق و علاقه خاص داشته و در تدوین و نشر ادبیات کودکان (اوشاقلار ادبیاتی) و تلطیف ارواح طینه آنان مجاهدت می‌نماید.

کتاب: آچیل چتریم آچیل - گل باهاریم
گل - قوش یوواسی - لای، لای، مارالیم
لای لای - آغ گول، آغاگول، آی گول. را
بخاطر آنان تدوین نموده و با الهام از

طالقانی قرار گرفته است. وسایل خانه اسباب‌بازی بطوری امانی در اختیار اطفالی که خود قادر به تهیه آن نیستند قرار گرفته و کودکان عضو مجتمع می‌توانند هر چند روز که بخواهند بعنوان سرگرمی و تفریح از آنها استفاده نمایند. در جوار خانه اسباب بازی، آکواریوم شیشه‌ای با ماهی‌های الوان و زیبا ساخته شده که در منظر نوباوگان عزیز قرار می‌گیرد.

برای احداث این مجتمع از تخصص‌های مختلف فنی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و استفاده شده و اکثر معاونین، کارشناسان، مشاوران شهرداری و اعضای شورای شهر تبریز مشارکت فکری داشته‌اند.

برای این مجتمع ۱۶۵۰/ متر زیر بنا و دو هکتار پیاده‌رو و ۱/۵ هکتار فضای سبز منظور گردیده و اکثر خانواده‌های بی بضاعت در ایام فراغت می‌توانند از امکانات تفریحی و آموزشی مجموعه استفاده نمایند. در مساحت محصور ۷۱۰۰ متر مربع پارکینگی بمساحت ۸۰۰/ متر مربع با سه هکتار فضای پیرامون آن محیط امن و مناسبی جهت بازدیدکنندگان فراهم آمده است. هزینه ساخت این مجتمع فرهنگی و هنری ۵۵۰ میلیون تومان بر آورد گردیده است.

دکتر سید محمد حسین مبین از مشتاقان شعر و ادب آذربایجانی بوده و خود نیز به فارسی و آذری شعر می‌گوید. شیوه خاص و نوینی در اشعار آذری دارد. او با الهام از بیماران خود سعی دارد از زشتی‌ها و ناهنجاریها، تصویری زیبا و خوشایند بسازد و محرومین روزگار را آنچنان که هست به تصویر کشیده سوز درون آنانرا بازگونماید. نمونه هایی از اشعار ایشان ارائه داده می شود :

وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی در اولین سال برگزاری «روز پزشک» ایران مورد تقدیر و تجلیل قرار گرفته به دریافت تقدیرنامه کتبی و تندیس ابوعلی سینا مختفر گردیده است.

در سال ۱۳۸۱ مجلس نکوداشتی از طرف انجمن شعر و ادب سردرود در تجلیل از خدمات چهل و چند ساله دکتر مبین در بیمارستان باباباغی تبریز برگزار گردیده و جمع کثیری از ادبا و شعرای تبریز در این مراسم شرکت نموده بودند.

علاوه بر آن بتاريخ ۲۱ تیر ماه سال ۱۳۸۲ به ابتکار شهرداری منطقه ۳ تبریز حناب آقای فرج قلی‌زاده در مجتمع کوثر مجالس نکوداشت استاد دکتر سید محمد حسین مبین طی دو روز پیاپی تشکیل و روز اول با شرکت مردم شریف و حق‌شناس تبریز و در محیط باز و روز دوم در سالن زیبای مجتمع با شرکت مقامات محترم وزارت بهداشت، درمان و آموزشی پزشکی، استانداری آذربایجان شرقی، رجال و معاریف شهر برگزار و مجتمع فرهنگی و هنری شهرک طالقانی بنام دکتر سیدمحمد حسین مبین نام گذاری و از چهل سال خدمت صادقانه این طیب انساندوست در ساحه امداد و حمایت از بیماران محروم و مظلوم جذامی قدردانی شایسته بعمل آمد. مجتمع دکتر مبین دارای یکباب کتابخانه و دو باب سالن مطالعه دخترانه و پسرانه و مخزن کتاب و اتاق رایانه و روزنامه و مطبوعات به مساحت ۵۵۰ متر مربع و یک باب سالن اسباب‌بازی برای کودکان بمساحت ۳۷۵ متر مربع و یک باب سالن نمایش و اجتماعات به ظرفیت ۲۲۴ نفر با صحنه اجرا به مساحت ۶۵ متر مربع با تجهیزات پخش صوت و تصویر با امکانات تصویربرداری احداث و مورد بهره‌برداری توسط قاطبه اهالی منطقه شهرک

اثل دردى

«اختر خانىما ايتحاف»

ايسته ديم الينى آلام اليمه
اوتاتيب، اوساندئ چكدى اللرين
اولارمى؟ اينساندا اثل سيز ياشاسين
نه قدير چتين دير دردى اثللرين؟!

محبت تشنەسى

محبت دريادير اوج سيز - بوجاق سيز
محبت ايچينده من بوغولموشام.
كيم بيلير بلكهده بير گون
محبت گورمه ميش، من دوغولموشام.

آناسيز، آتاسيز سارماشيق كيمي
سارميشيب حيتا تارپاق آچميشام.
اولومون اليندن گوز، گوزائيله ييب،
اوزولوب، قيريلتميشام بورا قاچميشام.

من كيم

قاينالار دوشونده بوزلايان قارام
بولاغام داغلاردان جوشوب داشارام
قوشولوب چايلارا دنيز اولارام
دالعالار ياراديب داغدان آشارام.

داشلارين بزه يي اينجه بير گولم،
يارپاغيم تاپادير، چيچه ييم بولود،
حسرتده قوزورلان خسته بولولم،
اوزه ييم يارادير درمايم اومود.

شيمشكهم شاخارام قارا گنجهده
دلهرم باغريني قارا گنجه نين.
يولچوئام گزهرم ايتگين يوللاري
توتارام اليني يولدان كنجه نين.

ايتگين

«حسنه» ايتحاف

آديم يوخ، ساتيم يوخ اثل ده، اوبا دا
فلكين گوزوندن ايتميش اينسانام،
هر نه يم، هر كيمم آي باجي، قارداش
آتامدان، آتامدان من مؤسلمانام.

ايتتظار

«رحمت ليك خديجه»

خاننىما ايتحاف

يومولمور گوزلريم ايتتظار چكير
ايتتظار چكن گوز يومولماز بيران،
يوللارا تيكيليپ يوزغون گوزلريم
يولونو گوزلهرم بير عومور اينان.
بير عومور اينان.

شفقت باجي سى

قارانلىق گنجهلر اوزون گنجهلر
شفقت باجي سى گوزله يير گوزوم.
توكه نيب طاقتيم قالماييب، دوزوم
شفقت باجي سى اختارير گوزوم.

پرى سن، ملك سن بيلميرم نه سن؟
بشرده بو جمال بو كمال اولماز
محبت باغيندا آچيلان چيچك
روزگار اسسه ده سارائيب، سولماز.

محبت درياسى اولفت چشمه سى
لياقت معدنى اينسان اوسوه سى.
فخر اولسون آدينا دوتيا بوئو
زئينه بين يولودور پرستار يولو

خالچاينن حيكمتى*

آنار

كوچورن و سامانلايان : م- صادق

آذربايجان خالچاسى ساپلارلا ياراديلميش ارشيتكتك اثرىدير. توخوتاني نامعلوم اولان خالچالار دونيادا مشهوردور. خالچا دا موغام كيمي تيكاراسيژدير. اوچوش زاماني آدام نه ايسه چوخ دوشونجهلره دائير. طياره پشجره سينده يتر اوزو آيدين جيزگيلي جدوله، رسمه، خريطه ته بنزه يير. قالين مشه لر، شوملانميش قارا تورپاق، داغلارين قارلي زيروه لرى، دالغانان گوي دنيزين دامار- دامار سطحى، يوكسه ته قالدئيقجا ناخيشلار داها چوخ موجدركلشير، گويون هانسى قاتينداسا، بيردن آشاغي باخيب بويوك، گوزل، الوان خالي گورورسن.

من قديم «ناخچيون» تورباغي، كيچيك قافقازين آغ زيروه لرى، نظامى نين وطنى «گنجه» اوزريندن اوچورام. آشاغي داغلارين زورود گوزلو، نظامى نين ياشيدئ گوي گول اطرافيندا اونون باجيلارئي- آلتى گول دومانلى سحرده فيروزه يى، ياشيل، توند گوي، گوموشو، بولودسوز قوروب واختى قان- قيرمىزى رنگلرين چالارلا رينلا پارلايئر. ياز و يايدا ياشيل، پايشدا قيزيلى، قيشدا قارلا اورتولو آغ- آبياق آغاچلارلا ايحاطه اولونموش بو يئددى گول بويوك بير خالچاينن موختليف پارچالارينا، اونون آذربايجاندا ائله جه «گول»، روس و آروپا عنعنه سينده ايسه «ميدالئون» آدلانان عونصورلرينه بنزه يير.

من بو گول- ميدالئونلارلا باخديقجا، فيكي ريمده خالقين بويوك صنعت اثرى، ۱۶- جى عصيرده «صفوى» لر پايتختى تبريزده ياراديلميش «شيخ صفى خالچاسى» جانلاتير. بويوك حجملى، ساري قيزيلى گومبز ايجه ريسينده فيروزه قونجه- بو كى گوي گولدور- پايشين قيزيلى يارپاقلارئي ايله ايحاطه اولونموش ماوى گول، توند قيرمىزى، ساري، گوي قونجه لر سه گوي گولون باجيلارئي گوللردير، دوزدور، خالچادا اولار يئددى دئييل، اون آلتى دير. «ايسليمى» و «ختاينى» بديعى قورولوش اولوبلارئي بوتون بو رنگارنگ موزائيكى بولونمز بير بوتوزه، چئويرير. عئلنده «شيخ صفى» آدى ايله تاتينميش خالچا بو گونه قدير قالميش آذربايجان خالچالاريندان ان مشهور و ان بويوكدور. اونون ساحه سى ۵۸۳ مئتر موربع دن آرتيقدير. موعاصير دوردا اوتاقلى مزيلى ديوارسيز تصوور اتتسك، بو خالچا اونون دوشه مەلرينى بوتولوكده اورته بيلر.

«شيخ صفى» خالچاسى ۱۵۳۹- جى ايلده تبريزده «شاه طهماسب»- ين سيفاريشى ايله اردبيل مچيدى اوچون توخونوشدور. ۱۸۹۳- جى ايلده او، اينگيليس لر ينه كئچير. ايندى ايسه لندنده ويكتوريا و آلبرت موزه سينده ساخلايئير. آدلارئي نامعلوم قالميش آذربايجان

صنعتکارلاری تین ایستعدادی و زحمتی ایله یارانمیش خالچا بریتانیا شاه لارینین آدینسی داشینیان موزه نین ان قییمتلی نوماتیسه قوئولموش اشیاسی اولموشدور.

خالچا اینسان حیاتی و فعالیتتین ان مۆختلیف ساحه لری ایله باغلیدیر. بیر چوخ جهتدن او، منعمارلیغا یاخیندیر. بعض خالچا منعمارلیقدان ایقتیاسلار اندیر- اونون ناخیشلاری سیراستیا تاغلار و قاپیلار، سوتون و گۆمبزلر، پنجره و قندیل لر ده داخل اولور. بیر چوخ خالچالاردا شرقین مشهور منعمارلیق آبیده لری تصویر اندیلمیشدیر. بالاجا نامازلیق خالچالاری نین اوزرینده مۆطلق منعمارلیق عونصورو- منحراب شکلی اولور. ناماز قیلان آدام بو خالچانی هارادا سرب اوتورسا اوزونو ایسته دیی موحیطده- مچیدین دیواری آراسیندا حیس اندیر. مچید و یا سارایا گیرن یثرینین خالچاسیز تصویر اتمک اولماز. قاراباغ خالچالاری اوزونسوز اوتاقلارین منعمارلیق اولگوسونه مۆناسیب توخونورلار. بو اوتاقلارین دۆشمه لرینین اورتوتیو «دست- خالی- گبه» آدلانان دورد خالچادان عیبارت اولموش: بورایا اساس مرکز خالی، ایککی یان خالیسی و بیر ده باش طرف خالچاسی داخل ایدی.

موغامین، مۆختلیف حیصه لری نین شوعبه، آواز، گوشه، تصنیف و رنگی احتیوا انده رک، بیر بوتون تشکیل اندن دستگاهی اولدوغو کیمی، «دست- خالی- گبه» نین حیصه لری عۆمومی ترکیب داخلینده بیرلشیر. منعمارلیقلا عۆصوی بیر سنتز تشکیل اندن خالچالار، اینسانلارین گۆنده لیک حیاتی ایله داها چوخ باغلیدیر. قیشدا باغلی ائولرده ایستیلیک و راحتلیق منبعی اولان خالچا، یایدا چیمن و چوللرده، سۆیوق بولاقلارین قیراغینا سالیئاراق، عۆمومی ساحه نین موعین حودولارلا آیزلمیش پارچاسیندا اینسانلارین اونسیت، صوحت و ایستیراحت یثری اولموشدور. خالچا موسیقی و شعر مجلسلری نین ضروری شئی لریندن دیر.

چوخلو و مۆختلیف وظیفه لر اوزونده بیرلشدیرن آذربایجان خالچاسی عینتی زاماندا بوتون بو عملی وظیفه لرین مجموعه سیندن داها گئنیش دیر. آذربایجان خالچاسی تکجه میللی حیات طریزین چوخ مۆهوم بیر عونصورو، تکجه تطبیق صنعتین بیر نوو دئییل، هم ده خالقین وارلیغی نین اخلاقی و معنوی نورملاری ایله علاقه داردیر. اوزاق عصیرلردن بری آذربایجان خالچاسی تالیز خالقین انستتیک مئیل لری نین، اونون گۆزلیک و مۆناسیب لیک منعمارلاری نین دئییل، میللی تفکورون داها مۆجرک فلسفی مقوله لرینده ایفاده چی سی اولموشدور.

ختیرله شرین موباریزه سی، سۆرعتله کئچن عۆمرۆن دییشکن لیشی، چیچکلنمه دؤورۆنۆن یارباق تۆکۆمۆ ایله عۆص اولونماسی، حیاتی ن دؤوزان ائمه سی، مۆربع ساحه ده بیر کۆنجدن باشقاسینا

گئدیپ یئنه ده اولکی نوقطه ته قایتیدان ده وه کاروانی خالچالاریمیزدا مۆختلیف جور، گاه عیانی سۆزه لی شکل لر، گاه دا ناخیش و ایشاره لرده عکس اتدیریلیمیش بوتون بو موتولر، حیات، اولوم و وارلیغین معناسی حاققیندا دۆشۆنجه لرین اوزونه مخصوص ایفاده سی ایدی. طبیعی دیر کی، ان قدیم زامانلاردان اینسان ذهنینده اوچوش حاققیندا خیاللاردا مۆوجوددور. اینسان اوچان خالچالار

حاققىندا قىرپە ناغىللار يارادىر. بو ائللە بىر اوچما واسىطەسى دىر كى، اۋنون اۋزىرىندە اۋتوردوغو، ئىتتىب- ايجدىگى، ياندىغى خالچادان آيىرمادان گۆى اۋزۈنە قالدۇرماغادىر. بو عادت اندىلمىش، تاتىش بىر شىئە ساخلاماق شىرطى ايلە قىتئىرى عادى شىئە حاققىندا خىئالدىر.

لاكىن خالقلار تىكجە ناغىل ۋ يوخولاردا اوچوشلا باغلى دىئىل، شىرق خالچاسى ئىش ئاخىشلار ئىش اۋزۈندە دە بو يۆكسكىلىنى جان آتما مېئىلى ۋار. آذربايجان خالچاسى ئىش ان مشهور قورولوش اۋسولوبو ايسلىمى نىن (قىرىدە «عربىك» آدىلە تائىش) بىر چۈخ نۇولرى ۋار. اۋنلاردا بىر قانادلى ايسلىمى آدلانىر. بوراداكى ئاخىشلار ئىن مۆزگب دۈلاشقى خطلىرى نىن عىئىنى زاماندا آندىن ايفادە اولۇنان بىر ايسىقامتى ۋار. بو اوچوش خط-سى سىتىرى دىر. بورادا قاناد چىرپما ائشۇرىسى، سمايا جان آتما دۈيۈمو، اينسائىن اوچماق آرزوسو ۋار. خالچا صنعتى نىن آذربايجان اراضى سىندە يارانماسى ۋ اينكىشافى بىر سىرا عىئىنى فاكىتلارلا باغلىدىر. او جۈملەدن البتە كى، بو تۈرپاغىن شىرقە قىرپ آراسىندا جۇغرافى مۇوققىمى ايلە علاقەداردىر.

آسيا ۋ آۋروپا آراسىندا سىرحد بۆيۈك قاققاز سىرا داغلارنى اۋزىرە بورادان كىچىر. بورادا ايسلام مدنيتى دۈنياسى مسىحىت مدنيتى عالمى ايلە راستلاشىر. اۋرتا عصىرىن بۆيۈك كارۋان يۇللارنى بو تۈرپاقدان كىچىمشىدىر. كارۋان مۇۋۇسسۇ آذربايجان خالچالارنى ئىش ئاخىشلارنىدا عكس اولموشدور. كارۋانلار باشقا ئىروتلرلە بىر ايسر خالچا دا آپارىدۇلار ۋ مۇختلىف اولكەلرىن سىرحدىن لىرىدن كىچىر، تاجىرلىر گۆمۈرۈك خىرجى ئىرىنە خالچا ۋئىرەمىشلىر.

آذربايجان خالچالارنى مۇختلىف يۇللارلا قورىتە، اۋز ۋىطىنلرىنە اۋزاقلارلا، آدلارنى بو خالچالارنى سايەسىندە دۇنيا صنعت شۇناسلىغى لۇغىت تىركىبىنە داخىل اولان بالاچا، گۆزە چارپمايان كىند ۋ ماحاللاردان اۋزاقلارلا كىندىب چىخىردى. دۇنيائىن ان بۆيۈك موزەلرىندە، نادىر موزىئى اشىتلارنى آلتىنىدا من اۋزىرىندە دۇغما آدلار يازىلمىش لۇۋىلەر گۆمۈش «چىچى»، «پىرەبدىل»، «هىلە»- خىرىطەلرىن چۈخوندا تاپىلمايان بو كىچىك كىندلرىن آدلارنى اۋز خالچالارنى ئىش تىكرارسىز ئاخىشلارنى سايەسىندە خالچاچىلىقتا هامى طرفىندىن قىول اولونموش اىصطىلاحلارلا چىنۇرىلمىشىدىر.

پىراق ۋ بوداپستەدە، لىندن، پارىس ۋ رۇمدا، نىۇيۇرك ۋ واشىنقتۇندا، بىمبى، ايسىتانبول ۋ آنكارا خالچا ۋ قىدىم اشىتلار دۇكانلارنى ئىش ۋىترىنلرىندە آدلارنى آنا سۆدۈ قىدەر دۇغما خالچالار نۇمائىش ائشدىرىلىر: قۇبۇستان، شىروان، كىنجە، قاراباغ، تىرىز، اردىبل، قۇبا، قازاق، آذربايجان شەھىرلىرى، كىند ماحال ۋ تۈرپاقلارنى اۋز آدلارنى مۇختلىف قورۇپ خالچالارلا ۋئىرەمىشلىر.

آذربايجان خالچالارنى دىققەتلە باخدىقچا قىتئىرى اىختىيارنى اولاراق، موسىقى ايلە، ھىر ترانەسى، ھىر موسىقى كىچىدى بۆتۈۋ بدىعى ايدەننن عۆمومى ئاخىشنىنا ھۇرۇلن موغامىن، قىرپە بىزەكلرى ايلە تداعى، آتىم ياراتىر. اكر موسىقى ايلە بو بىزەرلىنى داۋام ائدىب، سۆزەلى خالچالارنى بىرنامەسىز موسىقى ايلە مۇقائىسە ائسك، سۆزەسىز خالچالارلا بىرنامەسىز موسىقى آراسىندا اوخشارلىق تاپماق اولار. اۋنلار بىزىم حىسسىياتىمىزنى مۇشخىس بىر مۇۋۇسسۇ باغلامىر، اۋز ۋارلىغى نىش

قنير-ى مالموس خوصوصيىتى ايله بيزه حيسى تاثير گوستيريرلر. داهيئانه موسيقى كيمي، داهيئانه خالچائى دا سوزله تصوير و شرح ائتمك مۇمكۇن دئيىل. اۇنو ئاليز دوتماق، حيسى ائتمك اولار. بورادا ئاليز باخىن «توكاتا»سى و يا «شيخ صفى» خالچاسى ئين دريلىك لرinden گلن درك انديلمز معنوى تكانلار، ترپنملر دوتياسينا قرق اولماق مۇمكۇندۇر. ايلاهى هارمۇنى، ابدى ساكيتلىك، هر جوزون اينجەلىنى ايله ايشلنمەسى، بۇتۇتۇن داهيئانه مۇتناسيبلىقى - «باخ» فۇقلارئىن، «موتزارت» و «بتهوون» سيمفونى لرىن، «سەگە» موغامىيىن ۱۶ عصير «صفوى» خالچالارئىن اولمىلىنى سىرى ده ائله بو دئيىل؟

البته خالچائىن دا موسيقى كيمي اوز دىلى وار. گنىش عئلمى اثرلر ده خالچائىن مۇرگب دىلى، اونون گىزلى معناسى ئين و علامت و نۇمودارلارئى، اۇنداكى ايدەن رىمى و كۇدو ايله تدقيق اولونور. بعضى تدقيقاتچىلار ئين فېكىرىنچە، بو ايدەلر اوز قديم كۇكۇ انعتيياريله مېغلر و سحرلر، شر قوولر تىجسۇم ائندىر افسانەوى اژدهائىن خئىير ايدەسىن رىمى «سىمىرغ» قوشونون مۇبارىزە سىنە گلب چىخىر. لاكىن بو گۇن بىز اينسان اللرىن خلق ائندىتى مۇعجوزە قارشى سىندا حئيرانلىق ايچەرىسىندە دا ياندىقدا بىزى وئله ائدن بو رىملر دئيىل. بىز اژدها رىمى اولان S ايشارە سىلە آلۇتون مۇجرەلشديريلمىش تصويرى بوتا- يا دايىرەلر، يارباقلار، قۇنچەلر، و هرملر و... رنگارنگ شۇشەلرە دولو «شهر فرنگ»- بىزە خالچائىن يۇزلرلە، مىنلرلە ناخىشينا باخىرىق، لاكىن بىزى حئيران قۇيان آيرى- آيرى تفرۇعاتلارئى ئىل خالچائىن عۇمومى گۇزلىنى، اونون قورولوشوندا رنگ بىرلشديريلمەلرىندە تىجسۇم اولونان دۇنيا دوتومو خالچائىن بىزە ياراتدىغى اۇقاتدۇر.

قمگىن و شن سۇئىنچلى، ايشىقلى، نىكىن و توتقون، كۇسكۇن و حتا فاجيەلى خالچالار وار. ائله خالچالار وار كى، اۇنلاردا ائله بىل باهار سولارئىن، گنجلىك حىس لرىن جۇشغونلۇغو، تلاطۇمۇ، طراوتى دوتولور، ائلهلر ده وار كى، سانكى يۇنگۇل خاطىرەلر دومايىنا بۇرۇنۇبلر. بو سۇزلردە مۇبالىغە، خالچالارئىن تصوير انديلمز گۇزەللىنى بدىعى نىشرىن تائىش مفھوملارئى ايله ايفادە ائتمك جھدىنى آختارمايىن.

باكى ئىن قلى ايچەرى شەھرە گئدىن، خالچا موزەسىنە گىرىن، اونون اۇتاقلارئىندا ياواشچا تلىسمەن كىچىندە، گۇرەرسىنىز كى، مۇختلىف خالچالار سىزدە مۇختلىف حىسلر اۇتاداچاق، احوالئىنئىزا مۇختلىف جۇر تاثير گۇستەرەجكلر. ۱۹-جو عصير «گىجە» خالچاسىنا اوزاقدان نظرسالئىن، سىزە ائله گلەجك كى، اۇندان سانكى تۇستۇ قالخىر، اونون اۆزەرىندە سانكى گۇمۇشۇ بوخار وار، اۆزەرىنە ائله بىل قىرۇق اۆرتەمۇشۇدۇر، ياخود اۇنو گۇنۇمتۇل دومان بۇرۇتۇبدۇر. سىزە ائله گلەجك كى، بو خالچا جانلىدۇر، اۇ سحر دومانلارئى ايله نفس آلىر. بىليرسىنىز تىزە يۇيولموش خالچادان نىجە گۇزەل قۇخو گلر. اوشاق ئىغىمىن ان اونودولماز خاطىرەلرىندە بىرى ده گۇى دنيزىن لاپ كنارنىدا سارئ قوم اۆستە سىرلىمىش الوان خالچالاردۇر. قادىنلار ياش خالچاينا گىلابى سۇرتۇب، اونون گزەرك كۇپۇكلرى ئالئىن آتاقلارئى ايله كنارا آتئىرلار. سى ايله يۇيولوب

قوروماغا قۇيولموش خالچا لئيسان ئاي باغئیشئیدان سۇنرا داغ منظره سینه بنزه ییر- تبه لرین آراسئیدان یتددی رنگلی ننه قورشاغی آسئیلب.

سئحیرلر و میفلر حاققئیدا بیر شئی دئیته بیلمرم، آما منه ائله گلیرکی، خالچا تۇخویاتین ایلهام منبعی ائله بو گۆی قورشاغی، قوس و قرح، دۆم- دۆز سرو آغاجی، قویروغونو آچمیش «طاووس» قوشو فروزدینین اولئنده یاشیل چوللری «قانادان» قیزمیزی لاله لر، چیچکله نن آلچا آغاجی، آچیلان قیزیل گوللر- قدیم تۇخوجولوق خاناسئیدا دۆیونلری باغلایان نامعلوم رساملارین گوزو قارشئ سئیدا جانلانا رئال عالمین جاذبیه دار گوزه للیشی اولموشدور. بورادا کیشی صنعتکارئ دئیل، قادین صنعتکارلارئ نظرده توتوروق. چونکو آذربایجان خالچاسی نئین چوخ عصیرلیک تاریخی قادین دۆنیاسی تین یازئلماسی تاریخی دیر.

بیز سۆزله می خالچاتین ایسکیزلرینی چکمیش مینیاتورچو رساملارئ خاطیرلاییر، نظامی گنجوی، عجمی نخجوانی، سلطان محمد داهی لرین آدلارینی اثتخیراملا چکیریک، بیز سیفاریشچی لرین صنعت خادیملری نین، صنعت بیلجی لری نین رولونو اینکار اثتخیریک، لاکین آذربایجان خالچاسی تین یارانماسی ایلک اونجه آذربایجان قادینی تین خیدمتی دیر. لاکین احکاملار ایجتیماعی و عایله قایدا- قانونلارئ ایله آباغی بوخوولانمیش، کوله لنمیش آذربایجان قادینی اۆره تینده همیشه گوزه للیته جان آتمیش و بو آرزوسونو ایمکان اولاندا موسیقیده و رقصده، شرایط مۆساعیده ائندنده شئعرد و هر زامان، حیاتین بوتون کشمکشلرینه باخما یاراق خالچا صنعتینده تجسؤم اثتمیشدیر. آذربایجان قادینی همیشه خالچا تۇخوتوب ائوده «خانا» قارشئ سئیدا، چولده یایلاقدا، یولدا و بولاق باشئیدا. گلین اولما مئش دان قاباق و ائوین آروادی، آنا، ننه اولاندان سۇنرا ننه لر اؤز نوه لرینه اؤیره ندیکلرینی، نسیلدن- نسلیه کئچن صنعتین سیرلرینی اؤیره دیلر.

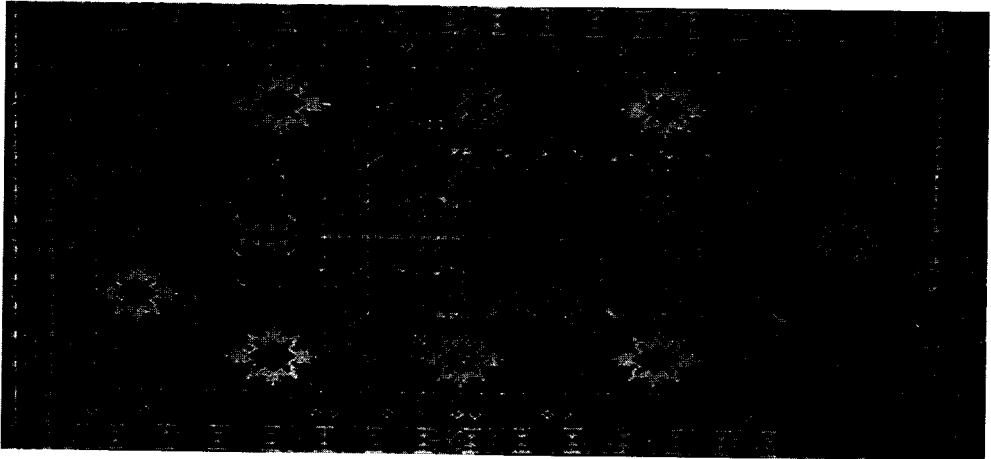
خالچالارین امه تی همیشه یارادیجی امک و اونلارئ (بعضن ائدیلدیی کیمی)، موعین تصدیق اولونموش قالیلار سالماق، قباحتدیر. بو، یارادیجی ئیغی سیماسیزلاشدیریر، اونو سوزون هم حرفی هم ده مجازی معناسئیدا باسما- قالیب حالئنا کتیریب چیخاریر. هر بیر محدودلاشدیرئلیمش فورما، هر بیر ایستاندارد، میکانیکی تکرارچیللق آزاد و سربست خالچا صنعتی نین قنیمی دیر. ان یاخشئ خالچالار موزه لرده نؤمائش اثتدیریلیر، لاکین موزه اؤز نؤرمالارینی مغزی اثتعیارله خالق صنعتی اولان خالچائیغا مجبوری تلقین ائده بیلمز. خالچاتین اصل یولو حیاتدان موزه یه دیر، موزه دن حیاتا دئیل.

بیر چوخ ایللر بوندان اول شوروی روسیه سی نین شاعیری س. قورودئتسکی یازمیشدیر: «آذربایجان قرین آرتیق اونودوغو قدیم صنعت نؤولرینی هله ده ساخلائی. بورادا آشیقلار اوخوئور، موسیقی بدیهه چیلیشی یاشائی، معیشتده بزه کلر ایشلنیر. قرین موزه لرده تاماشا اثتدی هر بیر شئی بورادا دیریدیر». گۆرکملی روس شاعیری نین سوزلرینه بونو دا علاوه ائده ک کی، آذربایجان ایندی ده صنعتی واسیطه سیز ایفاده اثتمک و قاوراماق باجاریغینی ساخلامیشدیر. صنعتیزین حقیقتن میلی کؤک لری بوندادیر.

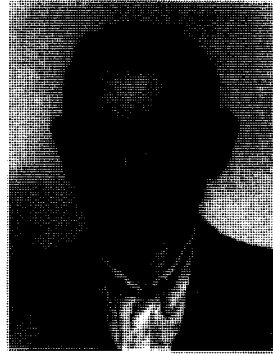
خالق صنعتى اۆز خوصصىيىتى ائعتىبارىلە بديھەچى طبيعتلى دىر. يادىمدادىر، بىر دفە رادىئودا موغام اۋخوئان گۈزەل بىر خانندەنەن صنعتىن لىتتە يازىردىلار. تىكنىكى سىبىدن يازى كۈرلەنمىشىدۇ ۋاۋندان تىكرار اۋخوماغى خاھىش ائتدىلر. اۋ بىر نىچە دفەدە اۋخودو ۋ بو تىكرارلار اولكىندن يا اوزون، يا دا قىسا چىخىردى، يەنى بىرىنچى ايفا ابلە ھىچ بىرىسى تام اۋىغون گلەمىردى. موغنى بديھە خانلىق ائتمەدن اۋخوئا بىلمىزدى. اۋ: «عئىنن تىكرار ائتمەك مۈمكۈن دئىل»- دئدى.

بىر نىچە ايل اول خالچاچى «پىرەبدىل» تىپلى اعلا بىر خالچا تۈخوموشدور. خالچانئ «مونرآل» بىن الخالق سرگىيە گۈندەردىلر، خالچاچى قىزدان ايسە خاھىش ائتدىلر كى، اۋنون دىق قورتىنى- كۈپىيەسىنى تۈخوسون. اۋ بوندان ايمىتىناع اندەرك «باجار مارام»- دئدى. خالچاچى قىزى بىلىدىردى كى، تزه بىر شئى علاوه اندەجك. عئىنن تىكرار ائتمەك مۈمكۈن دئىل». موغام ۋ خالچا صنعتى نادىر فۇرمالار، بديھەچىلىك دۋھاسى نىن تىكرارسىز اورنكلرى دىر. تىكرارسىز! بوندادىر موغامىن ابدىلىيى. بوندادىر خالچاتىن حىكىمى.*

« شىخ صفى خالچاسى »



* مقالهنى كۈچۈرەركن، مۆالىفەن ايشلەتدىگى لاتىن ۋ... اىصطىلاحلارنى، بىزىم اۋچون آنلاشپلان سۆزلەرلە دىيىش ۋ ساھمانلامىشنىق.



هاشم ترلان آذربایجان خالق شاعیری،
«بشیر آیتده» روزنامه‌سی‌نین
یازیچی‌سی، شاعیری، چاپ و
پایلاماسی‌نین فعال ایشتراکچی‌سی،
«آذری» درگی‌سی‌نین ایشترکاری
موناتسبیتله قوشدوغو شئیری
اوغویوردوق:

آذری مجله‌سی‌نین مارشی

یئنه کۆرپه بالا دوغدو، آنا وطن آذربایجان،
داشلار لعل داغلار شیخ تورپاغی شن آذربایجان.
وجده گل‌دیم گلیشینله، قوی اوجالشین باشین سنین،
قیزیل باشلار ساینغیندا هاوالانشین مارشین سنین.
سن بوی آتیب اوجالسان دا گۆبه‌یینده بو دۆنیاتین،
یاساق اولوب قووما دۆندۆن کله‌یینده بو دۆنیاتین.
گل! بو یوردون شفق ساچان، داغلار چاپان، فرهادی اول!
سوسوز قالان داغ- داشیمین سئللن‌دیرن گۆرشادی اول!
آرزوم بودور شوعله ساچیب شاهه قالدخشین شوخ قامتین،
دامغالاسین دار گۆزلری، قۆدرتین له سۆز حیکمتین.
آمان‌سیز اول! دۆیۆشلرده، یۆرۆشۆنه وئرمه آرا،
من لیینه بۆهتان دئیتهن، گۆزدن سۆرمه قاپانلارا.
اوجال، بوی آت، قدملرین، قانادلارین قوی برکیسین،
سن اوچدوقجا خار اویناسین گۆزلرینده هر ناکسین.
قیغیلجیملار قان یئرینه، داماریندا آخشین گره‌ک،
اینامیشی زیروه‌لرین یاخاسینا تاخشین گره‌ک.
سن بابکین حاققام دئیتهن آند ایچدیئی ایلغارسان،
عۆنون سنچیب، مطلب یازان اونجول‌لرین سرداری‌سان.
ایله‌ایشی ائلدن آلان، مصلحتی قلمیندن،
ایلیمدن یازا یارا سالار قوی تیره‌سین تمیلندن.
بئل باغلاما اۆز قیلتندان آیریلمايان قیلتنجا سن،
آیشیردینسا، هۆنرله باخ دان یئرینه دۆیونجاسن.
سن یوردومون گۆنلرینده نغمه‌لشن سحری‌سن،
دیلمیزین اوجاغینی گۆر یاندیران «آذری»‌سن.

سیستم آوایی - مفهومی در ترکی آذربایجانی

ناصر منظوری

نویسنده مقاله «سیستم آوایی - مفهومی در ترکی آذربایجانی» فولکلورشناس رومان‌نویس و زبان‌شناس بوده و در زمینه زبان‌شناسی صاحب نظریه نوینی است که در کتاب «چهار بعدی» مطرح کرده است. برای آشنایی با نظریه این دانشمند زبان‌شناس مقاله ایشان را که با زبانی ساده و مثال‌های روشن برای مجله «آذری» مرقوم داشته‌اند مطالعه می‌فرمایید. امید داریم که در آینده از آثار قلمی ایشان بیشتر مستفیض شویم. برای اطلاع بیشتر از نظریات ایشان به سایت: WWW.nass.concepts.com مراجعه شود.

زبان ترکی آذربایجانی دارای خصوصیات منحصر به فردی است که این خصوصیات می‌تواند این زبان را نه تنها در میان تمامی زبانهای اورال-آلتائیک، بلکه تمامی زبان‌های موسوم به هند و اروپایی نیز در جایگاه ممتاز قرار دهد. این جایگاه ممتاز می‌تواند عبارت از جایگاه محوری و مرجعیت داشتن در تحقیقات زبان‌شناسی و تحقیقات علوم شناختی به لحاظ سیستم‌مندی درونی - ساختاری باشد. اما متأسفانه جایگاه این زبان شناخته شده نیست. به دلیل این شناخته نشدگی نیز همواره در معرض دو نوع آسیب قرار دارد.

این دو نوع آسیب عبارتند از: ۱- آسیب ناشی از الگوبرداری از زبان‌های دیگر، که باعث ناچیز جلوه داده شدن قدرت این زبان می‌گردد. مثل نادیده انگاشتن تصنیف تاریخی ۱۵۰-۲۰۰ «هاوا» (آهنگ - دستگاه) از سوی عاشیق‌ها جهت روایت‌گری و تأثیر آن بر شعر که واقعاً رقابت‌ناپذیر است. و در عوض غلو کردن در مورد شعرهای عروضی فارسی، که اصلاً "ضرب‌آهنگ این شعرها از درون زبان فارسی در نیامده است. ۲- آسیب ناشی از عوامی‌گری در تحقیق که می‌تواند ویژگی مردمی بودگی و ساختار دینامیک این زبان را از مرکزیت توجه آکادمیک دور کند. این که چرا این زبان می‌تواند دارای جایگاه محوری تحقیقی باشد؛ بنا به دلایل زیر است.

۱- این زبان اصولاً در مرکزیت تاریخی - اجتماعی و جغرافیایی این زبان‌ها قرار گرفته است. ۲- روایت‌گری شفاهی آن، دارای سیستم درونی، خود-اتکا، و پیچیده است. جا به جایی ساختاری آن در کمترین حد است. لذا سیستم فولکلوریک آن، کاملاً انکشاف یافته و سیستم‌مند است. (یادآوری می‌شود که تاریخ هر ملتی در فولکلور آن تبلور می‌یابد. با نگاه به آفرینشگری مردم، می‌توان تاریخ آن ملت را تفسیر نمود. البته مقصود از تاریخ، وقایع زندگی یک پادشاه نیست؛ بلکه صحبت از پویایی یک جامعه و مردم است).

۳- این زبان یک زبان التصاقی (Agglutinating) بوده و دارای هارمونی مصوتی (Vowel harmony) است که این‌ها از خصوصیات زبان سومری است، لذا انسجام زبانی را می‌تواند تا دیرینه‌های تاریخ پی گرفت.

۴- و اما چهارمین مورد، که کار تخصصی این نگارنده است یعنی سیستم مفهومی در زبان. این زبان در خود دارای استثنایی‌ترین سیستم آوایی - مفهومی است؛ که یقیناً کم نظیر است. این بحث آوایی - مفهومی را با یک مثال شروع می‌کنیم. همه می‌دانند که در زبان انگلیسی جهت ساختن زمان گذشته در فعل‌های با قاعده از **ed** استفاده می‌شود. یعنی به آخر فعل پسوند **ed** اضافه می‌شود، مثلاً:

I work → I worked

در زبان ترکی نیز، تبدیل حال به گذشته به این صورت است.

ایشله‌ره ← ایشله‌دیم.

در زبان فارسی نیز به این صورت است:

کار می‌کنم ← کار کردم.

اگر دقت شود در هر سه این زبان‌ها، تبدیل به گذشته از طریق صدای **/d/** ایجاد می‌گردد. پس صدای **/d/** دارای بار مفهومی خاصی است که نشان دهنده قطعیت است.

این نگارنده به ۴ تا ۳ صدای دارای مفهوم قطعیت در سیستم آوایی - مفهومی رسیده است، که در زبان ترکی آذربایجانی به صورت کاملاً سیستم‌مند مطرح است. این صداها عبارتند از: **/q/**، **/b/**، و **/d/**. اکنون این صداها را بر روی اندام بدن در زبان پی‌گیری می‌کنیم که کاملاً دارای سیستم می‌باشند:

/d/

۱- دیرناق	۷- دیش
۲- دابان	۸- دیل
۳- دیز	۹- دال
۴- دیرسک	۱۰- دیمدیک
۵- دوش	۱۱- دالاق
۶- دوداق	

اگر دقت شود؛ در تمامی اینها تیز بودگی مشترک است. صدای بعدی که دارای مفهوم قطعیت باشد، عبارت است از **/q/** که همین صدا را نیز در زبان ترکی بر روی اندامها مرور می‌کنیم:

/q/

۱- قیچ	۶- قاناد	۱۱- قارین
۲- قول	۷- قویروق	۱۲- قورساق
۳- قولاق	۸- قیل	۱۳- قورشاق
۴- قولپ (قیلپ)	۹- قیلچیق	۱۴- قوجاق
۵- قیلپین	۱۰- قاییرغا	۱۵- قولتوق

اگر دقت شود کاملاً مشخص است که اندام‌هایی که از اندام اصلی بیرون می‌آیند، با این صدا شروع می‌شوند. سومین صدای دارای مفهوم قطعیت، عبارت است از /b/؛ که این صدا را هم در زبان ترکی و در اندام‌های بدن پی‌گیری می‌کنیم:

/b/

۱- بالدیر	۶- باغیر	۱۱- بنیز
۲- بود	۷- بوغاز	۱۲- بئین
۳- بئل	۸- بوئون	۱۳- بوئره‌ک
۴- بیلک	۹- بورون	۱۴- باغیرساق
۵- بارماق	۱۰- باش	

اگر دقت شود تمامی این قسمت‌ها، دارای نوعی گردش‌گی بوده و تیز نیستند. با جنبه تیز بودگی آنها مورد نظر نبوده است.

این مطلب بحث بسیار مفصلی می‌خواهد که بخشی از اینها در کتاب‌های «Deterministically Structuring Concepts» و «نظام چهار بعدی زبان» از سوی این نگارنده مطرح شده است. در آنها بحث شده است که چگونه واقعه «دان» که در انگلیسی «dawn» است؛ با شروع از نگاه می‌تواند به عنوان یک واقعه تغییر دهنده و با صدای /t/، /d/، شدیداً ایجاد واژه‌سازی کند. تمامی اینها در زبان ترکی آذربایجانی قابل پی‌گیری‌تر از دیگر زبان‌ها است. یعنی یکی از ویژگی‌های ممتاز ترکی آذربایجانی، حفظ ساختار آوایی- مفهومی در خود است که البته در اینجا پیشتر از این، مجال بحث نیست.



ارک قالاسى

تېرىز - گۈزۈل شەھەر!

رسول رضا

ۋەروشدولار:

سۈن گۈللەنە،
سۈن سۈنگۈنە،
سۈن قونداغا

قدەر.

ۋەروشدولار:

ھەر شىئە قىرئىزى كىتىدى،
داشدا تۇرپاغا
قدەر.

ۋەروشدولار:

آلت دۈداقدان.
اۋست دۈداغا قالغا بىلمەن
سەقدەر.

ۋەروشدولار:

اۋنلاردان ئىتدى دۈفە، ئىتمىش قات.
آرتىق اۋلان.
سۈنگۈلۈرى نارىن داراق دىشى كىمى،
شىخ اۋلان دۈشمىنلە.

نارائىلار اۋفولدامادى.
جان وئەنلەرىنىلەمەدى
سوسوزلار - ياندىم! - دىمەدى.

اۋپدۈ قوروموش دۈداقلارنى

قان ھۈپموش تۇرپاغى.

نە دۈشمىن اۋنلاردان

بىر «آمان» سۈزۈ آلا بىلدى.

نە بو اۋلۇمۇ ئاغى دۈتدۈ،

نە قالا بىلدى.

سۈيگەنىپ قالا دۈۋارنىنا.

اۋلدولر آتاق اۋستە؛

چىشىن - چىشىنە.

اولدوزلار شاھىد اولدۇ،

بىر سىرا دا داپانمىش

اۋلۇلرىن قاباغىندىن،

يۈز ئىرە بۈلۈنمۈش دىرلىرىن

چىكىلدېنىپ.

اۋلدولر، آتاقلارىشىن آلتىنىدا

ۋەتەن تۇرپاغى.

باشلارنى ئىن اۋستۈندە

ۋەتەن اولدوزلارنى.

كۈنۈلدن كۈنۈلە كىچىدى،

اۋمودلارنى، آرزولارنى.

گىجە آغىر - آغىر كىچىدى،

جانزەلرىن اۋستۈندە

كىچىدى، گىتتى يۈلۈ سحرە

گۈنش شىققىن بىر اۋرتۇ چىكىدى،

تۇرپاغى قۇرۇيۇپ، تۇرپاقدا

دىنچەلەن

خودونون تۆتەئى

ع. م. آغداشلى

[يازىچى ۋە مۇتەئەسسىپ. م. آغداشلى

مەشھۇر شامان رومانى ئىكەن مۇئەللىفى دىر.]

گۈنش چىخار- چىخماز اولاغى تۈلەدن چىخارتىدۇ. آرواد ياغى، پىندىرى ۋە يومورتانى چاتا- چاتا شەھردىن نە آلاچاغىنى بىر داھا يادداشلىق سىناھىشىدا قىلدۇ: چا، قىلدۇ، كىشىمىش، بىر آز دا اوشاقلارلا آيىن- اويون. آرواد خۇسۇسىيە تاپشۇرمىشىدىكى، قىلدۇ يادىدىن چىخماسىن. چۈنكى، كۆرپە آدى گۈزلىن قارنى اينىك سۆدۈنۈ گۈتۈرمۈدۇ. سىلى خالا دىمىشىدىكى، گۈن آشۇرى قىلداغ وئىرسەن، اوشاق دۈزەلر.

آناسى ئىن ساباھ شەھەر گىدە جەننىدىن ھامى دان چۈخ خودو سۇتىنىدى. بۇيۇك بىر اركىئانالىق ۋە ئالوارىش ايفادەسىلە آتاشىدىن اىستەمىشىدىكى، اونا تۈتك آلسىن. آخى آرتىق بۇيۇمۇشۇدۇ ۋە بو ايل قۇيۇنلارنى اۈزۈ اوتاراجاقدۇ. اۇ دىلەلرلە اۈزۈندىن سۇرۇشمۇشۇدىكى، تۈتكسىز قۇيۇن اوتارماق اولارمى؟ سۇنرا اۈز سۇلىنا اۈزۈ جاواب وئىرمىشىدى: البتە اولمازا!

چا قىراغىندا اوتوروب بللەسىنى بىر تىكەسىنى اۈزۈ ئىتىپ، بىر تىكەسىنى دە قاباغىندا شۇنگۇتۈپ گۈزلىرىنى اونا دىكن داغباسانا آتا- آتا اۈز- اۈزۈنە دۈشۈنمۇشۇدىكى، آلاھ انلەمەمىشدىن جاناوار گىلسە داغباساندان چۈخ تۈتكىدن قۇرخوب قۇيۇنلارلا سۇخولماياجاق. حىتا بو گىنجە ياتاقدا گۈزلىرىنى يومانا كىمى «تۈتك يادىدىن چىخماسىن» دىتە آناسىنا تاپشۇرمىشىدى. دۈنن آخىشام چاغى آناسىنا خىبردارلىق دا وئىرمىشىدى:

— مەن ئىنىم، تۈتك آلماساز، قۇيۇنلار جاناوار ئىشە اۈز بۇيۇزادىر.

دىمىك آناسى شەھردىن تۈتكسىز قايتىسايدۇ، غۇمۇزۇن سۇنونا كىمى

باغىشلانماياجاقدۇ.

آرۋاد ايکى آناجين قىچلارنى باغلايىب اولاغىن اۆستۈنە قويدۇ ۋە «گىت آلاھا تاپشۇردىم»-
 دىيىپ، كىشىنى يۇلا سالماق ايستەندە «دورنا»خالا يىندە بىر فئره خىھەط قاپشۇندىن ايچەرى
 گىردى:

— باشىۋا دۇنۇم، آي خەم قاغا، بونو ۋئەرسىن بىر آز ايئەدە، بىر آز دا چاي ئان كىشىمىش آلارسان.
 كىشىنىن چاخۇرلۇغو بىزى دىررىكدن سالىپ.
 ماھى قىمىشا- قىمىشا دورنايا ساتاشدى:

— ياخشى ئالەيىب دىمىرسىن، اۋقەدەر گۇزۇ گۇتۇرمەين ۋار كى.
 — آي باجى، نەيىن دىئەجەيم، قىزىن دا دىمەينى ۋار؟
 — ۋىي! باشىما خىتير، نە اولسون كى، آلاھا آجىق گلر. بو دۇنە قىزى اولوب، گلن دۇنە دە آلاھ
 اۋغول ۋئەر.

دورنايان ماھى ئىن دائىشىغى ھەلە بو تىزلىكدە قورتاراسى دىيىل ايدى. خەم فئەرنى اونون يىندىن
 آيىپ، اولاغىن اۆستۈنە قويدۇ ۋە قاپى دان چىخدى.
 «بەل» يۇلو تامامىلە امىن- آمان سىزلىق ايدى. اۋ گۈنلەر ھەر بىر كۈنۈن دىيىندە نىچە اۋغرو
 پوسوردۇ. بىر ھەفتە بوندىن قاباق يازىق «بەرى»نىن نەيى ۋاردىسا، يىندىن آيىپ يۇلا سالىشىدىلار.
 ظالاملار ايتىنىن پالتارىنا دا قىيىشىدىلار. سىلمى خالا «ئىنە آدمىن اۋزۇنۇ اولدۇرمۇرلر، چۇخىدۇ»
 دىمىشىدى.

نە ايسە، خەم اولاغىن آغزىنى «ئىكەلى» يە طرف ئۇنلدى. «گىلاندۇ»ۋو كىچىپ پوچت يۇلونا
 يىتىشىندە آرخايتىنلاشدى. كۈكسۇنۇ اۋتۇرۇپ آلاجاغى شىتلىرى بىر داھا بىتتىنە حىك ائتدى.
 خودونون تۇتەيى ھامىشۇندىن اولدە ايدى. «تىكى درد بىر دىنە تۈتك دىدى اولسون، اونى- بونا
 ئالوارماقدان اۋزۇمۇن سويۇ تۈكۈلۈپ» دىئە، اۋز- اۋزۇنە دۈشۈندۈ ۋە «آخىر كى، يۇنجا يىتىدى،
 اۋكۈزۈم اۋلمەدى» ايفادەسىنى آز قالا اۋجا سىسلە دىمىك ايستەيىردى.

خەم خۇش بىر احوال- روحيئە ايلە گىلاندۇ كۇرپۇسۇنۇ كىچىپ «سالتاۋار» تورشونا يىتىشىدى.
 ھەلە دە اۋز عالمىنى سىتير ائىدىردى: «خودو بالام ساباه قۇتون اۋتارماغا گىشەجىك. انە! بىر دىلى
 شىتتىن دىتير يارىم چەرەك «آغايى» آل آخشاما سۇدۇلۇ يىلۇ بىشىرەك، جەنمە كى..»

بىردىن- «كىشى كارسان؟ ساخلا گۈرۈم»- سسى اۈنۈ سئىر اتىدىنى دۈنيادان آيىردى. قاباغىنى
ايكى نفر الى بىرنۈولو شائىسەۈن كىمىشىدى. آمما وضعىتتىن نە ئىردە اولدوغونو بىلمىردى.
«اشكارلىق» دۈزۈۈ اولدوغو ھلە دە يادىنا دوشمۇردۇ. اۈدور كى، اۈزۈنۈ ايتىرمەدن اولاغى
ساخلايىپ دىدى:

— نە دئىرسىز بالا؟

— ھارا گىدىرسىن؟

— گۈرۈمۈسۈز، شەھرە گىدىرەم دەھە. ائوۋە آيىن- اۈيۈن آلماغا.

— ھانسى كىندلى سىن؟

— «ئىتچە»لى.

— شائىسەۈنلر حتمى الە سالماغا باشلايدىلار:

— «ئىتچەلى، قۇدوغو اۈلر دىنچەلى».

— باشىۋا دۇنۇم، ددەن يىرىندەيم. نىيە الە سالىرسىز.

شائىسەۋەنن بىرى حتمى ياخالادى:

— كىس سسىنى ايت اوغلو ايت. گۈر اۈزۈنۈ نە دە تۈلكۈلۈيە ۈرۈب.

اۈ بىرى شائىسەۈن آچىقلى بىر ايفادە ايلە دىدى:

— اۈيۈنۈن اۈيرەنمەمىش داغاللىغىن اۈيرەنەر، ۈلەدۈزىنالار. بس بدەل يۈلۈيتان نىيە گىتمىرسىن؟

حتم «باشىۋا دۇنۇم، آخى بدەل يۈلو اوغرو- مۇغرويتان دۈلدۈر. اۈردان گىتمەك اۈلار؟» دىمەك

اىستەتندە بىردىن ھر شىئى باشا دۈشۈدۈ. اول بىئىنە ۈردۈ كى، ئەھرىنن دە آچىغىنى بونلاردان

چىخىشىن. آمما ايكىسىنە گۈجو چاتمايىاچاغىنى، اولاغى يۈكۈۈ ايلە ايتىرەجەيىنى ۈخودۈنۈن

تۈتكىسىز قالاجاغىنى خايطىرلايىپ آچىغىنى چتىنلىكلە اوددو. اۈزۈنۈ الە آليپ دىدى:

— باشۈزا دۇنۇم، مە گۈرە قوللۇغونوز؟

— يۈكۈن نەدى؟

— ياغ- پىندىر.

شايسە ۋە نىن بىرى اولاغىن اۆستۈندەكى يۈكۈز ارادىقدان سۇنرا يۇلداشىنا دۇندۇ:

— دۆز دىئىر، آمما ئىشمەلى تۇيۇغو دا وئار آآ.

حتە مەن اۆرەنى بىر آز ئىرىنە گەلدى. اۆز-اۆزۈنە «ايت آپاران اولسون، بىر آز ياغدان، پىندىردن وئىرىپ سۆزۈشارام» دندى و دۇرد-بىش لاۋاشىن آراسىنا بىر چالخاب ياغ، بىر ايكى دىلىم پىندىر قۇيۇپ دندى:

— آلىن ئىتتىسىز، حاللايز اولسون، اۆز راضى ئىغىمنان وئىرىم.

شايسە ۋە نىر گۈلۈشۈرلەر:

— آلاە كۇمەتىن اولسون، ياخشى كى، حالال اندىرسن، يۇخسا بۇغازىمىزدان گىتىمىز.

ھەر شى اۆز قايداسىندا گىدىردى. بىر قولدورا چاپلان ادام اۈگۈن مقصدە كىمى امىن-امانلىقتا اولمالى ايدى. چۈنكى آيرى بىر قولدورون اونا ساتاشماسى اولكى قولدورو تحقىر ائەلمەك دىمەك ايدى. قولدورلارنى بىرى آلدىغى ياغ-پىندىرى ئىكە بىر دىسمالا باغلادى. اۈ بىرىسىنى نىن گۈزۈ سىدىن اىچىندە سامان آراسىندا سلىقە ايلە ئىرلىشىدىرلىمىش يومورتالارا دۇشۇق. فىكرىندىن نە ايسە كىچىدى، يۇلداشىنا دندى:

— يومورتادان ياخشى نىشانان اولار آآ.

— دۆز دىئىرسن كىچىل.

اونلار يومورتالارنى سىددىن چىخارىپ اللى مئىرلىكدە شىرا دۇزدۇرلەر. بىرى اۈباشدان بىرى ايسە بو باشدان وورماغا باشلايدىلار و بىرنىۋ گۈللەلەرى يومورتالارنى ھامىسىنى تۇرپاق كىمى سۆزۈردۇ. حتە مەن گۈزلىرىدىن ئاش سۆزۈلۈردۈسە دە ياغ-پىندىرىن قالاننى ايلە تۇيۇقلارنى ساتىپ بىر آز آتىن-اۈيۈن و البتە خودىا تۈتك آلا بىلەجەننە گۆۋەنىردى. بلكە دە اولاغى سۆزۈپ يۇلونا داۋام ائىدىرسەنىدى، قولدورلارنى ايشى اولمايتاچاقدى. آمما حتەم دايتىپ اونلارنى اىجازەسىنى گۆددۇ. قولدورلار ئىنە اولاغ سارى گەلدى. بىرى اۈ بىرىسەنە دندى:

— ائە كىچىل، گەلسە تۇيۇقلارنى بىرىنى گۆتۈرۈپ دىشىمىزى دىشىك؟

— بىس نە دە.

حتەم اۈزۈ آناجىن بىرىنى آچىب وئىرمەك اىستەدى. آما ارتىق ايش - ايشدن كىچىشىدى.
شايسەون فئەرنى گۈتۈرمۈشەن. حتەم اونا ياخشىلاشىپ فئەرنى آلدى و دندى:
_ باشىۋا دۈنۈم بو آماناتى، آناجلارنى بىرىنى گۈتۈر.
اونون بو داۋرائىشى شايسەونەنە آغىر گەلدى:

_ آدە! قانچىغىن بالاسى قانچىق، اوتانمىسان؟ فئەرنى الەمدن آلىسان؟
_ قادان اۈرەيمە آخى بو آماناتى. وئىرە بىلمەرم. آناجلارنى لاپ ايكىسىندە گۈتۈر، سىنىن
اولسون.

_ وئى! كىشى دە اۈزە باخ سىن آلا. بس مىنىم دۈيۈ، سىنىندى؟
حتەمىن دىشى باغىرساغىن كسىردى. آماناتا خىيانت ائتمەينى قىترىنە سىغىشىدىرا بىلمەردى. سۈن
سۈزۈنۈ دىمەلى ايدى:

_ اۈلدۈرسىن دە فئەرنى وئىرمەرم.
قولدور بىرنۈۈۋ قارىشىدىردى و حتەمى نىشان آلدى:
_ آت ئىرە فئەرنى، اۈزۈن دە گل آياغىمدان اۋپ. يۈخسا گۈناھىندان كىچىمەرم.
_ مىن آماناتا خىيانت ائدە بىلمەرم.

او بىرىسى قولدور دىللەندى:

_ ائە كىچىل، بىر گۈللە چاخ بىئىنە، گۈرەك آخماق آداملار نەجۈر جان وئىرى.
قولدورون بارماغى قۇرخولوغون اىچىنە، تەتتە اىلىشىدى و حتەم قىۋىرلىپ ئىخىلىدى. سودان
چىخارىلان بالىق كىمى چابالاغا باشلادى. ەلە دە فئەرنىن آياقلارنىن اۋونونون اىچىندە بىرە -

بىرە كىچىشىدى. قولدور فئەرنى اونون الەندىن چىخارماق اىستەدى، لاكىن مۈمكىن اۈلمەدى.
يۈلدەشنى دۈندۈ:

_ ائە كىچىل، او سىن اۈلەسنى بو تاتلاردا لاپ ايت جانى وئار.

گۈللە قارىتىدىغان دىيىپ، كۆرەينىن اورتاسىندىن چىخىمىشىدى. بىئىنىدە كىچىرتىدى بۆتۈن گۈللەر جانلانماغا باشلايدى. تاي- توشلارنى، آتا- آناسى، حتا ماھى ايله ائولنمەسى ۋ اوشاقلارنى نىش، خودونون اولماسى بىلە بعضىن سىرا ايله، بعضىن دە قارىشىق شكىلدە گۈزۈنۈن اۋۇنىدىن سۈزۈشۈردۈ. قان گىتىدىكچە بىئىنىدە تىجىتۇم ائىدىردىنى آداملار ۋ اشىلار يۈاش- يۈاش كۈبود قىتافەلرە دۇنۇردۇ. سۇن گۈزۈنۈ تۈپلايىپ گۈزۈنۈ ياز سىماسىنا دىكىدى ۋ فىرەنىن آياغىنى مۇحكىم توتىموش بارماقلارنى آچىلدى.

شايسەۋن ائىلىپ فىرەنى گۈتۈرەندە گۈزلەرى حتەمىن گۈزلەرىنە ساتاشدى. آرتىق دۇنيادا ھىچ نەئى گۈرمەين اۋ گۈزلەرىن درىن لىگىندە حك اولونموش سۈنسوز نىفرت قولدورو سارسىتىدى. اينسانى تۇتۇق قىدەر سايا سالمايتان شايسەۋەنىن بدەنىنە اسمەجە دۈشۈد. يۈلداشى اۋۇن ۋىزىيىتىنى گۈرۈپ - «اىه، سىندە سىرچە اۆرەئى دە يۈخىموش كى»- دىيىپ مۇئىتىنى آغزى اۋستە دۇندۇردى.

قۇتۇنلار ندىسە اۆركۈدۈ ۋ قىچلارنى يارغاندىن سالىلايىپ اۋتوران اۋن اۋچ ياشلى خودو اۋ گۈندىن دۈز آلتى ايل اوزاقلاشدى.

بالىقلى كۆكرەيىردى. ياز ھاۋاسىندىن سىرخۇش اولموش بىر سىپچان اۋز يۈۈسۈشۈن آغزىندا ائشەنك آتتىردى. ساۋالاتىن ائەينىدە كى قار ھلە دە يازا تىلىم اولماق اىستەمىردى. كۈرپە قۇۋۇ سۇن درەجە ائحتىراسلا آناسىنى امىردى ۋ خودونون «ايمام قوشۇ» دىئە سۇن درەجە سىۋىدىنى تۇرغاڭلار اۋخوشا- اۋخوشا يازىن مارى سىماسىنا ھۇپۇردولار.

بىر باھار ئىن سحرى

فىكرت قونجا

قوشلار قىلى.
 شىھلى لالەلر
 گۈزلىرى نىملى،
 لالەلى داغلار
 دۈيۈشدىن ئىشنى دۈنمۈش
 كۈيىنىنى قانلى بابك.
 ۈنە... ھىچ بو كىندە
 گىلمە ئىتتىدىك گرەك.
 ۈزە ئىمىن آغرىشىنا بۈككۈم
 بو دردى.
 بىلكە دە بىرى مەنە دىئىردى.
 دۈنيا قۇپمايىب كى؟
 آغلايان گۈرمۈسەن بىر قادىنى.
 قۇنشودا كىمسە دۈيۈب
 ۈز آروادىنى
 نە ۈلسون؟
 چۈللەردە
 قوشلاردا بىر- بىرىنە عشقىنى
 آچىردى
 ئارباقلار دۈنياغا گىلىردى
 چىچىكلەرنى گۈزۈ گۈلدۈردۈ
 تۇرپاغىن سىنەسىنە سىغماپان
 باھار نغمەسى كىمى قايتا ئىيردى
 بولاقلار.
 باھار ايدى، باھار

گۈنشە آچىلمىش
 ظرىف دۈداقلار كىمى
 كۈلك اسىندە
 مىليۇن- مىليۇن لالەلر،
 دۈنۈب ۈلۈر
 قىپ قىرمىزى شىلالەلر
 گۈنش- سحر- سحر
 چۈللەرە قوشلارنى ەلەر،
 چىچىكلەرنى ەلەر.
 چىخارەت ۈزە ئىنى
 گۈنشە سر
 سحر- سحر.
 ۈرى دۈيۈدۈمۈ، سۈيۈدۈمۈ، نە بىلىم؟
 بىر قادىن آغلادى قۇنشودا؛
 ھىچقىرىق لار آراسىندىن
 ئاغدى چۈللەرە
 سۈيۈشە، قارقىشدا.
 لالەلەر؛
 شىلالەلەر
 سحرە
 ۈزە ئىمە
 ئاغدى سۈيۈش، ھىچقىرىق؛
 قارقىش.
 چۈلدە گۈنشلى بىر باھار،
 مىنم ۈزە ئىمە، بىر دە قۇنشودا
 پائىز، سۈيۈق بىر ئاغىش.
 دۈنيادا ھىچ نە ۈلمەيىب.
 تىكجە مىنم ۈچۈن
 بوگۈن

اثل حسرتلى نغمه‌لر

لنگستون هيپوز (آمريکا زنجى لريندن)

چنۇيرن: صاير مصطفى يئۇ

صميمى اولان هر شىئە

هيننس كاللاو (آلمان)

چنۇيرن: يوسف حسن بهى

دمير يۇلو كۆرپۇسۇ،

اۆستۈندە قىملى نغمە.

كۆرپۇ اۆزۈ اولويدۇ

قىملى، الملى نغمە.

بوردان قاتار كىچىدە،

گىتىمك ايسىتەرم مندە.

اۆز توتورام واغزالا

دىلى كۈنلۈم دىلىمدە

اۆز توتورام واغزالا

آلۇولايىر دىلىمدە

گىزىم يۈك قاتارلى

اونونلا گىتىم بارى.

اثل حسرتلى نغمه‌لر

دهشته سايىر بىزى

اثل حسرتلى نغمه‌لر

گۈز ياشى تۈكۈر اۆزۈ

آغلامايىم دىتە من

گۈلۈرم هر شىئە.

چىئاتدا صميمى اولان هر نه وار،

ساكىت يىئى خوشلايتار.

ساكىت - ساكىت يىئىش مئىوۈ باغدا،

ساكىت دۈشۈر يارپاق دا.

چىمىن لرى ساكىت اورتۇر ياغان قار.

سسىز آلتىر گۈلۈن سطحىنى بوزلار

اۆلۈمدە دە يۈخو ساكىتلىنى وار.

وصلين دى قىل سىز يىئىش.

شفق لبر سسىز دۈشۈر.

سو تۇرپاغىن جايىنا سسىز آخىر.

يىردن اوتلار

گۈيە سۈكۈتلا قالخار.

تومورجوقلار يازدا سسىز پارتلايتىر،

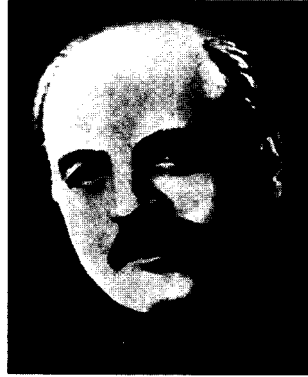
ساكىت ياشىللىق يايىر.

چىئاتدا صميمى اولان هر نه وار

ساكىتلىنى خوشلايتار....

پوست قوتوسو

جليل محمدقلى زاده (ملانصرالدين)



نۇباير آيى ئىن اۋن ايکىنجى گۈنۈ ايدى. ھاۋا چۇخ سۇيۇق ايدى. قار علامتى گۈرسنمىردى. حکيم آخىرىنجى دۋە خاتىن ناخۇش عۇۋرە تىنى يۇخلايتىب، جاۋاب وئردى كى، داھا ناخۇشون احوالى ياخشى دۇر. بىلە كى بىر ھفتە تەدك سفرە چىخماق مۇمكىن اولار. خان چۇخ تىلەسىردى ايرۇانا گىتەمە تە. چۈنكى خانى اۋردا چۇخ واجىب ايشلر گۈزلەيىردى ۋ بىردەكى قۇرخوردو قاز ياغا ۋ ھاۋا داخى دا سۇيۇنا ۋ ناخۇش اۋچۇن يۇلا چىخماق قىتەرى مۇمكىن اولار. خان گۈتۈردۈ قلمى، ايرۇانلى دوستو جعفر آغا تا بو مضموندا بىر مۇختصر كاغىز يازدى:

«عزىزىم! بىر ھفتە تەدك اۋمۇدۋارام، ايرۇانا گىلیم عۇۋرت - اوشاق ايلە. آرتىق تۈەقۇع ائىدىرم. بوئوراسان بىزىم اۋتاقلارلا فرش سالىب، البتە - البتە پىچلرى ياندىرسىنلار كى، اۋتاقلارىن ھاۋاسى پىش از وقت تەمىزلەنسین ۋ ايسىنسین. بىلكە ناخۇش اۋچۇن اۋرادا ناراحات چىلىق اۋز وئرمەسین.

بو كاغىزىن جاۋابىنى مە تىلگىرام ايلە يىتتەرەسن. سەن مە دىدىيىن ايشلرىن بىر - بىر ھامىسىنى ائىلەمىشم. خودا حافىظ. سىن خىتەر خاھىن ۋلى خان فى ۱۲ نوامبر».

خان كاغىزى بۈكۈپ قۇندۇ پاككتە، اۋستۇن يازىپ ۋ ماركاسىنى ياپىشدىرىپ اىستەدى نۇكرى چاغىرسىن كى، آپارىپ سالىن پۇستا. امما تىز خاتىن يادىنا دۋشەدۇ كى، نۇكرى گۈندەرىپ اۋزگە ايشە. بو حىتىن دە قاپى دۋيۇلدۇ. خان چىخىدۇ ۋ گۈردۇ كى، قاپىنى دۋىن خاتىن اۋز

كندلى سى «ايت قاپان» كندى نىن اهلى نۆزوز على دىر. بو شىخىس چوڭ وخت خاتىن ياتىنا گىلىب- گندەر ۈ ەر گلىندە اولماز كى اون دان، ارىشتە دن، بال دان، ياغ دان گىتىرمە سىن. بو سفرده نۆزوز على الى بوش گىلمە مىشىدى. چۈنكى خانى گۇرچىك، ال- آغاچىنى دايدى قاپى نىن بوجاغىنا ۈ باشلادى قاپى نىن او بىرى تايىنى آچماغا، قاپى نى آچىب بىر يۈكلۈ اولاغى سۆردۈ حىنە طە. «چۈچى، چۈچى» دىتە- دىتە يۈكۈن آراسىندىن اوچ- دۇرد تۇتۇق- جۈجە نى چىغىردا- چىغىردا يترە قۇتۇپ يۈكۈ آچىب، دۈلو چوۋال لارنى سالدى يترە ۈ خاتىن اوزۈنە باخىب، ايكى قات اينىلىپ سالام وئردى. خان سالامى آلىپ دندى:

— آكىشى، نۆزوز على بو نە زحمت دى چكىمىسن؟

نۆزوز على چوۋال لارنى كندىرىن آچا- آچا جاۋاب وئردى:

— بو نە سۆزدۈر آى خان؟ من اۆلەنە كىمى سەنە قولام...

بو سۆزۈ دىتە- دىتە نۆزوز على باشلادى اۆستۈنۈن تۈزۈنۈ سىلمە يە... چۈنكى گۈن اورتىدان بىر سالت كىچىردى ۈ اولايلىرى كى، پۈستۈن وختى كىچىسىن. خاتىن آغلىنا بىلە گىلدى كى، يازدىغى مەكتوب وئرسىن نۆزوز على آپارىپ سالىن پۈست. خان اوزۈنۈ توتدو قوناغا:

— نۆزوز على، پۈست خانانى تاتىشسان؟

نۆزوز على جاۋاب وئردى:

— آى خان من كندى ادامام، من نە بىلىم پۈست خانانە دى؟

— چۈڭ عجب، نچرىك دىۋانخانىنى كى تاتىشسان؟

— بلى خان باشىنا دۇنۇم تاتىشرام، نىتە تاتىمىرام- كىچن هفتە من ائلە گىلمىشىدىم نچرىكىن ياتىنا شىكايەتە. خان آند اولسون سىن باشىنا، بىزى كاتىدا چۈڭ اينجىدىر. اصلينە باخسان بىزىم بو كاتىدامىۋ اۈزگە تايغاداندى! او دور كى بىزى گۈرمە يە گۈزۈ يۈخدور. كىچن هفتە منىم ايكى بىزۈۈم ايتىمىشىدى. گىتىدىم...

— ھلە بو سۆزلرىنى سۇنرا دىتەرسىن. قولاق آس، گۈر نە دىتيرەم، نچرىك دىۋانخانىسىنىن قاباغىندا بىر يىكە دام- داش وار. قاپىسىنىن آغزىندا بىر قوتو وورولوب دىۋارا. ھمن قوتو پۈست قوتوسودور. او قوتونون بىر خىردا ۈ اوزون قاباغى وار. بو سالت آپار بو كاغىزى ھمن قوتونون قاباغىنى قوۋزا كاغىزى سال سوتونون ايچىنە قاباغىنى ياتىرت ۈ تىز قايىت گل.

نۆزوز على ھر ايكى الينى آچدى خاتىن قاباغىنا. قورخا- قورخا كاغىزى آلىپ، بىر آز باخدى كاغىزا، بىر آز باخدى خاتىن اوزۈنە سۇنرا چكىلدى دىۋارا طرف ۈ يترە. ايسىتەدى كاغىزى قۇيسون دىۋارنى دىيىنە. خان اوجادان دىللندى:

— قۇيما اۋرا! قۇيما اۋرا. كاغىز چىركەلەر. تىز آپار سال قوتوتا، قۇي گل.

— خان باشىنا دۇنۇم، قۇي بو اولاغىن باشىنا تۇرپا كىچىرىم، حىئوندى ئاج قالماستىن. يۇلدان گىلىب، يۇرولوب.

— يۇخ- يۇخ... ھىچ زىيان يۇخدور. كاغىژىن واخىتى كىچىر. تۇرپانى سۇنرا كىچىرەرسن اولاغىن باشىنا.

— دى! ئىلە دە قۇي اولاغىن قىچىنى باغلايم، يۇخسا گىندەر ھىنە طەدە آغاچلارنى گىمىرە.

— يۇخ- يۇخ. ھىچ عىتىي يۇخدور. قاچ تىز كاغىژى سال گل.

نۇزۇزۇز على كاغىژى انھىمال قۇيۇد قۇيۇنونا و گىنە دىدى:

— خان قادانى ئايم، بو خۇرۇزلار قالدئىلار بورادا. حىئوندىلار. قۇياندىن قىچلارنى آچىب بىر آز دن سېتىدىم بولارا. ئىلە دن دە گىتىمىش.

نۇزۇزۇز على الينى سالدئ جىيىندن دن چىخارستىن. خان اوجادان سىلندى:

— يۇخ- يۇخ. قۇي ھلە قالستىن. قاچ چاپاراق كاغىژى سال بوستا.

نۇزۇزۇز على ال آغاچىنى گۇتۇرۇپ باشلادئ اوشاق كىمى قاچماغا. سۇنرا بىر آز فىكىرلىشىپ قايتىدى و آۋۇنۇ توتدو خانا:

— خان قادانى ئايم، دىمالىن ايچىندە يۇمورتا وار، گۇزدە- قولاغدا اولون، يۇخسا اولاغ آغىنار يۇمورتالارنى سىندىرار.

خان اوجادان سىلندى:

— داھا اوزون دائىشما. قاچ كاغىژى سال واخىت كىچىر.

نۇزۇزۇز على ايسىتىردى اوزاق لاشىستىن، خان اونون دائىنجا چىغىردى:

— نۇزۇزۇز على بىلمىسن كاغىژى وئەرەرسن اۋزگەسىنە ھا، ھىچ كىسە وئرمە، ھىچ كىسە گۇسترمە. تىز سال قۇتونا گل.

نۇزۇزۇز على داخى دا اوزاق دان جاۋاب وئردى:

— نىيە من اوشاق دىتىلم كى، كاغىژى اۋزگەسىنە وئرمە. منى اۋ قەدەر خام بىلمە، ھىچ نچرىنىك دە بو كاغىژى منىم الېمدن آلا بىلمىز. نۇزۇزۇز على بو سۇزلىرى دىئەندىن سۇنرا گۇزدىن ايتدى... خان گىردى اۋتاغا و آۋۇنۇ آروادىنا توتوب شىرىن دىللە دىدى:

— دى! ھاضىرلاش منىم گۇزۇمۇن ايشىغى، يازدېم اىروانا كى، اۋناقلارى سازلاستىنلار. ايندى داھا گىندە بىلەرىك. ماشاللاە ياخشى سان. ھىكم اۋزۇ دىتتىر كى، ھاۋانى دىتىشمىك سندن اۋتۇرۇ لاپ واجىب دىر. بىر قەدەر دە خان، آۋۋادى ايلە گىتمىك بارەسىندە صۇجىت ائىدەندىن سۇنرا نۇكرى گىلدى و خانا دىدى:

— خان بو اولاغ كىمىندى؟ بو شىلىرى كىم گىتىرىپ.

خان جاۋاب وئردى:

— ادە اۋ شىلىرى ئىرەپەتەر ئىلە. اولارنى بىزە «ايت قاپانلى» نۇزۇزۇز على سۇۋقات گىتىرىپ.

نۇكر جۆجەلىرى ۋە ئومورتالارنى ئاپاردى ئاشبازخانانا ۋە اولاغى سۆرۈپ سالدى تۈۋەتە. قايشىنى ئۇرتىدۇ. سۇنرا گىلىپ اون چوۋالى ئىن بىرىسىنى توتىدو خاتىن قاباغىنا ۋە دندى:
_ خان ياخشى ئاغ اوندى.

خان اونا باخاندان سۇنرا بويوردو نۇكرە كۆچە قاپى ئىن باغلاستىن ۋە چۆرەك گىتسىن.
چۆرە ئىن ئىتتىلمە ئىيىكى سالت چكىدى. آنچاق چۆرە كىدن سۇنرا نۆۋرۈز على نىن كاغىز پۇستا
آپارماغى خاتىن ئادىنا دۈشۈد. خان نۇكرى چاغىرىپ سۈرۈشدو ۋە نۇكر جاۋاب وئردى كى، ھلە
كتلى پۇستدان قايتمايىپ. خان نۆۋرۈز على نىن بو قەدر يوبانماغىنا تەججۈب انلەدى ۋە فېكىرىنە
گىلدى كى، بلكە نۆۋرۈز على كاغىز پۇستا سالىپ اۋزۈنۈ وئردى بازارا، چۆرە كىدن- زاددان آلىپ
ئىستىن ۋە ئا اينكى بازارلىغى- زادى ۋار انلەستىن، بىر سالت دا كىچىدى. نۆۋرۈز على گىلمەدى.

خان نۇكرى چاغىرىپ دندى كى، گىتسىن پۇستا سارى ۋە گۈرسۈن، ھاردا قالدى نۆۋرۈز على ۋە
نە باغىت اولدو كى، بو قەدر يوباندى. ئارىم سالت كىچىمىشىدى، نۇكر قايتىدىپ جاۋاب وئردى
كى، كىندىلىنى گۈرە بىلمەدى. خان چىخىدى بالكۇنا ۋە بىر پاپروس ئاندىرىپ باشلادى ۋار- گل
انلەمەتە. داخى اونا آشكار اولدو كى، نۆۋرۈز على نىن باشىنا بىر ايش گىلدى كى، بو قەدر يوباندى.
خان بو فېكىردە ايدى، پۇلىس ئاساۋولو دىناندى قاپى ئا ۋە خانى گۇرچك:

_ خان پىرىستاۋ بويوردو گىلەسىنىز «پۇلساينا»^۱ ۋە كىندىنيزە ضامىن اولاسىئىز. ئوخسا ضامىن
اولماسان، پىرىستاۋ گۈندەرەك «قازاماتا»^۲.

خان بو سۆزلەرە او قەدر تەججۈب انلەدى كى، اۋزۈنۈ ئاساۋولون اۋزۈنە توتوب مات قالدى ۋە
ھىچ بىلمەدى كى، نە دىستىن. سۇنرا دىللىندى:

_ بالام او كىدى فاغىر آدمى. او نە قايتىپ كى، «پىرىستاۋ» اونو توتوب ساخلايىپ؟
ئاساۋول جاۋاب وئردى:

_ داھا من ھىچ زاد بىلمىم. آنچاق اۋزۈن پۇلساينا بويوردان، ياخشى اولار. ئوخسا يازىق دى او
كىشى.

خان بو احوالاتنى عۇزەرەتىنە بىلدىرمەدى كى، ناراحات اولماستىن. گىتتىن بىر پۇلىسە ۋە اول
آتۆشكەدن دوستاقلار ئىن دامىنا باخىپ گۇردو كى، ئازىق نۆۋرۈز على بىر ئىچە نفر دوستاقلار ايلە
اۋتوروب دامىن بوجاغىندا ۋە اوشاق كىمى آغلايىر. گۈزۈنۈن ئاشىنى چوخاسى ئىن اتەتى ايلە
سىلىر...

خان نۆۋرۈز على نىن احوالاتىن پىرىستاۋدان اۋىرەنىپ ۋە اونا ضامىن اولوب كىندىلىسىنى سالىپ
ئائىنا ۋە گىتىردى انۋە. نۆۋرۈز على حىتەطە گىرەن كىمى باشلادى آغلاماغا ۋە سامان تۇرباسىنى

^۱ - پۇلىس سۆزۈنۈن تەرىف اولونموش صورتدە تەلۋۇظ.

^۲ - قازاماتا- جىبە.

اولاغىن باشىنا كىچىردىپ چۆمبەلدى دىۋارنىن دىيىندە. خان گىردى ئۈۋە ۋە بىر پاپروس ياندىرىپ چىخىدى! بالكۇنا نۆۋرۈزى ئىلىنى ياتىنا چاغىرىپ، دندى:

— دى! ايندى احوالاتى ناغىل ائەلە، نۆۋرۈزى ئىلى سىنىن بو چىكايتىن چۈڭ شىرىن چىكايتىدى. كىتاب يازمالى دى. ناغىل ائەلە تەفسىلەن. يەنى ھامىسىنى بىرەبىر. باشلا بورادا كاغىز گۆتۈرۈپ آپارماغىندىن تا داما دوشمەينە كىمى...

نۆۋرۈزى ئىلى دورىدۇر آغاغا خانغا ئاۋۇقلاشىپ ۋە چوخاسىنىن اتەنى ايلە گۆزۈنۈن ياشىن سىلىپ باشلادى:

— باشىنا دولاتىم خان، مىنى چۆۋۈر بالا لارنىن باشىنا، مىنى باغىشلا. مىنىم ھىچ گۆناھىم يۈخدور، بىر كىدى آدامام، مىن نە بىلىم كاغىز نەدى، قوتو نەدى، پۈست نەدى؟ باشىنا دۇنۇم خان، مىنى چۆۋۈر او گول اۆزۈلۈ بالا لارنىن باشىنا، ھىچ زىياننى يۈخدور، ايتە اۆلمەنم، ساغ قاللام، قوللوق ائەلەرم عۈزى چىخار، بىر غلۇدى ائەلەمىشم. قانلىمكىدىن ايشىدى بىلە اولدور. بولار ھامىسى آلاھداندى، گرەك بىلە اولايىمىش. باغىشلا مىنى، خان مىن اۆلەنە كىمى نۇكرىم سەن...

بو سۆزلىرى دىيىپ نۆۋرۈزى ئىلى بىر آزدا ئاۋۇقلاشدى خانغا ۋە ايسەدى آياقلارنىدىن اۋېسۇن. خان بىر آز دالا چىكىلىپ دندى:

— نۆۋرۈزى ئىلى ھىچ اۆرەينى سىخما، مىن سەن نە دىيىرم كى؟ سەن مەن نە پىسلىك ائەلەمىسن كى، مىن سەنى باغىشلايما؟

— قوربان اۆلۈم سەن، بوندان آرتىق داھا نە پىسلىك اۋلاچاق. كاغىزنى اليمىدىن وشرىدىم؛ او كافىر اوغلى كافىر قۇندۇ جىيىنە، چىخىدى دۆزەلدى يۇلا، قۇندۇ گىتدى.

— كىم كاغىزنى قۇندۇ جىيىنە قۇندۇ گىتدى؟

— او كافىر اوغلو اوروس دانا.

— ھارا قۇندۇ گىتدى؟

— گىتدى گىردى اورادا بىر تىكە دام — داش وئارايدى كى، قاپىنى سىنا قوتو وورولوبدۇ. گىتدى گىردى اۋرا.

خان بىر قەدەر دوروخدۇ:

— بىس سەن كاغىزنى قوتۇيا سالىمادىن؟

— نىجە سالىمادىم! ائەلە كاغىزنى قوتۇيا سالان كىمى، كافىر گىلىپ قوتونۇ بىلمىرم نە تەھىر آچدى. كاغىزنى گۆتۈردۇر آپاردى.

— قوتودا سەن سالىدىغىن كاغىزدان باشقا، اۋزگە كاغىز يۇخايدى؟

— نىجە كى يۇخايدى؟ چۈڭ كاغىزلار وئارايدى. ائەلە اولارنى ھامىسىنى يىغىشىدۇرىپ آپاردى.

خان قاھ — قاھ چىكىپ گۆلدۇر — يۇخ نۆۋرۈزى ئىلى گرەك ھامىسىنى ناغىل ائەلەيەن. باشدان آخىرا كىمى. نىجە كاغىزنى آپاردىن، نىجە سالىدىن قوتۇيا ۋە نە اۋستە اوروسلا ساۋاشدىن.

نۆۋرۈزى ئىلى باشلادى:

— خان باشىنا دۇنۇم من كاغىزى بورادان آپاردىم. گىتىم چىخىدىم نچرىك دىوانخانا شېشىن ئاتىنا. سىن مەنە نىشان وئىردىشىن دام— داشى تاپدىم، گىتىم قوتونون قاپاغىنى قالدۇردىم، ايستەدىم كاغىزى سلام قوتونا، بىر كاغىزدا باخدىم، بىر قوتونا باخدىم، دۇغروسو قۇرخدوم كى، سىنىن مەنە قىزىپىن دوتا. دۇغروسو بىلمەدىم سالىم— سالىمىم؛ چۈنكى يادىمدان چىخىدى سىندىن سۇرۇشام كى، كاغىزى قوتونا سالاندىن سۇنرا دوروم قوتونون ئاتىندا، يا قۇيۇم گىلىم ئوتە. فېكىرلىشىدىم كى، اگر كاغىزى سالىم قوتونا دوروم ئاتىندا، ھادىيەدەك دوروم. آخى قورباتىن اولوم خان، اوزۇن كى گۇردۇن اولاغى آج قۇيۇم گىتىم. جۈجەلىرى قىچى باغلى قۇيۇم. بىر تىكە اون گىتىمىشىم، ھەلە ايندىتە كىمى دە قالىپ بوردا. خان باشىنا دۇنۇم قۇي ئالە ايندى ياخشى وختىدى، قۇي نۇكر گىلىمىن بو چوواللارنى گۇتۇرەك قۇياق ئوتە؛ ياغىش— زاد ياغار اونون ايسلاناتر.

— ئۇخ نۇزۇزۇزىلى، سىنىن ايشىن ئۇخىدۇ... دى دى سۇنرا نىجە اولدۇ؟

— كاغىزى سالىم قوتونون قاپاغىنى اۇرتىدۇم. چىكىلىدىم دوروم بىر آز كىناردا. اول ايستەدىم قايىدىپ گىلىپ سىندىن سۇرۇشوم. سۇنرا دۇغروسو قۇرخدوم مەنە قىزىپىن دوتا. دۇغروسو قۇرخدوم اوز كۇنلۇندە دىتە سىن كى، نۇزۇزۇزىلى چۇخ حىتىوان آدمىدى. چۇخ ائششك آدمىدى. قرەض، چۇمىلىدىم دىوارىن دىيىندە كى، بىر آز يۇرغونومو آلىم. آھا! گۇردۇم بىر اثرمنى اوشاغى اولاردى باخ بو بۇندا، اولاردى اون— اون اوچ ئاشىندا. گىلدى گىتىدى دۇز قوتونون ئاتىنا. قاپاغىنى قالىخىردى و سىن مەنە وئىردىشىن كاغىز كىمى بىر كاغىز سالىدى قوتونا، قاپاغىنى اۇرتىدۇ. دۇز قۇيىدۇ گىتىدى ايشىنە. نە قەدەر او ناينىصافى چاغىردىم كى، سۇرۇشوم كى، دىشىن گۇرەك بس كاغىزى قوتودا قۇيۇپ ھارا گىتىر. بىلمىم دىلىمى آنلامادى، نەدى كى، ھىچ جاواب وئىرمەدى. ھىچ ظالمىم اوغلو اوزۇمە دە باخمادى. ئالە اثرمنى اوشاغى اوزاقلاشمىشىدى، بىر اوزۇروس اوزۇدى تىز— تىز گىلىپ قوتونا ئاوتوقلاشىپ، بىر كاغىز سالىدى قۇيىدۇ گىتىدى. تا ايندى مەن بىر آز قالىدىم، دىدىم وئالە گۇرۇكن بودور كى، ئالە بو قوتونا سالىنان كاغىزلار گرەك قالىنىلار قوتونون ايچىندە. مەن او قەدەر

اۆرەكلەندىم كى، بىسىمىللا دىتىپ جۇرەتنى گىتىم قوتونون قاپاغىنى قالدۇردىم. كاغىزى سالىم قوتونا چۇندۇم گىلىم قوللۇغونا. قوتودان ئالە بورادان اوزا كىمى اوزاقلاشمىشىدىم كى، ھەمەن اوزۇروس گىلدى ئىتتىشىدى قوتونون ئاتىنا، مەن اول ئالە بىلىدىم كى، بو دا ايستەتەر قوتونا كاغىز سالىشىن. آما گۇردۇم خىتير، لۇتونون فېكىرى اۇزگەدى. قوتونون ئاتىندىن ساغ الينى اوزادىپ، قوتونون ايچىنە. مەن ال اۇستۇ دىتۇم كى، حىرىف ايستەتەر كاغىزلارنى اوزۇرلاشىن... خان چۇخ باش آغرىسى وئىردىم. مەن باغىشلا. اوغلانا بويۇر گىلىمىن مەنە ئۇلا سالىشىن بىتاختىدى. گىتىپ كىندە ئىتتىشە بىلەنمەم.

— آكىشى ھەلە ھارا قۇتورام سىنى گىندە سىن. ناغىل ئالە گۇردۇم سۇنرا نىجە اولدۇ؟

— بلى باشىنا دۇنۇم خان، قوربان اولسون سىنە مەنە ئىتتىم— ئىسىرىم. سىنسىز مەنە بىر گۇنۇم اولماسىن... بلى گۇردۇم كى، حىرىف اوتانماز— اوتانماز كاغىزلارنى قوتودان انھمالجا چىخارتىدى.

ايستەدى دۆزەلسىن يۇلا، مەن تىز قاچىب ياپىشىدىم اۋروسون قىچىندىن؛ قۇيمايدىم گىتسىن. دىندىم
 آى آشنا، ھارا آپارىرسان كاغىزلارنى. خالىق سىدىن اۋىرتۇ كاغىزلارنى بوراينا سالمايىدىكى، دىنىمىز-
 سۈنلەمىز اۋىرتۇن سۈيۈندىن خالاقىن كاغىزلارنىنى قۇيى ئىرىنە- دىندىم. نۆۋرۈز ەلى ەلە
 اۋلەمەيىدىكى، سەن اونون آغاسى ئىن كاغىزىنى آپاراسان. بىللە ايشلار ياخشى دىيىل، ادام اۋىرگەنەن
 ما ئىنا

تامام سالماز. مگر سىزىن شىرىعتدە اۋغورلوق گۇناھ يازىلمايىدى. خان مەنى چۈۋۆر بالالارنى نىشەن
 باشىنا. مەنى مۆرە خەس ائەلە، قۇيۇن گىندىم ھاۋا قارائىقلايتىر.

— ەلە تەلسەمە، گىندەرسەن. سۇنرا نىچە اۋلدۇ؟

— قۇي گۇرۇم ھاردا قالدىم... ادە قۇيما، قۇيما اولاغ تىكلىرى سىندىراق.

— نۆۋرۈز ەلى گىتتەمە، ەلە گىتتەمە. دى گۇرۇم سۇنرا نىچە اۋلدۇ؟

— تا نىچە اولاجاق؟ نە قەدەر يالۋاردىم، ياپىشىدىمكى، مەنىم خاتىمە مەنى اۋلدۇرەر. دىندىم بارى مەنىم
 خاتىمەن كاغىزىنى ۋىر. ايللا دىدىكى، ۋىرمەنەم. گۇرۇمكى، حەرىف اىستەيىر قۇيا قاچا، ۋىللە
 ھىرس ۋىردو تەمە، ايكى ەللى ياپىشىدىم كافىرىن چىيىنەن دىن بونو اۋىرتۇ اۋستە گىتىردىم ئىرەكى،
 ھىيىتىندىن آغزى قانادى. سۇنرا نەچرىك دىۋانخاناسىندىن سالداتلار تۇكۇلۇب مەنى دۇيە- دۇيە
 آپارىپ آندىلار دامام. سەننى قەدەملىرىنە بىللە مەن قورىان اولۇم. سەن اولماسايدىن مەنى اىندى چۇخىدان
 گۇندىرىمىدىلەر سىيىرە. چۇنكى دامامدىن ساۋاى بىر نىچە دوستاق ۋاردىر. مەنە دىدىلەركى، اۋ
 اۋروس قوللوق ادام ايدى. تا... مەن نىلەيىم؟ خان باشىنا دولاتىم، دى گۇر گۇناھ كىمەدەير؟
 خان چۇخ گۇلدۇ. چۇخ قاه- قاه چكىب گۇلدۇ.

ھاۋا قارائىقلاشمىشىدى. نۆۋرۈز ەلى بۇش اونون چوۋال لارىنى آچ اولاغىن اۋستۇنە سالىپ،
 اولاغى قاتدى قاباغىنا ۋىزۇغال آغاجى ايلە دۇيە- دۇيە گىتتى كىندىنە.

اۋچ گۇندىن سۇنرا خانسا اىروندىن تىلگراف چىخىدىكى، «كاغىزىن ئىتتىشىپ ۋاۋتاقلار
 حاضىردىر». خان ئىغىشىپ گىتتى اىرونا. آى يارىمەدان سۇنرا نۆۋرۈز ەلى نى دىۋانا گىتىدىرىپ
 «قوللوقچونو بىءخۇرمەت ائەلەمك بارەسىندە» اۋچ آى ناۋاخت كىدىلەر. آمما نۆۋرۈز ەلى گۇناھىن
 بۇنونا آلمادى. ەلە اۋچ آى دا كىچىدى. آنچاق بو خىر اىروندا ۋلى خان چاتىدى. خان بىر قەدەر
 فەكىر ائەلەدى.

«پۇست قوتوسو» آذربايجان دىلىندە، خىكاىە ادبى نۆۋۋنۇن، دۇنيا شۇەرتلى،
 كلاسىك نۇمۇنەسى اولاراق بىر چۇخ دىللەر، اۋ جۇملەدن فارس دىلىنە تەرجۇمە
 اولۇنمۇشۇر. آرتىق پۇست قوتوسو ۱۰۰ ئاشىندادىر. بو ائىرەلەرلە تاماشاينا
 قۇيۇلۇپ، فەلملەر چكىلىپ دىر.

«آرزو» دان - «آرزی» ٲا

شعرلرینده، یوخاریداکی سایدیغیمیز علامت‌لرین بیر چوخو اولان، شاعیرلرین بیرى ده آذربایجانین گؤرکملی شاعیری اوستاد حبیب ساهیردیر. او دا قلینین ایستک و آرزولارینى، ایضطراب و آوره‌ک چیریشتی‌لارینى، یناشادیغی حیثاتین آجیناجاقلى آنلارینى، ائل‌لرین درد و قمینه، عذاب‌لارینا، ایستک و آرزولارینا تۆکۆب و اثرلرینده ترنۆم ائتمیشدیر. او اۆز منلیگینى ایترمه‌دن، گۆنده بیر دۇنا گیرمه‌دن هر جۆره عدالت‌سیزلییه قارشى سینه گرمیش و خالق‌ئنین معنوی پاک‌لیغینى قۇرموش، اونون آمال و اید‌ال‌لاری اوغرۇندا سۆرگۆن‌لره، محرومییت‌لره

دۆرمۈش، آنجاڭ اۈز اثرلارنى خالقين منافعى اوغروندا، خالقين آزادلىغى، خوش باختلىغى نامينه يازىپ، ياراتىشىدۇر. اونا گۈره ده بىر چۈخ شىعيرلىرى نىسيل - نىسيل سىينه لىرده يورد سالىپ، خالقىمىز ئىن سئۈدىنى و ئاشادتىغى اثرلر اولموشلار.

سahیرین ده منیتی هر بیر اینسان کیمی حیات آخاری ایله زامان- زامان اینکیشاف ائتمیش، یوکسلمیش و ثابت لشمیشدیر. شاعیرین شخصییتی یئتگین لشیب، بۆتؤلشدیکجه شعیردن- شئیره دولغونلاشمیش و زنگین لشمیشدیر. اونون حیات تجروبه سی آرتدیقجا دؤشونجه لری درین لشیر و مؤراجیعت ائتدیئی مؤوضولار، ایفاده ائتدیئی مضمونلار ایسه فردی لیکدن، سطحی لیکدن اوزاقلاشیر و عؤمومی لیته و درین لیته ساری اینکیشاف اندیر. اونون ترنؤم ائتدیئی ایستک و آرزولار تکجه بیر قلبن یؤخ بلکه اینسانلارین داخیلی عالمین ایفاده ائدهن بدیعی اثره (شعیره) چئویرلمیشدیر.

بوردا گۆركملى شاعىرىن «آرزو» ۋە «آرزى» شئىرلىرىنى قارشىلاشدىرماق ۋە اۆتىرى دە اولسا اونلارنى اراشدىرماق ۋە اينىچەلمك يۇلو ايله يوخاريداكى فيكىرلىرى ئىككونلاشدىرماق اىستردىك. باشقا سۇزلە: اىستەيىردىم كى، بو شئىرىن سىماسىندا شاعىر كىچىردىتى ئارادىچىلىق يۇلونو بىر نظره سالاراق اونون كىچىردىتى مۆرگىب ئارادىچىلىق يۇلونا ايشىق سالماقلا اوخوجولارئىمىزا ساھىرىن محبەت لىرىكاسى ئىن ايجىماعى بىر لىرىكا سۈيىتەسىنە چاندىغىنىنى اچىقلاىاق.

«آرزو» شئىرى ساھىرىن گىنجلىك دۇورۇنە، اىلك محبەت آنلارنىا عاىددىرسە، «آرزى» شئىرى ايسە اونون مۇدۆركلىك چاغلارئىن، گرگىن مۇبارىزە دۇورۇنۆن عۆمومىلشمىش سىئوگى سىنىن يىتگىن صنعت نۆمۈنەسىدىر. ايندى ھر ايكى شئىرى اۆتىرى دە اولسا، نظردن كىچىرمك اىستەتىر ك:

«آرزو» شئىرى ساھىرىن گىنچلىك دۈۈرۈنە، ايلك محبّت آنلارينا عايتدېرسە، «آرزى» شئىرى ايسە اونون مۇدۈرۈكلىك چاغلارئىشىن، گرگىن مۇبارىزە دۈۈرۈنۈن عۆمۈمى لىشمىش سىئوگى سىنىن يىتگىن صنعت نۆمۈنەسىدىر. ايندى ھەر ايكى شئىرى اۋترى دە اۋلسا، نظردن كىچىرەك استەئىرەك:

آرزو

ظولمتین توزونو سحر الی ایلہ
آؤرہک آتاسیندان رفع ائده بیلسم.
وحشی گؤیرچین نک قانادلاناراق
اوزاق اؤفوق لرہ آہ گئده بیلسم.

شاعیر ایلکین سنودا سحرینی آنارکن، کچپردینی هیجران گنجهلرین، آغری لاری، عذابلاری، ایضطراب و سارسیتتی لاری اونسون اۆره یینی دوم- دورو آیناسینا قونموش «ظولمت تۆزو» آلداندریر و ناکام محبتین کده رینی اۆره کدن سیلیب یۆنگؤل شیب، وحشی گؤیچین لر کیمی اوچماق آرزوسوندا دیر. آنچاق نه یازیق کی تکجه خیال عالمینده اوزاق اؤفوق لرده اوچماق مۆمکن اولور.

شاعیر خیتال عالمی له، رنال عالمین آراسینداکی اوچورومو، حسرتلرین، اینتیظارلارین، ناکام آرزولارین، عادی تجسمّ اولان «آه» سؤزۆ ایله دولدورماق ایستهیر.

سینا، دالغالارین حلقه لرینده،

قاباران بىر كۆپۈك، چىرىپتىنى اولسام،
قورۇپ پردەسىندە، سولفون اولدۇز تىك،
گۈز يۇمار - آچان ۋاقىت سارايلىق سولسام.

ۋىخىشى گۈزچىن آرزوسونو آرتتىق، بىر جە كۆپۈك، چىرىپتىنى اولماق آرزوسو عوۋىش ائىدىر.
سىيئە دالغالار ايسىتر - ايسىتمەز «قارا دىنىزى» آندىرىر. ھەم دە اونا دالغىن - دالغىن باخان «ايرى سىيئە
گۈزلۈ قىزى» شاعىرىن خىيالىندا جانلاندۇرىر. قارا دىنىزىن دالغالارنى سىيئە گۈزلىرىن
باخىشلاشنى تىن چاتىشىدىغى حلقەلەردە، بىر كۆپۈك كىمى قابارماق، اۇنلارنى آيرىلىشىدىن قۇپان
چىرىپتىنى سىيئە چىۋىرىلمەك، ياخود دولغون قارا گۈزلىرىن تىكىلدىنى قارالان اۋفوقلەردە بىر گۈز
قىرىپتىنىدا ياتىپ سۇنن اولدۇزلارنى گۈزۈنۈشۈ كىمى گۈزۈنمەك آرزوسو كىچىر اۋرەيىندىن. بو
آرزودان، بو رۇماتىك دۇيغۇلاردان دۇغان گىزلى بىر «آە» سىزىلەر بو بىندە. حىزىلىك،
يۇمۇشاقلىق اىچىندەكى خىس كىمى، اۋرەككە قىۋىللىپ، آچىلەر، آنجاق دۇداغا چاتا بىلمەيە بو
«آە»:

تېرەش كۈلگە تىك بىر جە گۈزۈنمەك،
ماۋى پىچرەن بوللور جامىنىدا،
بىر پارىلنى اولسام يارىن گۈزۈندە،
سۇنۈك بىر نور اولسام اۋنۇن شامىنىدا.

ايكى بىر گىجەدە پىچرەنن آرخاسىندىن گۈنلەر، اولدۇزلارنى بايغىن - بايغىن سىتىر ائىدىپ
گۈمۈشۈ آي ايشىغىنىدا بۆرۈنمۈش خايطىرەلرى بىر - بىر گۈزلىرى اۋنۇندە جانلاندۇران
سۇنۈكىلى سىنىن خىيالىندا دۇغولۇپ بوللور جامدا تېرەش بىر كۈلگە كىمى گۈزۈنمەك اۋ محزون
كۈنۈللۈ يارى بىر جە آنلىغادا اولسا سۇنۈندىرەك، گۈزلىرىنى گۈلدۈرەك ياخود ھىچ اولماسا
ھىجرانلى گىجەلەرن قىلى قارانلىغىنى ايشىقلاندۇران «شام» - تىن تېرەش شۇلارنىدا بىر سۇنۈك
نور اولۇپ، سۇنمەك، اۋ گىجەلەرن قىمىنى، كىدىرنى يۈنگۈللىشىدىر، آيدىنلاشدىرماق
آرزولارنى. بو آرزولاردا، بو لىحنەدە بۇغۇلان ھىچقىرىقلار، اينىللىر، اۋيولتۇلار، اۋخوجونون دا
اۋرەيىندىن يۈل سايىپ كىچىر، اۋنۇندا بۇغازنى تىخىلان قەرە چىۋىرىلەر. اۋرەيىنى گۈنۈندىر.

بىر تىسۇم اولسام دۇداقلارنى،
سولفون ياناقلارنى قىزىل گۈل ائىتمەك،
بىر داملا ياش كىمى آخىپ گۈزۈمدەن،
اچلىق ائەيىندە ارىيىپ ايتىمەك.

سۇندا سۇزاقلى، خىيال قانادلى آرزو گۈزچىنى اوزاق - اوزاق اۋفوقلەردىن اۋتۇپ، كىچىپ ۋ
ناغىللارنىمىزدا اولدۇغۇ كىمى مۇختىلىف جەلدلەرە دۈشۈپ، كۆپۈك اولۇپ، ياتىپ سۇنن اولدۇز
اولۇپ، شامىن سۇن شۇسى اولۇپ... كۈلگە اولۇپ. بو جەلدلەرە دۈشە - دۈشە، اۋچوب، اۋچوب،
ان نىھائىت خايطىرەلەرن مۇرگۈسۈنۈ پۈزۈپ. يارىن اۋرەيىندە شىرىن دۇيغۇلارنى اۋيادىپ ۋ اۋ

سئۈنچ شىرىن لىكلەر، يارىن دوداغىندا اوتانان تېسۆم كىمى اينجە- اينجە ارىشىپ، ياناق لارىندا نارىن- نارىن قىزارىپ، سۇنرا بو آرزو، اۆز يۈزاسىنا، شاعىرىن قلىبىنە قايتىداراق، نىدەنسە حسرت لىرىن، ايتىظارلار ئىن تىجسۆمۆ بىرداملا ياش اولوب، سئۈگىلى سىنىن گۈزلىرىدىن آخىپ. اطللس اتەينە اوتوماق اىستەمىش. بلكە دە بو سئۈنچ ياشى دىر. ھەر حالدا سنى دە كۈزلىدىر، دورولدىر، سىندە دە رۇمانتىك دوغولار اوخشايتىر. اۆزەينە اىستى لىك باغىشلايتىر. سنى روحن تىمىزلەيتىر.

منە ائللە گلر كى، سئۈە بىلمەين ھىچ بىر كىمسەدن شاعىر چىخماز؛ چۈنكى شىعەرىن تىملى، بىنۆزەسى سئۈگى اۆزەرىندە قورولور. بو سئۈگى عادى سئۈگى دن توتىموش تا حىيات سئۈگى سى، ائل، وطن، اىنسان، كاينات و ... كىمى بۇيۈك سئۈگى لره قەدەر يۈكسەلە بىلىر. بۇيۈك سىنەكارلار ئىن، شىخسى سئۈگى سىندىن دوغان سىنەت ائىرلى دە، ائللە بىر قوۋەتە، گۈجە مالىك دىر كى، اونلاردا باشقالار ئىن دا سئۈگى سىنىن ترنۆم و تىجسۆمۆ سىلەنە بىلىر. سىنەتىن دە عۆمۈمى لشمك قوۋەسى مىحض بورادان سو اچىر. «آرزو» شىعەرىندە ترنۆم اولان، وصف اولان سئۈگى زامان- زامان بۇيۇتۇر، درىن لشىر، گىنىش لنىر و وطن سئۈگى سى، ائل سئۈگى سى، اىنسان پرورلىك، عدالت سئۈەرلىك كىمى مۇحتشم دوغى و دۈشۈنچەلرى ايفادە ائتمك قابىلىيتى كىسب ائدىر. بونون عىنىنى تىجسۆمۆنۆ «آرزو» شىعەرىندە گۆرمك اولار.

آرزۇ

اىستەرم قىلى و طوفانلى گىجە

يولچولار.

بىر فانوس نك يا دا قۇطب اولدوزو نك

رەبىر اولام.

بو قارائلىق، آرتىق تۈز كىمى دىنىل، بلكە قىر كىمى دىر. قاتى قارائلىق دىر. قىم لردن، اىضطىراب لاردان، سىكسە لردن، قۇرخولاردان، سارسىتى لاردان، ايشىكنە لردن يۇغرولموش اىستىباد و ظۆلۆم قارائلىقى دىر. بو قارائلىق اولدوقچا مۇدەبىس بىر قارائلىق دىر. اىنسانلار بۇغان، سارسىدان، يولچولار ئۆلۈندىن ائىدن، قارائلىق دىر. بو قارائلىق، طوفانلارلا، بۇحرانلارلا قۇشالاشىپ و بىر ھىولا كىمى سعادت ايشىقى ئىن داللىنجا گىندن يولچولار ئۆلۈنو كىسىپ. بئللە قارائلىق، طوفانلى، دۈزۈلمز بىر قارائلىق دا خالقتىن سعادتى نامىنە جانلارنى اۋوجونا آلان سعادت جارچى لار، آزادلىق يولچولار ئۆلا دۈشۈر، مۇبارىزەتە گىرىشىر. آسئىلر، گۆللە لنىر (۱۳۵۰) ايل تازىلىپ شىعەر) بو مقاملاردا شاعىر لاقىتد قالىپ، شىعەر و غزل قۇشماق لا كىفايت لەنە بىلىر، او دور كى، او بو يۈلۈن كروائىنا قۇشولور. اۋزۈنۆ مشەلە چنۈرىپ، يولچولار ئىن يۈلۈنو ايشىق لاندىرماق آرزولايىر. او اومود ايشىقى، ماياق كىمى ياناراق، بىر فانوس يا قۇطب اولدوزو كىمى اولماق آرزوسوندا دىر. قارائلىق و طوفانلى گىجە لردە يولچولار گرەك اولان ايشىق دىر. او دا ايشىقا چنۈرىلمك اىستەيتىر.

ايستەرم ئاي گۈنۈ چۈلەردە آخار بىر سو اولوب،

دوم- دورو گۈز ياشى نك يولدا،

چوخور ايچرە دولام.

ياشايىن ايستى و قىزمار گۈنلريندە، گۈيىدن اود الەندىنى بىر واختدا، سوسوز يۈلچولارئين،
يانغى سىنى، خيال لارئيندا يارانان ايلغيم لار سو و تىمادان داھادا يانغى لاشدىران بىر واختدا، شاعىر اوز
و وجودنو ارىدىب سويلا دۇندىرەك آرزو سوندا دىر. او قايتار بولاق يۇخ، عادى جە چوخور دولان
بىر سو اولماق ايستەيىر، آرتىق تۆمۈراق نە لازىم. يۈلچولار نە لازىم دىر. سو! پس سو اولماق،
ھارادا اولور اولسون، تىكجە گرەك اولان بىر شىئى چتۈرىلمەك گرەك دىر. سعادىت، عدالت، آزادلىق
يۈلۈندا مۇبارىزەدە ان واجىب بىر وارلىغا چتۈرىمەك. حقيقى مۇبارىزە اولدوغو كىمى اوزو بۇيۈك
بىر ايش دىر.

ايستەم نقش و نىگاريم قالا، شىئىم اوخونا،

ايستەم بىر سىزى حسرت نك،

اۈرەكلەردە قالا.

شاعىرين اوزو اوچون اوماجاغى بىر شىئى يۇخدور. او نە ھتىكلەر، پۈرتەرلەر چتۈرىلىپ،
گۈزلى قاماشدىرماق ايستەيىر. نە دە كى، شىئىرىنىن شۇھرىتى آلتىنىدا اويۇتوب، اۈيۈنمەك
ايستەيىر. يۇخ، او گۈندەلىك شان شۇھرتدن، گۈزۈلتۈلۈ، پارىلتىلى شۇھرتدن قاچىر. اۈرەكلەرىن
ان عادى بىر حسرت حىسنىنە بولايىپ، قالماق ايستەيىر. شاعىرين بۇيۈكلىشى، اوزون عۇمۇرلىشى،
اونون يازدىغى اثرلردن آسلى دىر. اينسانلارئين اۈرەكلەرىنە يۈل سالا بىلىرسە دىمەك ابدىلىشىر.
ساھىر دە حسرتلەر، ايتىظار دويغولارئينا، آجى و سئۈنىچ حىسلىرىنە قارىشىپ اينسانلارئين
اۈرەيىندە قالماق آرزولايىر. بو آرزونون آرزوسودور. بۇيۈك سعادىت اينسانلارئين آرزوسونا
چتۈرىلمەك دىر. شاعىردە اۈز نىجىب آرزولارئين، آرزوسونا دۇنمەك ايستەيىر.

اونودور سامنى ائل، چكىمەسە تارىخ آدىمى

ايستەم آى تكى يورد اۈستە گنجە

شۇوق سالام.

دوغروسو ائل دوغما شاعىرىنى اونودارمى؟ خالق لىياقتلى ائولادلارئينا لاقىنىدىمى قالار؟

پس شاعىرە قارشى بو ائل اۈيلا لاقىندىلىيىندن تۈرەنمى؟ بو مىصرىلاردا آجى بىر حقيقىت گىزلىپ:
ساتقىنلار، قىرلىداقچىلار، لوغالار... قفلت يوخوسوندا و يوموش، باش سىز آدمالاردا خالق قلم
وثرەرك، حقيقى تارىخى حادىثەلرى تحريف ائدىب. حقيقى اۈرت- باسدىر ائتمەك ايستەيىنلر
خالقئين حقيقى و لىياقتلى ائولادىنى لکەلەيىپ، بۇھتانلايىر. اۈنلاردا خالق- دۈشمىنلر، مۇتجاسىر،
ساتقىن و مۆزدور آدى وثرەكلە، سىغىشدىرىپ، مۇبارىزە مەيدانلارئيندا چىخارماق و چىركىن
عمللرىنى، ياراماز نىيەتلرىنى حىياتا كىچىرەك دە مۆۈقق اولسالاردا، آنجاك شاعىرين آچىق گۈزۈ
بونلارنى ياخشى سىچە بىلىر. او خالقئين آيلىپ، حقيقىتە واقىف اولاجاق گۈنۈ آيدىنجا گۈرۈر. او

دور كى، بو ئوخولار ئىن ياتىندا سايماز يانا كىچمىر، دۇغما يوردونون، سئوهرگى خالقئىتىن، سئوگى محبّت جۇهرىنە دۇنەرك ايشىغا چئورلىمك آرزوسوندا ئىر. اولدوز كىمى، آى كىمى اوز اۆره ئىنى ارىدىب وطن گنجەلرىنى، انلارلىن رۇوتالار ئىنى، ئوخولار ئىنى، آرزولار ئىن نوزونا بۆرۈندۈرمك اىستە ئىر. بىلە تىناسىز سئوگىلە دولان اۆزەك ئالتىز و ئالتىز پاك آرزولار، تىمىز دوتىغولار، محبّت سئوگى اينسان پروهلىك دوتىغو و دوشۇنجهلرى اىلە دولان، چئىر ئىنسان، سئودالى بىر اۆزەك اولالا بىلىر، ساھىر (گنجەلر اوتىاغى) تىن اۆزە بى اولالا بىلىر.

□□□

هر اىكى شئىرىن اوزۇنە مخصوص بىدىعى دىرلىرى و اردىر. «آرزو» شئىرى خايطىرەلرىن، آنىلار ئىن، آرزولار ئىن اوتاتىشى تىن طىبعت عۆنصۇرلىرىندە تصوىرلنمەسى و اينسان اۆرە ئىندە اوتاتىدىغى حىس لردە جانلانماسى فۇرماسىندا و ئىرلىمىش دىر. شئىرىن آشىلادىغى صىمىلىك، كۆزەكلىك، اىنچە و ظرىف موسىقىلە مۇشائىعت اولونور. بو موسىقى سۇزلىرىن، دۆزۈلۈشۈندىن، مىصرىرەلار ئىن توخونوشۇندىن سس اىلمەلرى نىن بىر- بىرىنى اوتارلاندىرماستىن تۇرەنەر و رنگ چالارلار ئىن اوتاتىدىغى حزىن و يوموشاق دوتىغولار ئىن سس لشمەسى اىلە تاماملاتىر. «آرزو» شئىرىندەكى، ظۆلمت تۈزۈ، «آرزى» شئىرىندەكى قاتى قارانتلىغا، و حشى گۇرچىن اىسە گۇزلىرىمىزە گۇرۈنمەن اىنچاق آرزولار قانادا و ئرەن، اوچدوران «زۆمۈد» قوشونا چئورلىب.

آرزى شئىر تىسادلار ئىن، اىنكار و تصدىقلىرىن فۇرماسىندا ياراتىب، قارانتلىقلا ايشىغىن، اىستىلىكلە سرىن لىشىن، جىسارتلە اومودسىزلىشىن، اونوتماقلا وارتلىغىن... ياراتىدىغى تىسادلار ئىن عالمىندە، ايشىغىن دورولوگون، ائل- اۇبا وورغونو، وطن پرور، اينسان سئوهر، درىن دوشۇنجهلى بىر و طنداشىن صورتى جانلاتىب و تصوىر اولونوب.

آرزى شئىرى نىن سۇز دۆزۈم، حىس ھۇرگۆس، وورغولار ئىن ئىرىنە دوشدۇتۇنە گۇرە، ھابىلە مىصرىرەلار ئىن ئىرلى- ئىرىندە قىرلىلماسى شئىرە خوصوصى بىر آھنگ باغىشلاىب، مىصرىرە باشى ايشلەن سۇزلىرلە، قافىيەلر آراسىنداكى، اوتارلىق و بىر- بىرىنى تاماملاما قابىلىتى شئىرە تاملىق و ئىر. اۇنو كامىل لشدىر مىش و بۆتۈلشدىر مىشدىر. شئىرىن مضمونىندا دۇغان، فداكارلىق، ايتىدىلىك، قئىرت و تىناسىزلىق، آھنگە، موسىقىلە دۇنەرك شئىرىن لحنىندىن آشكار جاسىنا دوتولور.

شئىر لۇوحە ياراتماق مقصدىلە قورولما مىش، بلكە گنىش فىضالار ئىن، بۇيۇك آرزولار ئىن، منظرەسىنى ئىغىجام، كسرىلى و توتارلى تصوىرلر، سىمبۇللارلا جانلاندىرماق و تصوىر ائىمك اىستە مىش و بونا دا نا ئىل اولموشدور.

آچالماز ھىمىتىم

۱. آلاۋ

قلىبىمدە ۋارسا اگر بۇللو حسرتىم،
آچالماز ھىمىتىم.

ظۇلمەتدە نورلو گۆنش دىر دىيانتىم،
عشقىم، مەھبەتىم.

ۋار اولكەمە، ائلىمە چۆنكى قىتتىم،
خۇر باخسالار اونا آرتار عداۋەتىم،
كىنەم ۋە نىغرتىم.

شاتىم ائلىم دى ۋ اولكەم دىر عىزىتىم،
چىخىمىش زامان شىناغىندىن صداقتىم.

مىن جىتتە دە ئىشمەرم اۋز لالە زارىمى،
اۋدلار دىيىرىمى.

يوردوم، ائلىم ۋ ئىرىدى ئىنىلىم ۋە قارىمى،
دۆز انعتىبارىمى.

تشكىل اندىر بو ائل - اۋيا دار ۋ ندارىمى،
اولكەمدىن آلمىشام بۇيۇك ايفتىخارىمى،
نىگ ايله عارىمى.

يۇكسك سس ايله سۇيلىە تىرم من، قارارىمى :
من بابك اوغلو ئام، اونودانما تبارىمى.

آرزوم بودور چىچەكلە دۇلا گۆلشەنىن، باغىن
زۆمۈردە اىپەكلە اۋرتۇلە تارلان، چۆلۈن، باغىن
ھەر كىندىن، اۋىماغىن.

نەم نەم ياغان ياغىش سىلە گۈل - قۇنچە ئارپاغىن،
بۇستانلار ئىن تاغىن،

بۇلبۇل ترانەسى آچا ھەر گۆن سحر چاغىن،

بىردە قانا بۇيانمايا بو قانلى تۇرپاغىن،

ان قىلى زىرۋەلردە اسە شانلى بايراغىن.

گۈللۈ پۇنچاغىن.

امریه وزارت معارف آذربایجان

شماره ۱

بر اساس تصمیم کنگره ملی آذربایجان، مصوبه مجلس ملی و حکومت ملی، بنا به اراده خلق آذربایجان، به منظور آموزش و پرورش فرزندانمان به زبان مادری مواد آتی باید رعایت گردد:

۱- برای سازمان مربوط به آموزش و پرورش بزبان آذربایجانی در کلیه مدارس ملی و دولتی آمادگی ضروری تدارک شود.

۲- بمنظور اجرای مفاد ماده یک در جنب وزارت معارف آذربایجان، برای تدوین کتب درسی ملی، شعبه کتب درسی ایجاد گردد.

۳- هیئت تألیف کتابهای درسی از دبیران فاضل و مجرب تشکیل گردد.

۴- این هیئت باید به کلیه کتابهای درسی که بزبان آذربایجانی منتشر خواهد شد نظارت نموده نظریه خود را به وزارت معارف اعلام نماید.

۵- شعبه کتب درسی باید کتابهای مربوط به ادبیات تاریخ، حساب، فیزیک، جغرافی و سایر رشته‌ها را تهیه نماید.

۶- شخصیتی با تجربه و فاضل بریاست شعبه کتب درسی برگزیده شود.

۷- شعبه کتب درسی ظرف پنج روز باید برنامه و بودجه شعبه را تعیین و جهت تصویب به وزارت معارف تسلیم نماید.

۸- مسئولین شعبه کتب درسی موظفند که قبل از پایان یکماه تهیه و نشر کلیه کتب علمی و فنی مربوط به کلاس اول تا چهارم را در آذربایجان انجام دهد.

۹- به کلیه مدیران مدارس ملی و دولتی دستور داده می‌شود که به محض اینکه کتابهای درسی چاپ و منتشر گردید؛ از کتابهای مربوط به هر کلاس استفاده کرده و بلافاصله به تدریس بزبان مادری آغاز کنند.

۱۰- ضروریست که مدیران و معلمین و کارکنان معارف و سایر آقایان محترم علاقمند به فرهنگ، نسبت به اجرای مواد فوق‌الذکر که پایه ترقی و توسعه زبان و فرهنگ ملی ماست، اقدام نمایند.

وزیر معارف آذربایجان - م. بی‌ریا

«آذربایجان شماره ۸۴، دوم دی ماه ۱۳۲۴»

تصوینامه حکومت ملی آذربایجان درباره تأسیس دارالفنون دولتی آذربایجان در تبریز

با توجه به آرزوهای ملت و مصوبات کنگره ملی آذربایجان به منظور تأمین ترقی ملی و فرهنگی، حکومت ملی آذربایجان تأسیس دارالفنون دولتی آذربایجان را در تبریز در سال تحصیلی آینده ضروری دانسته و موارد زیر را تصویب می‌نماید:

۱- وزارت معارف آذربایجان بودجه لازم جهت تأسیس دارالفنون را تنظیم و ظرف یکماه به هیئت دولت تقدیم نماید.

۲- دارالفنون دولتی آذربایجان فعلاً عبارت از سه دانشکده خواهد بود: ۱- دانشکده پزشکی، ۲- دانشکده کشاورزی، ۳- دانشکده تربیت معلم. این دانشکده نیز از شعب: تاریخ، زبان و ادبیات، فلسفه، حقوق، فیزیک- ریاضیات، طبیعی تشکیل خواهد یافت.

۳- وزارت معارف، ساختمان مناسب برای دارالفنون دولتی آذربایجان را معین نموده و ظرف ده روز به هیئت دولت اطلاع دهد.

۴- وزارت معارف آذربایجان از هم اکنون باید برای انتخاب هیئت استادان و تدارک کتب لازم برای دارالفنون بزبان آذربایجانی اقدام نماید.

نخست وزیر حکومت ملی - پیشه‌وری

تصوینامه حکومت ملی آذربایجان درباره زبان

به منظور تأمین ارتباط نزدیک مردم با دستگاه دولتی، اطلاع از احتیاجات عمومی بطور ساده‌تر و نیز هموار کردن راه ترقی و تکامل زبان و فرهنگ ملی خود، حکومت ملی آذربایجان در جلسه مورخ ۱۶ دی (۱۳۲۴) مقررات زیر را تصویب نمود:

۱- از امروز زبان آذربایجانی در آذربایجان زبان رسمی دولتی اعلام می‌گردد. مصوبات دولتی و اعلانات رسمی و نیز فرمانهای صادره به واحدهای قشون خلق و لواایح قانونی، مطلقاً به زبان آذربایجانی نوشته خواهد شد.

۲- در کلیه ادارات (دولتی و ملی و تجارتی و اجتماعی) انجام امور بزبان آذربایجانی اجباری است.

دفاتر و مدارکی که باین زبان نوشته نشود رسمی شمرده نخواهد شد.

۳- جریان امور در محاکم، بکلی بزبان آذربایجانی باید انجام بگیرد و برای کسانی که باین زبان آشنا نیستند مترجم باید تعیین گردد.

۴- کلیه نامه‌های ادارات، مؤسسات و وزارتخانه‌های آذربایجانی، مطلقاً بزبان آذربایجانی باید نوشته شود.

۵- سخنرانی و مذاکرات در جلسات و گردهمایی‌ها باید بزبان آذربایجانی انجام گیرد.

۶- کارمندان غیر آذربایجانی که به زبان دیگر سخن می‌گویند و در ادارات دولتی خدمت می‌کنند؛ باید نوشتن و خواندن و حرف زدن بزبان آذربایجانی را یاد بگیرند.

۷- وزارت معارف باید برای آموزش زبان آذربایجانی به مأمورین دولتی باسواد، که بزبان دیگر آشنا هستند؛ باید کلاسهای اکابر در جنب هر اداره دایر کند. ساعت کار این افراد یکساعت کم خواهد شد.

۸- افراد ملل دیگر که در آذربایجان سکونت دارند حق دارند امور خود را بزبان مادری خود انجام دهند. ولی آنها باید همراه با نوشته‌ها و اعلانات رسمی بزبان خود، زبان آذربایجانی را بعنوان زبان رسمی دولتی بکار برند.

۹- اقلیت‌های ملی مقیم آذربایجان، در حالیکه در مدارس خصوصی خود بزبان مادری خود تدریس می‌کنند؛ تدریس زبان آذربایجانی در این مدارس نیز اجباری است.

۱۰- حکومت ملی آذربایجان، تصویبنامه وزارت معارف آذربایجان درباره اینکه در مدارس آذربایجانی تدریس بزبان آذربایجانی باشد را تصویب و تأیید نموده و کلیه معلمین و معلمه‌های مدارس باید تدریس بزبان ملی را بمثابه وظیفه ملی تلقی کنند.

نخست‌وزیر دولت ملی آذربایجان- پیشه‌وری

«آذربایجان، شماره ۹۶ (۱۶ دی ۱۳۲۴)

برگزیده‌ای از موافقتنامه دولت مرکزی و حکومت ملی که به تصویب هیئت دولت و مقامات مرکز و انجمن ایالتی آذربایجان (مجلس ملی آذربایجان) رسیده است:

هیئت دولت قوام السلطنه در دوم اردیبهشت ماده ۱۳۲۵ تصمیمات زیر را درباره آذربایجان اتخاذ نمود که پایه مذاکره طرفین قرار گرفت:

«۳- زبان رسمی آذربایجان مانند سایر نواحی کشور ایران فارسی می‌باشد و کارهای دفتری در اداره‌های محلی و کارهای دوایر دادگستری به زبان‌های فارسی و آذربایجانی (ترکی) صورت می‌گیرد. اما تدریس در پنج کلاس ابتدایی در مدارس به زبان آذربایجان صورت می‌گیرد.

۶- نسبت به اهالی و کارکنان، دموکراسی آذربایجان برای شرکت آنها در نهضت دموکراتیک در گذشته تضيیقات بعمل نخواهد آورد».

نخست وزیر - قوام السلطنه

از موافقت نامه مورخ ۱۳۲۵/۳/۲۳ بین نمایندگان دولت مرکزی و نمایندگان آذربایجان که بتصویب مقامات رسمی طرفین رسیده است.

«پیرو مذاکرات بین نمایندگان دولت و آذربایجان و با در نظر گرفتن مواد هفت گانه، ابلاغیه مورخ ۱۳۲۵/۲/۲ دولت، که مورد قبول نمایندگان مزبور واقع گردیده و در نتیجه تبادل افکار، توافق نظر حاصل شد که موارد زیر که بعنوان توضیح و مکمل آن تنظیم گردیده بمورد اجرا گذارده شود:

ماده ۵ تبصره ۳- دولت برای قدردانی از خدمات برجسته آذربایجان به مشروطیت ایران و بمنظور حق شناسی از فداکاریهایی که مردم غیور آذربایجان در راه استقرار دموکراسی و آزادی نموده اند، قبول نمود که ۲۵٪ از عواید گمرکی آذربایجان، جهت تأمین مصارف دانشگاه آذربایجان اختصاص داده شود.

ماده ۱۲- به ماده ۳ ابلاغیه مورخ ۱۳۲۵/۲/۲ که از لحاظ تعیین تکلیف مدارس متوسطه و عالیّه دارای ابهام می باشد جمله زیر اضافه می گردد:

در مدارس متوسطه و عالیّه، تدریس به زبان فارسی و آذربایجانی طبق برنامه وزارت فرهنگ که با در نظر گرفتن زمان و مکان اصلاح و موافق موازین دموکراتیک و اصول مرفقی جدید تنظیم گردیده؛ تدریس خواهد شد.

ماده ۱۳- دولت موافقت دارد که افراد مقیم آذربایجان، از مزایای این موافقت نامه برخوردار بوده و طبق ماده ۳ ابلاغیه دولت تا کلاس پنجم ابتدایی به زبان خودشان تدریس نمایند.

تبصره- اقلیت های مقیم آذربایجان از قبیل آشوری و ارمنی نیز حق خواهند داشت تا کلاس پنجم به زبان خود تدریس نمایند».

«قەيىل سۆز غو...»

نریمان ناظم

پايشىزىن، كىدرلى گۆنشى، گۆن باتارىن
قانلى گۆنۈندە بۇغۇلدۇقدا، سۇن شۇالارىنى
نېسىگىل بۇتالى آتېشكالارىندىن يىغىشىدۇر.
اۋلۇرىن بېرىندە، گىنج بېرقادىن، تىلفۇن
دستەيىن، يىندە سىيخىر. دۇنەنى نىن
آلاتۇرانلىغىندا يۇلۇنۇ ايتىرمىش قىدىن،
يىالوارىچى لىن ايلە دائىشىر: «... يۇخ
دۆكۈر! يۇخ دۆكۈر! يۇخ. سىزدەن
خاھىش ائلەيىرم ائوۋە تىشريف گىرىز،
خاھىش ائلەيىرم دۆكۈر... بو ائشېگە
چىخارتمالى دىئىل. ھامىئا دىمىشم، گىدىب
مۇسافىرتە... بىلىمىز نىچە دىئىم، عىجب-
قىرىب دائىشىر. اصلن باشا دۆشمەك اولمۇر
نە دىئىر، مەن كى گىجەلمىشم دۆكۈر.
دۈمەنن اولماز، گرەك گىلىب گۆرەسىز...»

آرۇاد دىستەنى قۇندۇ، كاناپا سۇيىكەنىب،
فېكرە دائىر، «صادق»ىن، كىچىن اۋچ گۆندە
دائىشىدىغى قات- قارىشىق سۆزلەر، اۋنۇن
دۇنەنىندە يان- يانا دۆزۈلۈر: «ئانى نە
اولسۇن، بېردن- بېرە بونۇن باشىنا نە گىلدى؟
لەظەلر آغىر- آغىر سۆرۈنۈر. ساعاىتىن
سىسى، آيدىن جاسىنا، ائوۋە يايىلىر. ھلە
اۋتاقدان بىر سىس گىلىمىر، آما اۋ، ھر لەظە
«صادق»ىن باغىرتى شىن گۆزلەيىر. آرتىق
دىكىسىنىمىز، عادت ائلەيىب سانكى!

جامىلارنى دائىندىن قاتى قارائلىق، اېچىرى
سىيىزىر. قارائلىق آرۇادىن دۇنەنى چۆكۈر.
گۆزلرى باخاركن، اۋىخۇئا قاپسائىر: قىدىم
خىطلىرىدى. تاي- توشلارنى ايلە «آباق
جىزىغى» اۋىنايىرلار. سالاخ مى، يىندە بىر
يىچاق، ياللاۋ دىئە- دىئە دالائىن يىللەلرىندىن
خىطە يىتىر. نىچە كىلمە آناسىنان دائىشىدىقان
سۇنرا، الين آتېب «مىرم»ىن خۇرۇزۇنۇن
قانادىندىن توتۇر. آباغى نىن آلتىنا قۇيۇر.
«مىرم»، نەسە اولاجاغى باشا دۆشمەمىش
خۇرۇزۇن باشى كىيىلىر. باشىسىز خۇرۇز،
مۇھكىم بىر كىركىلە، قانادىن، مىمى نىن
آباغى ئىن آلتىندىن، قورتارىر. اۋزۇن باخچانا
آتىر. اۋنۇن چىرىشىنى سىندىن، باخچاداكى
گۆل- گۆنەرتىلەر، آل قانا بۇتائىر. «مىرم»
قىشقىراق، اۋزۇن، بۇيۇك آناسىنا يىتىرىپ،
اۋنۇن دىزلىرىن قۇچاقلايىر... اۋز
قىشقىرتى سىندىن مىدى، يۇخسا
«صادق»ىن كىندىن، آنجاق اۋىتىرىندىن
سېچىرايىب، اۋزۇن اۋتاغا يىتىرىر. «صادق»
قان تىر اېچىندە، گۆزلرىن تاۋانا دىرەيىب: «دى
گۆر نە قەدەر چابالايتىب، «مىرم»! گۆر نە
قەدەر چىرىشىپ، «مىرم»! جۆملەسىنى
تىكرار- تىكرار دىدىكىدە، سانكى، چىلغىن
روھونا سىغىنچاق آختارىر. «مىرم» مېخە
قاچىر. بىر قاپ سۇ ايلە قايىدۇر. سۇيۇ
«صادق»ىن اۋزۇنە چىلەيىب، اۋنۇن اۋزۇنە
گىرىر. «صادق»، آستا- آستا تۇختايتىب
اۋيۇر

گۈز نىچە زۇققولدايۇر، بىئىنىم!... بىئىنىم،
 تىپەنىپ سىياۋوش. يۇخ داي... يۇخ، مەن
 دۆزلەن دىنىلم. داي مەن دۆزلەم، سىياۋوش»
 دىئە، سوسور. سىياۋوش، «مىرىم»-سە سارى
 دۇنۇر: «تېسى چۇخ يۇخارى دى»-دىئە،
 سويونان دىسمال ايستەيىر. «مىرىم» بىرلەين
 سو، بىر دىسمال، بىر شىشە آلکول گىرير.
 سىياۋوش دىسمالى ايستادىر، «صادق»-ين آلئىنا
 قۇيۇر. «صادق» دىسمالى آلئىندان آتىب
 باغىرير: «بۇشلا بابا، بۇشلا مەن! مەن دۆزلەن
 دىنىلم... مەن دۆز... مەن دۆز...». سىياۋوش
 اۋنون چىيىنىدىن باسىر: «دى داينان، قۇي
 قىزدىرمانى ئىندىرىم. آخى!» دىئە، اۋنو
 ئىنى دىن ياتىردير. «صادق»، آغىر نەفس آلا-
 آلا زار ئىلدا تاراق، سايىقلايۇر. «گۈزۈمۇ
 يۇمورام، گىلير يۇخوما. ال چكىمىز، گۈلۈز
 مەن... اۋ... اۋ مەن سىققەلىمە گۈلۈز. آ سىندە
 كىشى سەن! سەن... سىندە دە، شەرف وەر، يۇخ،
 يۇخىدور. دۆز... دۆز دىئىر اۋ، يۇخىدور...
 يۇخىدور. گىرىب مەن بىئىنىمە، سىياۋوش.
 بىئىنىمدە چابايۇر اۋ، چىرپىش سىياۋوش...
 چىرپىش...!»

سىياۋوش، ھەدە، اۋنون آتاقلاين
 تىشتە سىرلەدىر. آمما قىزدىرما، ئىن
 دىئىل. «صادق» ئىلەجە سادالايۇر: «كىشگە...
 كىشگە گۈرمە ئىندىم اۋنو. آخ يانداخ كۈلۈ...
 يانداخ كۈلۈ...»، بىر يانداخ كۈلۈن، الئىندە
 شىخىب ساخلايۇش، دىك مەن سارى، ئىلە
 اۋجور... ئىلە اۋ خالدا، قۇلو قورويۇب،
 قالمىشدى... ئىلە بىل مەن وئىرىدى، ئىلە بىل

. «مىرىم» ايسە، اۋنۇدا گۈزدۈيۇر، اۋشاقلىق
 خاپىرەسىنە، ئىنى دىن مۇراجىعت ائىدىكىدە،
 خۇرۇزۇ بىر داھا، دىئىندە يارادىر:
 «سەھرىن آلا تۇرايىنىدا، خۇرۇز
 خۇجانيشىن دە قۇرۇر ايلە، باشىن دىك
 توتۇب سۇكۇتو ياران بانى ايلە، ياتانلار
 آيلىتماغا چاغىرير... سۇنرا سالاخ مەن...
 اۋنون رەھىم سىز ئىچاغى... «مىرىم»-ين،
 اۋرەيى سىخىلير، گۈزلى ياشايۇر...

درىن دۇيغۇلار دالمىش «مىرىم»، زىگىن
 چاينماسى ايلە، آيلىر. دۆكۈر-دى،
 «نەجە سىز «مىرىم» خاتىم»-دىئە، اىچەرى
 گىلير. «مىرىم»-لە بىرلىكىدە اۋتاغا كىچىرلر.
 دۆكۈر، تىختىن قىراغىندا اۋتورۇر. الين
 «صادق»-ين، آلئىنا قۇتۇب، سىلەيىر:
 «صادق... «صادق»، مەن سىياۋوش. دور
 گۈزۈم نەيىن دى!» «صادق»-ين گۈزلىرى
 آچىلير. قىزارمىش گۈزلىرىن چاشىيەسى
 شىشىب پۇرتمۇشۇر. قىزمار نەفسىندىن،
 پۇرسەلەمىش دۇداقلاي چانلايىب، شىرپىم-
 شىرپىم اۋلمۇشۇر. اۋزون زامان دىنمىز-
 دايىشماز، دۇنۇق باخىشلا، دۆكۈرۈ سۇزۇر.
 سۇنرا سۇرۇشۇر: «سەن دە! گۈزدۈن اۋنو؟
 گۈزدۈن نە گۈنە سايىلار؟! دىئىرەم آخى
 بى شەرف قىچىندىن نىنە بىس؟!... دىئىر... دىئىر،
 اۋشاقلاين اللرى اسىب، سۇزە باخ، سۇزە!
 اۋشاقلاين اللرى اسىب. باخ سۇزە... باخ
 سۇزە!»

الين اۋزادىب، دۆكۈرۈن الينە ياپىشىب،
 اۋزۈنە سارى چكىر: «الوى بىر قۇي باشىما،

سیاوشون گۈزلى قالىن ئىن گۈللىرىنى
 زىللە ئىپ، باشىن قالدیرمادان سۈرۈشۈر:
 «خوب نه دئير؟» «مریم» ین سسی، سانکی،
 قویودان چىخیئر: نه دینه جک: الآن
 دندیکلرین قاتیر قاریشدیریر. بیر سۈزۈ
 بلکه یۈز دفة دئیر... من نئیلە ملی یم؟
 قۈرخورام دۈکۈز... قۈرخورام، دلی اول
 آخیر... «مریم» قهر بۈغور. سیاوش،

قالمىشىنى اوتور. نىچە لحظه سۆكۆت ايله اوتورور. سياوش باخىشى ايله «صادق» دن جاواب ايسته يير. «صادق» دئير: «ايستيرم گندم، آما شيمالا گنتمك، ايسته ميرم. من ايسته ييرم، بوزقوشا گندم. «مریم» ى من اوردان نئيله ييم. اويادا من تار- تاتىشىم چوخدور. آما آروادىلان جور گلمز. به! دوزون ايسته سن ايسته ييرم بير موددت تك اولام. تكليرك اختاريرام. فقط ايسته ييرم تك اولام. ناراحت اولما «مریم»، بو منه لازيمدئ. من بير ساينخاش يتر اختاريرام، بير آز فيكىرلشم. بيله خره، من اوز تكليفى مى گرک موشخص ائله ييم. آخى من بو دوتيادا نه چى يم. سن دىء سياوش، من نه چى يم... نه چى يم؟». «صادق»، سوزون بيتيريب سوزوجو گوزلرين، سياوشا تيكدى، سياوش ققيلدن طرح اولونموش سواين آرديندا، «من نه چى ام؟» سوزو اوتاغين فضايندا هرلنير، قاسيرغا كيمى تاوانا، دره- دووارا ده ييب قايدير و اونون، عكس صداسى سياوشون قولاغيندا سسله نير: من نه چى يم، ياناغينا آخان ياش و نهايت بيردن- بيره آچيلىب، هر نه اوره يينده وارسا، انشىگه توكمه سى بير نىچه آنلىق اولورسا دا، سياوشو بو بورولغاندان قورتاير: «... منى بو حالدا قوتوب، گنتمه... من سنن ده پيس گونده يم، «صادق»... بس من نن، نييه قاچيرسان...؟». «مریم» داتيشير. آما سياوش اونون دئيدىگى نين، اونون گيلايه لر ييني بيرين انشيدير، بشين

هئچ نه دئمه دن قوتور، «مریم» اوره يين بوشالدير. «مریم» گوزلرئ نين ياشين سيليب، سارسيلمىش حالدا، دوكوره باخير: و نئيله مه لى ييك دوكوره؟- دئيه، گوزلرين سياوشا تيكير. سياوشو، شايد انوده توختادا ييلك، آنجاق، اگر بيمارستانلىق اولسا، بوردا ياتا بيلمز، بوردا ياتسا، ايش چيخاردار»- دئيه، كوكسون اوتورور.

گونلر بير- بيرى نين آردينجا گلير، سوزوشور. سياوش، هر گون «صادق»- ه باش چكىر. اونون داوا- درماينا چايشير. «صادق» ايسه، ايندى، نه، قيزدير، نه سايىق لايشر، نه ده، قيشقيرير. آنجاق، او هئچ بير سوز داتيشير، دائيم توموب، فيكره دائير. سوسقون حالدا، گوزو بير نوقطه يه ديرنير، اوز ايچينده ياشايشير. سانكى سون گوزوشده سياوش اونو محبتكه سوزوب. سونرا دئير: «شوكور آلاها داي حاليين ياخچي لاشيب. من دئيرم، ياشاسان «مریم»، اليندن، بنش- اون گون گنده سن شيمالا. قوتى بير آب- هاوون ديشيلسين.

«صادق» اونون جاوابيندا دئير: فعلن كى ايستيفامى يوللايمشام ايداره يه، اونون جاوابين گوزله ييرم. آه چكه رك، ايدامه وترير: «اونان سونرا گوزوم نئيله مى يم».

بو لحظه، «مریم»، سوزه قاريشير: «تصميمى وار گنده، آما تك گندير. منى آپارماق ايسته مير. دئيرم تك گنتمس، من نيگران قاللام، آخى...». «مریم» سوزونون

اۈزۈنە گلىر: «من هارا گئىدىم؟» يۈلو
ايشتىاھ گلمىشم!- دىيە، گئرى يە دۈنۈر.
زىل قارائلىق دىر. گۈزلىرى ياخشى
سئچمىر، گۈزلىرىن اۈوشدوردو. اۈچ-
دۈرد يۈل، گۈزلىرىن، مۈحكىم يۈمۈب آچىر،
سۈنرا يۈلا دۈشۈر...

ائىتىمىر. اۈ اولدوغو فسادان، چىخا
بىلمەيىر. «صادق» ايسە... تۇختاقلىغا
چاغىرئىر. اۈنون اۈرەيىن آماغا، چالئىئىر:
«... من ايندى... من اۈزۈ... قاچىرام
«مرىم»... ياخشى اۈزۈن ايسە ئىرسن گل...
ياخشى...».

آمما، سياۈوش، اۈز عالمىندە دىر. اۈز
ايچىندە چىرئىئىر. بۇغولان بىر آدم تىك، گاه
سۈيۈن آلتىنا گئدىر، گاه اۈزە چىخىر. ھردن
بىر كىلمە، يۇخسا بىر جۈملە ائىدىر. ھر
شئى سئچىر. ئىنىدن اۈزۈنە دالئىر. اۈنجا
اۈتاغىن تاۈانى گئىدىكىجە آچاقلاشئىر،
دوۋارلار ياخىنلاشئىر، اۈتاق كىچىلىر، فضا
دارالئىر.

سياۈوش، ھاجان ائۈدن چىخماسئىنى
دوئىمادان، اۈزۈنۈن ائىكىدە اۈلماسئىنى،
حىس آللەيىر. گئىجە، يارىئىنا ياخىنلاشئىر،
يۈل سائىخاش، شەھر دىنچ دىر. تىكە- تۈك
آدام گلىر- كئچىر، آمما سياۈوش اۈنلارئىن
ھئچ بىرىسىنى گۈرمۈر. «من نەچى ئىم؟»
سۈزۈ اۈنون قولاغىندا سىلەنر.

«صادق»، اۈنون آردىنجا گلىر. اۈز
سۈرغوسون، تىكرار- تىكرار سۈرۈر.

سياۈوش بىر آن حىس آللەيىر: بو
«صادق» ئىن سسى دئىيل. بو اۈنون اۈز
سىدى. ھۈيۈخور ئان يۈزەسىنە باخىر،

نگاهی گذرا به سیر نقاشی در آذربایجان

وجیهه فکور (صرافی)



اشاره: مقاله‌ای که ذیلاً مطالعه خواهید فرمود در تاریخ بیست و چهارم مهر ماه ۱۳۸۲ در مراسم اختتامیه نمایشگاه آثار نقاشی هنرمندان آذربایجان در فرهنگسرای بهمن تهران ارائه گردیده است.

ضمن خوش آمد گویی به عموم هنرمندان و هنردوستان حاضر در این مراسم، و با تشکر از مسئولین محترم فرهنگسرای بهمن، و نیز انجمن‌های ادبی، هنری دانشجویی که با تلاش مستمر و مشترک خود در برگزاری نمایشگاه آثار گروهی از هنرمندان استانهای آذربایجان شرقی و اردبیل، به تجلیل از نمایندگان هنرهای تجسمی این خطه پرداخته‌اند و با کسب اجازه از اساتید خویش که با حضور خود، به قدر و قیمت این مجلس افزوده‌اند، می‌خواهم نگاهی گذرا به سیر نقاشی در آذربایجان در تاریخ قرون وسطی و همچنین در دوران معاصر داشته باشم.

قدیمی‌ترین نقاش دوره اسلامی در تاریخ کشورمان، مؤمن محمد خویی است که در قرن هفتم (حدوداً ۷۰۰ سال پیش) می‌زیسته. او نقاش و خطاط کتاب ورقه و گلشاه عیوقی است که کتاب مزبور قدیمی‌ترین کتاب مصوّر موجود در تاریخ ایران محسوب می‌شود. حدود یک قرن بعد از مؤمن محمد خویی، موج نیرومندی از نقاشی در آذربایجان بر می‌خیزد که از آن تحت عنوان مکتب اول تبریز یا آذربایجان می‌توان نام برد.

در این دوره که مصادف با دوره قازان خان و اولجایتو است در جوار تبریز شهرکی بنام ربع رشیدی توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله برای علما و هنرمندان تأسیس می‌شود. هنرمندان بسیاری از اطراف و اکناف مشرق زمین روی به ربع رشیدی می‌آورند و خود خواجه به نگاشتن

جامع التواریخ می‌پردازد که شرحی است بر اساطیر و تاریخ و قبایل ترک و مغول. همزمان با نگارش جامع‌التواریخ، نقاشان تحت نظارت خواجه به مصوّر ساختن کتاب او می‌پردازند. علاوه بر آن شاهنامه‌ای در این دوره در تبریز مصوّر شده است که اوراقی از آن در دست است. از جمله خصوصیات بارز مکتب اول آذربایجان، قیافه‌های ترکی-مغولی با لباسها و جنگ‌افزارهای خاص آن دوره و نقوشی چون اردهاست که از نمادهای شمنیستی (مذهب پیش از اسلام ترکان) می‌باشد. همچنین از مشخصه‌های مهم نقاشی این دوره توجه به حالات عاطفی، حرکت، حجم و عمق تصاویر است، مکتب اول آذربایجان که به تعبیری اولین مکتب نقاشی ایران نیز شمرده می‌شود تأثیر مستقیمی در مکاتب بعدی خود، یعنی مکاتب شیراز و بخصوص مکتب هرات دارد چنانچه در دوره وزارت امیرعلیشیر نوایی در دربار تیموریان، نقاشانی از تبریز به آن شهر می‌روند که در میان آنها می‌توان از پیر سید احمد تبریزی نام برد. وی استاد و معلّم کمال‌الدین بهزاد نیز بوده است.

در ابتدای دوره صفوی مقارن با حکومت شاه اسماعیل و شاه طهماسب مکتب دوّم نقاشی آذربایجان شکل می‌گیرد که نمایندگان آن آقا میرک، سلطان محمد، میرسیدعلی، میرزاعلی، مظفرعلی و بالاتر از همه کمال‌الدین بهزاد هراتی بود که گویی برای ادای دین خویش به استاد تبریزش، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری مکتب دوّم نقاشی آذربایجان ایفا نمود. از مشخصات مهم این مکتب، فضا سازی چند ساحتی، رنگبندی موزون و متنوع و درخشان، عدم تمرکز ترکیب‌بندی بر شخصیت اصلی داستان، با نمایش همزمان رویدادهای اصلی و فرعی و توجه به واقعیت و برقراری ارتباط میان آدمها و اشیاء و محیط و حضور افرادی با کلاهها و عمامه‌های مخصوص قزلباشهاست.

در این دوره، نقاشی در آذربایجان چنان گسترش می‌یابد که بسیاری از شیفتگان نقاشی برای آموزش این هنر روبه تبریز می‌آورند. از آن جمله می‌توان به محمود نیشابوری محمد هروی، عبدالصمد شیرازی و محمد قدیمی گیلانی اشاره نمود. این دوره از نقاشی آذربایجان تأثیر بسیار مهمی بر نقاشی مکتب هند و اصفهان داشته است.

چنانچه بنیانگذاران مکتب هندی دو تن از نمایندگان مکتب دوّم آذربایجان یعنی میرسیدعلی فرزند میرمصور و عبدالصمد است که در دوره همایون شاه گورگانی به هند رفتند و بعدها فرخ بیگ نیز از تبریز به هند رفت و تداوم بخش مکتب نقاشی هند گردید. مکتب اصفهان نیز که در دوره شاه عبّاس صفوی شکل می‌گیرد، توسط نقاشان آذربایجانی: صادق بیگ افشار رضا عباسی، محمدقاسم تبریزی و سیاوش بیگ، بنیانگذاری می‌گردد.

بطور خلاصه در قرون وسطی، آذربایجان با به راه انداختن دو مکتب قوی نقاشی، در شکل‌گیری مکاتب شیراز و هرات و هند و اصفهان تأثیر چشم‌گیری می‌گذارد.

در دوره متأخر یا قاجاریه، علاوه بر تبریز باید از شهر ارومیه نیز به عنوان یکی از کانونهای نقاشی یاد کرد که با پرورش استادانی چون الله وثردی افشار اورموی، ابوالحسن و محمدحسن افشار اورموی خودی نشان می‌دهد. اما محیط نقاشی تبریز، تحت تأثیر مکاتب نقاشی غرب دچار دگرگونی می‌شود. گفتنی است که نخستین کاریکاتوریست‌های ایران از تبریز برخاسته‌اند. استاد طاهرزاده بهزاد و حسن محمدزاده در صدر انقلاب مشروطیت در روزنامه‌های طنز آذربایجان مرسوم به «حشرات الارض» و «زنبور» و نیز روزنامه «آذربایجان» نخستین آثار کاریکاتور خود را به نمایش گذاشته‌اند. همزمان با آن در تبریز خانواده آقامیر که نواده‌های آقا میرک معروف بودند اولین آثار رئالیستی آذربایجان را آفریده‌اند.

سید ابراهیم آقامیر نقاش چیره دست تبریزی معلّم نقاشی شاهزادگان قاجار بود. سه فرزند او سید حسین میر مصور، عباس رسام ارژنگی و مرتضی رسام ارژنگی هر سه از شاگردان پدر بودند که گوی سبقت را از وی ربودند. سیدحسین میر مصور و عباس رسام ارژنگی برای تکمیل تحصیلات نقاشی جزو نخستین ایرانیانی بودند که به روسیه رفتند.

استاد حسین میر مصور که کمال‌الملک در مقام احترام او را استاد خویش می‌خواند در سال ۱۲۹۷ یعنی (هشتاد و پنج سال پیش) در تبریز اداره صنایع مستظرفه و مدرسه صنایع مستظرفه (به تعبیر امروزی مرکز هنرهای زیبا) را تشکیل می‌دهد و مدیریت هر دو آنها را بر عهده می‌گیرد. استادان بزرگی چون علی اصغر پتگر، مرتضی نخجوانی و رسام عربزاده در این مدرسه آموخته‌اند.

از دیگر نقاشان بنام این دوره می‌توان از استاد علی‌اکبر یاسمی یاد کرد که از شاگردان کمال‌الملک بود. در آثار نقاشان این دوره تأثیر آشکار دستاوردهای نقاشی غرب در قالب گرایش به رئالیسم به وضوح دیده می‌شود.

متأسفانه مدرسه صنایع مستظرفه پس از هفده سال تلاش بی‌وقفه در اواسط دوره رضا شاه پهلوی در سال ۱۳۱۴ تعطیل می‌شود.

پس از جنگ جهانی دوم آذربایجانها به تأسیس نهادهای مدنی مهمی نایل می‌شوند که یکی از آنها موزه نقاشی موسوم به «بهزاد» بود. در این موزه ضمن دایر نمودن کارگاه نقاشی، نمایشگاه دائمی از آثار نقاشان معاصر آذربایجان ترتیب داده شده بود.

متأسفانه موزه نقاشی «بهزاد» در جریان یورش ارتش شاه کاملاً غارت و بطور کامل تعطیل گردید.

پس از قریب به پانزده سال دوره فترت در نقاشی آذربایجان، در سالهای دهه چهل دوره مدرن هنر نقاشی ایران با ظهور استادان نامدار این هنر منصور قندریز و صادق- تبریزی در آذربایجان آغاز می‌گردد. گفتنی است در همین دوره هانیال الخاص نقاش ارومیه‌ای نیز در محیط هنری تهران نقش مؤثری در گرایش به مدرنیسم بر عهده می‌گیرد. در این دوره نقاشانی از آذربایجان برخاسته‌اند که برخی از آنان راهگشایی‌هایی در هنر نقاشی در سطح کشور داشته‌اند که این مقوله خود احتیاج به بررسی مستقلى دارد.

در اینجا بی‌مناسبت نمی‌بینم به سر نوشت یک نقاش مبارز آذربایجانی حسن ذوالفقارزاده نیز اشاره‌ای کوتاه داشته باشم و به تعبیر دکتر رضا براهنی یکی از رازهای سرزمینم را باز گویم: حسن ذوالفقارزاده در سال ۱۲۹۷ در محله باغمیشه تبریز دیده به جهان گشود و هنوز کودکی بیش نبود که پدر و مادر و یک برادرش را از دست داد اقوام وی به علت فقر مالی او را به یتیم خانه تبریز سپردند و در آنجا مسئولین متوجه استعداد او در هنر نقاشی شدند و لذا اساتیدی چون میرزا آقاموئی و میر مصور و رسام ارزنگی کمر همت به تعلیم وی بستند. او اولین نمایشگاه نقاشی خود را پس از سالهای جنگ جهانی در تبریز برگزار می‌کرد و در آذر ۱۳۲۵ یکی از مدافعین سر سخت موزه نقاشی بهزاد از حمله اراذل اوباشی بود که به پشتگرمی نیروهای ارتجاعی حامی، به قصد برچیدن نهادهای مدنی آذربایجان در خیابانهای تبریز به راه افتاده بودند. او با تمام نیرو و از نقاشی‌های موزه محافظت و مدافعه نمود، معهدا دشمنان به گالری ریختند و پس از ضرب و شتم او کلیه آثار نقاشی را به غارت بردند. حسن ذوالفقارزاده تحویل نیروهای ارتش شاهنشاهی شد و چند روز بعد در دامنه کوههای پر برف سرخاب تبریز به همراه تنی چند از یاران خود به جوخه اعدام سپرده شدند.

شاهدان عینی این صحنه رقت‌انگیز می‌گویند:

او را برای آخرین بار از کوچه و محل زندگیش عبور دادند، بدین ترتیب او یک بار دیگر از فضاهایی که الهام بخشش بودند گذشت و به کوههای با صلابتی که با سکوت زمستانی خود غرق در حیرت بودند نگرست و به راه خود ادامه داد. تو گوی که می‌رفت تا زیباترین و پر معنی‌ترین شاهکارش را بیافریند او را از طریق دامنه کوه عینالی به سمت گورستان سرخاب بردند و در آنجا دستانش گشوده شد با گامهای استوار چند قدمی پیش رفت در حالیکه روبه قله پر برف سهند داشت با مشت گره کرده در مقابل دشمن ایستاد، در آخرین لحظات چیزی می‌گفت که در صدای شلیک گلوله‌ها گم شد. بدین ترتیب حسن ذوالفقارزاده در زیر آسمان مه آلود تبریز، بر بومی از برف و یخ با خون خویش آخرین تابلوی نقاشی‌اش را آفرید. او اولین نقاشی است که در مدافعه از هنر خویش به شهادت رسیده است. یادش گرامی باد.

در پایان می‌خواهم اشاره‌ای داشته باشم به درد مشترک همه هنرمندان نقاش: به تعبیر استاد هانیبال‌الخاص، فرهنگ دیواری در ایران بسیار ضعیف است. اغلب ایرانیها معمولاً کف اتاقهای خود را با پرداخت هزینه گزافی با فرش‌های گرانها فروش می‌کنند، اما به دیوار که می‌رسند از کوبیدن و پوستر فراتر نمی‌روند!!

آیا واقعا از خود پرسیده‌ایم که تاکنون از چند گالری نقاشی دیدن کرده‌ایم و یا چند تابلوی نقاشی خریده‌ایم؟

منابع اصلی مورد استفاده:

- ۱- روئین پاکباز دایره‌المعارف هنر (نقاشی، پیکره‌سازی، گرافیک) انتشارات: مؤسسه فرهنگ محاصر سال: چاپ اول تابستان ۱۳۷۸ محل نشر تهران.
 - ۲- آزادلیق یولونون مبارزلری.
- ضمناً اطلاعات بسیار ارزشمندی توسط دکتر صمد سرداری‌نیا و استاد یعقوب عمامه‌پیچ نیز شفاهاً در اختیار اینجانب قرار داده شده است که لازم می‌دانم تشکر قلبی خود را از این اساتید محترم داشته باشم.

خالق موسیقی سینین اینجی لری

مسمود فیوضات



مسمود فیوضات ۱۳۴۴-نجی ایله، اردیله انسان اولموشدور. یئیین یئتمه واختلاریندا، آذربایجان موسیقی سی و ادبیاتینا وورغون اولدوغو اوجون بویوک موسله آذربایجان خالق ماهنی لارینی، موغام لار و پشه کار موسیقی سی نین چئشیدلی اثرلرینه قولاق آسب، اولاری اویره نه نه چالیشمیشدیر. آذربایجان موسیقی ساحه سینده بیر نجه کونسرت پروگرامی کچیرمیش، شمعی، موسیقی آخساملارین قورولماسیندا ایشترک اتمیش و موختلیف نشریات لارا چئشیدلی مقاله لرله چبخیش اتمیشدیر. بو ساحه ده ان قاباریق ایشی ویرینجی بین الخالق آذربایجان علمسی- بدیمی موسیقی سیمیناری- نین کچیریلمه سی اولموشدور. فیوضات حال حاضیردا «اغل منوره» موسیقی قورونون باشچسی کیمی چالیشیر

هر خالقین اینجه صنعتی و گوزه للیسی و گوجلویو، او خالقین کیملیک، کچدی تاریخی یوللاری و پشیخولوزیک (معنوی حیاتی) اوزللیکلرینی عکس ائدیریر. آذربایجان خالق نشین اینجه صنعت گنجینه سی نین زیروه سینده دوران خالق موسیقی سی، اونون تاریخی و ایندیکی حیاتی بین جانلی ترنومچوسودور. آذربایجان شیفاهی عنعنه ته اساسلانا پروفسیونال (پشه کار) موسیقی، تاریخ بویو داهی صنعتکارلارین تشبوتو، یارادیجیلیق گوجو و ایمروونزاسا (بدیه نوازلیق) باجاریغیندا آسلی اولاراق، تکامل تاپیب و ییزیم دوزوموزه گلیب چاتمیشدیر. آذربایجان موغام موسیقی سی، تاریخ بویو خالقیمیزین معنوی حیاتی، دنیا گوروشو، دوشونجه، عادت- عنعنه لری، پشیخولوزیک (معنوی) و پشداقوزیک (تربیه وی) خصوصیتلرینه باغلی اولاراق، هر بیر خاص دوزده، بیر خلاقیتلی صنعتکار یا صنعتکار قورولاری ایله بزه نیب، اوزونه مخصوص یون و یول سنجیب و ایندیکی دوزوموزه گلیب چیخمیشدیر. بونو قطعیتله دئیه بیلیریک کی، آذربایجان خالق تاریخی بویونجا، بوتون آجیلی، شیرینلی، اوغورلو، اوغورسوز حادثه لرینی و عوموم خالق دوشونجه لرینی آپ- آیدین اوز میللی موسیقی سینده عکس ائتمیشدیر.

حتا موغام موسیقی میزین، مرثیه- نوزحه بولومو ده آذربایجان خالقین شیعه چیلیک تفکورووندن قاناییب، فورمالاشمیشدیر. واختله آذربایجان و ایراتین بویوک سرکرده سی شاه اسماعیل ختانی آذربایجان تورکجه سین اۆلکه ده رسمی لشدیریب، انله جه ده شیعه چیلینی اۆلکه نین رسمی مذهبی کیمی اعلان ائدی. اوندان قاباق و اوندان سونرا داها چوخ قوتله، خالقیمیزین شیعه چیلیک و ایمام حسین (ع) سؤهرلیک دوغولاری، موسیقی میزین ایچینده اوزونه موحکم یئر آچیب، موختلیف نوزحه و مرثیه هاوالاریندا اوزونو گؤستریمیشدیر. خصوصیه سه گاه دزگاهیندا

چوخلو بیزیم نۆوحە- مرثیئە پارچالاریمیز یارانمیشدیر و بیزیم گۆجلۆ نۆوحەخانلاریمیز سەگە اۆستۆندە اۆرەک یاندیرمیش چىخیشلار ائتمیشلر. سەگەھدا سئودالى و مئیدان اورتاسیندا بیر اولومون اغیرلاماسیندان سۆز گئیدیر و بو اولۇملە طبیعت ایسە اولۇر... ھلە دە ترحیم مجلسلرینین، اغیرلاما و تعزیتەخانلیق ییغینچاقلاری تین نۆوحەلری سەگە و اونون گۆشەلری مرثیئەلریندە ایجرا اولونوب و یاخود قاتار و اونون ھندە و زیندە اوخونور. آھنگ مضمونو و شئەرلرین مھومو عشق مۆقدەس لینی، عیرفان و آغری دۆزۆمۆ آماج یۆلۈندا یانماق، معشوق یۆلۈندا چالیشماق سون نەفسە قەدرە فداکارلیق، آتاقدان دۆشمەمک و ایستکدیر. ائلەجەدە بیر چۆخ ماھیتلاریمیز، کۆتلەلرین عصیرلر بۆیۆ ایجتیماعی و مۆختلیف زامانلاردا باش وئرنە حادیشەلردن کۆکۆنۆ آلیب. ایندی دە بیزە او حادیشەلردن داتیشماقدادیر. میثال «سارا» ناغیلی فئودالیزم دۆزۆندە باش وئرمیش کۆتۆرەدیجی بیر حادیشەدن دۆغوب، بیر گۆزەل فۆلکلۆر نۆمونەسینە چئوزیلیب و اۆز عکسینی سەگە تصنیفی اولان «آپاردی سئلر ساران» ماھیتسیندا تاپمیشدیر. ائلەجە «قاچاق نەبی» ماھیتسی ھمین دۆزۆن، ظۆلمکارلیق علئتیھنە اولان اکینچی- کەندچی حرکاتنی تین حیکایتچی سیدیر. تاریخ بۆیۆ، سئودا یۆلۈنا صداقلە قەدم قۇیان، اۆز حاققینی اینیدلیکلە مۇدافیعە ائدەن، ایجتیماعی حیاتدا عایلەلرینین روزوسونو قازانماق اۆچۆن، یۆرولمەدان چالیشان، اۆز تۇپراغنی تین قۇرۇقۇندا شۆجاعتلە دۆیۆشۈن اینسانلار، یقین دیرکی بئلە بیر حادیشەلرین عکس ائندیرمەسینە، لازیمی ایستەدەد، باجاریغا و یارادیجیلیق گۆجۆنە مالیک اولای بیلرلر. و آیدیندیرکی، اینجە صەنعتین مۆختلیف نۇطری، شئەر، ادبییات و فۆلکلۆریک موسیقی کیمی فۇرمالاردا، خالقی تین حیستاتنی تین فۇرمالاشماسینا، تۇپلائیپ، جیلالاتیب و نسیلدەن- نسیلە کۆچۆرۆلمەسینە بۆیۆک ایمکانلار یارادیر.

یوخاریدا ئندیکلریمیزین بیر جانلی میثال ایسە، بیزیم گۆزل و ھیتجان یارادیجی موغاملاریمیزدان بیرى اولان «چارگاہ» دیر. البتہ بو حاقدا سۆز اولدوقچا گئیش آچیلای بیلر؛ لاکین بو کیچیک یازیدا اولارین ھامیسینا واخت یۆخدور. تەجە بونا ایشارە ائتمک کیفایت دیرکی، آذربایجان خالقی تین کئجمیشدە باش وئرنە اینیدلیکلر، تۇپراق، شرف، آد و ناموس یۆلۈندا یاراتدیغی حیماسەلر، قانلی دۆیۆشلر و آمانسیر مۇباریزەلر چۆخ گئرچک ضعیئتدە اۆز عکسینی چارگاہدا تاپمیشدیر. چارگاہ تین قورولوشو حتا «در آمد»، «برداشت» و مائەدن باشلا یاراق و «بستەنیگار» شۆعەسینی بیتیریب و «حاصر»- ا داخیل اولاراق، سونۇندا «مۆخالیف» و «منصوریت» دە بیتەرک، حاق و باطل قۆۋەلری آراسینداکی باریشماز مۇباریزە و قارشیشمانی آچیق- آشکار گۆستریب و نہایت حاق قۆۋەلرینی قەلە چالماغیلا بیتمیشدیر.

ایضاحلار:

۱- improvisasya حاضریشلەمەدەن شئەر یا نطق سۆیلەمە، ھاۋا اوخوما یا موسیقی چالماق.

۲- مقدمە ای «بر کتاب ددە قورقودە میرعلی سید سلامت صفحە ۱۹۸.

خالق ماهیتیسی

«سودان گلن سۆرمه‌لی قیز»

سودان گلن سۆرمه‌لی قیز چوڭ اینجیدیر کۆزه سنی بالا
آی جامالین شوعله سالیر گلمه‌یه‌سن گۆزه سنی- بالا

* * *

کۆزه‌نی بۆتونندان آشیر ساچین دابانسا دولاشیر- بالا
نه گئیسین یاراشیر گلمه‌یه‌سن گۆزه سنی- بالا

* * *

کۆزه سویو شربت اولار بولاق اوسته صوحت اولار- بالا
منسیر سنه زحمت اولار گلمه‌یه‌سن گۆزه سنی- بالا

ایضاح:

ماهیتیسی مثنی «قافار ناماز علی‌تسو»- ین «آذربایجان خالق ماهیتی و تصنیف‌لری»
کیتابیندان آلینمیشدیر. همین ماهیتیسی‌نین باشقا بیر واریانتیندا (داها چوڭ اردییل و موغان
بۆلگه‌لرینده اوخونور) بیرینجی بیتیندن سونرا سۆز بئله گلیر:

کۆزه‌نی الیندن آلام قولومو بۆتونسا ساللام- بالا
سنسیر من ننجه دولاننام ائی بو گلن یارین اوزودور- بالا

گۆزلری جئیران گۆزودور- بالا

م. فیوضات

تاختالى كۆيدىن مکتوبلار

عزيز نسين

چئورن: اسماعيل شىخلى

كۆچۈرن: بابك آرش

بىرىنجى مکتوب

سئوئىملى انششك آرئىسى!

مکتوبومو آلتىنجا بىلىرم تەججۆبلەنە چكسن. «بىز اۋنو نال لارئ دا چۆرۆمۆش بىلىردىك، گۆرە سن هانسئ آخىردان چىخدى»- دئىتە حئىرتلەنە چكسن. حئىرتلەنە تاختالى كۆيدەيم. سەنە بو مکتوبومو دا اورادان يازىرام. بىر زامان ئىر اۋزۈندە ياشانان بۆتۈن بۆيۈكلەر ايندى بورادادىرلار. مەن دە اۋنلارئىن آراسىندا ئام. مەن ايندى منىم دالئىمجا: «ساغلىغىندا قدرىنى بىلمەمىشىك»- دئىتە، دىزلىرنە دۆئىسن، حاقلئى سان.

«كۆر اۋلندىن سۇنرا بادام گۆزلۈ اۋلور» سۆزلىرىنىن مەناسىنى اۋ كۆر قالماش دۆنيا قدرى بىلىنمەنلرئىن سۇن منزىلى تاختالى كۆيە گلىنچە چۈخ باشا دۆشدۆم. آنلادىم كى، منىم اۋلۆمۆمدىن سۇنرا بورنومون اوجوندان اوزاغئ گۆرمەين گۆزلىرىمە «سۆرمەلى گۆزلر» «باخىشلا جان آلان گۆزلر»- دئىتە تەرىفلر سئوئىلمىش لر.

دۆنيادا اذىت چكدىيىنە گۆرە، اۋزۈنۈ اۋزەم. اۋلندىن سۇنرا قۇشتلردە سنىن حاقتىندا دا «بىزە عۈض سىز بىر ايتكى اۋز وئرمىشدىر»- دئىتە يازاجاق لار. ساغلىغىمىزدا بىز يۈخسول لارئىن قدرىنى بىلمىرلر، هئىچ ئىردە ئىر وئرمىرلر. اۋلندىن سۇنرا سەن دە ساغلارئىن قلىبىندە ياشاىاجاقسان. اۋ دۆنياداكئ ئىرئىن ايسە، انششك جئنى اۋلاجاق. مەن بورادا ياشاىاركن، ساغلىغىندا ئىرى- يوردو اولمايان، امما اۋلندىن سۇنرا ئىرى بۇش قالان، «عۈض اندىلمز» انششك قارداشلارئىندان بىرى باشىنا گلنلرى داتىشدى. ايسىتى بىر گۆنۈمۆش. انششەينى تامان يۆكلەيىب لرمىش. يۆكۆم آلتىندا لەلىتە- لەلىتە گئدىن انششەين يۈلو بىر دنيز كنارئىنا دۆشۈر. ساحىلدە كى يايلاقدا هۆندۈر ائوئىن قاباغىندىن كئچركن اۋستۈ چتتيرلى ائىئۇندا داتانان بىر انششك گۆرۈر. انششك دىش گۆنئەندە، بۆز كىمى سۆيۈق اىچكى دن ترلەمىش بادەنى اىندە توتوب، قورتوم- قورتوم شراب اىچىر، آرا بىردە پاپروزونو تۈستۈلە دىرمىش.

يۆك آلتىندا لەلەين، قان ترە باتمىش انششك ائىئۇندا خففى كۆلەين آلتىندا اۋتوروب اىچكى انششەيە حسرتلە باخاراق: اۋزۈنۈ نە تامان دارتئىرسان، نە اولوب؟ ئىر اۋزۈندە سەن دە ياشاىئىرسان مەن دە- دئىتە. ائىئۇنداكئ انششك يۆك آلتىندا لەلەين انششەيە بئلە جاۋاب وئردى:

- یا شاماق! دئیته قیشقیردی!

- سوس! سنین بو آرزون «بیر صیفتین دیگر صینفلر اۆزه رینده آغالیغی نئ قورماق» دئمک دیر.
- قلیمده کی سس سوال کیمی اؤنو اۆسته له دی.
- بو نجه ایل ده آت قویروغوندا میلچک کیمی یاشادین بو دۆنیادان نه قاندىن کی، اوندان ال چکمک ایسته میرسن، آئی آلدانمیش!
- گۆز لریمی یومدوم و «ابدی ایستیرا حته» چکیلیم. یۆل کناریندا کی خنده یه اوزاندىم. یۆلدان کئچن بیر آدام دایاندى، بۇرۇمه بیر ایکی تپیک ووروب منده بیر حرکت گۆرمه دیکده اۆست باشیمی تۆكۆشدۆردۆ. جیبیمی ائشه له ننده قیدیغیم گلدی، اما اولۇ اولدوغوما گۆره سسیمی چىخارتمادیم. او جیب لریمده پول تاپمادی. سات، اۆزۆك آلیشقان، خۇدنیویس کیمی شئیلرده گۆرمه دیکده اۆزومه تۆپۆردۆ. یۆلدان کئچه نین بیرینی ساخلادی:
- بورادا بیرى اۆلۆب اما اؤنو آدام سائماق اولماز- دندی. پۇلیسه خبر وئردیلر. پۇلیس گلدی. جیبلریمی تۆكۆشدۆرهن آدام درحال دیللندی. اۆستۆنده هئچ نه یی یۆخدور. کیملیینی تعین ائتمک مۆمکۆن دئییل.
- من بو سات! بو سات اؤنون کیم اولدوغونو تعین ائده رم- دئییه پۇلیس آرخائینلیقلا دیللندی.
- بلکه تعین ائده بیلمه دینیز؟
- بیز بونلاری بۇش یئره گزدیردیک- دئییه، پۇلیس یاخاسیندا کی نۆمره نی و بلینده کی تاپانچانی گۆستردی- بیز یئل دن نم، شلدن یئم چکیریک.
- آخی بونو نجه ائده جکسینیز؟
- داتیشدیرا جاغام.
- اۆلۆ ده داتیشارمی؟
- بو بیزیم صنعتیمیز دیر. دیرینی هامی داتیشدیرار- اوغولسان اۆلۆنۆ داتیشدیر. ایندی من بو اۆلۆنۆ داتیشدیریم، سن ده گۆز. بیر اۆلۆلری یۆخ، قیر داشلارینی دا داتیشدیر یریق. هم ده ائله داتیشدیر یریق کی، ائله بیل کئف مجلسینده غزل اوخویور.
- آرادیلار، آختاردیلار، جیب لریمده فاتح لی بیر قیزا و بورسالی مۆعللیمه یازدیغیم، شعرلری تاپدیلار. پۇلیس شعرلری گۆرۆنجه:
- حریف شاعیر ایمیش- دندی- بو شاعیرلر داتیشماغا باشلادیلارمی، یئددی دۆولتین پۇلیس لری تۆكۆلۆب گلسه ده سوسدورا بیلمزلر. پۇلیس شعرلری گۆتۆردۆ، منی خنده کده قۇیوب گئتمک ایسنه نده خئیرخواه بیر آدام نه اوچۆن شعرلری گۆتۆرۆب مئشیتینی خنده کده قۇیماسی نین سببین سۆرۆشدو.

پۇلىس جاۋاب وئردى:

- شىعر دىندىيىن شى چۇخ قارما قارىشىقدىر اوندان باش آچماق چتىن دىر. ىنى شىعرلر تاپماجا كىمى اولدوغوندىن نه يازان باشا دۆشۆر، نه ده اوخوتان. اونا گۆره بىزده ان چۇخ شىعر اوخوتانلار سىياسى پۇلىسلردىر. بلكه بو شىعرده ده زىيانلى بىر فىكىر وار. بونو آيدىنلاشدىرماق اوچۇن سىياسى شۇعبە يە آپارمالى ئام.

اوندان چىخىپ گىتدىلر، من ىننه خنده كده قالدىم.

باخ، سئوئىملى انىشك آرئسى، من بله اولدۇم. آمما بونون لا ايش بىتمەدى. اولمك سە آسان گلەمە سىن. يۇخ گۆنلرىن بىر گۆنۆ، اينىشاللاھ اولندە باشا دۆشەجكسەن كى آنادان اولدوغونا بىر پىشمانسان سا، اولمە ىنە مېن پىشمان اولاجاق سان. دۆنىتائىن ائله بىر ىترىنە، ائله بىر دۆرۆنە گلەمىشك كى، نه آدام كىمى ياشاينا بىلىرسەن، نه ده اوله بىلىرسەن.

سۆنراكى مکتوبلارئىمدا مئىتېمىن باشىنا نەلر گلدى ىنى يازاجام. مېنى آختارېپ سۆروشانلارا سالامىمى ىتتېر. «مېنى سۆروشان اولسا» دندىم يادىما دۆشدى- آما ىن بىر گۆنۆدۆر، گۆزۆنۆ ىتتېم، بۆرجلو اولدوغوم آداملارا ىترىمى دىمە. سەن تائىتېرسان اونلاردان بىرى وار، بۆرجونو آلماق اوچۇن اولۆب بىر باش ياتىما گلر. مېنى بورادا، ىمنى «ابدى اىستىراحتگاھىمدا دا» راحت قۇيماز. سەن آلاھ ائلەلرىنە مئىم عۆنۆتىمى وئرمە.

دۆستون، اولموش انىشك.

بیردن - بیره

عمران صلاحی

ساغلیق

باکی تا گنتمیشدیم، علی بابا حاجی زاده‌نی گوردوم. قشنگ فارسی داتیشیردی. حاجی زاده حیکایه و رومان یازیر. «افسانه سیز ایللر»، «ایتگین گلین» اونون تاینمیش رومانلاریندان دیر. «افسانه سیز ایللر»ین دوردون بیرینی من فارسی تا چنورمیشدیم، فرزانه نشری نین سیفاریشی ایله کیتابی او ترجمه ایله وئردیم اوزلرینه، بیلیمیر هارا یتیشدی.

حاجی زاده چوخ زارافات چی و شوخ آدم ایدی. دئیردی سلیمان رحیم اوو آذربایجان رومان یازانی بیر رومان یازمیشدی، اون آلتی-اون یتدی جیلده. بو مۆناسیته بیر مجلس قورولدو. مجلس ده هامی ایستکانلاری قالدیردیلار و دندیلر:

— ایچک سلیمانین باشی تین ساغلیغینا و بو باش نه گۆزل فیکیرلر یارادیب. بیر قالدی دندی: «ایچک سلیمان دینی نین ساغلیغینا. او ائله یه بلیب بو دینی یتره قویا و بو عظمت ده اثر یارادا!».

بئچارای نظامی

باکی دای نظامی-ی گنجوی یه اوره نیم یاندی. اوزادا ان یوخاری پول «شیروان» دیر و ان آساغی پول «نظامی». «نظامی» نی فقط توالته گنده خراج لیرلر. اوتایدا هر یتردن چوخ توالته لرده نظامی وارا!

سانسور

علی بابا دئیردی: بیزه سانسور لازیم دئیل. جاماعات کیتاییمیزی اوخومور. بو اوزو بۆیوک سانسوردور. دؤولتین ده زحمتی آزالیب!

ناراضی چیللق

بختیار واهاب زاده دئیردی: آدم گرهک همیشه اوزوندن ناراضی اولسون. من ده چوخ اوزومدن ناراضی یام و بو ناراضی ییغا چوخ راضی یام.

نه وارا؟ نه وارا!

رانتده تعریف ائدیردی کی بیر گۆن سفرد، ناواری قویموشدوم ضبطه، موسیقی یه قولاق آسیردیم. بیردن-بیره بیر مؤحترم آغا دوردو آتاغا، دندی:

— کس بو موسیقی نین سسین.

من ده ضبطی سوندوردوم. سؤنرا باشلادیم قیقاجی گنتمه یه. بو یانا گنیدردیم، او یانا گنیدردیم. همن آغا یتنه ده دوردو آتاغا دندی:

— آکیشی سن بیزی اؤلومه وئره جکسن. نه جور ماشین سؤرمک دیر؟ دندیم:

— آغای مؤحترم! من موسیقی یه قولاق آسماسام، یوخوم آپارار. سیز ده قویمورسوز من موسیقی یه قولاق آسام. او مؤحترم آغا بو دغه یالوارا-یالوارا دندی:

— خاهیش اندیرم ناواری قوی، کوگوش، هایده، هر نه کؤنلؤن ایسته ییر قوی.

همين آخشام ههچ كس دنيزه چيخيمادى.
 كيشى لىر قونشو كندلره سوراقلاشماغا
 گنتديلر. اووادلار ايسه، اولو ايله مشغول
 ايديلر. اونلار مئيتتى... تميزله ديلر. ساچينا
 دولاشميش يوسونلار ئاريتديلار. بدنييه
 ئايىشميش مرجانلار ئاقاشيديلار. گوردولر
 كى، اوتلار، يوسونلار بو يئرلردن دئىيل.
 اوزاق- اوزاق اوكيانلار ييىن، درين- درين
 سولار يىن ديبىندىر. سونرا باخىب

گلىردىكى؛ كۆلك، ھىچ واخت بوجۇر
 عىنادلا اسمەيىب. كارايشب دىنىزى بىلە
 تلاتۆملى اولمايىب ۋە اونلار بونون سىبىنى
 آختارايىب اولۇدە تاپىردىلار. فېكىرلىشىردىلار
 كى، اگر بو كىشى اونلارنى كىندىدە
 ياشاسايدى، ان ائىلى قاپى، ان ھۇندۇر تاوان،
 ان مۇھىم دۈشمە ۋە دۇنيايىن ان خوشبخت
 قادىنى، اونون ائوينىدە اولاردى. بو جور
 كىشى ساحىلە گلىب ھايلاسايدى؛ ايرى-
 ايرى بايقىلار سودان ھۇپايىب، اونون
 حۇزورونا گلىردى. ايشە ائىلە جان
 ياننىدۇر ايدى كى؛ داشلارنى
 آراسىندانبولاقلار قاناياردى. ايسە سىندى
 لاپ سىلدۇرۇم قانالاردا گۈل-چىچىك
 آچاردى.

آرۇدلار، گىزلىدە اونو اۋز ارلىرى ايلە
 مۇقايىسە ائىدىب؛ فېكىرلىشىردىلار، ارلىرىن
 عۇمۇرۇ بۇيۇم ائىتمەك ايسە دىيى ۋە ائىدە
 بىلمە دىيى ايشلرە، اۋ بىر گىجەدە آسانجا
 انجام چكردى. بىلەجە فېكىرلشە-فېكىرلشە
 آرۇدلار بوقدەر فرسىز ۋە مىسكىن گۇرۇن
 ارلىرىندىن، اۋرەكلرىندە ھمىشەلىك اۋز
 دۇندەردىلر. نھايت اونلاردان ياشلىسى،
 قۇجا بىر قارى آھ چكەرك بىلە دندى:

- بو آدمىن آدى شۇبھەسىز كى، «استبان»
 اولمايىدۇ. بو حقيقت ايدى. اونون آدىنىن
 محض «استبان» اولدوغونو بىلمەك اۋچۇن،
 اولۇتە اۋتەرى بىر نظر سالماق كىفايت
 ايدى. يالئىر ان عىنادكار ۋە ان گىنج قادىنلار
 اۋز خىياللىرىندا اونو گىنىندىرىب-

گۇردۇلركى، رحمتلىك اۋز اجلىنى،
 توقارلى بىر تمكىنلە قارشىلايىب.
 دىنىزدە باتانلارنى اۋزۇندىن، يالغىزلىق
 اوخوناردى. كىچىك چايدا بۇغولانلارنى
 اۋزۇندە مىسكىن بىر خىسلىك ايفادەسى
 اولاردى، اونون صىفتى ايسە، ساكىت،
 توقارلى ۋە گۈزل ايدى. بو ھلە ھاراسى
 ايدى، اونو تىمىز يۇيۇپ قورولايقدان سۇنرا
 ساغلىغىندا نىجە اولدوغونو باشا دۈشندە؛
 آرۇدلارنى حىتىرتىدىن دىلى قورودۇ. اۋ
 آرۇدلارنى ائىدىشەدەك گۇردۇكلرى
 كىشىلردىن نە ائىكى گۈزل، گۈجلۈ ۋە بۇيۇ-
 بوخونلو ايدى. حىتا ائىدى روحو اوچوب
 گىندىن سۇنرا دا، اۋز عظمتى وگۈزللىنى
 ايلە آدمى دلى-ديوانا ائىلەيىردى.

كىندە اونون بۇيۇ اوزونلۇغوندا آغىرلىغىنا
 تاب گىرەجك چارپا، تاپىلمادى. ان
 ھۇندۇر كىشىلر شالوارلارنى دار اولدۇ.
 ان شىش مان كىشىلر كۈتۈنكلىرى
 ائىنە گىلمەدى. كىشىلر ئاق-قاپىلارنى،
 بارماق لارنىن اوجوندا قالدۇ. دىمەك كىندە
 ھىچ كىشى يۇخوموش؛ ائىلە آدلارنى كىشى
 ايمىش. اولۇنۇن گۈزللىنىنە حىتىران اولموش
 قادىنلار، بىر يىكەجە يىلكىن پارچاسىندىن
 اونا شالوار، قىزلار، تۇي پالتىرى بىچىلن
 ھۇلد كىتىدىن، اونا كۈتۈنك تىكمە، قارار
 آلدۇلار.

اونلار دۇرە ۋەروب، پالتار تىكىردىلر ۋە
 ھر ايلەدىن سۇنرا باشلارنى قالدۇرۇپ
 ،حىتىرلە اولۇتە باخىردىلار. اونلار ائىلە

كۈچىدىدىلەر. دۈۋرەسىنى گۈل - چېچىك لى
بىزەمكىدىن سۇنرا، اولۇتە «لاۋ - تارى» آدىنى
ياراشدىردىلار، لاكىن بو بۇش بىر خىيال
ئىدى. چۈنكى، ھۇند كىمانى ئىن آزلىق
ئىتتىيىندىن كۈنىك، اولۇنۇن ئىتتە گۈجلە
گلىردى. شالوار ايسە، چۇخ ناشى
تىكىلمىشىدى. اۋستەلىك ناممەلوم بىر قوۋە
دۈنە - دۈنە كۈنتەيىنىن دۈيمەلرىنى
قۇبارىردى. گىجە يارىدان سۇنرا، كۈلەيىن
ويىشلىتىسى اينجەلدى. دىز ساكىتلىشىدى ۋ
اطرافا چۈكن سىس سىزلىك، آخىرىنچى
شۈبھەلەر سۇن قۇتدۇ. لىتە كى اۋنۇن آدى
«استبان» ايدى. قادىنلار اۋنو گىتىندىرىپ،
ساچىنى دارادىلار. دىرناقلىرىنى توتدولار.
ساقاڭىنى قىر خىدىلار ۋ ابدىلىك اۋندىن
آيرىلا جاقلىرىنى دۈشۈنۈپ؛ لاپ قىم
درىسىنا باتدىلار. آما سۇن آندا آغىل لارىنا
گلدى كى؛ اگر بو بۇندا بدن اولۇمدىن سۇنرا
دا اۋنا مانىع اولۇرسا، دىمەلى ساغلىغىنىدا،
اۋنا لاپ عذاب ۋ تىرمەلى ايمىش.
اۋنۇن ساغلىغىنى گۈزلى قاباغىنى
گىرىپ، گۈردۈل كى، اۋ قاپىلاردان، ئان
پۇرتۇ كىچمەتە باشى ازىلمەسىن دىتە، ايكى
قات ايتىلمەتە، قوناقلىقلاردا آتاق اۋستە
قالماغا مىكوم ايمىش. اۋ آتاق اۋستە
دانائىت دىز اىنەنى كىمى، كۈپۈش چورائى
اللىرىنى گىزلىمەتە يتر آختارىر، اۋ صاحىبى
ايسە، تشۈش اچچىندە اۋستوللارنى
مۇحكىملىشىنى يۇخلاش. «بۈيۈرۈن بورا
«استبان»، بۈيۈرۈن بورا» اۋ ايسە دوۋارا

سۈيىكەنرەك، آخماق بىر تىسۋىلە: «ناراحت
اولمايىن «سۈيۈر» - دىتەر - مىم اۋچۇن
بىلەدە خوشىدۇر. اۋزۈنۈنسە
آياقلىرى، گۈنەيەر؛ ائىلە بىل دابانى ئىن
درىسىنى سۈيۈلار. ھىر دىفە قوناقلىقدا
«ناراحت اولمايىن «سۈيۈر»، مىم اۋچۇن
خوش دور. دىمكىدىن دىلى قابار باغلايىپ؛
تىكى آلتىندىكى اۋستول سۈيۈر،
رۈسۈي اولمايىن؛ اۋزۈدە بىلمىردى كى،
اۋنا «گىتەيىن «استبان»، ھىج اولمازسا، قەۋە
اچچىن» دىتەنلر آرخاسىن جا «نە ئاخشى كى
بو ھىتەرە رە اولدۇ، جاتىمىز قورتاردى»
پىچىلدايا جاقلىر قادىنلار، اولۇتە باخا - باخا
بىلەجە دۈشۈندۈلر، سحرىن آچىلماسىنا
ايسە لاپ آز قالىردى. بىر آزدان ايشىق اۋنو
ناراحت ائىمەسىن دىتە؛ اۋزۈنۈ ياتلىقلا
اۋرتدۇلر ۋ بۇندان سۇنرا بو قادىنلار، ائىلە
كۈمكىس؛ ائىلە جان سىز ارلىنە اۋ قەدەر
اۋخشار گۈرۈندۈ كى؛ اۋزە كلىرى
يۈمۈشلىپ گۈز ياشلارنى چۈتۈرىلدى. اولجە
قادىنلاردان ان جاۋانى، ھۈنكۈردۈ؛ سۇنرا
قالانلار دا سانكى بىر - بىرىنى ھاۋاسىنا
آه - اۋفدان آغلاشمايا كىچىدىلر ۋ اۋنلار
آغلاشدىقچا، اولۇ، اۋنلار اۋچۇن بىر اۋ قەدەر
«استبان» اولۇردۇ. آخىردا گۈز ياشلارنى
بۈلۈغۇندىن بىچارە «استبان»، دۈنيانىن ان
فاغىر، ان كۈمكىس ۋ ان دۈغما آدمى
اولدۇ. نىھىت كىشىلر گلىپ؛ خىر ۋ تىرەندە
كى قۇنشۇ كىندلردە اولۇپ ايتىن يۇخىدۇر،

اوستونه دۆشه جه ئىدىم». آخىردا كىشىلەر شۆبھەگە دۆشۈلۈپ بىر ياد ادامدان ئۆتۈر، بۇ قەدەر بىر-بىرگە دۆغا-تېلىسىم: - «آخىر فرقى نىدىر. بىر آزادان، كۆپك بائىق لارنى، ئونو پارچالايتىپ ئېتەجك، لاکىن آروادلار، ھلە دە ئۆز اوجوز توتىتالارنىدا ئىشلەيتىر، بىرىسى گىرىپ، ئۆ بىرىسى آپارىدۇ، ايتەلەشيدىلەر، سۆزلەشيدىلەر، آھ-اوفلارنى بۆرۈزۈر

ۋە ئېرىدى. آخىردا كىشىلەر، لاپ جىن آتېنىنا مىندىلەر، گۆرەسەن بۇ آروادلار دىنىزىن ساحىلە آندىغى بىر قالاق سۆيۈمۈش مۆردار اندن ئۆتۈرۈ، نېتە بىلە ھاي-كۆي سالىرلار؟ آروادلارنى بىرى بۇ ئاتىناسىزلىغا دۆزەمەيتىپ، ئۆلۈنۈن ئۆزۈندەكى ئايلىغىنى قالدۇرىپ: ۋ كىشىلەر ئىتەردىن، نفسى كسىلدى. بىلە بۇ «استان» ايدى ۋ ھامىنىش بونو درك ائتمەسى ئۆچۈن بۇ آدى بىردە تېكرار ائتمەگە ئىحتىياج ئۇخىدۇ.

بودۇر، او سابالو بائىغى كىمى دۆم-دۆز اۇنلارنى قارشىشىندا اوزايتىپ، آيتاق ئايلىن ائىنىدە ئىددى آيتلىق چاغائىن شالوارنى، بېچاق باتمايان سارى دىرنالارنى، بېچارە لاپ خجالت چكىر، بونولا سانكى دىئىر: مېم نە تەقىزىم [اگر بىلسە ئىدىم كى، ايشلەر بوجور اولاجاق، اولمەگە داھا مۇناسىپ ئىش سىچىردىم، آيتاغىنا ئىكە بىر گىمى لۇبرى باغلايتىپ: بۇ ئىشلىرى بىنمەمىش ادام كىمى اوزۇمۇ، قاتادان آشاغى بوراخاردىم. تكى بۇ سۆيۈمۈش مۆردار ات قالاغىنىلا، سىزى عىبىلىشدىرمەيم... كىشىلەر بۇ سۆزلەرنى

گۆز ئاشلارنى ئۆكۈن آروادلارنى چىچەيى لاپ چىتلايدۇ.

- چۈخ شۆكۈر سەن ايلاهى-دندىلەر-اۋ، بىزىم دىر.

كىشىلەر، گۆز ئاشلارنى، بۆتۈن بۇ آھ-اوفلارنى بىلدىلەر. گىجەنن عذابلى سۇرغۇ-سۇلاللارنىدا ئۆزۈلمۈش كىشىلەر، ئالتىز بىر شىئى گۆندۈزۈن ۋ اىستى گۆنشى اۇنلارنى قباغىنى كىسمەمىش؛ چاغىرلىمامىش

قۇناقىدان بىر ئۆلۈك ئاھا قورتارماغى آرزولايىردىلار. ئۆلۈنۈن آغىرلىغىنا تاب گىرىسەن دىئە؛ دۆر آغاچنى قىرقلارنىدا خەرەك دۆزەلتىدىلەر، سۇ ئالتى آخىنلار، ئونو تىزەدن اۆزە چىخارا بىلمەسەن دىئە؛ آيتاق لارنى تىجارەت گىمى سىنىن لۇبرىنى باغلاماغى، قارار آلدىلار. بىلە دە مېنىت، سۇيۇن لاپ دىيىنە، بائىق لارنى لاپ كۆر اولدۇرغۇ دال قىچلارسا، قۇرخودان باغرى ئارىلىدىغى ان درىن قاتلار ائىشەر، لاکىن كىشىلەر تىلىدىكەجە؛ قادىنلار ۋاخشى اوزاتماغا مېن جۆر بەھانە تاپىردىلار. اۇنلار ھۆركمۈش تۇتۇقلار كىمى، اۇيان-بۇيانا قاچىشىر؛ مۆجۈرۈلرىندە مۇختىلىف دىنىز تېلىسىملىرىنى چىخارايىپ گىرىردىلەر. بىرى مېنىتىن بۆتۈن دۆغا آسىردى. ئۆ بىرى، قۇللارنى بىلرەك تاختىردى. ھامىسى دا بىرلىك دە كىشىلەرنى-ال-آيتاغىنا دۇلاشىر، اۇنلارنى لاپ ھۇۋىلەدن چىخاردىلار. آخىردا كىشىلەر دۆزەمەدىلەر: «آي آرواد ھارار تېلىرىسەن، ايتىل بوردان، آز قالا مېنىتىن

يۇخسا سو پرىلىرى اۈنو آلدادىپ؛ يۇلدان چىخارا بىلىر. كىندىن جماعتى ايسە صۇحت لشمكده ايدى. چۈنكى اولۇنۇ چىيىن دە اوچوروما آپارماق ايستەين حددن چۇخ ايدى. اۈنلار مۇباحىشە اندە- اندە قافىلدىن كۆچەلىرى نىن كىمىسە سىز

حىناتلارنىڭ ئىن داشلىق، آرزولارنىڭ ايسە اولۇنۇن گۈزلىنى ۈ عظمتى اۈنۇندە نىجە مىسكىن اولدوغونو، باشا دۇشۇلر. اۈنلار مئىتى قايتادان دىزە آتاند؛ آياقلارنى لۇبر باغلامادىلار كى، اۈ ايستە دىشى ۈاخت، قايتىدىپ گلە بىلىسكىن ۈ اولۇ قايتادان اوچدوغو آندا شۇغورلارنىدا تام بىر يۇل كىچىدىلر. ھامى ئىن بورادا اولمادىغىنى ۈ ھىچ ۈاخت اولماياجاغىنى بىلىمك اوچۇن اۈنلارنى بىر- بىرىنە باخماسىدا لازىم گلەمدى؛ لاكىن اۈنلار بىر شىنى ياخشى بىلىدىلر، بىلىدىلر كى، ايندىن بىلە قاپىلارنى ائىلى، تاۈنلارنى ھۇندۇر، دۇشمەلەرى مۇحكىم اولمالى دۇر كى، «استبان»- لا باغلى خاطرەلر ايستە دىشى يىرلىرى قۇرخوسوز- ھۆركۇسۇز گزە بىلىسكىن. اۈندا ھىچ كس «آخماق ھىنۇەرە اولدو، گۈزل ھىنۇەرە اولدو» دىمە ۈە جىسارت ائىمىزىدىن بىلە، اۈنلار ائىلۇرىنىن شاق راغ رنگلەرە بۇتاياجاق لار.

ساحىل كىنارنى قايتالارنى سىلدىرىم ئاماجلارنى گۈل- چىچك اكە جىكلر ۈ گلە جىكدە نەنگ- نەنگ گىمى لىرىن سرنىشلىرى آچىق دىزىدە باغ- باغاتىن.

صمىمى لىشە ال- بە- علاج ايناندىلار. حۇزۇنلۇ دىز گىجەلرىنىن بۇتۇن آجى سىنى دادمىش گۈنلرىن بىرىندە، آروادلارنىڭ اۈنلارنى آرزولاماقىدان بىزىب، دىزىن گىرىدىنى اۈلۇلرى، حىرئەلە ياشاياجاغىندىن قۇرخان ان قىسقانچ كىشى لر، حىتا ان سۇنۇق قانلى ۈ مۇحكىم كىشى لر بىلە «استبان»- ئىن

صمىمى لىشەند ھىجانا گلەرك، كۇرلىدىلر. آخىردا ايش اۈ ىرە گلىب چىخىدى كى، ائوسىز- ائىشكى سىز اۈلۇ ۈە دىدە بەلى بىر دىن مەراسىمى دۇزلىدىلر. قۇنشۇ كىندلرە گۈل گىرىمە ۈە گىتىش قاندىلار، اۈنلارنى صۇحتىنە اينانمايىش بىر دىستە آروادلا قايتىدىپ گلىدىلر. تىزە گلەن ھىر شىنى، اۈز گۈزلىرى اىلە گۇرۇب ئىنى دىن گۈل گىرىمە ۈە يۇللاندىلار ۈ داھىلا بىر دىستە قاندىلا قايتىدىلار. آخىردا آدمالار ۈ گۈللر اۈ قەدەر چۇخالدى كى، كىچىب گىتمە ۈە ىر قالمادى. سۇن آندا، اولۇنۇ دىزە ئىتىم كىمى قايتارماغا، اۈرەكلرى گلەمدى. اۈنا گۇرە كىندىن او مۇحترم آدمالارنىدىن اۈنا، آنا ۈ آنا سىچىدىلر. قانلارنى ايسە اۈنۇن قارداش ۈ باجى سى، دائى، بى بى سى اولدولار. آخىردا كىندىن بۇتۇن آدمالارنى بىر- بىرى اىلە قۇھوملاشدىلار. ساحىلىن ئاخىن ئىغىندىن اۈزۇب كىچىن دىزىچى، آغلاشما سىنىنى ائىشەپ قۇرخۇتا دۇشۇلر كى؛ ئىقەن يۇلو آزىلار. حىتا اۈنلاردان بىرى، دىزى پرىلىرى حاقدى قەدىم ناغىللارنى خاطرلايىپ؛ امر ائندى كى، اۈنو دۇر آغاجىنا باغلاسىن لار،

مولاييم دى كى، گنجە- گۆندۆز چارپاياتين
 آلتيندا دىنجلر و گۆنش ائله ايشيقلۇ دىر
 كى، گۆنە باخانلار هانسى سىمە
 بۇيلاناجاغىنى بىلمىز. اوردى بىلى- اوردى
 «استبان»- يىن كىندى يىرلىشىر.

عطير ايىتىدن يوخودان اوتانا جاقلا. سىنەسى مىداللى يىندە قۇطب نۇما توتىموش
 كاپتان كارىتىپ دىزىن اۆفوقىندە قىزاران
 گۆل- چىچە يە بۆرۈنمۈش كۆرفىزى
 گۆستەرەك اۆ دۆرد دىلدە دىيەجك: باخىن-
 باخىن ياخشى باخىن، اوردى كۆلكلر ائله

سیند ئیر ئلمیش گۆز گۆ

ستویل مرسل

کۆچۆرن: عزیز محسنی

گنجە ساعات بیرە ایشله ییردی. هاوا قارالدیقجا، آی، کسکک اوراق کیمی تۇپا- تۇپا بولودلارین آراسیندا سۆزۆر؛ انله بیل کله- کۆتۆر بولودلار ئ رندهله ییردی. آرا- سئیرا دنیز سطحیندن اسن، سرین یائی کۆله یی آغاجلارین بوداغیندا خیشیلدا شیردی. طبیعتین سنئیرینه دالمیش «شکوفه» اۆز- اۆزۆنه دۆشۆنۆردۆ؛ یوخوسو گل میردی. یاتماق هنج یادینا دۆشمۆردۆ. او، خیتالن، مۆختلیف حیات لۆوحه لرینی ستاحت اندیب، قایتیدیقدا سونرا، بالدیزی مدینه طالعینی ده دۆشۆنۆردۆ. دۆشۆندۆکی، مدینه ده، بیر نۆز حاقلی دیر. اوخوموش، تحصیللی بیر قیز دیر. اونون یاشیدلاری، چوخدان، ائو- اوشاق صاحیبی دیر. من اۆزۆم ده یاشجما، اوندان چوخ کیچیم.... او مندن ده قۇچاق و باجاریقلی دیر. الندن هر ایش گلیر. دئییرلر، طبیعتده، بدبخت لیکله، خوشبخت لیک قۇشا یاراتیب. بو گۆزل و باجاریقلی قیزین دا عئیبی، اونون دیلینده دیر. طبیعت، اونا دیل یۇخ، زههر وئریب؛ یتتەنی دالاییر؛ زههرله ییر. اونا گۆره ده هامی، اونی، قایتچیلاییر، کسیر. اونون دا هامیدان آجیغی گلیر. منی ده، گۆرمه یه گۆزۆ یۇخدور.

- «شکوفه»، آی «شکوفه»، - دینه، رشید، اونی دۆشۆنجه لرده- آیشردی. - اولدوزلارا آز باخ، دۆنۆب شاعیر اولارسان.

- شاعیرلر مندن آرتیق دیر، مگر؟

- آرتیق- اسکیک لیکدن صۇحبت گئتمیر. وضیعتین بونا بنزه ییر؛ گنجە ساعات بیرى اۆتۆب؛ سن ایسه، اولدوزلاری سائیرسان.

- یۇخ اولدوزلاری سائیمیرام. - دینه «شکوفه» قۇللارینی گئنیش آچیب، لذتله اسنه ینده سونرا داوام اتندی:

- منى مدينە نىن طالئى، دۆشۈندۈرۈر؛ رشيد!
- سەن دە ايش تاپمىسان، - دىتە، رشيد باجىسى مدينە نىن قاراسىنا دىدى.
- او دىل كى، اوندان وار، عۆمۈر بۇتو، اۈنو دىندىرىپ - دائىشدىران اولماز... آى يازىق، سەن اۈزۈنۈ
اۈندەن اۈترۈ اۈزۈرسەن؛ او ايسە كۈلگەنى قىلىنجلاتىر؛ گىجە گۈندۈز دىتيركى، «شكۈفە»، بو ائوۋە
گەندەن، مەنەم بختىم، تىكان بىتيرىپ.

اۈنلار ياتىدىلار. مدينە نىن صۇحبتى، بالكوندان ياتاق اۈتاغىنا كىچىدى. ار - آرواد خىنلى
اولچۇب - بىچىدىلر. سۆزلىرى، اۈنۈنلا قورتاردى كى، مدينە، اۈز خاسىيىتى نىن بەرەسىنى يىتتىر. نە
ئىشكىدە، نەدە ائودە، اۈنا ياخشى دىتەن يۇخدور.

بو قضاوت ۈ سۆزلەردە مۇعەن حقيقت دە وار ايدى. مدينە، چۇخ آجى دىل، كۇبود رفتارلى
ايدى. بو خاسىيىتىنە گۇرە، اۈنا مۇئىل ائلەن، اۈنۈنلا ائولەن تاپىلمىردى. ايللر اۈتۈدۈكجە وخت
داراايردى. بو وضعىيىتى گۇرەن قارداشى رشيد، داخىلەن عذاب چكىردى. بىر گۈن، رشيد، بالا باجىنا
جىرائى آچدى.

- آى بى بى، نىلىمىز اۈچۈن، عاىب دىر. قىز قارىتىر آخى...

بالا باجى دا بىر مۇدت باشقالار كىمى، مدينە ئەلچى دۈشۈر. اۈنو اوغلو «حافظ» اۈچۈن
ايستەدى؛ چۇخ گل - گىت ائلەدى... قاينى گۇستردى. جان-ى دىلدەن رشيدىن سۆزۈنە قۇشۇلدى.
آنچاق فايدا وئرمەدى. او دا، مدينە نىن باشقالارنى دىتتى «گەندەن اۈز تايىتىر تاپىن» سۆزلر ايلە
قارشىلاندى. بو احوالاتدان سۇنرا، بالا باجى، آرواد دا، مدينە نىن دۈشمەن اۈلدى. قىزىن آدنى
خىتيرە چكىنلرە دىتيردى: «مدينە نىن يىرىنە، بىر عقرب گىتيرىپ ائوينە سالسان، اۈندەن ياخشى دىر.
عقرب چالانا چارە وار، مدينە چالانا يۇخ»...

بىلەلىكلە، مدينە، دىلدەن - دىلە دۈشۈب خاسىيىتىنە گۇرە، پىس آدام كىمى، كەندە، مشهور اۈلدى.
مدينە ايسە باشقا جۇر دۈشۈنۈردى. تقصيرى اۈزۈندە دىتىل، باشقاسىندا آختارىردى.
فىكىرلىشىردى كى، مەنەم بىر بدخاھىم وارسا؛ اۈدا «شكۈفە» دىر. «شكۈفە» بو ائوۋە گلەن گۈندەن، مەن،
بدنام اولموشام. ھامى اۈ گۈندەن مەن، ايلان كىمى تايىتىر. دۇغما قارداشىمەن بىلە گۇزۈ يۇخدور
مەن گۇرسۇن. او «شكۈفە» اۈلسۇن؛ مەن دە مدينە....

سحر يىتىجە آچىلمىشىدى، «شكۈفە» اۈياندى. مدينە ايشە، رشيد دە ايدارەتە گىتمىشىدىلر. ائودە
ھىچ كس يۇخ ايدى. «شكۈفە»، تىز - تىز، ائوۋ ائىنى يىغىشىدىردى. اۈناقدا مەنەم، مەنەم
اۈتاغا، گىرىپ؛ چىخىدىقچا، مدينە دە حاققىندا سۈال - سۇرغۇ اۈنۈنلا گىزىر، اۈنۈنلا ياشلىتىردى.
قىزىن طالئى، اۈنو، اۈز طالئەندەن چۇخ دۈشۈندۈرۈردى. نەھىت، او، بو قارارە گەلمىشىدى، قۇلۇن
سەيغىنى بۇيۇندەن آسارلار؛ مەنەم اوغلو سىزلىقدان قايدەن كىمى، قىلىغىنا گىرىپ، مدينەنى،
اۈنا نىشانلاماغا چايشا جاغام...

اۋ فېكىرلى - فېكىرلى ماسائىن اۆستۈنۈ سلىقە يە سالاركن، قالىن اىستىكان اليندن دۈشۈدۈ. اۋنون تۈي گۈزگۈسۈ، سىندى. چىلىك - چىلىك اولموش قىرىنتلارنى بىر ىثرە يىغدى. برك پرت اولدو. اۋز - اۋزە دندى: «مدىنە نىن آدىنى توتان كىمى؛ گۈزگۈدە سىندى... تەسە - تەسە ساعاتا باخدى، گىجىكىردى. قاينى باغلايىب؛ ايشە گىتتى.

آخشام اۆستۈ رشىد، اتوۋە دۈندۈ. مدىنە بالكۈن دا، اۋتوروب؛ كىتاب اۋخوئوردو. «شكۈفە»، ەلە، ايشدن قايتىمايىشدى. اۋ اىچەرى گىرىپ، گۈزگۈنۈن سىندىغىنى گۈرۈپ؛ ەتجانلاندى: «تۈيۈن مۇباركا» سۈزۈ، پارچا - پارچا اولموشدو. آنجاق بو باشدا، «ت» اۋ باشدا، «ك»، حرفى قالمىشدى. دۈنيا باشىنا فېرلاندى. انشىتمىشدىكى، بخت گۈزگۈسۈ سىنسا، عايىلە، اوغورسوز اولار. بو ايشىن باعشىن، مدىنە نى بىلدى ۋ انىۋانا چىخدى. اۋرەينى بۈشالتماغا باشلادى.

- آخى، نە اىستەيىرسىن؟... ايندى دە، گۈزگۈنۈ سىندىرمىسان؛ سىن منىم باجىمسان؛ يۈخسا، دۈشمىم؟ نە ۋاخت بو اتودن ايتەرسىن، بىزدە بىر خوش گۈن گۈرەك... مدىنە قارداشى تىن تېتەرەينى گۈرۈپ، آجى - آجى گۈلدو.

- يىتە آروادىن ھاۋالاندىرىپ؟

- آرواد دىيىپكى، گۈزگۈنۈ سىندىرمى؟

رشىد ايلە مدىنە نىن، سۈرغۈ - سۈالى، اوچالاندى. قۈنۈم - قۈنشۈ تۈپلاشدى. ەر كىس گۈزگۈنۈن سىندىغىنى بىر جۈرە يۈزدى. بۈتۈن تقصيرلىرى قويدولار مدىنە نىن بۈتوننا. اۋدا اۋزۈنۈ ەتچ جۈرە تىمىز چىخارا بىلمىردى. مۇباحىتە نىن شىددەتلى ۋاخشىدا، «شكۈفە» اىچەرى گىردى. مدىنە رنگدن - رنگە دۈشدۈ، ائە اتتىكى، «شكۈفە»، رشىدەن دە، برك عىبىلشەجك. سىندىرمىش گۈزگۈنۈ بايراق اندىپ؛ اۋنون گۈنۈن قارا اسكىتە دۈندەرچك. لاكىن اۋنون گۈزلە دىيى كىمى، اولمادى. شكۈفە اۋزۈنۈ قۈنشولار ۋ رشىدە توتدو:

- نە اىستەيىرسىنيز مدىنەن، گۈزگۈنۈن سىندىرمىشام.

قۈنشولار ھامىسى باشقالاشدىلار. اۋزلر شكۈفە يە چۈزىلدى. مدىنە ايسە، اينانمادى. ايندىتە قەدەر، اۋرەينىدە رقىب سائىدىغى «شكۈفە»، حقىقتى دىيىردى. اۋنو بۈھتاندان، حق سىزلىكدەن قۇرۇتوردو. اۋ، دۈشۈندۈكى، عايىلە دە، حق سىزلىكدەن اۋنو قۇرويان «شكۈفە»، حىتات بورولغانىندا دا، قۇرويا بىلر.... اۋنا آرخا، ھايتان اولايىلر. يىرىندەن قۇيدو، قۇللارنى شكۈفە نىن بۈتوننا دولادى.

- منى باغشىلا، مىن سىنن بارەندە، ئايتىلمىشام ۋ بىر اتۈين اىچىندە، سنى، ياخشى تائىتيا بىلمەيمىش، سىن منىم مەريبان باجىمسان.

سسله ئير

سنى سئودىم

دكتر امير حسين سجادية
چئۇيره: م. امين مويىد

ائلدار موغانلى

گۈزلىرىنىن ئوروندا چىمدىم
دوداغىندىن آخان نغمەلرلە بىزىدىم
بۆرۈندۈم گۆنشىن ضىيئاسىنا
سارىلدىم نغمەلر دۇنياسىنا

آسىلدى باخشىنىدىن باخشىلارنىم
رنگ آلدى ئاناغىندىن سۆز ناخشىلارنىم
داغى سئودىم،
داشى سئودىم،
سئودىم اۆ دولاۋجاغى
سئودىم آنا تۇرپاغى.

گۈزلىرىنىن ئوروندا چىمدىم،
دوداغىندىن آخان نغمەلرلە بىزىدىم،
قانادلاندىم بو گۆنۈمدىن صاباھا!
اۋچىدوم..... اۋچىدوم.....
ماۋى لىيە قۇۋوشىدوم.
آغ قوشلارنى سىراسىنىدا
يىتر يۇخ ايدى قەمە - درە
نغمەلرىن دۇنياسىنىدا
سئىر ائلەدىم پردە - پردە؛

گۈزل ايدى بۆتۈن عالم،
خوش باختلارنى خوش باختى ئام - دىدىم اۆ دم.

سنى آندىم
ھاۋالاندىم؛
سئودىم دۇنيانى،
سئودىم وطنى.
سئودىم اينسانى،
سئودىم سنى.

الى ايله ايشاره اندىر
گندىر.

دوستاقچى
قايىنى نە چۈخ مۇحكىم
دالىشىنىجا چىرىپىر.

گۈزلىرىمدە بىر بولود گۈزىر.
بىر بولود كى،
دۇنياتىن گۈز ئاشلارنى دىر.
بىر بولود كى، قۇروردان
ياغماتىر.

اۋچوشون آغ بولودو،
يۈمۈشاق ئاناقلارنىنا
گلىر.
ياغماماغىن قۇرور بولودو
ياغمادان
ماھنى اۋخوئور.

دىنمە ئير.

ياغىش سىن اۋچۈن
گۈزلىرىندە سۇرور
آنان سىن اۋچۈن لا ئىلاى دىئىر،
قولاغىنا اۋخوئورام: قۇرخما.

قايى باغلاتماسىنىش سسى
جائىم دا يىتر ائلە ئير.
لا ئىلاى سسى.

شیندان قالاسی حاققیندا بعضی مولا حیظه‌لر

سید آقا عون اللهی
تاریخ عئلملری دوکتورو



آستارا شه‌هری‌نین غربینده، حئیران گدیگی‌نین^۱ ساغ طرفی‌نین ۵۰۰ مئتر لیشینده هوندور شیندان داغی^۲ اۆزه‌رینده یئرلشمیش شیندان قالاسی آذربایجانین بیر شیرا دیگر تاریخی ایستحکام قالالاری، از جۆمله‌دن «بذ» «الینجه»، «کیش» «گله‌سن گۆره‌سن» کیمی ده چۆخ قدیم تاریخه مالیکدیر. شیندان قالاسی بینۆزه‌سی آستارا شه‌هری‌نین تاریخی کیمی چۆخ ائحتیمال کی ایسلامیتدن قاباق، ساسانیلر دؤوزینده قۇیولموشدور. هله آذربایجانین گۆرکملی شاعیری قطران تبریزی (میلادی ۱۰۸۰-۱۰۱۰) ابونصر حملان (محمد) ابن وهسودان مدحینه ایتحاف ائتدیگی شعرینده شیندان قالاسیندان آد آپاراراق یازمیشدیر:

... هنوز او به غزا می‌رفته بود که بود

سر هزیمستان برگزشته از سیندان^۳

همین شیندان قالاسی موقابیلینده مملان ابن وهسودان^۴ اردبیل شه‌هرینده مین قالا تیکله‌سی حاققیندا فرمان وئرمیشدیر:

امیر گفت بیايد به اردبیل دژی

بنا کنند که جاويد ماند آن بنیان^۵

آذربایجانین گۆرکملی شاعیری خاقانی شیروانی (۱۱۹۹-۱۲۲۱ میلادی) اصفهبد کیاکواشیرین وفاتی مۆناسیبتیه یازدیغی قصیده‌ده آستاراتین ارچیوان کندی ایله شیندان قالاسی^۶ آدینی بیر یترده چکمیشدیر.

پادشاه تازه تر و جوان

ای جمال‌دین چو اصفهبد نماند

ھىچو شاخ ارغوان بدرود باد حصن شندان و ارغوان بدرود باد^۵

دئەلى ھەلە مىلادى ۱۱ ۽ ۱۲ ەسىرلەردە شىندەن قالاسى ۽ ۋەئون ھاكىمى صفەد دورانى شاعىرلىرى نىن شىئەرلىرىندە
اۋز ەكسىنى تاپمىشىدۇر. ۱۳-جۈ ەسىرىن اوللارىندە يازمىش «ەجايىب الدىنا» اثرلىرىندە: شىندەن مۇھىم بىر قالادىر
ھىچ دۈشمەن اۋنا غلبە چالايلمۇ^۶.

اولجايىتۇ سۇلتان مۇھىدىن (۱۳۰۴-۱۳۱۶م) باش امىرى چۇبان، اسپەد آستارا ماحائىنا گلىب چاتىر. بو ۋاقت
ملک رکن الدین احمد آستارا ھاكىمى ایدی. ملک رکن الدین احمد امیر چۇبانى خۇزمتلە قارشىلايتۇر ۽ اولجايىتۇ
سۇلتان مۇھىد ملک رکن الدین احمدى يىتىدن آستارا ھاكىمى تصدیق اندىر. قىتئە اتتمک لازىمدىر كى ملک
رکن الدین احمد كىگرە قەدر مۇغول قۇشونو ایلە گندىر؛ بوندان علاۋە گىلان بو ۋاقت مۇستقىل ایدی. آستارا
خۇكىمدارى ھەلە مۇغول خۇكىمدارى غازان خان (۱۲۹۵-۱۳۰۴م) دۈۋرەسىندە اىكى دۋە غازان خاتىن امىرىلە زىندان
سالىدىرمىشىدۇر، ھەر اىكى دۋە سىد جمال الدین گىلى نىن (ھاضىردا تېرەسى آستارانىن بۇتەسر كندىندە) (اىندى
penser آدلایىر) مۇوجوددۇر. شاگىردى ۽ طلبەسى شىخ زاهىد گىلانى نى (۱۳۰۱نجى ایلدە وفات اتمىشىدۇر) ۽
مقبەرەسى ھاضىر دا لىكراتىن كىچىمىشە ھلىەكران ۽ اىندى شىخەكران آدلانان كندىندە اھالى نىن زىتارگاھە يىرىدۇر
۽اسىطەچىلىشى ایلە اۋنو زىندانان آزاد اندىرمىشىدۇر. بو بارەدە توكلۇ ابن بىرازىن «صفوة الصفا» اثرىندە اطرافلى
معلومات ۋاردۇر. آذربايجاتىن مشهور آرخئولوقى اى. عظیم بگاف ۱۹۲۶-جى ایل اىۋن آيتىنىن ۱۳- دە اولموش ۽
ھىمىن كندىن

كنارىنداكى قبرىستانلىقتا سىد جمال الدین گىلى ۽ اصفەدىن قىزى خاتونون مقبرەسىنى مۇشاھىدە اتمىشىدۇر.
اصفەدىن قىزى خاتونون تۈرەداشى اۋزەرىندە ھىجرى ۸۱۱-جى ایل رمضان آيتى نىن ۱۰- دا (۲۳ ژانۋىە ۱۴۰۹)
دۋن اولۇندۇغو تاريخ يازمىشىدۇر.

ماراقلۇ دۇر كى، ۱۳- ۱۴ ەسىرلەردە (مىلادى ایلە)، ختتا سۇنراكى دۈۋرەلەردە بىللە آستارا- لىكران ماحالى گىلانا
تابىنە ایدی. اصفەدىن ۋىلايتى «سياه گىلان» آدلایىدۇر. ۱۴-جى ەسىرىن اۋەلىندە «تارىخ اولجايىو» اثرىنى يازمىش
ابوالقاسم كاشانى قىتئە اندىركى، موغان ۽ گشتاسفى گىلاننىن قورتاراجاغىندا يىرلىشىردى. موغان ایلە گىلاننى
قورتاراجاغىندا اولان رودىر بوختاسى آراسىندا بۇيۇك بىر ساحەدە تالىش لار ياشايتۇر.

گىلان اھالى سىنىن عادىتە گۆرە، چۇخلو قۇشونو ۽ امىرى اولان خۇكىمدارا «آستا» ۽ سالار، دىئىلىرىدۇ. بودا
باشلانغىچى اىكى قىبىلە باشچىسى تىن آدىندان گۆتۈرمۇشۇر. چۇخ انھىتىمال كى، آستارا سۇزۇ دە ھىمىن اىكى
قىبىلەدن بىرىسىنىن باشچىسى نىن آدى «آستا» سۇزۇندەن ەملە گلمىش ۽ ھىمىن سۇزۇن سۇنونا «رە» سۇزۇ،
سۇنرالاردا «را»، «رۈ» (Ro) آرئىرلىمىش ۽ آستارا ەملە گلمىشىدۇر كى، معناسى «آستاۋلو» دىمكىدۇر. اورتا ەسىر
قايتاق لارىندا «آستارا» سۇزۇ ایلە ياناشى «آستارە» «استارە»، فۇرماسىندا راست گلمىشىك. ھەر حالدا «آستارا»
سۇزۇنۇن معناسى تىن مۇختىلف معنادا يۇزانلار ۋاردۇر. ختتا ايراتىن مشهور تدقىقاتچىسى سىد احمد كىسروى قىتئە

اندىركى، «من چوخ چايشيدىم، لاکين «آستارا سوزوون معناسىنى تاپا بيلمەدىم» شىندان قالاسىيىن آدينا سونرالار بيز ۱۳۰۶م. حادىشەلريندە، يەنى سولطان محمد اولجايتونون حاکيمىيىتى دوزرىندن بحث انديلرکن راست گليرىک. همين دوزرون مواليفى ابوالقاسم کاشانى يازيرکى، رودسردن شيندانا قدير اسپهبدون اولکەسى دير. بو اراضى نين انسى و اوزونو ايکى گونلوک يول مسافەسى قدير. دنمەلى هله ۱۴-سى عصيرين اولهينه قدير رودسردن شيندانا قدير آستارا ماحالى حىساب اولونوردى و آستارا همين ماحالين حاکيمى نين ايقامتگاهى و مرکزى شەهرى حىساب اولونوردو. بونا گوره ده ايلک قايتاقلاردا بعضى آستارا حاکيمى ايله ياناشى اصفهيد و يا اسپهيد سوزلرى ده ايشلەنير و مثلىن ابوالقاسم کاشانى «اصفهد»، حافظ ابرو «ذيل جوامع التواريخ رشيدى» اثرينده و ۱۳۰۶-سى ايل حادىشەلريندن داتيشارکن ملک احمدى آستارا حاکيمى قيتيد ايدير.

شىندان قالاسى تايىشلار «شىندونى قالاسى» يەنى «يىللەکانلى» قالا، آدلانديرير و بو قالاتين يىگانه داريسقال يولو هم ده يالئيز يىللەکانلى او قالاتا گتمک و قالخماغىنى مۆمکون اولدوغونو انجىتماک

انديرلر. لاکين بيز، خوراساتين بير جند ماحاليندا «شىندان» آدلى کنده، شبيستر قصبەسىندە «شىندآباد» آدلى کنده، زاهيداندا شيند آدلى کنده، راست گلميشيک. دنمەلى شيندان سوزو تايىش دىلى ايله علاقه دار ديتيلدير. ديگر طرفدن بير چوخ قالالار، حتا باكي داکى قيز قالاسى، ناخجوانداکى النجە قالاسى دا داريسقال و نازيک يىللەکانا مالکيدىر کى همين يىللەکان واسيطەسىلە قالاتين ايچەرىسينە و يوخاريشينا قالخماق اولور.

حمدالله قزوینى م. ۱۳۴۰-سى ایلده يازميش اولدوغو «نزه القلوب» اثرلرينده شيندان قالاسى حاقيندا معلومات و نرmişيدير. اونون يازديغينا گوره بابک خورمدينين موقابيلينده (بورادا اردبيل ياخين ليغينداکى بـذ قالاسى نظردە توتولور - سيد آقا عون اللهی) اولان شيندان قالاسى اردبيل داغيندا جيلانا طرف يترلشيردى.

م. ۱۵۹۲-سى ایلده شيندان دوققوز آي موحاصيرهده قالميشدير. همين ایلده بيرينجى شاه عابباس قزوینده اولارکن آستارا حوکمدارئ تايىش امير حمزه خان، شاهانە تايىش اولماقدان بۇتون قاچيراراق سون درجەده موحکم قالا اولان شيندان قالاسيندا اوزونه سيغىناجاك تاپميشدير. بو قالا چوخ موحکم و هوندور نترده، قاتين منشهليک ايچەرىسينده يترلشيردى. امير حمزه خان محض شيندان قالاسيندا اوزونو دوشمن اوردوسونون تهلوكەسيندن قورويوردو. امير حمزه خاتين آتاسى بايندیرخان شاه طهماسبين حاکيمىيىتى دوزرونده (۱۵۲۴-۱۵۷۶) يوکسک روتبەلى اميرلردن ايدى. امير حمزه خاتين آتاسى، ساغ ايکن آستارا حوکمدارليغي ايرنى اولاراق اوغلو امير حمزه خانا و نرmişيدير. امير حمزه خان آستارادان علاوه گيلان و کسگر ماحالينى، يەنى قديمده اصفهيد و يلايىنى "آدلانسان اراضى نين ايشلرينه ده موداخيله انديردى. تايىش ماحالى اميرلى يالئيز اونون امير و فرمانلاريني يترينه يترمه يه مجبور ايديلر. بيرينجى شاه عابباس (۱۵۸۷-۱۶۲۹) صفوى لرین مرکزى حاکيمى و دؤولتينى موحکم لنديرمکدن سۇنرا ايالت لرده خوصوصيله اصفهيد و يلايتينده حوکم سۇرهن بير سئرا حوکمدارلارين مۇستقىل ليىشه سون قۇيماق قرارينا گليرى. بو وخت ارتيق فرهادخاتين قارداشى ذوالفقارخان اردبيل شەهرينه حاکيم تەييين انديلميشدى. آذربايجاتين ديگر شەهر و ويلايتى (گيلان اراضىسى و اصفهيد و يلايتيندهن باشقا) دنسک اولار کى، عوئمانلى اوردوسونون ايشغالى آلتيندا ايدى. ذوالفقارخاتين مين نفرليک عسگرى واريدي. او، چوخ وارلى دى. شخصسى حىسايتنا اردبيل شەهرينده سککيز گوشەلى ساراي تیکديرميشدير.

ھەمىن يېتائىن لايىھەسى تۈزگەندەن كېيىن بېرىلگەن. مەسلە بۇراسىندادىكى، ئامىر ھەمىزەخان ئاستارا ئىلە ئاناشى ئىكرانى دا ئالە كىچىرىمىشىدى. ذوالفقارخان ئىسە ئۆز قارداشى فرھادىن ئاغلۇ ئۆند سولطانى ئىكرانا ھاكىم تەئىن ئاتىمك ئىستەيىردى. لېكىن ئامىر ھەمىزەخان ئۆند سولطانى ئىكرانا بۇراخمىردى. بۇنا گۈرە دە بېرىنچى شاھ ئابباسىن ئامىرلە ھەبىرى ۱۰۰۱-جى ئايل رەجەب ئاينىدا (۱۵۹۳) ئارەبىلدە ئۇلان مۇھەممەدىخان ئۇخماق بېر دەستە ساھىلى شاھسۇن ئىلە ئىكرانا گەلەر، ئۆند سولطانى ئۇرايا ھاكىم تەئىن ئاندىر. لېكىن ئامىر ھەمىزەخان ئائىلەلەردەن (ئاكرىيىتى ئاستارالى ئىدى. س. ۱۴-). عىبارت ۴-۳ مەن ئىكرانى سۇر و يېتادە قۇشۇن ئۇيلاش، مۇھەممەدىخان ئۇخماقنى قۇشۇنۇ ئىلە وورۇشور. بۇ وورۇشمادا ئامىر ھەمىزەخاننى قۇشۇنۇ مەغلۇبىيەتتە ئۇرايىر. قۇشۇنۇن ساغ قالمىش ھەسەسىلە بېرىلىدە ئامىر ھەمىزەخان شىندەن قالاىنىدا دۇغرو گەلەر، ئۇرادا مۇداپىئە مۇوقنى ئوتۇر. ئامىر ھەمىزەخان شىندەن قالاىنىنى كىچىمىشە نەسەبەن داھا دا مۇھىم ئىدىر.

بېرىنچى شاھ ئابباس شىندەن قالاىنىنى مۇھىم ئىدىر مەك ئۇچۇن ئۇرايا ئىتلى علاۋە قۇشۇن قۇۋەسى گۈندەرىر. قىزىل باش لارەن ئۇخ و كامان قۇرۇچۇسۇ چاۋوشلى ھەسەن خان بۇ ئىشە سىرگەدە تەئىن ئاندىلەر، لېكىن ئامىر ھەمىزەخان، چاۋوشلى ھەسەن خاننى ئاينىدا گەلگەندە ئامىتتەن ئاندىر. ئۇ، ئاستارائىن مۇستەقىللىكى ئۇغۇرۇندا سۇن نەسە قەدەر وورۇشمىنى ئۆستۈن ئوتۇردۇ.

قەندە ئاتىمك لايىھىدىكى، شىندەن قالاىنى بۇ ۋاقىت ئارتىق ھەم ئىشلىدىنى ساھەيە و ئىستراتىيە مۇوقىيەتتە گۈرە، ھەم دە ئامىر ھەمىزەخاننى ئۇرانى داھا دا مۇھىم ئىدىر دېيىنە گۈرە ھەقىقەتتە ئاينىماز، فەتھ ئاندىلەر بېر قالاىنا چەتۈرىلمىشىدى. «تارىخ ئالەم ئاراي ئابباسى» ئاينىن مۇئەللىفى ئىسكەندىرىيەك مەشى شىندەن قالاىنىنى ئۆكەك بېر داغىن زىرەسىندە ئىشلىدىنى، ئۇنۇن چۇخ ھۇندۇر بۇرچلارنى ئۇلدۇرغۇنۇ قەندە ئاندىكىدەن سۇنرا ئاينىر: «داغىن ئاتەنى قالاىن مەشەلىكلەردەن عىبارتدەر. قالاىن ئالتۇر بېر چىچىش ئۇلۇ وئارىدى. بۇ ئۇل دا ئۇ قەدەر دارىسقال ئىدىكى، بېر نەقەر يېتادەن ھەمىن ئۇلدەن كىچىمەسى چۇخ چەتەن ئىدى»^{۱۱} بېر مەسلەنى ئۇنۇنداق ئۇلمازكى، ئاستارا و ئىكران ماحالى گىلان ئاراضىسى تەركىبىيە داخىل ئۇلدۇرغۇ ئۇچۇن ئوزۇن مۇددەت سەفۇرىلدەن ئاسىلى ۋەزىيەتتە دىئەل، مۇستەقىل سورتىدە ئىدارە ئۇلۇنۇردۇ. بۇنا گۈرە دە چۇخ ۋاقىت ئاستارا و ئىكران ھۆكۈمدارى مەركىزى ھاكىمىيەتتە قارشى وورۇشراق ئۇز مۇستەقىللىقنى ئالە ساھلامغا جەد گۇستىمىش، بەزى ھاللاردا ئىسە ئۇز مەقسەتلەرنە ئايل ئۇلماق ئۇچۇن شىرۋانشاھلاردەن كۆمكەلىك ئىستەمىشلەر. مەثلەن، ھەلە شۇخ زەھىد مۇغاندا غازانخان ئىلە گۇرۇشەركەن ئاستارا ھۆكۈمدارى مەلىك ئامەدىن ھەسەنخاندا بۇراخىلماسىنى خاھىش ئاتىمىشىر. غازانخان ئىسە ئۇنۇن خاھىشى ئىلە مەلىك ئامەدى ھەسەنخاندا ئازاد ئاتىمىشىر، و ئا مەلادى ۱۴۷۰-جى ئىلدە ئۇقۇنۇلۇ

ھۆكۈمدارى ئوزۇن ھەسەن شاھ ئىسمائىل ئاتاسى ۹ ئاشلى سۇلتان ھىدەر (۱۴۶۰-۱۴۸۸) ئىلە مۇغاننى تەرك ئاندىپ ئارەبىلە گەندەر. بۇ ۋاقىت سۇلتان ھىدەرنى بۇيۇك ئىمىسى شۇخ جەفەر شىندەن قۇدەرتلى ھۆكۈمدارى ئىش باغىشلانمىشى. ئوزۇن ھەسەن دىن خاھىش ئاندىر و ئوزۇن ھەسەن ئۇنۇن خاھىشى ئىلە شىندەن قالاىنىنى ھاكىمىنى ھەسەنخاندا بۇراخىلەيىر. ئۇقۇنۇلۇ ھۆكۈمدارى ئوزۇن ھەسەن دە (۱۴۶۸-۱۴۷۸) ئامىر سولطانى دۇغ ئاتىمك ئۇچۇن ئاستارا ئىلەر. ئامىر بايزىد بىسۇلتان ئاغلۇ ئامىر ئىلە شىندەن قالاىنىدا گۈندەرىر ئۇزى دە شىندەن قالاىنىدا گەلەر.

سۆنرا اوردان اردبيله گندير (باخ ابوبكر تهرانی، تاریخ دیار بکریه، جلد دوم صفحه ۵۲۱). اردبیل حاکیمی ذوالفقارخان قارامانلی آذربایجان قوشونو ایله بیرلیکده ۹ آئی شیندان قالاسینی مؤحاصیرهده ساخلائییر. آستارا و لنکرانی قیزیلباشلاردان قورویان تالیش لارین کامانلاریندان آتیلان اوخلار نتیجه سینده خیتلی قیزیلباش هلاک اولموشدور. امیر حمزه خان شیندان قالاسیندان مکتوب یازاراق انعتیبارلی بیر شخص واسیطه سیله بیرینجی شاه عابباسا گونده ریر. مکتوبدا دئییلیردی کی، حاضیردا آذربایجاندا تام ایختیارات صاحیبی اولان حسام بیگ قارامانلی اولاردی. انله بیزیم سؤلاله آراسیندا همیشه دوشمن چیلیک و عداوتی اولموش، خیتلی قانلار تۆکۆلمۆشدۆر. اولار ایندی ده بیزدن ایتیقام آلماق ایسته ییرلر. بونا گۆره ده فرهادخاتین عداوتی اوزۆندن، ناموسمون آرادان گتتمه سی و جاتیمن قوزخوسوندان بو خوشا گلمز حرکتی ایتمیشم. ایندی شیندان قالاسیندان کنار چیخا بیلیمیرم. خواهیش اندیرم، شاملو تافاسی امیرلریندن حسین خانی شیندان قالاسینا گونده رین کی، اونون منه وئردییی امین آمانلیغا اینائیپ، قالانی اونا تاپشیریب ایسته دینیم یتره گتدیم. ۱۴ امیر حمزه خاتین شیندان قالاسیندان بیرینجی شاه عابباسا یازدیغی مکتوب اونون قودخاقلیغینا دلالت اتمیر و اگر او تسلیم اولماق ایسته سیندی شیندان قالاسیندان ۹ آئی صفوی اوردوسو ایله وئوروشمازدان قابق همین مکتوبو یازاردی. اساسی مسله او ایدی کی، شیندان قالاسی ۹ آئی قیزیلباش لارین مؤحاصیره سینده ایدی. تالیش و آستارا جماعتی نین سیلاحی و ارزاقی تۆکنمشیدی. آرتیق مؤقاریمت گۆسترمه تین هدر اولدوغونو بیلیردیلر. بونا گۆره ده، امیر حمزه خان مجبوریت قارشئ سیندا قالاراق یوخاریدا قئتد ائتدیییمیز مضموندا بیرینجی شاه عابباسا مکتوب یازیپ گونده رمیشدیر.

بیرینجی شاه عابباس قوم حاکیمی حسین خان شاملونو شیندان قالاسینا گونده ریر. او، میلادی ۱۵۹۲-جی ایلین نۆبایه آییندا شیندان قالاسینا چاتیر، امیر حمزه خاندان اینام یارانماق اۆچۆن قالا اطرافیندا اولان ذوالفقارخان و قارامانلی جماعتینی دیگر یتره کۆچۆرتدۆردۆ. امیر حمزه خان ایسه عایله سیله بیرلیکده، قالادان چیخیپ، حاضیردا ایران آستاراسیین قریب طرفینده، ۲ کیلومتیرلشینده یترلشن خوشگه دهنه به گئیرتدیریلیر. امیر حمزه خان خوشگه دهنه ده گمی به مینهرک ۱۵ شیروانا یولا دۆشۆر. بنله لیکله ۹ آیدان آرتیق مؤحاصیرهده قالمیش شیندان قالاسی، آستارا و لنکران رایونلاری ایله بیرلیکده ذوالفقارخاتین حاکیمیه تینه تابع اولور. ۱۶.

امیر حمزه خان آستاراتین مؤستقیل لئی اوغروندا وئوروشان مرد و جسارتلی بیر شخصیت ایدی. او عایله سیله هم جینین اصیل لری خالخال لئی اولان محمد باقر و مؤللا فاضیل ایله بیرلیکده شیروانا، اونا گۆره گتتمیشدیر کی، فۆرصت الله ائتدیکده یتنه آستارایا گلیپ بو ماحالی قیزیلباش صفوی لرین چنگیندن قورتارشین. شیروان بگلر بیگی سی، عوئمانلی سرکرده سی احمد پاشادا، اونا بو باره ده سیلاح و قوشون بابتیندن کۆمک انده بیلیردی. اونا گۆره ده شیروان بیگلر بیگی سی عوئمانلی سرکرده سی احمد پاشا شامخی دا امیر حمزه خان، اونون عایله عضولری و یول یۆلداشلارینا حددیندن آرتیق حۆرمت اندیر. ساکین اولماق اۆچۆن اولار ان مؤناسیب و

ياخشىٰ منزىل لىر وئوردىر. امير حمزه خان شاماخىٰ دا اولاركن آتاسىٰ بايندىرخان ايله بيرليكدە ۱۷ اوۋا (OVA) چىقىرى. لاکىن شاماخىٰ صحراسىندا محمد باقر و موللا فاضىل امير حمزه خان خىياتت اندەرك اونون باشىنى كىسىپ، سالتان يۇلو ايله قىزىل آغاچا گىدىپ، امير حمزه خاتىن كىسىلمىش باشىنى فرهادخان واسىطەسىلە مروود بيرىنچى شاه عابباسا چاتدىرىرلار. لاکىن سۇنرلار محمدباقر اۋز آغاسىنا نانكۇرلوق و خىياتت انتدىيىن جراسىنى گۇردە. بىلەكى او، اردىبلە سرخۇش لوق انتدىيى اوچۇن ذوالفقارخاتىن امرىلە داردان آسدىرىلير. بيرىنچى شاه عابباسىن امرىلە آستارا و اونون اطرافى ماحالىتا امير حمزه خاتىن بۇيۇك اوغلى بايندىرخان حاكىم تەئىن اولونور. او هرات حاكىمى حسين خان شاملونون قىزى ايله ئولتير. ۱۸ ايل آستارا ماحالىتا حۇكمرانلىق اتمىش بايندىرخاندا سۇنرا اوغلو سارىخان آستاراغا حاكىم تەئىن اندىلير. سارىخان دا حسين خان شاملونون ديگر قىزى ايله ئولتەنير. ۱۶۳۸-جى ايل فنۇرائىن ۴-۶ نەدە آستارادا، و ھەمىن آيىن ۸-۱۰-

دا لىكراندا اولموش آلمان سىياح و عالمى ھۇشتانلىلى آدم اولئارنى سارىخاننى اورتا ياشلى، آغىللى و صىمىي بير شىخسىت كىمى قىيىمتلىدىرەرك يازير، سارىخان آستارادا فنۇرائىن ۶- دا بىزە قۇناقلىق وئردى، آدم اولئارنى دا شىندان داغى حاققىندا معلومات وئيرير او قىتئە اندىركى، شىندان داغى آستاراىن آرخا طرفىندە يترلىشىر. شىخىن خاطىرىنە اۋرادا شىخ ساھادائىن (اصلىندە شىخ زاھىد گىلاننى نظردە توتور- سىد آقا عون اللھى) آزاد كىندى وئردىر. شىخ صفى نىن كىچمىش مۇعللىمى (ھەم دە قايتىن آتاسى- سىد آقا عون اللھى) شىخ ساھاد اۋرادا ياشايتىپ، دفن اندىلمىشىدیر.

اصلىندە آدم اولئارنى ئىن شىخ زاھىدىن شىندان قالايسىندا دفن اولونماسى بارەدە معلومات دۆز دىيىلىدیر. شىخ زاھىدىن وفاتىندان ۵۱ ايل سۇنرا اۋز اثرىنى يازمىش توكلى ابن بزۇر اردىبل يازير كى، اصىل آدئ شىخ تاج الدىن ابراھىم اولان زاھىدىن آتاسى امير روشن لىكرائىن سىناھرود كىندىندە -ايندى تالاش لار سىناھرود آدلاندىرىر- دىزىر كىنارنىدا، لىكرائىن ياخشى ئىغنىدا يترلىشىر وفات اتمىش، اوغلو شىخ زاھىد ايسە سىناھرود كىندىندە آنادان اولموش، اۋرادا ياشامىش و ۱۳۰۱-جى ايلىن مارت آينىدا وفات اندىپ، سىناھرود كىندىندە دفن اندىلمىشىدیر. سۇنرا ھەمىن مقبرە نىن سو باسەش (دىزى سۈيىتەسى يوخارنى قالخىدىغى اوچۇن) و شىخ حىدر جىسدى اۋرادان گۇتۇرۇلۇپ ھلەكرانا (لىكراندا) آپارىپ اۋرادا دفن اتمىشىدیر و مقبرەسى اۋزەرىندە كۆمىز دۆزلىدىرىمىشىدیر. شىخ اۋرادا دفن اولدۇقدان سۇنرا ھلەكران كىندى شىخەكران آدلاندىرىمىشىدیر. سەيد نفىسى دە لىكرانداكى سىناھرود ايله رشت ياخشى ئىغنىداكى سىناھرودى قارىشىدیر و شىخ زاھىدىن تۆرەسىن شىخانجەردە اولدۇغونو ايدىعا اتمىشىدیر. بو دا سەۋدىر. بىز بو بارەدە آيرىجا مقاله يازمىشۇق و چاپ انتدىرەجەيىك. س.ع.

۱۶۳۸-جى ايل فنۇرائىن ۸-۱۰ دا آدم اولئارنى لىكراندا اولاركن كىچمىش ھلەكرانى شىخەكران

آدلاندىرىمىشىدیر.

شىندان قالاسى تارىخىدە بىر چوڭ ھادىسەلەرنى شاھىدىي اولموشدور. ۱۸۲۸-جى ايل روس - ايران (ترکمانچاي) مۇقادىلەسى اساسىندا سرحدە دە مفتول چەرلەرنى بۇ طرفىندە ئىشلىتىش شىندان قالاسى ئىشلىتىش ئاستارائىن ايكى ئىشە بۆلۈنمەسىندىن سۇنرا باشلى بلالەر چىكىشىدىر.

اوزون مۇددەت اوزون ئاتىنا ادام گندە بىلمەمىشىدىر.

داش ھىصارلارنى ھەلەدە مۇشاھىدە اندىلەن بۇ قالائىن تارىخىي ئاستارائىن تارىخىي ايلە بىلا واسىيە باغلايىر.

۱۸۶۹- جو ايلەدە «جواھر نامە لىكران» اثرىنى يازمىش سەيدەلى ابن محروم كاظم بىگ يازمايىر: «مشھور شىندان قالاسى ھۆندۈر داغىنى اتمەيىندەدىر. بۇ داغ ئاستارا ماھاللىدا اولان داغلاردان ان ھۆندۈردۈر. ارچىوان كىندىن قىيىندە ئىشلىتىر. بۇ داغ ھىچ بىر داغا ئىشلىتىشەنمەنمەن. اۇ داغدا داغىدىلىمىش بىنالارنى قالايىقلارنى مۇشاھىدە اندىلىر.

اوللاردان بىرى بىر پارچا داشدان

تەكىلىمىش طاغتاوان (طاق) وئاردىر. بۇ داش انلە ھەمىن داغىنى داش ماتىرىئاللىنىدۇر. اوزادا سو ئانبارنى وئاردىر. ئانبارنى اش و اوزونۇ ۶-۷ ذىرەدىر. دىن لىنى گۇرۇنمۇر دۇر تەكىلىمىشە ھەمىشە ئانبارلار سىرىن و اۆرەيە ياتان سو ايلە دولۇدور. ھەمان داغا چىخماق چوڭ چىتىن دىر. ئاللىز بىر طرفدن داغا چىخماق اولار.

اۈنۈن اطرافىندا بىشىمىش كىرىجىدن ھۆرۈلمۈش چوڭ مۇھىم ھىصار وئاردىر. ھەمىن داغىنى اتمەيىندە چۈخلۈ قىرىلمىش و سىنىمىش چىنى قىلار قالاقلانمىشىدىر. آغىرلىقلارنى مىن خروئاردان چوڭ اولاردى بوندان علاۋە داغىنى اتمەيىندە خىتلى تۈپ گۈللەلەرنى تۈكۈلمۈش.

بۇ تۈپ گۈللەلەرنى شىندان قالاسى اوغروندا وئوروشمالاردا ايشلەنمىشىدىر. گىلىش لارىن اكرىتتى چكى داشلارنى ھەمىن تۈپ گۈللەلەرنىدن دۈزلىرلەر. بونا باخمايتاراق ئىشە دە اوزادا خىتلى تۈپ گۈللەسى تاپماق اولاردى. بەشىلەرنى مەنە بىلە رىۋايەت ائەندى كى گىلائين كىچمىش ھاكىملىرىدىن بىرى ھەر بىر ضىياقت مەجلىسىندە ھەر دە تازا چىنى قىلاردان ايسىتىفادە اندىرمىش: ئىمك قورتاردىقدان سۇنرا سىرۋ اولونموش چىنى قىلارنى آرتىق ئىشەن دىن ئۆتۈلۈپ ايسىتىفادە اندىلمىردى. اۈنۈ قالائىن اتمەيىنە توللايىردىلار. ئەنى ھەر ضىياقت مەجلىسىندە تازا چىنى قىلاردان ايسىتىفادە اولونوردى.

گۈللە تولاننىلارنى ايسە تالىش امىر قاراخانىن ھاكىمىيىتى دۈۋرۈندىن قالمايىشىدىر. اۇ عۇمۇرۈنۈن سۇنلارنىدا قىزىلباشلاردا (آذربايجانلىلار نەزدە توتۇلور- سىداقا عون اللەھى) تايىع اولمايىش. شىندان قالاسىندا اۈزۈنۈ دۈشمەندىن مۇداخىلە اندىردى. قالا خىتلى مۇددەت قىزىلباشلارنى مۇھاسىرەسىندە قالمىش، قىزىلباشلار تۈپ آرابالارنى ھامان مەشەدە ھامان داغا چىكىش و شىندان قالاسىندا تۈيلاردان گۈللە ياغدىزىمىشلار. ايندى دە شىندان قالاسىنىن ئاتىدا بىر يۈل وئاردىركى، تۈركچە اۈنا «تۈپ يۈلى» دىيىرلەر. قىزىلباشلار قالائىن مۇھاسىرەسىنى يارماق اۈچۈن اۈزۈن مۇددەت چاللىشىش، لاكىن تۈپ واسىيەسىلە شىندان قالاسىن آلا بىلمەمىشلەر؛ لاكىن قاراخانىن قالادا

آزوغاسی قورتارمیش، قالانی ترک اندهرک، منشلره قاجمیشدیر. او واخت قیزیل‌باش‌لار قالانی آلارکن بو شنغری کینایه ایله اوخوموشلار:

گر گ... ایله گوگه چنخارسن

شیر دامینا گیر قیزیل‌باش‌لار

اتک یازیلائی

- ۱- توکلی ابن بزاز م. ۱۳۵۸نجی ایله یازدیغی «صفوة الصفاء اثرینده هیتران گدیگی نین آدینی چکمیشدیر. او یازی: گریوه هجران که گریوه و راه گیلانست» صفوة الصفاء بمبئی چاپی ۱۹۱۱ میلادی، صفحه ۴۰.
- ۲- کاتب سهر اولاراق شیندان عزه‌سینه سیدان نازمیشدیر.
- ۳- مملان ابن هسودان میلادی ۱۰۷۳ نجو ایله‌دک، حوکرانلیق اتمیش و سولطان آلپ ارسلان اونو و عایله‌سینی حبس ائتدیرمیشدیر.
- ۴- قطران تبریزی- دیوان، تبریز ۱۳۳۲ شمسی، چاپ شفق، تبریز، صفحه ۳۲۸-۳۲۹.
- ۵- دیوان افضل‌الدین خاقانی شروانی، بسمی و اهتمام دکتر ضیاء‌الدین سجادی، تهران ۱۳۴۷ شمسی، صفحه ۷۷۰.
- ۶- عجایب‌الدلیا، ورق ۲۱۱.
- ۷- ابوالقاسم کاشانی. تاریخ اولجایتو، تهران ۱۳۴۸ شمسی، صفحه ۵۷.
- ۸- ابوالقاسم کاشانی. تاریخ اولجایتو، صفحه ۵۷.
- ۹- فرهنگ جغرافیائی ایران. جلد نهم صفحه ۲۴۲، جلد سوم و چهارم؛ صفحه ۲۰۳.
- ۱۰- حمدالله قزوینی، نزه‌القلوب، تهران، صفحه ۹۳.
- ۱۱- حمدالله قزوینی یازی: کی، اصفهید دوردونج اقلیم‌دندیر. اورتا شه‌هردیر. محصولاتی ناخیل، دوتو، بیر آز دا منیوه اولور. یونوک ویلائت‌دیر. ۱۰۰ پارچا کند بو ویلايته تابع‌دیر. اونون دیوان و ترکی‌سی ایکی تومن دوققوز مین دیناردیر. باخ نزه‌القلوب، صفحه ۲۰۲.
- ۱۲- اسکندر منشی. تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، ۱۳۵۰، صفحه ۴۸۷.
- ۱۳- بیر مسله‌نی خاطیرلاماغی لازیم بیلیریک کی، شاه اسماعیلین ائتینجی باباسی شیخ‌صفی‌الدین (۱۲۵۲-۱۳۳۴) لنگرانلیق، شیخ زاهد گیلانی بین قیزی بی بی فاطمه ایله اتولمیشدیر، همین فادیندان اوغلو خواجه صدرالدین (۱۳۰۵-۱۳۹۲) دوتیاینا کلیمیشدیر. دنم‌لی صفوی انا طرفدن تالیش حساب اولونور.
- ۱۴- مولّا عبدالفتاح قومی گیلانی، تاریخ گیلان، باهتمام منوچهر ستوده، تهران ۱۳۴۹ شمسی، صفحه ۱۴۰-۱۴۱. هم ده باخ: محمود نطنزی، نقاره‌الانار، تهران، صفحه ۴۷۴-۴۷۵.
- ۱۵- بو فاکنندان آیدین اولونور کی، XVI عصرده آستارادا خزر دنیزی‌نین دهنه‌سی خوشگه‌دهنه ایمیش. چونکی، امیر حمزه‌خان خوشگه‌دهنه‌ده گمی‌یه مینورک، شیروانا تولا دوشور. دهنه سوزنرالار قوردودغو اوجون چوخ احتمال کی، خوشگه‌دهنه، قوروموش دهنه آدینی اتمیشدیر. بورادان هم ده معلوم اولور کی، آستارا ایندیکی یترینه یوخ، آدام اولشاری‌نین یازدیغی کیمی دیز کناریندان ۴ میل مسافده داغ آتینه‌نده تیرلشمیش.
- ۱۶- عبدالفتاح قومی گیلانی، تاریخ گیلان، ص (۴۷۴-۴۷۵).
- ۱۷- شرفخان بیدکسی شرفنامه اثرینده یازی: «امیر حمزه بیگ ولد بایندیرخان تالیش والی آستارا شرفنامه جلد دوم صفحه ۲۹۷.
- ۱۸- سعید علی ابن مرحوم کاظم بیگ. کتاب «جواهر نامه لنگران» آذربایجان عثلملر آکادمیاسی ال یازمالاری اینستیتوتو.

«گۇي آتلى بالاخان»*

حبيب فرشاپ

ترەكمە ھاۋاسى بۆتۈن ئاينلاغى
بۆرۈمۈشۈر. كېنكلەر گۈل اۆستە اۆتۈنباي
تەك، بالابانچى نىن بارماقلار ئاين بالابان
اۆستۈنە قۇنوب قالخىردى. تەكجە شاھ
يوردونون چىمەننە تۇپلاشان آل-الوان
گىنىملى قىز-گىلن ئۇخ بلەكە ئام-ئاشىل
ئاماجلاردا قۇتون-قوزو اوتاران چۈبانلاردا
اۆزلىرىنى ترەكمەنن دالغالارنى تاپشۇرىپ
اۆتۈنبايدىلار. اۆتۈنباي بۆتۈن اوشاقلارنى
خالى دۇشمىنىش بۇيۇك چىمەنن
دۈۈرەسەنە دۆزۈلۈپ، سئۈنچەك ال
چايردىلار.

شەھردن گلن قۇناققلار ئاينلاق ھاۋاسىندان
سرمست اولوپ، ترەكمە ھاۋاسىندان دۇۋوق
آلدىدىلار. بو آرا تەكجە مۇحتىشم خالائىن
خالى اۆزۈندە دىيىلدى. اۋەرالى نىن جوت
بارماغىنا بىر يۈزلۈك آلىپ، سۆزە-سۆزە
بالابانچى «عابباس» ئاخىنلاشسا دا ئىنە
گۈزلىرىنى تەنن اۆستۈندەن حتم خائىن
اۋاسىنا اوزاتىپ گىندەن چىغىردان، آيىرا
بىلمىردى. اۋ، نەھائەت ئىندەكى پوللارنى
بالابانچى ئا وئرىپ، ئىنە اۆتۈنبا-اۆتۈنبا
قايتىدىپ قۇناققلارنىن آراسىندان بايىرا
چىخىدى.

خالا آلاچىغا كىرەرەك، بىر اوشاق
كۈندە رىب شىمىل خانى آلاچىغا چاغىرتىدى.
_ اشى سەن دىدىم كى، اوشاغى قۇنما
گىندە، ايندى من باشىما نە داش سالىم.
بالاخان گلىپ چىخمايدى آخى؟! _ دىنەندە،
شىمىل خان گۈلە-گۈلە:

_ ئاخشى، ئاخشى، سەن شامىن فىكرىندە
اول، قۇناققلار يۈلدان گلىپ آج اولارلار،
ايكى بىشادا گۈندە رىشم دالنجە. نايران
اولما، ايندىچە گلىپ چىخارلار _ دىدى.

دوغرودان دا مۇحتىشم خالا بەنن
آتلاىپ، گلىن قاباغىنا گىتمەننە اولدن
راضى لاشماىپ، «ايە! بىش اۋغول
اۋولندىر مىشم، ھانسى دوروب گلىنن
قاباغىنا گىدىپ؟» دىمىشىدى. خالائىن بو
ايشلە راضى لاشماماغى نىن بىرىنجى سببى
حتم خائىن اىستەننە بۇتون ائىمەك نىيتى
ايلە اولسا دا، ايكىنجى عىللىتى ناتاراز
ايشلردن قاباغى گلن نايرانلىق اولموشدۇ.
گۈي آت دجل بىر آت اولسا دا، اصىل
آتىن بالاسى ايدى. اۋ ھىچ كسە دە مېنىك
ۋىرمەسە دە، بالاخانا حمىل لىك ائىدەردى.
آنچاق نەنەسە بو دۇنە بالاخان بەي پالتارىنى
گىنىپ، آياغىنى اۋزەنگى يە قۇتاراق، گۈي
آت كىشەنە-كىشەنە اللرىنى گۈنە
قالخىزىپ، بالاخائىن يەھەر اۆستۈنە
قالخماغىنا مانع اولموشدۇ. گۈي آتىن اۋچ
دفعە بو عملنە شاھىد اولان مۇحتىشم خالائىن
اۋرەننەنە آجى بىر فىكىر دامسا دا، اۋ
تۇختاق-تۇختاق دايتاىپ، ھىچ نە
دەمەمىشىدى؛ تەكجە بالاخان بىردن سىچراىپ

* عباس بالابانچى نىن سۆيلىدىكى خاھىرە اسمىندا

الى زۆيۆب بىر يىردە بند آلمادى. گۆي-آت قەدىنى دۆزلىپ سىچراپاندا، بالاخان آتتىن آرخاسىنا توللاندى. او آياقلارنى اۆزەنگى دن چىخارماق ايستەينەندە آرتىق گىنج اولموشىدو. اونون سول آياغى اۆزەنگى يە ايلشيب آرخاسى اۆستە يىرە گلىدى. بىردن دۇداغىنداكى سىنوگى ماھنىسى قىرىلىپ يارىمچىق قالدى....

□□□

مۇحتشم خالا الينى سىنەسىنە چاتدۇرۇنجا، ايلدۇرۇم تىك بىر سانجى اۆرەينىن باشىندان چاخىب كىچىدى. گۆي-آت آرخاسىنجا نىسە سۆرۈندۈيۈنۈ گۈرەندە اۆركۈب، ايلان ۋورموش كىمى داغا- داشا توللاندى.

□□□

بىر ياتلاغىن بىرى- بىرىندن آزالى دۈشمۈش ايكى بۇيۇك چىمەينىدە، آلاچىقلار سىرەم- سىرەمە دۈزۈلمۈش ايكى اوبا يىرلىشىدى. بو ايكى اوبانى دالغانان چىمن لىرلن آراسىندان بورول- بورول آغاران بىر ائىل يۈلو بىر- بىرىنە قۇووشدوروردو. بو ائىل يۈلونون ايكى باشىندا، هر اوبادا بۆتۈن باخشىلار ايتتىظارلا گۆي-آتتىن يۈلونا تىكىلسە دە آنجاق گۆي-آت اۆز فاجىيەلى يۈلونا داوام اندىردى. ايكى ائىل، ايكى اوبا بۆتۈنلۈكلە بالاخاننى دۈزۈمسۈز گۈزلەسەلەر دە كىمسەنن مۇحتشم خالا تىك صبرى- قرارى كىسىلمەمىشىدى. سالتارل سۆرەن ايتتىظاردان قۇناقلا اۆزۈلۈپ، مجلس ياشاش- ياشاش داغىلىدى. اوبالىلار آخشام ايشلىرى ايله مشغول اولدولار. اۆچ گۈنۈن يۈرغونو اولان آشقىلار دستەسى آلاچىغا گىرچىك ھەرسى بىر طرفدە اوزاتىپ درىن يۈخوتتا گىتىدىلر.

□□□

يەھر اۆستۈندە اۆتۈروب يۈلا دۈشكرن، بىر تىك صبرى سىسى ائشىتىدىكە، داھا دۈزەنمەيىپ، شىمل خانان يۈيۈرۈپ: _ ايە! يىرى اوشاغى قۇنما گىندە، صبرى گلىدى- دىمىشىدى.

شىمل خانان اونون جاۋاينىدا:

_ آرواد، ايشىدى لىنگىتمە! قۇي گىندىپ نىگارنى گىتسىن، قۇچاق اوغلودور، قۇچاق- دىئە الينى آغ- آياغ تۇپا يىغىنا چكىمىشىدى. ھلە شىمل خاتىن سۆزلىرى قورتارۇنجا، گۆي-آت ياتىدان چىخىمىش بىر اۇخ كىمى ھاۋالايتىپ، بىر گۈز قىرىمىندا تەينن داللىدا گۈزدەن ايتىمىشىدى...

اوجسوز- بوجاقسىز چىمن لىر سانكى قۇللارنى آچىپ بالاخانا گل- گل دىتىردى. گۈلە، چىچە يە بۆرۈنمۈش طىبعت بالاخاتىن تۇيونا حاضىرلانمىش كىمى ايدى.

بالاخاتىن اۆرەينىدە سىنوگى دالغالايتىردى. اۆزۈنۈ دۇنياتىن ان خوش باختى سائىردى. بىر ان تۇپا- تۇپا پامىتق بولونلارنىن آراسىندا، گۈزلى آداخلىسى سى نرگىزە ساتاشىدى. او گلن پالتارىندا داھا گۈزەل، داھا ياراشىقلى گۈرۈنۈردۈ.

بالاخان گۆي-آتتى قامچىلايىر. گۆي-آت درەلردن سىل كىمى، تەلردن يىل كىمى آخىب گىتىردى. بالاخان سانكى چىمن لىرلن اۆستۈندن اوچا- اوچا كىچىردى. ھر شى اۆز قايداسىندا ايدى؛ كىچە نە زامان يۇلدان چىخىدىقلارنى نە بالاخان، نە ھو گۆي-آت ھىچ بىرى بىلمەمىشىدىر. بىردن گۆي-آتتىن آياغى بىر چالايا ايلشيب بۆدۈرەينىدە، بالاخان اۆزۈ اۆستە گۆي-آتتىن بۇيۇنونا يىخىلىدى. اۋاتىن ياتلىدان توتماق ايستەيندە

شمیل خان قوناقلارین آلاچیغینا گیره‌نده،
کیمیسی دیزلرینی قوجاقلایب اؤتورموش،
کیمیسی ده دیرناغی‌لا قالینین گؤلرینی
اشیردی. آنجاق کیمسه‌دن بیر جینقئرئی دا

«قوصه»

آنتووان چنخوف
چنويرن : ش. آغايف
كوچورن : كاوه غنى اوغلو

«درديمى كيمه دئيم؟»

زبور

آخشام تۇران قوۋوشموشدۇ. ايرى سولو قار پارچالارنى ئىنى يانمىش فنرلر، اطرافىندا تىبل-
تىبل قىرلار ئارقا ئارقا نازىك ۈ يۈمۈشاق لايىلارلا داملارنى اۋستۈنە، آتلارنى بىلىنە، آدمالارنى چىيىنلر
ۈ پاپاقلارنى تۈكۈلۈر. فائىتونچو «ايۇنا پۇتاپۇف» بىلەن آياغا خىيال كىمى آغ- آياغ دىر. او جانلى
آدامنى ايتىلە بىلە جەئىنە قەدر بىلىنى دىرەك قۇزالادا اۋتورموش ۈ ترېنمىر. بۇيۇك بىر قار قالاغى
بىلە اۋنون اۋستۈنە دۈشسە دە يەقىن كى، ئىنە قارى اۋز اۋزەرىندىن سىلكەلمەنى لازىم بىلمىز. اۋنون
آت جىغازنى دا آغ ۈ حركەت سىزدىر. اۋز حركەت سىزلىشىنە ۈ دۈم- دۈز آياقلارنى ايتلە بو
آت جىغازلاردا اوخشايتىر. ائىتىمال كى، آت دۈشۈنمەنە دالىمىشىدۇر. كۈتەن دا عادت ائتمىش اۋلدوغو
بۇز منظرەلردىن آيرىلىپ، بوراغا عجايىب اۋدلارلا، آراسى كىسىلمەن گۈرۈلتۈ ۈ قاچىشان آدمالارلا
دۈلو گىردابا دۈشەنلر دۈشۈنمەنە بىلمىز... «ايۇنا» ۈ اۋنون آت جىغازنى خىتلى وخت دىر كى،
يىرلىرىندىن ترېنمە ئىيلر.

اونلار ناھاردان چۇخ قاباق حىتەلدىن چىخىمىشلار، لاکىن سىقتە وئرن يۇخدور كى، يۇخدور.
بودور شەھرىن اۋزەرىنە آخشام تۇراننى چۈكۈر. فنر ايشىقلارنى ئىن سۇلغون رنگى دىشىپ،
جانلاتىر. كۈچەدە حركەت، سس- كۈي چۇخالىر. ايۇنانىن قولاغىنا سس گلىدى:
_ فائىتونچو، ووبوروق كۈچەسىنە!... فائىتونچو!

ايۇنا دىكىسىنر ۈ قاردان بىر- بىرىنە ئايشىمىش كىرىپىكلرى آراسىندىن باشلىقلى شىنل گىتىمىش
بىر حربى خىدمەتچى گۈرۈر.

_ «ووبوروق» كۈچەسىنە دئىتە، حربى خىدمەتچى تىكرار ائدىر- سىن ئاتمىشان نەدىر؟ «ووبوروق»
كۈچەسىنە!

راضى ئۇق علامى اۋلاراق ايۇنا جىلوۋلارنى چكىر. آتىن بىلىندىن ۈ اۋنون اۋز چىيىنلرىندىن
لۇپا- لۇپا قار تۈكۈلۈر. حربى خىدمەتچى خىزەنە ايتلەشەر. فائىتونچى دۈداقلارنى مارچىلداداراق

— هارا سۆرۆرسن قولئېنانى؟ شىتتان سنى هارا چكىر؟ ساغدان گنت!

ایونا گولۆمسه یه رک آغزینی اییر، بوغازینا گۆج وثره رک خیریلدا ایشیر.

— ھم... نندن اولدو؟

۔ آلاھین امری دیر۔

ئىشلەيىر. سونرا بىر نەچچە دەفە دۇنۇب، سرنىشىنە باخپىر، لايكىن او گۆزلىرىنى يۈمۈشۈدور. يقين كى، دىنلە مك هويسىندە دىتىلدى. ووبوروق كۆچەسىندە سرنىشىنى دوشۇرۇپ آش خانانا قاباغىندا فاپتونو ساخلاپتير. قۇزالادا ايتيلير و ئىتنە دە ترېنمز اولور... سولو قار ئىتنە دە اونو و آت جىغيازى اغارتماقدا داوام اندير. بنلەجە پىر-ايكى... سات كىچپىر. اوچ نفر جاوان اوغلان قالۇشلارىنى بركدن

شاپپىلداداراق سۇيۇشە- سۇيۇشە سكى ايله كىچىر. اۇنلار ئىن ايكىسى اوجا بۇيى و نازىك،
 اۆچۈنچۈسۇ ايسە بالاجا و قۇزىل دىر.

— فائىتوچو، بۇلىس كۇرپۇسۇنۇن ياتىنا!- دئىتە. قۇزىل جىنگىلىتى لى سىسلە چىغىرئىر:

— اۆچۈمۆزۆ بىر عابباسىئا!

ايۇنا جىلۇولار ئى چكىر و آغزىنى مارچىلدادىر. بىر عابباسى اۇ قدەر دە مۇناسىب بىر قىيىمت
 دئىلدىر. آنجاق ايندى اۇ قىيىمتە باخمايىر... اۇنۇن اۆچۈن ايندى بىر ماناتلا بىر شاھى ئىن فرقى
 يۇخدور، تكى سرنىشىن اولسون... جاوان اوغلانلار بىر- بىرىنى ايتەلئە- ايتەلئە و نالايىق سۇزلر
 دئىتە- دئىتە ياخىنلاشئىر و اۆچۈ دە بىردن خىزەتە سۇخولور. اۆچۈندىن ھانسى بىرىسى آتاق اۆستە
 دورماسى و ھانسى ايكىسىنىن ائەلەشمەسى مسلەسى مۇذاكىرە اولماغا باشلايىرلار. اوزون
 صۇحبتدن، شىلتاق و مۇمتدىن سۇنرا بئەلە قارارا گلدېلر كى، قۇزىل ھامىدان بالاجا اولدوغو
 اۆچۈن آتاق اۆستە دورسون.

— قۇن گۇرەك! دئىتە، آتاق اۆستە دوروب نىفسىنى ايۇنانىن دۆز پئىتىرىنە پۇسكۇرن قۇزىل
 جىنگىلدەيىر. — قامچىلا ... آمما پاپاغىن لاپ قىيىمتلى دىر ھا.

— قارداش بۇتۇن پىتۇر بۇرگ دا بۇندىن پىسىنى تاپانمازسان.

— ھا.. ھا..- دئىتە ايۇنا قاققىلدايىر- اولاتىم بودور.

— مەن دە، ائى، اولاتىم بودور. — آتى قۇن. بۇتۇن يۇلو بئەلەمى سۇرەجكس، ھە؟ يۇخسا پئىتىرىن
 يۇموروق ايسەتئىر؟...

اوزون بۇيلاردان بىرى:

— باشىم چاتلايىر،- دئىتەر، دۇنن دۇكماسو گىلدە واسكا ايله ايكىمىز دۇرد شۇشە كۇنتاك
 اىچدىك.

— باشا دۇشمۇرم كى، يالان دائىشماغىن نە معناسى وارمىش!- دئىتە- اۇ بىزى اوزون بۇيلو
 ھىرسلەنىر.- حىنئوان كىمى يالان دئىتەر.

— آلاھىن قىيىنە گلىم كى، دۇزدۇر...

— بلى... بىتتىن اۇسكۇرمەسى كىمى بىر حقىقتىر.

— ھىئ- ھىئ- ايۇنا ھىرئىلدايىر- كىفجىلى اوغلاندىر.

— توف شنى لىمتە گلەسن- دئىتە- قۇزىل اۇزۇندىن چىخئىر:

— ائى كافتار آزان تۇتموش. بىر دىء گۇرۇم سۇرەجكس يا يۇخ؟ بئەلە آت سۇرەرلرمى؟
 قامچىلاسانا آتى ھىئ ايبىلىس. بىردە... ياخشى- ياخشى وور.

ايونا قۇزىلېن بىدەنېن يىرغالانماسىنى ۋە اونون تىترەك سىنىنى اۇز آرخاسىندا حىس اندىر. او اۆستۈنە ياغدۇرىلان سۇيۇشلىرى اشىدىر. اينسانلارنى گۇرۇر ۋە يالقۇزلىق حىسى ياولاش- ياولاش قىلىندىن چكىلمەيە باشلايدىر. قۇزىل او قەدەر سۇيۇر كى، آخىردا آلتى مرتبەلى دولاشلىق بىر سۇيۇش دىن بۇغازى توتولور. آز قالىر كى، اۋسكۇرك دىن بۇغولسون. اوزون بۇيۇلار نادىۇدا پتروونا آدلى كىمىنسە بارەسىندە دائىشماغا باشلايدىرلار. ايونا دۇنۇب اونلار باخىر- بىراز ساكىت اولمالارنىنى گۇزلەيتىدىن سۇنرا دۇنۇب بىردە باخىر:

— منىم دە بو هفته بىر اۋغولم اولدۇ- دىتە، دۇنقۇلدائىر.
— هامىمىز اولەجەئىك- دىتە، قۇزىل اۋسكۇرك دىن سۇنرا دۇداغىنى سىلىپ، آە چكىر- دى سۇر، سۇر گۇرەك! آغالار من داها بىلە دۇزە بىلمەرم.
— او بىزى نە واخت آپارۇپ چاتىدۇراجاقدۇر؟
— يۇنگۇلجە بىر پىتىرىنە اىلىشىدىر بىر اۋنو بىر حركتە گىتىرسە!
— كافتار آزار توتوموش، اشىدىرسىمى؟ قىرارام بۇتونن ها... سىز انلە مخلوق سونوز كى، نازىئىزى چكىمك دىنسە بىر يۇللوق پىنادا گىتمك ياخشى دىر.
— اشىدىرسىمى؟ ايلان وورموش يۇخسا بىزىم سۇزۇمۇز ۋىجىنە دىئىل؟
ايونا پىتىرىنە وورولان سىللەنن ضربەسىنى حىس ائتمك دىن آرتلىق اۋنون سىنىنى اشىدىر.
— ھى- ھى... كىفجىل آغالار... آلاھ سىزى سالامات انلەسىن.
— فايئونچو، سن انولى سىمى؟- دىتە اوزونلاردان بىرى سۇروشور:
— منىم آروادىم ايندى قارا تۇرپاقدادىر. ھى- ھى... يەنى قىبرىدەدىر- اوغلو دا ترە اولدۇ. من ايسە ساغام... قىرە ايشىدىر:

— اولۇم قاپىنى دىيشىك سالىشىدىر: منىم يانىما گىلمك عوضىنە اوغولمۇن اۆستۈنە گىندىر...
ايونا اوغولونون نىجە اولدۇيۇنۇ ناغىل ائتمك اۋچۇن چئوزىلەر، لاكىن او سۇزە باشلامىش، قۇزىل يۇنگۇلجە آە چكىر. آلاھا شۇكۇر، چاتىدۇقلاينى بىلدىلر. ايونا عاباسىنى آلىپ اوزون مۇددەت تا اونلار قارائلىق دروازادا گۇزدىن ايتەنە قەدەر اونلار دىن دىئىنجا باخىر. او ىشە دە يالقۇزدىر. اۋنون اۋچۇن ىشنى دىن سۇكوت باشلايدىر. آز مۇددەت اۋچۇن ساكىت اولموش قۇسە ىشنى دىن باش قالدۇرۇر ۋە اۋنون اۆرەينى داها آرتلىق گىمىرمەيە باشلايدىر. ايونانىن تلاش ۋە اىضطىرايلا دولو گۇزلىرى كۆچەنن ھر ايكى طرفىندىن حركت اندىن اىزدىحاما تىكىلىر. گۇرەسىن بو مىنلرچە آدمىن اىچەرىسىندە اۋنون دردىنى دىنلەيە بىلەجك ھىچ اولماسا بىر نقر تاپىلارمى؟ لاكىن نە او، نە دە

اۈنۈن قۆصەسى بو قاچىشان آداملار ئىن ۋىجىنە دىئىل، اۈنۈن قۆصەسى بۇيۇك ۋ سۈنسۈزدۈر. اگر اىۋناتىن سىنەسى ئارىلىپ، قۆصەسى چۈلە تۈكۈلسە، ئىقىن كى، دۈنيانى دۈلدۈرار. آنجاق بونونلا

بىلە اۋ گۈرۈنمۈر، اۋ ائىلە بىر ھىمىت سىز قايشا بۆرۈنە بىلمىشىدىر كى، گۈندۈز چىراقلاردا اۈنۈ گۈرمەك اولماز...

ايۋنا بىلە باغلاما اولان دالاندائى گۈرۈر ۋ اۈنۈنلا دائىشماغى قارار آلىر.
— عزيزم ايندى سالت نىچە اولار؟— دئىتە سۈرۈشۈر.

— اۋنا ايشلەتير، بورادا نيتە دايانمىسان؟ سۈر گنت.

ايۋنا بىر نىچە آددىم ايرەلىتە سۈردۈ. بىلىنى ائير ۋ ئىنى دن قۆصەتە دائىر. اينسانلار بىر آغىر حىس ائدن بىر آدام كىمى بىلىنى دۈزلىدىر. باشىنى سىلكەلەتير ۋ جىلۋولارنى چكىر... ھالى چۈخ خارابىدىر. اۋ داھا تاب گىتيرە بىلمەتير.
چىتەتە دۈغرو- دۈشۈنۈر- چىتەتە.

آت جىغازدا ائىلە بىل اۈنۈن فىكرىنى دۈشمۈشۈر. يۇرغا قاچماغا باشلايتير. سالت يارىم كىچىندن سۈنرا ايۋنا آرتىق سۈباتىن ياتىندا ائىلشمىشىدىر. سۈباتىن اۋستۈندە دۈشمە سىكامىيالار ئىن اۋستۈندە جاماعات خۇرولدايتير. ھاۋا چۈخ كىف ۋ بۆركۈدۈر. ايۋنا ياتانلار باخىر، باشىنى قاشىتير ۋ ائىلە- بىلە تىز قايتىماسىنا تاسۋف ائىدىر.

— يولاف پولو دا چىخارا بىلمەدىم. — فىكىزلىشىر- ائىلە- بلا بوراسىندادىر. البتە آدام اۋز ايشىنى بىلەندە، اۋزۈ دە، آتى دا تۇخ اولاندا ھىمىشە راحات اولۇر...

كۈنچلر ئىن بىرىندن گىچ بىر آرپاچى قالخىر. يۈخولو- يۈخولو ھىققىلدا پاراق سو ۋىلدەرە سىنە دۈغرو يۈنەلىر.

— سو اىچمەكىمى اىستەتيرسن؟— دئىتە ايۋنا سۈرۈشۈر.

— معلوم ايشىدىر كى [اىستەتيرم].

— ھ... نوش اولسون... آنجاق قارداش، منىم اۋغولم اۋلۇبدۈر... ائشىدىب سىنمى؟ بو ھفتە خستە خانادا... اوزون احوال دىر! ايۋنا باخىر ۋ سۈزلىرىن نە جور تاثير باغىشلادىغىنى گۈرمەك اىستەتير. لاکىن ھىچ بىر شىئ سىزمىر. گىچ يۇرغانى باشىنا چكەرەك يۈخوئا گىتمىشىدىر. قۇجا آە چكىر ۋ قاشىتير. گىچ سو اىچمەك اىستەدىنى كىمى اۋ دا دائىشماق اىستەتير. اۋغولون اۋلۇمۈندىن بىر ھفتە كىچىر. لاکىن اۋ ھلە ھىچ كسە دۈتونجا دائىشمايتىشىدىر. اۋ آغىللى- باشلى، تىرلى- تىرىندە دائىشماقتىدىر. اۋغولون نە جور خستەلندىتى، نىچە عذاب چكىدىشىنى، جان ۋىرمزدن قاباق نەلر سۈتەلەدىشىنى ۋ نىچە اۋلدۈيۈنۈ ناغىل ائىتمەك لازىم دىر. قىزى آنىسىنا كىندە قالمايتىشىر... اۈنۈن

دا ھاققىندا دائىشمالى دىر. اۋنون ايندى اۋ قەدەر دائىشلاسۇ سۈزۈۋاردىر كى!... اۋنا قولاق آسان آھ چىكمەلى، اۋنا آجىمالى ۋ اۋنا دوغا اۋخومالى دىر... آروادلارلا دائىشماق داھا ياخشى دىر. اۋنلار آخماق اولسالار دا، ايكى جە كلمە سۈز دئەن كىمى ھۈنكۈرمەتە باشلايىرلار.

— گندىب آتا باخماق لازىم دىر. سۈنرادا ياتماق اولار... يۈخو قاچمايىر كى،... ايۋنا گىنىيىب تۈۋلەتە آتى ئىن ياتىنا گندىر. اۋ يولاف ھاققىندا، اۋت ھاققىندا، ھاۋا ھاققىندا فېكىرلىشېر. اۋ تىك اولاندا اوغلو ھاققىندا دۈشۈنە بىلمىر. ھىمىشە اۋنون بارەسىندە باشقاسى ايلە دائىشا بىلر. آنجاق اۋزۈلۈتۈندە اۋنون بارەسىندە فېكىرلىشمەك، اۋنون شىكلىنى اۋز خايطىرەسىندە جانلاندىرماق قۇرخونچ ۋ دۈزۈلمز بىر دردىر.

— گۈۋشە يىرسن؟— دئە، ايۋنا آتى ئىن پارىلدايان گۈزلىرىنى گۈزۈن كىمى سۈرۈشۈر، گۈۋشە، گۈۋشە... ايندىكى يولاف پولو قازانا بىلمەدىك، اۋت يىتتەرىك... بلى... من قۇجالمىشام. داھا سۈرە بىلمىرم... اوغلومون سۈرمەك ۋاختى ايدى، منىم يۈخ... اۋندان اصىل فائىتونچو چىخاردى... تىكى تاشاياتىدۇ...

ايۋنا بىر قەدەر سوسور. سۈنرا يىتە داۋام ائدىر:

— بلى منىم عزيزىم، مايدان آت... كوزما ايىۋنىچ داھا يۈخىدور... عۈمۈرۈنۈۋ بىزە تاپشۇردى... ناحاق يىرە اولدۇ گىتتى... ايندى فرض ائدەك كى، سىن بىر دايچان وار ۋ سىن اۋنون دۈغما آناسى سان. دئەك كى، بىردن اۋ اولدۇ گىتتى ۋ عۈمۈرۈنۈۋ سىنە باغىشلايدى... آخى يازىق دىر. دئىل مى؟

آت جىغاز قولاغىنى شىكلەيتىب، گۈۋشە يىر ۋ نفسى ايلە صاحىبى نىن الين ايسىندىرىدى. ايۋنا اۋزۈنۈۋ اونودور ۋ ھر شىئى اۋنا ناغىل ائدىر.

منده

سلیمان ثالث

شیمشکلر قضبیم، دومانلار آهیم
 «کۆر اوغلو» بابامین جیداسی منده.
 انالحق کلمه سی دوشمز دیلیمدن
 شاعیر، «نسیمی» نین نیداسی منده.

مخبتیم دیز، نیفر تیم وتولقان
 آذر ائولادی تام نیشان بو نیشان
 دوشمانا گۆز داغی، دوستا مهربان
 اولو بابالارین سخاسی منده.

سینه می دلسه ده دوشمان گۆله سی
 یاتاغیم اولمادی نامرد کولگه سی
 یوردوم جنت میثال اولدولار اولکله سی
 خزانسیز باهارین صفاسی منده.

اینسانا حوزمت دیر مسلک ویجدانیم
 نه اؤچون گیزله دیم نه اؤچون دانیم
 «یلدا گنجه سی» تک اولسا دؤورانیم
 باهار گۆنشی نین ضیاسی منده.

میندیتیم بیر گۆندن هوزین آتین
 قلینه یول تاپدیم، ائلین، ائلالتین
 شیتدا بۆلۈلۈم بو شن حیاتین
 دده «علسگرین» ذکاسی منده.

....

سنین یثرین

م.ح. طهماسب پورشهرک (میرزا)
 یاغدئی یاغیش نارین - نارین،
 اریندی داغلارین قارین
 گۆلۈن دردیک ایلک باهارین،
 سنین یثرین گۆرسه نیردی.

چیلله کؤچدۆ، چیچک آچدی،
 قاتار-قاتار دورنا اوچدو،
 یاسمنلر عطیر ساچدی،
 سنین یثرین گۆرسه نیردی.

سئیره چیشدی بۆتۈن ائلر،
 جمع اولموشدو قرنغیلر،
 قوۋر ائله دیکجه نیسگیلر،
 سنین یثرین گۆرسه نیردی.

کۆک ائیلده آشتیق سازین،
 آدین چکدی خان ائتۈزین،
 اوجالتیقجا ساز - آوازین،
 سنین یثرین گۆرسه نیردی.

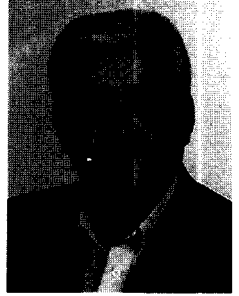
عم قیزیلار گلین اولدو،
 عم اوغلولار بهی ده دوردو،
 پیئاله لر مثی له دولدو،
 سنین یثرین گۆرسه نیردی.

سۆزلرینده اوشاقلارین،
 گۆل اۆزلۈ آل پاناقلارین،
 شیراسیندا قوناقلارین،
 سنین یثرین گۆرسه نیردی.

پوزولدو قوصه، کدر
 اۆره تیمدن آخشام، سحر؛
 دیریلدیکجه خاطیره لر،
 سنین یثرین گۆرسه نیردی.

بایرام گۆنۈ شن حالیمدا
 سئوینیردی ماحالیمدا؛
 منیم شاعر ختالیمدا
 سنین یثرین گۆرسه نیردی.

دورو دويغومدان آخان شعريتيم
ذبيح الله سماپور



دينمز داتيشماز شعريتيم
يالتيز سنين سس سيزليئين ده
سس پاريلتى سىدئر.
پوز منى عزيزيم!

ان يوكسك شعريتيم ده
من چيركين بير كلمه يم
پارازيت بير نوت
سنوگى سيز بير سوز.
دوز منى عزيزيم!

اولوم دن دوزولن
پاييزين سنوگى
پازلى تك

قوى پاييز يارپاق لاريندا
سنين سنوگى شعريتيدن
سنوگى نين شعريت يارپاقلارين دا اولوم.
آچيق بير يارپاق،
آچيق بير سنوگى،
آچيق بير شعر.

جىغالى تجنيس

ميرهدايت حصارى

بير قورد بير قويون يولونو كسدى
بيرى قوردو قوتوب قوتونو كسدى

من عاشيغام او كسدى
او ناكسدى، او كسدى
قوتونو قوردان آلدئ
توتدو باشيني كسدى

او كس كى شرطيني شوخوم دا كسدى
خاينين، دوشماتين قولونو كسدى

بير بولبول سيغيندى گول بوداغينا
ائله بيل سوينكىدى «شيبلى» داغينا

يوخ عزيزيم داغينا
دره سينه، داغينا
بولبول قم باساندا
سيغينار گول بوداغينا

بير يئل اسدى سيندريدئ گول بوداغين
كيميدى باخان ايندى اونون داغينا

بيلمه ديك دونيادا نه قالماقالدى
پوزولدو باغ بوستان، داهان قالدى

عزيزيم نه قالدى
نه قالماقال، نه قالدى
جفاسيني بيز چكدىك
صفاسى كيمه قالدى

تمدون كاروانى كنجير (هيدايت)
هر كيم بو كارواندان قالدى، دا قالدى.

نەلر يادا دۆشر؟!

حميد آرش آزاد

دلبىر آچاندا آغزىنى، تىز «مار» دۆشر يادا
 زۆلفون گۆرنىدە، قىشدا ياغان قار دۆشر يادا
 «غىر انتفاعى» مدرسىنە ئىن گىلجە ئىن آدى
 بىر زاد يۇخومىدو ساتماغا، شىلوار دۆشر يادا
 ھەر تىرمىن اولىنىدە كىي «شەھرىيە» ايسىتەنەر
 ائىودە مۇكىت، مەللەدە سىمسار دۆشر يادا
 سۇزغون گۆيىرتى، بۆللىو سىنچان، بىر سوسوز آغاج
 تىرىزدە دگىسە گۆزلەر، بولوار دۆشر يادا
 راي ساندىغى، كىيىن كاغىزدى گۆرسىم ھەر زمان
 نازىك بۆيىنلا، بىر قالىن افسار دۆشر يادا
 ھىستىرخان اولسا ائىودە، خاتىم دامادا وئىرەر
 ار دە، اۆگۆن كىي ائىودە چىوخ ايش وار، دۆشر يادا
 گۆنىدە بىشش - اون ساحات، آقا ھەر ياندا وئىلنەر
 ھەر وقت آجالدى، ائىودە كىي دىلدار دۆشر يادا
 مسوللار ئىن دىلى چايشىسار گۆنىدە اون ساحات
 بىر يول ھەر ائى باشىندا دا، خودكار دۆشر يادا
 ئىئى فصلى، دىيا كۆنلۆنە دۆشسە رىئىسلىرىن
 تىزجە «ھمايش» ايلە «سىمىنار» دۆشر يادا
 دردى اولاندا، «آي نىنە!...» سۆيلىر جوان اۇغول
 ايسىر دىئىب - گۆلە، اۇخوتسا، «يار» دۆشر يادا
 دانىشگاھىن بىتىرسە جاوران، آلسا مىدركىن
 ايش چۆن كىي يۇخىدو، ساتماغا سىگار دۆشر يادا
 «اوباش»، «اراذل» آدلانار اۆز حقىن ايسىتەسە
 راي ايسىتەدىكدە «مەكت ھوشيار» دۆشر يادا
 اللى بىشش ايل چايشىدى بىو «آرش» نىجە سىز
 احوالىنى گۆرن كىمى، پرگار دۆشر يادا

يار گله، يار گله

م. قافلاتى

اۆلمەمىش گلىر سىم
ائەلە يار گله، يار گله.
قۇچ- قوزونۇ قورىان كسىم
بىلە يار گله، يار گله.

گىرە خوش خىر بىزە،
سىس دۆشە داغلار، دۆزە،
گۈل- چىچىكەن اينجى دۆزە-
تەلە، يار گله- يار گله.

سىلەتە وطنداشلارىن،
وفالى يار- يۇلداشلارىن.
مظلۇملارنى گۈز ياشلارىن-
سىلە، يار گله- يار گله.

شەلىك دوتا بۇتۇن انلار،
نەمە دىتە شىرىن دىللار.
باغلانا بىر گۈمۈش كىم-
بىلە، يار گله، يار گله.

ياشىلانا بوز تارلار،
دورنا گله قاتار- قاتار
سۆزمەتە دۆشە سۇنار-
گۈلە، يار گله، يار گله.

بىرىن دىدىم قالدۇ يۇزۇ،
اۆرەيىمىن ايچىگىن سۇزۇ.
قافلاتىنىن قىلى اۆزۇ-
گۈلە، يار گله، يار گله.

«ياشايش»

ف. شيخ الاسلامى.

اۆره تينده مين ايسته تين ايستى سيني،
ياثير سان؛

يالئيز بير آغاج بنجه ريرسن.

سن،

يازا گئدن بير قيش سان،

ياشايش سان،

ياشايش سان.

آنا حاققئندا

جمشيد شيبانى

اولموشام خستته آنا
قولاغيم سسده آنا
گل بير كؤنلؤم آچئلسئين
بو سؤن نفسده آنا

قئزئل گؤل دردين آنا
كؤلگه ده سـردين آنا
بؤلؤم- بؤلؤم گزيردين
گيزلتدين دردين آنا

معريفتميزه ماشاللاه

ق-زاماق

[خالق ناغىلى اساسىندا، ايشلنمىشىدى]

آكىشى ئىنە الى بوش؟... بس سىن بازارلىغىن، ئىر - ئىمىشىن ھاندا قالدى؟ دوتىدىن اوشاقلارنى دىلىنە طعام دىمە ئىب. لەلەشیر دىلر، دىلە توتوب دندىم كى، گندىن باغچانا، پىنجردن - منجىردن تاپىب؛ ئىتتىن.

- ئىلە ئىم آروادا؟ مەشەدن بىر شەلە اودون قىرىب، بازاردا ساتمىشىدىم. اىستە ئىردىم آت آلام، چۆرەك آلام، سىبەلرە آلام - آرمود آلام: قاباغىما بىر چولاق ئىتتىم چىخىدى. جىر - جىندىر اىچىندە ايدى، يازىغىم گىلدى؛ قازانچىمى اونا وئىرىب، دندىم: «بو گۆن دىلنە». سئۆينە - سئۆينە انولرىنە گىتتى.

- ھاجاندا بىلە ھاتم - ى طائى اولوبسان زكرىا؟

- من آنادان گىلمە، قىلى يوشاغام، مەلقا. بىر فاغىر گۆرندە اۆرە ئىمىن باشى گۆنە ئىر.
- بىلە قىلى يوشاغىغى، آلاھ، منوچەرە دە قىسمت انلەسىن. شاھ؛ رحم دىل اولسون، ھىچ كىس ناغايىرىم - نە انلە ئىم؟... دىمەسىن.

- انشىكدن آدىنالىق اومازالار. منوچەر شاھ ھارا؛ رحم دىل لىك، ھارا!
نەچە ایل اول، اونون عزازىل دارغاسى، ايندى باش وئىز ابابىل، قاتى - قوتو انلە ئىب؛ گۆزل جە باغىمى ایلدىن آلب، شاھ باغىنا قاندى. او وختدان، كاسىبلىق بىزى ايدى؛ مىقىتە دوشدۇك.
انلە بو زامان كۆچەدە، دەۋە بىلىندە جار چكىردى:

- آى جاماعات؛ منوچەر شاھ، تاج اوستاسى آختارىر. گۆزل بىر تاج قاثيران، قىمتلى انعام آلاجاقدىر...

- زكرىا كىشى بو سۆزلىرى انشىتچك؛ اۆزۆنۆ آروادىنا توتوب دندى:

- من ياخشى تاج اوستاسى ئام!

مەلقا، ارىنى، چپ - چپ سۆزدۆ:

- آغلنى باشىنا جمع انلە كىشى: سن ھارا؛ تاج اوستاسى ھارا؟ ياتسان، يوخونا دا گىلمز.
- تاج ايشىنە گىرىشىب، وئالانا جاغام. بس دىر آجىندان كۆپۆك قوسدوغوموز. بو ايشىقلى دوتىدادا، بىز دە آدم كىمى ئاشامالىتىق؛ يا ئوخ؟

- ئاشا دا؛ مەشەنىن اودونو قورتارمادى كى؟ قىر؛ سات.

- مەشە ھاىفدىر؛ آروادا! قوئى مەشە قالسىن. ايندى منىم، گىلر ئىرىم، بام - باشقادىر...

- اولمادى انلە، اولدو بىلە. شاھ بوئىنونو ووردوسا، ئىددى ئىتتىم لە، نە انلىرسن؟

- انلە منىم چالىشىدىغىم؛ «ئىتتىم» دندىن گۆل بالالار ئىمىزىن، خوش گۆذرانى اۆچۆندۆر. مەلقا، داھا بىر سۆز دىمەدى. آياغا دوردو؛ دۆپودان، بىر اۆتۆج، دوز گۆتۆرۆب باغچانا گىتتى كى، اوشاقلار ئىغدىغلارنى پىنجىرى، دوزا باتىرىب؛ ئىسىن لىر...

اثرى گۆن، سحر تىزدن زكرىا كىشى، خورجونونا بىر آز دمىر- دۆمۆر دۆلدورۇپ؛ ساراڭا يۇللاندى. اۆزۈنۆ ماھىر تاج اوستاسى كىمى، قىلمە وئردى .

منوچەر شاھ:

- كىشى - دىدى - ھانسى مەھلە دىن سىن. آدىن ندىر؟

«اوستا» الينى سىنە سىنە قۇيۇپ، تعظيم اتتىدى.

- قىيەلە-ى عالم، شەھرىمىزىن زرگرلەر مەھلە سىندەنم. بو ساراڭى تىكىن؛ مشهور مەعمار نەمائىن، نەسلىندەنم. ال- قابىلىيىتىم پىس دىئىل؛ باشىم دا، ياخشى ايشلەيىر. بىزىم جاماعات مەنە، زكى باشلى زكرىا دىئىر.

- شەرىمى بىلىرسىن؟

- بلى قىيەلە گاهىم، اۆرەيىن اىستەيىن تاجى، دۆزلە بىلمەسم؛ قاتىم حالالدىر.

- تاجىن خىرجى، نەقدەر ائەلەيىر؟

بىر چاناق قىزىل، بىر آزدا قىيمىلى داش - قاش، لعل، جواھىر...

منوچەرىن امرى ايله، خىزىنە دار، «اوستا» تىن اىستە دىكلرىنى گىتىرىپ؛ وئردى. زكرىا كىشى، شاھدان قىرخ گۆن رۆخست آلىپ؛ ائولرىنە قايىداند؛ يۇلۇنو بازاردان سالدى. عطار دۆكانى نىن قاباغىندا، دۆنكى ئىتتىمە بىر اۋۇج قىزىل باغىشلايىپ؛ دىدى:

- عۆمۆرۈن بۇيۇ دىلنەم. سۇنرا بازارلىق ائەلەدى، آرۇد- اوشاغىنا، ائىن- باش آلدى. يۇخسول- قۇنۇم- قۇنشۇتا، دول قارىلارا، ال توتدو. آج قارىنلار دۆيدوردو. گۆنلەر، بىلەجە فىراۋانلىغلا كىچىردى. مەلقائىن، الى اۆرەيىن اۆستۈندە قالمىشىدى. آخىردا دۆزەمەيىپ؛ دىدى:

- زكرىا، واخت، ياخشىلاشىر؛ وەدەنى ئىرىنە- ئىتتىرمەيسىن؛ نە ائىلەتە جىكسىن؟

- قىم ئىمە آرۇد؛ بىر يۇل تاپىپ، ايشىن اىچىدن چىخارام.

- تكى ائەلە اولسون، تكى باشىندان بىر تۆكدە اسكىك اولماسىن. قىرخ گۆن اۋتۇب؛ قىرخ بىرىنجى گۆن، زكرىا كىشى، بۇش خورجونو چىيىنە آتىپ؛ ساراڭا گىتتى. شاھىن امرى ايله، ھامى، دار آغاجى قورولان مەيدانا آخىشىدى. شاھىن اۋزۇ ايسە، اوجا ئىردە تاختدا ائىلشىدى. «اوستا» مەيدانا گىردى؛ دار آغاجىنا، محل قۇيىمادى. شاھا ياخشىلاشىپ؛ باش ائىدى.

- گۆزۈن آيدىن قىيەلە-ى عالم؛ تاج حاضىردىر. زكرىا كىشى، الينى خورجونو سالدى؛ گۆيا اۋرادان، تاجى چىخارتتى. ياۋاش- ياۋاش ائىلىپ، اۋنو ئىرە قۇيىدو.

- ائى جاماعات، بىلىن؛ بو مۇقدەس تاج، بدخواه؛ رىشوت خۇر؛ يالتاق؛ قىترسىز آدملارىن گۆزۈنە گۆرۈنمۆر- دىدى- اۋنو شاھىمىزىن، دوستلارنى گۆرە بىلرلەر، دۆشمنلرى يۇخ! شاھ فرەلدى:

- مەن ائەلە شىئى گۆندە آختارىردىم، ئىردە الەمە دۆشۈپ.

- ساغلىغىنا قىسمت اولسون قىيەلە-ى عالم؛ اىجازەنلە سىحىرلى تاجى، باشىنا قۇيۇم؟

- بويۇر مەرىفەتىنى گۆستر، زكى باشلى زكرىا:

شاھ آرزو سوندا اولدوغو، سنجیرلی تاجی، گۆرمه یه؛ جان آتیردی، گنجهنی یاتا بيلمه دی. سحری ایتیتارلا گۆزله دی. گۆنش دؤغوب، عالمی نورا قرق ائنده نه؛ قیزیل شامداناک، شام لاری، سؤندورؤب بدن نؤما گۆزگونون قارشیشیندا دایاناراق؛ اوزؤنه باخلدی. باشیندا هنج نه یؤخدور...

- ان بۇيۇك آرزوسونون، پوچا چىخدىغىنى گۇرن منوچەر؛ باش وڭىرى حۆصۆرۈنا چاغىر تىدىردى.
 ائىلە- ائىلە، ايچەرى گىرىب؛ شاھىن قارشى سىندا يئرى اوڭن ابابىل، تىزجە قىدىنى دۆزلىدىب؛ امىرە
 مۆنتظىر اولدوغونو بىلدىردى. شاه باش وڭىرى ماغىن جاسىنا سۆزدۆ:
 - وڭىر! بو نه ايشدىر دۆشمۆشم؟
 - نه اولوب قىلە-ى عالم. سىنە گلن قادا- بالا، منىم بو قوجا جاتىما گلسىن؛ جاتىم سىنە فدا
 اولسون؛ دردنى سۆئلە.
 - من باشىمدا، تاج دىيىلن شىنى گۆرمۆرم اخى...
 ابابىل قۇرخودان اودغونا- اودغونا:
 - قىيىن توتماستىن قىلە-ى عالم. دۆغروسو، من ده سىنن او قىزىل دان قىيىملى باشىندا هىچ نه
 گۆرمۆرم. منوچەر قىيىلدى.
 - نان كۆر وڭىر... بونو دۆنن نىيە دىمىردىن؟
 - نىجە دىيىنىدىم؟... «اوستا» دىيىمىز او علما، اولمايان تاجى سىجىرلەيىب؛ انلە عرش- اعلايه
 قالدىردى كى؛ هامى تىن دىلى- آغزى باغلاندى. هىچ كس دىللەنىپ؛ بىر سۆز دىيە بىلمەدى.
 - قايتارىن بۇنى وورولسون!
 - گىچ دىر شاھىم! ايش- ايشدن كىچىپ. مىلەنى، آچىب آغارىسان؛ رۆسۈ-ى جاھان اولارلىق: بىر
 داش آلتىدان- بىر داش اۆستىن!
 زكى باشلى زكرىا، بىزە، يامانجا كلک گلدى.
 درىن فىكرە گىندن شاه، هانان- هانا، باشىنى قالدىرىپ بىكىنمىس حالدا، دىدى:
 - مەرىفەتىمىزە ماشاللە.

قېش سحرى

آ. س. پوشكين (روس)
چئوئىرن: ز - جبارزاده

نە گۈزل شاختالى، گۈنشلى گۈندۈ!
دۈستوم، سەن ھلە دە مۆزگۈلەيىرسەن.
واختدېر، سەن ئانى گۈزل، يۈخودان آيىل،
آچىلىشىن نازايلە يۈمولو گۈزلر،
ايشىق پرىسى نېن قارشى شىندا سەن،
شىمال اولدوزو تەك چىيخ، تاماشا قىل!

دۈن، ئادىندامى، جۈشمۈشدۈ توفان؛
قاتى قارائىلىق دى بۆتۈن آسمان،
اۋ بوز بولوتلار ئىن آراسىندا ئاى؟
سارى بىر لىكە تەك آخىردى قىملە،
سەن سە پىنجىرەدە دوروب قۇصلە...
بۈ گۈنشە... عالمە تاماشا ئاتىلە.

گۈنلەر تەرتىمىزدىر ايلەك باھار كىمى؛
مىن بىر رىنگە چالان خالىلار كىمى
گۈنشىن آلتىنىدا پارىلدايىر قار.
پارپاق سىز مەشەدە قارائىر دورور.
كۈكنارلار ھلەدە تەردىر، ئاشىل دىر،
چاى بوزلار آلتىنىدا سەنكى بىر قورور.

اۋتاغىم كەرەبا رىنگىلى شىقلەر
دۈلۈدۈر. چىرتا - چىرت ئاتىر اۋدونلار.
ايسى بوخارىدا، امما ئاتاغا
گىرىب دۈشۈنمەيىن نە لىزى وارا
بىلىرسەن مى نە وارا؟ امرا ئاتىلە تىك مى

قۇشسونلار جىزىيە آتلايمىزى؟
باغلايىق قار اۋستە بىر قاقچىشىنا
بىزىم جىسىمىزى، ھىجائىمىزى.
سۈرۈشۈپ بۈ سحر قارلار ئىن اۋستە
زىيارت ئاتىلە تىك تەنھا چۈللەرى،
ايندى چىلپاق لاشمىش شىخ مەشەلەرى،
مەنە غىزىز اولان بۈ ساحىلەلەرى...

بیلقامئیس*

«هر شئی بیلن آدامین داستانی»^۱

جادوگر «سین - لیکه» - «اوننین» -ین دیلیندن بیلقامئیس حاققیندا داستان

چنوزیرن: ای. ولی یئوز

کونچورن: ائل اوغلو

لؤحه I



دۆنیاتین بو باشیندان او باشینا دولاشمیش،
دیزلری، آدامیش، اوجا داغلاری آشمیش،
دوستو ایله بیرلیکده دۆشمعلری حاقلامیش،
مؤدریکلیته یتیشمیش، دۆنیانی درک ائله میش
بیر اینسان حاققیندا دیر، ییزیم بو داستانیتمیز.

او هر سیرری بیلردی، او هر شئی گۆره ردی،
یتری سو باسماشیندان، بیزه خبر وئردی.
اوزون یوللار دولاشیب، یوزولوب الدن دۆشدۆ،
باشینا گلن لری سال بیر قاپاتا دۆیۆدۆ،
سؤنرا حاصارا آلیب، آدینی اوروک قۆیۆدۆ.

* بیلقامئیس = بیلقامیش = گیلقامیش.

^۱ - سؤمزلر مدنیتی-نین یارادیجیلیق آیدیه سی، آسوریلر و بابیلر لر طرفیندن یازیلمیش گیلقامیش حیماسی و قهرمانلیق داستانلارین آذربایجانجا ترجمه سی، بو سانی دان باشلاناراق درگیمیزده وئرلییر. اله اولان بشریتین بو ان قدیم یازیلیق قهرمانلیق داستانلار باره سینده آراشدیرمچی مقاله، ایضاحلارلا بیرلیکده گلن سانلار دا وئرله جکدیر.

اوروك اوغوللارنىڭ كاهىنى تىك بىردى او،
عظمتلى، شۆھرتلى، ھەر شىئە قادىردى او.
قۇتماز كى آنالارنىڭ گىلىنلىرى دول قالسىن
اوغوللارنىڭ دائىنجا اوزانان بۇش يۇل قالسىن.
چۇخ زامان بو گىلىنى ئۇ دا انشىدردى.

آرورونو پناھا چاغىراردىلار اونلار:
«آرونو بىلقامىشى بو چۆر ياراتمىسان سن
بىر ايشىدە يارات كى، گۆجده اولسون اونانن
بىر- بىرلە قۇي اونلار ھمىشە يارىشىنىلار
اوروك دا تاماشا، اندىب، بىر از عىنىنى آچىلسىن».
آرونو انشىدەرك اونلارنى سۆزلىرىنى
اۈز قىلىپدە ياراتدۇ ئونون بىزەرىنى
او يۇيۇب اللرىنى...

گىلدن بىر شىئە يۇغوروب، گۆنلردن يىرە آتدۇ،
قۇتلى بىر قهرمان- افىكىدونو ياراتدۇ.
گىنجە يارى تۆرەينى نىيورنى دۇيۇشچۇسۇ

يۇن كىمى قالىن تۆكلە بدنى اۈرتۇلمۇشۇق.
قادىن كىمى باشىندا اوزون ساچلارنى واردى.

ساچىنى ھەر چىگەسى سۆنبۇل كىمى سىيخ ايدى.
آداملاردان اوزاقدى، خىرسىزدى دۇنيادان.
شۆھرتلى سوموكان تىك گىنىمى واردى اونون
جۇيۇرلەر قۇشۇلوب، چۆللەردە اۈت يىيىردى.
ۈخسىلرلە بىرلىكدە او دا سو اۈستە گلىر،
اۈدا يىرتىشچىلارلا سو ايچىب شىنلەنردى.
اينساندى، بايقىچىدى، ھم دە ماھىر اۈۈچودو.
سۈۈاتلارنى مسكىنى، مسكىنى ايدى اونون.
بىرىنچى، ھم ايكىنچى، ھم دە اۈچۈنچۈ گۆنۈ
سۈۈاتلارنى مسكىنى، مسكىنى ايدى اونون.
بىرىنچى، ھم ايكىنچى، ھم دە اۈچۈنچۈ گۆنۈ

بىر اۈۈچو گۆردۈ اونو، تامام رنگى دىنىشىدى،

مۇقدەس ائانائىن قالاسى اولدو اوروك.

دوۋارلاردا نظر سال، بۆرجلىرى دۆۋم- دۆۋم،
بو چۆر سىدە برابر سىد گۆرمز اصلن گۆۋۈن.
كىچىمىش يادىگارنى، بو قىدىم دىنبار باخ،
ايشتارنى مىزىلىنە- ائانائىن گل چىخاق.
ھەر گلەجىك شاملاردا تىكە بىلمز بو ساياق.

چىخ اوروك قالاسىنىڭ دوۋارنى اۈستە يىرى،
گۆر يىنۈۋرە نىجەدىر، كرىچىلرى.
دوۋار يىشمىش كرىچىدن بىر مۇرۇلۇپ باشاباش،
يىتدى مۇردىكى قۇيۇب قالائىن ھىمىنە داش؟

او (بۆتۈن اينسانلاردان) عظمتلى، اوجادىر.
(بونىدان سۇنرا اۈتۈر شىعر چاتماشيدىر).

II

او اينساندىر، يارىدان چۇخو تانرى دىر آنجا،
ھىچ كىس اۈنا تاي اۈلماز- اۈنۈن گۆركىمىنە باخ،
(بونىدان سۇنرا دۆرد شىعر چاتماشيدىر).

اوروكون دوۋارنىنى اۈدور اوجالدىن بىلە
چىلغىنىلغىدا، قۇۋدە اۈخشاير قىزمىش كىلە،
دۇيۇشە سىلاخىشنى يۇخ تايى- برابرى،

طىبل سىلەنن كىمى اۈياتىر ايشىدلرى-
سىچرايىر ياتاغىندا اوروكون ارەنلىرى:
«آنالارنى يوردونا اوغول قۇتماز بىلقامىش
اۈۋۈ- اۈز باشىنا او گىنجە گۆندوز آچىر ايش.
او حاصارلى اوروكون كاهىنىمى بىلقامىش؟

اوروك اوغوللارنىڭ كاهىنى تىك بىردى او،
عظمتلى، شۆھرتلى، ھەر شىئە قادىردى او.
قۇتماز كى آنالارنىڭ گىلىنلىرى دول قالسىن
اوغوللارنىڭ دائىنجا اوزانان بۇش يۇل قالسىن».
اونلارنى گىلىنىنى انشىدەردى تانرىلار.
گۆنلردن دىنرىدىلر انى اوروكا حۆكمىدار،

«سن ايشىدە ياراتمىسان، اۈخشاير قىزمىش كىلە
دۇيۇشە سىلاخىشنى يۇخ تايى- برابرى.
طىبل سىلەنن كىمى اۈياتىر ايشىدلرى!
سىچرايىر ياتاغىندا اوروكون ارەنلىرى.
آنالارنى يوردونا اوغول قۇتماز بىلقامىش».

«اوجا داغلاردان ائنيب، بير اييىد كيشى گلميش،

بوتون ائلده او ارين اللرينه تاي اولماز
گويىد دوشموش داش كيمي چوخ اغيردير اللرى
بوتون داغلارنى گزير، وئيشله نير، دولاشير.
هميشه وحشى لرله سواتلارلا ياناشار.
او هميشه يولونو سولارنى اوسته سالىر.

قورخورام ياخينلاشام، جورعتيم چاتمير منيم،
من قويلار قازيرام او دولدورور اونلارنى،
من تله لر قورورام او داغيدير اونلارنى،
چولون وحشى لرلنى چيخارير او اليمدن
ايمكان وئرمير او توتام دوتياتين چوللريندن.

بيلقاميس قولاك آسيب سونرا دندى اووچوتا:
«گئت شهوتلى شامخاتى گوتور اوونله ابار،
وحشى لرى سو اوسته او سواران زاماندا،
قوى او قادين سوينسون او ارين قاباغيندا.
او قادينى گورن تك، اونا ياخينلاشاجاق،
بونو گورن وحشى لر اوندان اوزاقلاشاجاق».

اووچو گنديب شامخاتى اوو ايله اباردى
يولا چيخيب بير باشا دوغما يئرله واردى
اوچ گوندن سونرا اونلار همين يئرله گلديلر.
اووچويلا همين قادين اورداجا گيزلنديلر.
بير - ايكي گون صبرله داياتيب گوزله ديلر.
وحشى لر سو اوستونه بودور ائنيب گلديلر،

IV

ييرتيشيلار اويتايتيب سو ايله شلنديلر،
وطنى داغلار اولان ائنيكىدو دا اونلارلا،
بير گزير آهولارلا، قيتدا لايير اوتلارلا
وحشى لرله بيرليكه او دا سو اوسته گلير،

او دا ييرتيشيلارلا سو ايجهرىك شنه نير.
شامخات بورادا گوردو لپسانلا وحشى لرى
قالين چوللردن چيخيب گلميش او قورخونج ارى.
اووچو دندى كى شامخات «تتر اول آج اوو قوتونو،

يئغيغ مال - قاراجانى ائوينه يولا دوشدو.
دهشته گلدى، سوسدو، دىلى توتولدو اونون
اوزه ينى قم اوزدو، قليبى اورتدو بولود.
بو كدر لاپ ايشله دى ايليشينجهن اونون.
يول گليب يوزغون دوشموش يولچوئا بنزه ردى او.

III

اووچو خبر گتيريب، آتاسينا سويله دى:
«آتا داغلاردان ائنيش، بير اييىد كيشى گلميش،
بوتون ائلده او ارين اللرينه تاي اولماز
گويىد دوشموش داش كيمي چوخ اغيردير اللرى
بوتون داغلارنى گزير، وئيشله نير، دولاشير،

هميشه وحشى لرله سواتلار ياناشار:
او هميشه يولونو سولارنى اوستونه سالىر.
قورخورام ياخينلاشام، جورعتيم چاتمير منيم!
من قويلار قازيرام او دولدورور اونلارنى،
من تله لر قورورام او داغيدير اونلارنى،
چولون وحشى لرلنى چيخارير او اليمدن،
ايمكان وئرمير او توتام دوتياتين چوللريندن.
آتاسى دا اوز توتوب اونا بلله سويله دى:

«اوغول بالام، بيلقاميس ياشاير او اوروكدا

اوندان گوجلو، قودرتلى آدم يوخدور دوتيدا.
بوتون ائلده تاتيشير، قودرتلى دير اللرى،
گويىد دوشموش داش كيمي چوخ اغيردير اللرى،
گئت اونا، اوز توتگينان،
داتيش همين. آدامين قودرتيندن، گوجوندن،
او سنه شهوت دولو گوزل قادين وئره جك.
يئنه همين آدمى يالتير قادين يئنه جك.
وحشى لرى سو اوسته او اباران زاماندا
قوى او قادين سوينسون او ارين قاباغيندا.
او قادينى گورن تك اونا ياخينلاشاجاق.
بونو گورن وحشى لر اوندان اوزاقلاشاجاق».

اووچو اوو آتاسى تين سوزلرلنى ائشيتدى،
يوللاندى، بيلقاميس لا گوزوشمك اوچون گتدى.
يول آلدى آدديم آنيب بير باش اوروكا سارى.
بيلقاميشين اونونده دوروب، سوزه باشلادى:

ئىككىدۇن ئۆز شەھىرىلى قاندا بىلە دىدى:
 گل شامخات، مېنى ئاپار. ئاپار مېنى ئۆزىڭ
 ئۆز مۇقەددەس مەنزىلە، ئۆزىڭ مەسكىنە

 بىلقامىش ئۆزىڭ مەنزىلە قۇچ كىمى ئىپادىلە
 قۇدرىتىنى كۆستىرىپ، مەسكىن سالىدىغى ئىشە.

V

ئوروكا ھاراي سالىم، مېنى كۆچ، قۇدرىتىم ۋار.
 چۆلدە دۇغولانلار ئۆزىڭ دە چۆچۈرلەر
 گەندەك، ئىككىدۇن، گەندەك، ئوروكا توت ئۆزىڭ،

بىلقامىش ئۆزىڭ ئىشەن مەن بىلىم يۈلۈن.
 گەندەك، ئىككىدۇن گەندەك، ئۆزىڭ ئوروكا-
 ئۆزىڭ كى، ئاداملار شۇخ گەندەك ئۆزىڭ.
 ئۆزىڭ كى، ھەر گۆن، تۇتاي، بايرام دۇن.
 ئۆزىڭ كى، ئوچالار ئۆزىڭ سىنچىن سىسى،
 شەھىرىلى قاندا ئۆزىڭ سۆزىڭ ئۆزىڭ سىسى.
 شىرىن ئىشەنمەن، مېن بىر سۆزىڭ ئۆزىڭ.
 بۇيۇك ئاداملار ئۆزىڭ گەندەك ئۆزىڭ.
 ئىككىدۇن، كۆرمە مېنى سىن ھىتائىن دادىنى
 غەب كىش بىلقامىش سۆزىڭ ئۆزىڭ.

سىن بىر ئۆزىڭ نەزەر سالى، ئۆزىڭ دىققەت ئىشەن،
 ئۆزىڭ مەن، ئۆزىڭ گۆزىڭ دىر، قۇدرىتىڭ دىر.
 ئۆزىڭ ۋار گۆزىڭ سىنچىن ئۆزىڭ ئۆزىڭ
 ئۆزىڭ ھىتائىلى دىر، ھەر گۆزىڭ دىر، ھەر گۆزىڭ.
 گەندەك- گۆندۈز گۆندۈز بىلىم ئۆزىڭ،
 دىنچىلىك، ئۆزىڭ نەزەر دىر.

سىن ئۆزىڭ چىلغىنىڭىنى گل، ئىككىدۇن، ئۆزىڭ،
 ئۆزىڭ شاماش دا سۆزىڭ، ئۆزىڭ ئۆزىڭ، ئۆزىڭ،
 ئۆزىڭ ئۆزىڭ بىش ئۆزىڭ ئۆزىڭ، گەندەك بىش،
 سىن داغدان ئۆزىڭ، گەندەك بىش، گەندەك بىش،
 ئۆزىڭ ئۆزىڭ بىلقامىش، سىن ئۆزىڭ گۆزىڭ.

ئۆزىڭ ئۆزىڭ بىلقامىش، ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ
 ئۆزىڭ ئۆزىڭ:

ئۆزىڭ بىلىمى گۆزىڭ، سىنچىلە تىزجە ئۆزىڭ.
 ئۆزىڭ گۆزىڭ كىمى ئۆزىڭ گەندەك دىر.

چىكىنە، قۇرخما ئۆزىڭ نەزەر ئۆزىڭ
 سۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ.
 قاندا ئۆزىڭ، ئۆزىڭ بىش مەھىرىن.

گۆزىڭ بىر ئىشەنمەن ئۆزىڭ سەن سارماشچاق.
 شامخات دۇشۇن ئۆزىڭ، بىلىمى گۆزىڭ،
 نەزەر ئۆزىڭ، ئۆزىڭ ئۆزىڭ گۆزىڭ-
 سۆزىڭ ئۆزىڭ، ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ.
 قاندا ئۆزىڭ دۇشۇن ئۆزىڭ، ئۆزىڭ بىش مەھىرىن.
 ئۆزىڭ ئىشەنمەن ئۆزىڭ بىر- بىر سارماشچاق.

ئۆزىڭ، ئۆزىڭ گۆزىڭ كىمى ئۆزىڭ قاندا
 ئىككىدۇن ئۆزىڭ، ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ.
 ئۆزىڭ ئۆزىڭ سىمە ئۆزىڭ ئۆزىڭ گۆزىڭ
 ئىككىدۇن گۆزىڭ ئۆزىڭ دۇشۇن. ئۆزىڭ.
 چۆل ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ.
 ئىككىدۇن جىل سىچىڭ، ئۆزىڭ ئۆزىڭ.
 ئۆزىڭ ئۆزىڭ، ئۆزىڭ ئۆزىڭ گۆزىڭ.
 بىلىمى ئۆزىڭ، قاندا بىلىم ئۆزىڭ.
 ئۆزىڭ گۆزىڭ، ئۆزىڭ ئۆزىڭ دىر.

گۆزىڭ ئۆزىڭ قاندا قاندا دىر چۆلدە
 ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ دىر.
 گۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ دىر.
 قاندا ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ دىر.
 «سىن قىش ئۆزىڭ، ئۆزىڭ ئۆزىڭ»

«ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ دىر؟
 گل سىن ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ
 ئۆزىڭ ئۆزىڭ ئۆزىڭ، ئۆزىڭ مەسكىنە.
 «بىلقامىش ئۆزىڭ، قاندا كىمى ئۆزىڭ
 قۇدرىتىنى كۆستىرىپ مەسكىن سالىدىغى ئۆزىڭ»

سۆزىڭ دىر، بىر ئۆزىڭ ئۆزىڭ،
 «ئۆزىڭ مۇدەرىك ئۆزىڭ دۇشۇن ئۆزىڭ»

«منىم انام بو گىنجه يوخو گوردوم ياتاندا
گوردوم اولدوزلار دىتير: گوزوم اسماندا
ائله بيل بير داش دوشدو گويندن منىم باشىما،
اونو يتردن گوتوردوم اغيردى مندن،
سيلكه لمك ايسته ديم، ترپنمه دى يتريندن.
قالخدى اونون اوستونه بوتون اوروك دىنارئ
جاماعات ائل ليكله يترىدى اونا سارئ
دووزره يه آلدئ اونو ار ايشيدلر هر ياندا»

هامى: دووزره سينه ييغىليپ:
قالخيب آياغا دورموش بوتون اوروك دىنارئ
جاماعات ائل ليك ايله يترىير اونا سارئ
دسته- دسته آخيشير، هامى گليب ييغىشير.
سنوگيلم كيمي سئويب اونو باسديم باغريما،
سونرا اونو گتيرديم آياغينا من سنيين.
اونو منه تاي توتوب، منه برابر دندين.
ييلقاميشا اناسئ- نيسون بئله جه دندئ:

«باخ او بالتا يترينه سن بير آدام گورموسن»،
سنوگيلين كيمي اونو باساجاقسان باغريما.
اونو سنه تاي بيليب برابر توتاجاغام.
دنديم كى، او اولاجاق دوستون و خيلاصكارين
بوتون ائلده، او، ارين اللرينه تاي اولماز
گويندن دوشن داش كيمي چوخ اغيردى اللرى»
ييلقاميشا اناسئنا دندئ:

«فلليل بويوروي دورسا گرهك اويودوجوم اولسون،
قوي ائله ياخين دوستوم اولسون منىم اويودوجوم.
من ده كى، اوز دوستومون اويودوجوسو اولارام.
بئله يوزدو او اوزو اوزونون يوخوسونو».
اىنكىدوينا داتيشدى شامخات بو حاديشه نئى،
سونراسا باشلاديلار سئويشمه يه.

«منىم انام بو گىنجه يوخو گوردوم ياتاندا
گوردوم اولدوزلار دىتير: گوزوم اسماندا
ائله بيل بير داش دوشدو گويندن منىم باشىما،
اونو يتردن گوتوردوم اغيردى مندن،
سيلكه لمك ايسته ديم، ترپنمه دى يتريندن.
قالخدى اونون اوستونه بوتون اوروك دىنارئ
جاماعات ائل ليكله يترىدى اونا سارئ
دووزره يه آلدئ اونو ار ايشيدلر هر ياندا»

يولداشلاريم اويدوزلر اونون آياقلاريندا
سنوگيلم كيمي سئويب اونو باسديم باغريما.
سونرا اونو گتيرديم آياغينا من سنيين،
اونو منه تاي توتون، منه برابر ائلين»

ييلقاميشين اناسئ- مودروك قادين سئويله دى:
گوتيرلده اولدوز كيمي گوزلرينه ساتاشان،
بير داش كيمي گوتيرلردن سنيين اوستونه دوشن
سن يتردن قالديرديغين سندن ده اغير اولان،
سيلكه لمك ايسته ييب، ترپه ده بيلمه ديتين،

سنوگيلي قادين كيمي اوز باغريما باسدیغين
سونرا دا آياغیما گتيرديشين او اينسان،
سنه برابر بيليب، تاي بيلديشيم او اينسان،

VI

گوجلز بير همكاريندير، دوستون، خيلاصكاريندير،
بوتون ائلده او اره ن اللرينه تاي اولماز
گويندن دوشموش داش كيمي چوخ اغيردى اللرى
سنوگيلين كيمي اونو باغريما باساجاقسان
اوركدن سئوه جكسن.



دیوان نظامی گنجوی

ترتیب اندهن: صدیار وظیفه (اتل اوغلو)
چاپ نوویتی: اول (۱۳۸۲)
ناشر: اندیشه نو

حسن ریاضی

دیبل نۇرمالار حاققینیدا او مولا حیظه لرینه سؤیله ییر.

شاعیر نظامی نین اثرلرینده بؤل- بؤل ایشله نین تۆرک سۆزومون مۆختلیف معنا چالارلاری و ترکیب لری باره ده ماراقلی فیکیرلر سؤیله میشدیر.

کیتابدا درج اولان یازیلار شیراسیندا پروفیسور خاتیم دوکتور آزاده رستم اووا- نین گۆماندان یقینه کنجید فرحی آدلی یازیشیندا اثر باره ده آشاغیداکی سؤزلر دئییلیر:

«... دیوانین اۆزه رینده جیددی تدقیقات آپاران آغا-ی صدیار وظیفه (اتل اوغلو) جانلارینا اۆز درین میتسدارلیغیمیزی بیلدیریریک.

دیوان XV (میلاد) عصرده پیراحمد ابن اسکندر طرفیندن هانسئ باشقا التازماسیندان کۆچۆره رک XVIII عصرلرین سونرالارینا دؤغرو علی افندی حلمی ابن سلطان الداغستانی همین التازما اساسیندا اۆنو بیر داها ترتیب اندیب، دیلی قاراخانلیر تۆرکجه سیندن (دیوان لغات الترک، قوتادغوبیلیک، دیوان حکمت) اساسلی صورتده سنجیلیر، لاکین -XVIII

XV عصرلر غربی تۆرکۆستان - آنادولو و آذربایجان- اوغوز تۆرکجه سی ایله آرالاریندا موغین فرق لیر کۆرۆنۆر. الیمیزده ایسه بیلاواسیطه نظامی دؤۆرۆ آذربایجان تۆرکجه سینده عانید فاکت یۆخدور و یالیز گۆمان انحتمال شکیلنده اۆنون XVII عصر

آذربایجان - اوغوز تۆرکجه سی ایله قلمه آلیندیفی قبول اندیله بیلیر. البته بو سؤنراکی مرحله نین ایشیدیر. اثر چاپ اندیلیب، عۆمومی ایجتیماعا جانقیقدان سؤنرا قدیم دؤۆر آذربایجان تۆرکجه سی ایله مشغول اولان موؤافیق تدقیقاتچیلار بو باره ده یقین کی، اۆز سؤزلرینی دنیه جکلر...».

اتل اوغلو اۆز ایشینی گۆرۆب، الی- قۆلو وار اولسون. ایندی مئن شوناسلار، دیلچیلر، ادبیات تاریخی مۆتخصیصلری، نظامی شوناسلار و... اۆز عئللی فیکیر و مولا حیظه لرینی بوجاقدان سؤیله ملی دیرلر.

گۆن گلدی، شاعیر اتل اوغلو نون زحمتی سائیه سینده، نظامی-ی گنجوی ته منسوب اولان دیوان ایشیق اۆزۆ گۆردۆ. ابللر بۆیۆر تدقیقاتچیلارین آراییب اختاردیقلائی «نظامی-ی گنجوی نین تۆرکجه دیوانی» اۆزه چیخدی! شاعیر صدیار وظیفه (اتل اوغلو) نون ترتیب اتندیی اثر، وزیری قطعینده ۱۴۷ صحیفه ده اندیشه-ی نو نشریاتنی طرفیندن ۲۰۰۰ تیراژدا نشر اولوندو. کیتابی اۆچ یشره بۆلمک اولار. بیرینجی اثر حاققیندا یازیلار، ایکینجی یونی یازیدا التازما و اسکی یازیدا التازمانین متنی، یئنی یازیدا التازمانین متنی ۶۲ صحیفه دن عیارتدیر و اسکی یازیدا ایله بیرلیکده ۱۱۳ صحیفه اولور. التازما اۆزۆ ایکسی حیصه ته بۆلۆنۆر. بیرینجی حیصه نظامی-ی گنجوی ته منسوب اولان قصیده و غزللردیر. بو بۆلۆم ۶ قصیده و غزل انحتیوا اندیر. بو ۶ غزل و قصیده هائیس ۱۹۷ بیتتدن عیارتدیر. ایکینجی بۆلۆم نظامی-ی قونوی ته عانید اولان فارسجا- تۆرکجه یئنی تاپیلان شعرلر عۆنۆانی و ثریلیبدر کی، ادی چکیلن شخصه منسوب اولان شعرلرین تۆپلوسودور. ترتیباتنی نظامی-ی گنجوی ته منسوب اولان شعرلرین عربجه میصرعلا ریثین تۆرکجه ترجمه سین، هابله یئری گلمیشکن فاییدالی ایضاحاتلار و اچیقلامالار و ثرمیشدیر.

کیتابین متنی شاعیر و بیر شیرا قلم صاحیلری نین یازدیفی مقاله لیر مۆشایعت اندیر.

اتل اوغلو کیتابا یازدیفی مۆقددیمه ده نظامی نین تۆکجه دیوانی و اۆنو تۆپلانیب نشره حاضیرلاماسی معلوماتدان سؤنرا، التازمانی ایکسی نظامی ته، نظام-ی گنجوی و نظامی-ی قونوی ته عانید اولدوغو فیکیری ایره لی سۆزۆر و ترتیب اتندیی کیتابدا، التازمانی ایکسی حیصه ته بۆله رک اۆز فیکرینی حیاتا کچیریر و سؤنرا نظامی-ی گنجوی ته منسوب اولان دیوانی، شاعیرین فارسجا دیوانی ایله مۆقایسه ده و اونلاردا اوخشار جهت لری اینجه لمه ته چالیشیر و ایکسی دیوانی (تۆرکجه و فارسجا) اوخشار ترکیب و تشبیه لیر اۆزه ریندن مۆقایسه لی شکیلده آراشدیریر. نظامی نین تۆرکجه دیوانین

یئنی کیتابلارین سیناھیسسی ترتیب چی: یوسف قوسی (فرزانه)

- ۱۶- آذربایجان موسیقی تاریخی، وامق، نشر اختر، قیمت ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۱۷- سن آغلاما من آغلیم تدوین سارا آذر نژاد شجاعت، اختر، قیمت ۲۰۰۰ ریال.
- ۱۸- من بیر عومور یاشادیم مدینه گولگون، اختر، قیمت ۱۲۰۰۰ ریال.
- ۱۹- بایاتی بولاغی، جلد دوم، تدوین جمشید شیبانی، قیمت ۷۵۰۰ ریال.
- ۲۰- شیبسترده مثلر، تدوین حسین روشن، ناشر اندیشه نو، قیمت ۵۰۰۰ ریال.
- ۲۱- دیوان نظامی گنجوی (یئنی تاپیلان تورکجه)، صدیار وظیفه (ائل اوغلو) ناشر اندیشه نو، قیمت ۲۰۰۰ ریال.
- ۲۲- آتالار ناقلی ترکمن، ناشر اندیشه نو، تدوین مشهد قیزیل، قیمت ۷۰۰۰ ریال.
- ۲۳- بایاتیلار، محمد علی فرزانه، چاپ نهم، اندیشه نو، قیمت ۲۰۰۰ ریال.
- ۲۴- توفارقانلی عاشیق عباس، پرویز همت جو نشر اختر، قیمت ۹۵۰۰ ریال.
- ۲۵- سنه خاطیر یازیرام، رحیم کاویان، تهران، صدا، قیمت ۸۰۰۰ ریال.
- ۲۶- فرهنگ آذربایجانی- فارسی بهزاد بهزادی، چاپ دوم، فرهنگ معاصر قیمت ۶۸۰۰۰ ریال.
- ۲۷- خاطرات یک روستایی (از روستا تا وزارتخانه)، عبدالحسین علمداری، قیمت ۱۵۰۰۰ ریال.
- ۲۸- غزل لر، درویشعلی مراغه ای، جواد دربندی، قیمت ۱۲۰۰۰ ریال.
- ۲۹- آنا سونگون، سلیم اسماعیلی، قیمت ۵۰۰۰ ریال.
- ۳۰- همیشه سن گله سن، شاعیر رامیز محمدزاده، کوچورن: جواد دربندی، قیمت: ۵۰۰۰ ریال

- ۱- تبریز طوفانی- چاپ علمی، سال ۱۳۸۲، تهیه و تدوین سعید منیری، قیمت ۴۲۵۰۰ ریال.
- ۲- دده قورقود- چشورن- عزیز محسنی، نشر آبان، قیمت ۲۰۰۰ ریال.
- ۳- ددهم قورقوت، ترجمه بهزاد بهزادی، بغارسا نشر نخستین قیمت ۱۶۰۰۰ ریال.
- ۴- مثنوی معنوی- ترجمه حیدر عباسی به ترکی در ۲ جلد نشر هما، قیمت ۸۰۰۰ ریال.
- ۵- دده قورقود، برگردان از نسخه آنار توسط علی کریمی، نشر نیکان زنجان قیمت ۱۶۰۰۰ ریال.
- ۶- هوپ هوپ نامه، میرزا علی اکبر صابر، تدوین میرزا رسول اسماعیل زاده، نشر شیخ صفی، قیمت ۵۰۰۰۰ ریال.
- ۷- قوردلارا ساری، تدوین کهریز میران، نشر هدی، قیمت ۸۰۰۰ ریال.
- ۸- سیمای زن در فرهنگ ادب آذربایجان، ناشر اندیشه نو، تدوین م. کریمی، قیمت ۵۰۰۰ ریال.
- ۹- نظامی گنجوی، تدوین از م. کریمی، ناشر اندیشه نو، قیمت ۵۰۰۰ ریال.
- ۱۰- ۱۰۱ نفس (مجموعه شعر) جاوید مورتواوغلو، ناشر اندیشه نو، قیمت ۵۰۰۰ ریال.
- ۱۱- آلتایلاردان سهندیمیزه، تدوین امید نیایش، ناشر مؤلف، قیمت ۳۰۰۰۰ ریال.
- ۱۲- حیدرخان عمو اوغلی، زهره وفایی، نشر زینب، تبریز، قیمت ۴۰۰۰ ریال.
- ۱۳- کؤلگه دیوار پنجره لر، علی کریمی، ناشر چاپ، قیمت ۱۰۰۰۰ ریال.
- ۱۴- از زندان رضاخان تا صدر فرقه دموکرات آذربایجان، علی مرادی مراغه ای، ناشر اوحدی، قیمت ۳۹۵۰۰ ریال.
- ۱۵- یورد شعرلریم، صمد چایلی، نشر اختر، قیمت ۱۳۰۰۰ ریال.

«آذری» درگیسی هر سایی دا یئنی تاپیلان آذربایجانجا کیتابلاری تاپتندیراجاق. حورمتلی یازیچی و ایتیشارات مؤاسیسه لریندن ایکی نۆسخه چاپ ائتدیکلری کیتابلاردان، درگی نین آدرسینه گۆندرمه تی گۆزله تیریک.

اُلدیلمی وادیلمائی



همکاران ثابت:

سرپرست تحریریه	بهزاد بهزادی
مسئول بخش ادبیات شفاهی مردم	علیرضا صرافى
مسئول بخش واژه‌های محلی و لهجه‌ها	اسماعیل هادی
مسئول ادبیات عاشیقی	جواد دربندی
مسئول بخش قصه‌ها و افسانه‌ها	محمدرضا کریمی
مسئول بخش امثال و حکم (آتالارسوزو)	اثل اوغلو (صدیاری وظیفه)

ویراستار: م. رزاقی
حروف‌نگار: کاوس نصیری

بو سايى نىن ايچىندە كىلر

صحيفه

۱۱۳	بەزاد بەزادى	اوغورلو بىر ايل
۱۱۵	پروفىسور نظامى خودېتو	اىل دىلى و ادبىياتى
۱۲۳	مصطفى رزاقى ومحمد رزاقى	يترلى سۆزلر
۱۲۹	فريدون محمدى	يترلى سۆزلر
۱۳۰	ولى شاه محمدى	يترلى سۆزلر
۱۳۱	ثرىا بخشى	آتالار سۆزۆ
۱۳۳	داود خراط اهرى	آتالار سۆزۆ
۱۴۷	جواد دربندى	شمكىرلى آشيق حسين
۱۵۲	فريدون محمدى	آلقىش لار - قارقىشلار
۱۵۴	نگار خياوى	قوناقلار ائۆيىتىسى
۱۵۶	عباس مەيار	شېئە چىخارتما گاۋگاندا
۱۶۷	اوروجملى دوزنانى	چالدىران (ناغىل)
۱۷۰	على كرىمى	قارىن باش
۱۷۸	باقر رشادى	اۋجشمەلر و ساتاشمالار (۲)

اوغورلو بير ايل

«اتل دىلى ۋ ادبىياتى»- نين كىچن بير ايلده آلتى نۆمرەسى بوراخىلدى. بىزجه بير ايل «اتل دىلى ۋ ادبىياتى» اۆچۆن اوغورلو اولدوغو حالدا، ايشين گله جك گئدىشى نين تمل داشى دا قۇيولدى.

قىسا اولاراق اۆمىد ۋ تىرىجى نتيجه لرى بىله سىرالاماق اولار:
- عاليم لر، يازىچى لار ۋ علاقمند ديلداشلار ئىمىز تۇپلادىقلارنى فۇلكلورىك اثرلر نى گۆندەرمكلە امكداشلىغا قۇشولدولار.

- فۇلكلورون مۆختلىف ساحەلرىندە تۇپلانان اثرلر اليمىزە چاتمىشدىر.
- گئنىش اۆلكە مىزدە ياتىلان تۆركلرلە علاقە ساخلاماق البتە، چۇخلو ايش ۋ واخت آپاراجاق، آنجاق بو آز مۆددت سۆرەسىندە بو ساحەدە الدە اندىلن نايلىشت لردن راضى قالئىرىق.

- هەلىك كىفايت قدەر مطلب اليمىزدە ۋاركى، اونلارنى چاپا حاضىرلايئىرىق.
- بۆتون ايجرائى ايشلر كۆنۆللۆ امكداشلار نىن ياردىمى ايله گۆرۆلۆر.
ئىرى گلمىشكن، هامى امكداشلار نىن بۆيۆك ۋ دىرلى امك ۋ ايشلر نىدن اۆركدن تشككۆر اندىرىك.

«اثل دیلی و ادبیاتی» سککیزینجی سائی‌دان «آذری» درگی سینین ایکینجی بۆلۆمۆ اولاراق چاپ اندیلەر و بوندان سوئرا مضمون، شکیل و آردیجیل سائی‌سینئی ساخلایاراق «آذری» مجله‌سینین ایکینجی بۆلۆمۆنده چاپ اولاجاقدیر.

باکی‌دا کنچیریلن فولکلور شۆناس‌لیق سئمیناریندا، امکداشیمیز علیرضا صرافی‌دا ایشتیراک انده‌رک شیمالی آذربایجان فولکلور شۆناس و عالیم‌لریله، «اثل دیلی و ادبیاتی» آراسیندا ایلگی یاراتمیشدیر. بو حادیثه اولدوقجا دیرلی دیر و ایشلریمیزده بۆیۆک تاثیر انده‌جه‌یینی گۆزله‌تیریک. شیمالی آذربایجان فولکلور شۆناس عالیم‌لرینین عثلمی بیلک‌لری و ده‌یرلی تجروبه‌لریندن فایده‌لانماغا چالیشاجاییق. گلن سائی‌دان ائعتیارن «ده‌ده قورقود» آدینا باکی‌دا چاپ اولان فولکلور شۆناس‌لیق درگی‌سیندن سئچیلیمیش مقاله‌لرین کۆچۆرمه‌سی وئریله‌جک و گله‌جکده ده وئریله‌جکدیر.

«اثل دیل و ادبیاتی» شیمالی آذربایجان عالیم‌لری طرفیندن ده درین رغبتله قارشیلانمیشدیر.

بو سائی‌دا آدلیم عالیم پروفیسور نیظامی خودی‌تئو جنابلارئین «اثل دیلی و ادبیاتی» حاققیندا یازدیغی مارقلی مقاله‌نی چاپ انده‌رک، اؤز تشککۆرلریمیزی بیلدیریک.

بهزاد بهزادی

اثل دیلی و ادبیاتی

پروفیسور نظامی خودینو

کوچورن: ک. نصیری

سۆن زامانلار جنوبی سۆنداشلاریمیزدان گۆرکملی عالیملر، تدقیقاتچیلار و ضیائیلاریمیز، دیلیمیز، تاریخیمیز، ادبیاتیمیز و مدنیتیمیزله باغلی چوخ دیرلی اثرلر یازیب اورتایا چیخاریلار. بئله قییمتلی تدقیقات اثرلری تکجه جنوبدا دئییل، بۆتۆن دۆنیا آذربایجانلیلارینین دیل، ادبیات و مدنیتینین اؤیره نیلمه سی و قورونوب ساخلانماسیندا بۆیۆک اهمیتته مالیکدیر. مسله نین ان اؤنملی جهت لریندن بیرى اوندان عیبارتدیر کی، جنوبدا دیلیمیز، تاریخیمیز و مدنیتیمیز اوزون مۆددت اؤیره نیلمه میشدیر. اونا گۆره میللی ایرثی تدقیق ائتمک، تۇپلاماق و قورویوب ساخلاماق ضرورتی دها دا قاباریق شکیلده اوزۆنۆ بۆروزه وئریر. مسله ته یاناشما طرزى، ائله جه ده مسله ته قئید اولونان آسپکندن باخاندا گۆرۆلن ایشین اولدوقجا اهمیتتلی اولدوغو اوزۆنۆ گۆستریر. اوزۆ ده بو تکجه آرازدان جنوبداکی سۆنداشلاریمیزدان دئییل، عۆموم آذربایجان میللی ایرثینین اؤیره نیلمه سی، تۇپلانماسی و قورونوب ساخلانماسیندا چوخ بۆیۆک آددیم دیر.

همین قییمتلی اثرلردن بیرى ده حۆرمتلی عالیم و لؤغت شۆناس جنوبلو سۆنداشیمیز بهزاد بهزادی و اونون دیرلی امکداشلارینین امه تینین نتیجه سیله ایشیق اوزۆ گۆرمۆشدۆر. اثر «اثل دیلی و ادبیاتى» آدانیر. بهزاد بهزادی نین هله قاباقلار چوخ اؤنملی اثرلری چاپ اندیلیمیشدیر. خوصوصیله اونون یازدیغی آذربایجانجا - فارسجا، فارسجا - آذربایجانجا سۆزلۆکلری، ائله جه ده آذربایجان عئلملر آکادئمیتاسی طرفیندن یازیلان آذربایجان دیلی نین ایضاحلی لؤغتی نین اسکی الیفبا یا چئویریب جنوبدا چاپ ائتمه سی بۆیۆک اهمیتته مالیکدیر.

اثل دیلی و ادبیاتى نین بیرینجی نۆمره سی بهزاد بهزادی و امکداشلاری طرفیندن حاضرلانیب، ۸۴ صحیفه دن عیبارت اسکی الیفبا ایله آذربایجان دیلینده چاپ اندیلیمیشدیر. اثر چوخ کئیفیتتلی شکیلده حاضرلانیش بیرینجی چاپ ۵۰۰ تیراژدا تهران شه هرینده نخستین نشریاتى طرفیندن بوراخیلیمیشدیر. کیتابین اولینده چاغیریش عۆنۆنلی یازى وئرلیمیشدیر. چاغیریش «اثل دیلی و ادبیاتى تۇپلاماق اوغروندا ال-اله وئرک» آدانیر. دیرلی عالیم و تدقیقاتچیلار، دۆکتور محمدزاده صدیق، علیرضا صرافى، اسماعیل هادی، جواد دربندى، محمدرضا کریمی و اثل اوغلو همین چاغیریش عۆنۆنلی بۆلمه ده آذربایجان ضیئالی سینین اۆزه رینه دۆشن وظیفه دۆزگۆن دیرلندیره رک یازیرلار: «آذربایجان خالقى و ایراندا یاشایان بۆتۆن

تۆرک دیللی ائللر، تائیقلار، تۆکنمز ائل دیلی و ادبیاتینا (فولکلورونا) مالیکدیر. اثرلر بۆیو خالقینین دکاسیندا یارانیب، یاشایب و اینکیشاف تاپمیش آنالار و آتالاریمیزین دیرلی یادیکاری اونودولماق و محو اولماق تهلؤکه سینده دیر. زنگین فولکلوروموزو تۇپلاشیب، قۇروماق بیزیم تاریخی بۇرجوموزدور».

گئنیش اراضیه مالیک اولان آذربایجان تۆرکلرینین یاشادیغی اراضیلرده یئرلی لؤغت و یا دیالکتلری تۇپلاماق تک آدام ایشی دئییلدیر. بونا مۇوافیق مدنی مرکزلرده مۇختلیف بؤلگه و شه هرلرده اولان تدقیقاتچیلارین فعالیتی گره کدیر و بو ایشین ضرورتینین باشا دۆشن ضیئالیلار همین چاغیریش بؤلۆمۆنده یازیرلار: «بو ساحه ده تک باشینا و داغینیق اونملی ایشلر گۆرۆلۆب. بیز ده اؤز نۆویه میزه شخصی مادی و معنوی ایمکانلاریمیزدان بو یولدا قۇیماعی قرارا آلمیشیق و آنا دیلیمیزین وورغونلارینین یاردیمی ایله ائل دیلی و ادبیاتی تۇپلاماق مقصدیله ایشه باشلامیشیق».

آنچاق بله بیر گئنیش ساحه لی، آغیر و دیرلی ایشی نچه نفر یۆخ، بۆتۆن ماراقلیلارین ایشتیراکی ایله یئرینه یئتیریمک اولاییلر. بیز بۆتۆن تۆرک دیللی وطنداشلاردان، آیدینلاردان، یازیچیلاردان و آنا دیلیمیزین وورغونلاریندان کۆنۆللۆ یاردیم گۆزله ییریک. یئرلی لؤغت، ایفاده و فولکلورون هر بیر قولوندا چالشیب، اونلاری تۇپلاشیب بیزه گۆنده رسینلر.

ایلمیزه چاتان یئنی لؤغلر آراشدیریلدیقدان سونرا تۇپلاتائین آدی ایله کیتابدا چاپ اولوب، یایشلاجاق».

بیرینجی کیتابین ۴نچو صحیفه سینده بهزاد بهزادی نین «ائل دیلی و ادبیاتی» باشلیقلی مقاله سی درج اندیلیب. همین مقاله ده گۆرکملی عالیم بهزاد بهزادی دیلین اهمیتی، یارانماسی و اؤنسییت واسیطه سی کیمی اونون رۆلو رسمی دیل سوتیه سینده قالدیریلماسی و یایشلماسی مسله لرینی قئید اندیب، بو پروژس نتیجه سینده قئید ائدیر کی، یئرلی لهجه آغیر ادبیاتی سیخیشدیریلیب آرادان آپاریلماقدادیر. آما داها اهمیتی مسله بو دیالکتلرین تۇپلانیلماسی، اونون ادبی دیله آئینماسی و بله لیکله هم زنگینلشدیرمه سی، هم ده کئچمیش معنوی ایریمیزین ابدی اولاراق قورونماسی تأمین اندیلیر. دیلین میللی زمینه ده زنگین لشدیرمه سی نین ان اونملی متؤدلاریندان بیرى محض همین دیالکتلر فاکتوروندان ایستیفاده ائتمکدیر.

همین مقاله ده بهزاد بهزادی یازیر: «ائل دیلی و ادبیاتی» (فولکلور) خالق طرفیندن قورونور و آز-چوخ اؤز تاثیرینی ادبی دیله گؤسترمه ده دیر. دئمک بۆتۆن مدنییتلرین یاراتدیغی نایلیتیلرین تملی خالق یارادیجیلیغیدیر. کۆنله لرین دکا و یاشایشیندان دؤغولموش، عصیرلر بۆیو آغیزدان-

آغیزا کتچیب اینکیشاف تاپمیش، قۇرونموش فۇلكلۇر تۇكنمز بیر خزینه دیر. خوصوسیه ایراندا آذربایجان تۇرکلى آراسیندا ایللرله آنا دیلینده مکتب، قزئت و یازیللی اثرلرین یاساق اولدوغونا گۆره خالق شیفاھى و آغیز ادبیاتینا آرتیق مارقا گۇسترمیشدیر.

اؤ، مقاله سینین داوامیندا همین ساحهده ایشین اهمیت و ضرورتینی، بو یولدا جیددی امکداشلیغین لازیم گلدیینی و بئله لیکله ده ادبی دیلیمیزین زنگینلشدیریلمه سینده چۇخ بۇیۇک قایتاغین یاراناجاغینی سۇئله یرک یازیر: «دئمک اولار کی، خالق دیل و ادبیاتى بیر بۇیۇک خزینه اولاراق هله ده دورور. آنا دیلى قوللۇغوندا دوران یسازىچى و تدقیقاتچیلاریمیزدان بعضى لری تکلیکده چالیشیپ و هر بیر ساحهده ائل آراسیندا آغیز ادبیاتینى تۇپلاشیپ چاپ اتمیشلر. لاکین ییزیم ال دیمه میش گنیش، درین و هر طرفلى فۇلكلۇروموز اؤ قدهر یایغین، رنگارنگ، چنشدلی و چالارلیدیر کی، بۇتۇن ماراقلارین امکداشلیغی گره کلی دیر. بئله لیکله خالقیمیزین تاریخی یارادیجیلیغی تۇپلانسیپ قۇروناجاق و اونلارین اونودولوب آرادان گنتمه سینین قارشى سى آلتیناجاق. دیرلی و تۇکنمز دیل و ادبیات خزینه میز یازینا کۇچۇرۇلۇب، ادبی دیلیمیزده و یازیللی ادبیاتیمیزدا ایشله نمه یه یارارلی قایتاق اولای بيله جکدیر».

بهزاد بهزادی جنوبی آذربایجاندا دیلچیلیک ساحه سینده تانیمنیش عالیم لردن بیر قورۇپونو بئله لۇغت و دیالکتلری مۇختلیف بۇلگه لرده مۇعین قدهر تۇپلادیقلارینى قئید ائدیر و یازیر: «اؤمید ائدیریک کی، بۇتۇن امکداشلارین ایشتراکى ایله قورولتای - قورولوب دایمی مرکز و مدنی، اوجاق یاراتماغا و رسمیلشدیرمه یه نایل اولاجاق، آردیجیل و عئلمی اساسلار اؤزره بو اؤنملی و تاریخی بۇرجوموزو آماجینا چاتدیرا بيله جه یتیک».

بهزاد بهزادی همین کیتابین ۵- جى صحیفه سینده گۇردۇکلری ایش ایستقامتینده تدقیق ائدیله جک ساحه لری حقیقتن ده سۇزۇن اصل معناسیندا آنجاق ائل دیلی و ادبیاتى نا سیغا بیلین گنیش و اطرافلی ساحه لرین ایحاظه ائتدیینی بیان اتمیشدیر. ساحه لری اولدوقجا گنیش و چنشدلی دیر. آشاغیدا قئید اولونان ساحه لرده ماتریاللارین تۇپلاماسی و تدقیقی نظره آئیر. «یئرلی لۇغت، ایفاده و دیالکتلر؛ آتالار سۇزۇ و مثلر؛ تعبیر و اوخشاتمالار، تاپماجالار، ناغیللار، افسانه لر» شعەرلر (قوشمالار، باتاتیلار و س) اوخشاتمالار، نازلالمالار، هالاولار (امک نغمه لری)، اینانجلار، آلفیشلار، قارقیشلار آندلار، مرثیه لر، آغیلار، سۇیۇشلر، زارافاتلار، ساتیرا، عنعنه لر، تۇرکه چاره درمانلار، آشیق ادبیاتى، یئرلی اولچۇلر، اویونلار (اوشاق اویونو، بۇیۇکلر دۇمۇیۇ) و س».

بهزاد بهزادی ایشین کتبیشتلی، دقیق، ایستاندارد و دۆزگون آپاریلماسی مقصدیله مقاله سینده تدقیقاتچیلارا لازیمی یوللار و متنودلار گۆستریشدیر.

کیتابین نۆبته بۆلۆمۆ علیرضا صرافى طرفیندن یازیلماش «یئرلی سۆزلرین تثبیتی اساسلاری» آدلانیئر. علیرضا صرافى بۆلگه نین اؤزه للیکلرین گۆجلۆ پؤتنسیال قووه سینین مۆوجودلۇغونو و بو ساحه ده گۆرۆلمه یه ضروری اولان ایشلری بئله قلمه آلمیشدیر: اۆلکه میز اسکی دن بری بیر چۆخ تۆرک دیللی تائفالارین مسکنی اولموشدور. تاریخده ثبت اولدوغو کیمی ساکالار، ساییرلر، خزرلر، قارلوقلار و داها سؤنرا قائلین اوغوز انللیری اۆلکه یه آردی- آراسی کسيلمه دن گلمیش و یئرلشمیش لر. اونلار گئت- گنده باشقا خاقلارلا قایناییب- قاریشمیشلار. بو آرادا بیر- بیرى ایله چۆخلو مدنی آل وئرلر اولموشدور. بیر چۆخ سۆزلر و لۆغت لر ده بیر- بیریندن آلاراق اؤز دیللرینی داها دا زنگین لشدیرمیش، داها دا گۆجلندیرمیشلر.

دۆنیادا ایکینجی بۆیۆک تۆرک تۆپلۆمو اولان اۆلکه میز اؤزۆنده تۆرکجه نی چئشیدلی دیالکتلرینی، لهجه لرینی یاشاتماقدادیر. بعضن بیر- بیریندن نئچه یۆز کیلومتر آرالی دۆشن ایران (آذربایجان تۆرکلری) خراساندان خوزستانا قده، آذربایجاندا کرمانا قده اوزون ایللر بۆیۆ اؤز آرالاریندا بیر چۆخ اصل تۆرکجه سۆزلرینی عئینی حالدا اسکی یئرلی اهلینین سۆزلرینی بو گۆنه قده قوروتوب ساخلامیشلار. علیرضا صرافى ده دیالکتلر اولماق شرطی ایله گئنیش ساحه نی ایحاطه ائدن ائل دیلی و ادبیاتینین نشری ایشینه ایشاره ائده رک «ئل دیلی و ادبیاتی اوجاغینین» یارانما ضرورتینی سادالامیشدیر.

او بو ایشین اهمیتی و ورغولاناراق یازیر: «آیدیندیر کی، بو سۆزلر گله جکده ادبیاتچیلار و عالیم لریمیز طرفیندن ادبی دیلیمیزین خیدمتینه آلیناجاق. بیر چۆخ دیل، آرختولوگییا و تاریخ ساحه سینده چالیشان آراشدیرماچیلارین تدقیقی ایشلرینه یاردیم اولاجاق».

علیرضا صرافى ده اؤز نۆبتینده تدقیقاتچیلارا همین کیتابین بیرینجی سائیندا یۆل گۆستریش و یئرلی سۆزله دیالکتلرین نئجه اولماسی و اونون باشقا سۆزلردن فرقیندن سۆز آچیب تبریزده، اردبیلده، دره گزده، زنجاندا، قشقایلاردا و همداندا ایشلنن بعضی دیالکتلردن نۆمونه کیمی گۆستریشدیر.

بئله دیرلی، کۆتله وی ایشین اؤزۆ ده بۆیۆک اراضیده حیاتا کئچیریلمه سی بۆیۆک تدقیقاتچی قووه سی طلب ائدیر. لاکین ایران و جنوبی آذربایجان کیمی بیر اراضی ده دؤنوتین مارق گۆستره مدینی ساحه نین اؤیره نیلمه سی اولدوقجا چتین ایش حساب ائدیلیلر. لاکین یئرلی تدقیقاتچیلارین تدقیقاتلاری و اونون نتیجه سینین واحید مرکزده تۇپلاناییب، اؤیره نیلمه سی

اوپراتىۋ ۋە ان دۆزگۈن يۈل حىساب ائىلىير. بونون اۆچۈن دە بعضن مۆتخىصص اولمايان يئرلى تىقىقاتچىلىغا يۈل گۈستىرمك، اولارلا واحىد تىقىق مئىۋىۋى تىقىق ائىمك همىن مەركىزىن نىرىياتىندا نىزىدە توتولموشدور. طىيىى اولاراق يئرلى تىقىقاتچىلارنى بىلە بۈيۈك زىمىت طلب ائىن ايشە جلب ائىلىمەسى بو بۈيۈك ايشىن اوپراتىۋ، گىنىش ۋە دوزگۈن خىاتا كىچىرىلمەسىنىن ان ياخشى يۈلۈدور. خۆصوصىلە بونا گۈرە كى، اھالى ۋە ھۈسكار شىخىرلر ايشە جلب ائىلىير. ايشىن پروفىسىونال اولمايان قۈۋە طرفىندىن خىاتا كىچىرىلە بىلمە ضرورتى اۆچۈن عليرضا صرافى بو دىالكتىرلر نىجە تۈپلاماسىنى، اونون فۇرما، اۋسول ۋە مئىۋىۋىۋى ھىمىن ماقالەدە تىقىق ائىمك اىستەينلر دىققەتە چاتدىرمىشىدور.

ائەلە بىرىنجى سايتىدا دا بو مۆختىلىف يئرلردىن تۈپلانمىش يئرلى سۈزلر ۋە دىالكتىرلر تىقىق ائىلىمەتە باشلانمىشىدور. بىرىنجى كىتابىن ۱۴- جى صىفىفەسىندە ثرىا بىخىشى طرفىندىن تۈپلانان دىالكتىرلر ۋە ثرىا بىخىشى اساسن خۈى، زىجان ۋە عىبشىر ۋە بۈلگەلرىندە ايشلەنن دىالكتىرلر تۈپلامىشىدور.

كىتابىن ۲۱- جى صىفىفەسىندە مصطفى رزاقى تۈپلادىغى دىالكتىرلر ۋە ثرىلەمىشىدور. مصطفى رزاقى جىنوبى آذربايجاننى مۆختىلىف شەر ۋە بۈلگەلرى، اۋ جۈملەدىن اردىيل، آستارا، اورمىە، بىناب، تىرىز، خۈى، زىجان، سىزوار، سىراب، شىروان، عىبشىر، قرەداغ، ماروس، مرىند، ملایر، موغان، مىتانا، نقىدە ۋە نىشاپور شەرلرىندە ايشلەنن بىر چۈخ دىالكتىرلر ۋە يئرلى سۈزلرى تۈپلايىپ تىقىق ائىمىشىدور.

تۈپلايىجى حىسین مسلمى دە فرىدندە ايشلەنن بعضى دىالكتىرلر تۈپلايىپ تىقىق ائىمىشىدور.

تانىمىش تىقىقاتچى ۋە ادبىياتشۇناس حىسین گۈنىلى ايسە ابەر، بۈىن زىرا، گۈنى، مىشىن ۋە موغان بۈلگەلرىنى بعضى دىالكتىرلرى ۋە ثرىمىشىدور. سۈنرا ايسە بو كىتابىن امكداشى، كىچىمىش مىكمە حاكىمى ۋە كىل جواد درىندىنى تۈپلادىغى دىالكتىرلر ۋە ثرىلەمىشىدور. اۋ جىنوبى آذربايجاننى مۆختىلىف شەر ۋە بۈلگەلرىندە، اۋ جۈملەدىن اورمىە، خۈى، مراغە، قرۈە، ۋە مىاندوآبدا ايشلەنن دىالكتىرلر تۈپلامىشىدور.

بىرىنجى كىتابىن سۈنۈندا تىنە دىرلى عالیم بىزاد بىزادى آستارا لىجە ۋە دىالكتىرىن اۋزەللىكلىرىنى ۋە يئرلى سۈزلرىنى تازەمىشىدور. اۋ، ماقالەسىندە يازىر: «آستارا لىجە ۋە شىۋە اۋزەللىكلىرى آرتىق سىس قورولوشوندا (فونىتىكاسىندا) اۋزۈنۈ گۈستىرىر. بىز بو اۋزەللىكلىر

حاققیندا ییغجام و قیسا معلومات وثرمهلی تیک. دئمک اولار کی، آستارا لهجهسی اسکی تورک لهجه لرینین دیشیلمه میش قالمیش بیر قولودور». آستارا لهجهسی ان یاخین قونشولاری اولان سالتان، لنکران و اردبیل لهجه لری ایله ده فرقله نیر.

بهزاد بهزادی همین مقاله سینده آستارا لهجه سینین خصوصیتلرینی مؤختلیف اسپکتلردن آراشدیریپ عکس انتدیرمیشدیر.

«اتل دیلی و ادبیاتی نین» ایکینجی بۆلۆمۆ ئینه بهزاد بهزادی و دیرلی امکداشلاری نین طرفیندن ۸۶ صحیفه و ۷۵۰ تیراژ دا نخستین نشریاتئ طرفیندن بوراخیلیمیشدیر. بو بۆلۆمده ده جنوبی آذربایجان و ایرانئین مؤختلیف یئرلرینده یاشایان آذربایجان تورک لری نین دیل اؤزه لیکلری یئرلی دیالکتلر، آتالار سۆزۆ، بایاتیلار، گرائلیلار، تصنیفلر و س. تدقیق ائدیلب، نشر ائدیلمیشدیر.

ایکینجی بۆلۆمۆن اولینده دیرلی عالیم و تدقیقاتچی بهزاد بهزادی نین آتالار سۆزۆ حاققیندا مقاله سی وثریلمیشدیر. او آتالار سۆزۆنۆن اهمییت، اؤزه لیکلری، اونون شیفاهی خالق ادبیاتئیمیز و ادبی دیلیمیزه تأثیری رولوندان و س. مسله لری مقاله سینده عکس ائتمیشدیر.

زنگین شیفاهی خالق ادبیاتئینا مالیک جنوبی آذربایجان و بۆلگه لری همین ماتریاللارین تۆپلانماسئ ایله اونون آذربایجان مدنیتئین نجه یۆکسک، زنگین و میثلسیز اولدوغو، اتله بیرینجی باخیشدان اؤزۆنۆ گۆستره جک. ایللر بۆیۆ دیل لری یاساق اولان جنوبی سۆنداشلاریمیز سینهدن- سینه اؤز دیل لری نین مدنیتلرینی قۇرویبو ساخلا میش و ادبیاتئین بیس قولو اولان فولکلور- شیفاهی خالق ادبیاتئینئ قۇروماقلا برابر دها دا زنگین لشدیرمیشلر.

بهزاد بهزادی یازیر: «آتالار سۆزۆ و آغئیز ادبیاتئینئین ان اونملی، چۆخ یاتغین، ایشلک، دولغون مضمونلو، قیسا، آهنگدار و حیکمتلی سۆزلر بۆلۆملریندن دیرلر».

آتالار سۆزۆ و اینسانلارین ان اسکی و ایلکین جرگه لری یاشایشیندان باشلا یاراق اینسانلارین طبیعتینی کۆز قوؤره لره قارشئ قله به چالماسئ اوغروندا مۆباریزه سینده ایجتیماعی یاشایشلارینئین نظاما سالماق اوغروندا چائیشمالاریندن یارانمیش، عصیرلر بۆیۆ خالق طرفیندن ساده لشیپ، ییغجاملاشیپ، یؤغرولوب، جیللانیپ، قیسا و بدیعی شکیلده آدمالارین اینامئ سویته سینه یۆکسلیمیشدیر».

او مقاله سینین سۆنودا ئینه خالقا مۆراجیعت ائده رک مؤختلیف ائللریمیزده تۆپلانان آتالار سۆزلرینی، اولارین تۆپلانما و تدقیق متؤدوندان معلومات وثرمیشدیر.

بىللە دىرلىق ۋە كۆتلەۋى ايش اۆزۈندىن ايللىر، ياساقلار ايجەرىسىندە ياشايدان ۳۰ مىليون سۇنداشلار ئىمىز ۋە دىلداشلار ئىمىزىن اۋىراتىۋ، كۆتلەۋى فۇلكلۇر، كۆلتۈر، مدنىيەت ۋە ادبىيات گۇستىرىجى لىرىنىن تۇپلانماسى، عۆمۇم آذربايجان ادبىيات، مدنىيەت ۋە فۇلكلۇرونون نىجە زىنگىن اولماسىنى بۆتۈن دۇنيانىا تۇيۇت اندە جىك.

كىتابىن ۲- جى بۆلۈمۈندە دىرلى عاليم ۋە ادبىياتچى اسماعىل ھادى نىن دە «بىر مۇعجۇزە دىر عشققدن آما...» آدلى مقاله سى وثرىلىمىشىدۇر.

كىتابىن ۱۲- جى صحىفەسىندە پروىزىكانى زارغ ۋە امكداشلارنى طرفىندىن خۇي شەھەر ۋە بۆلگەلرىندە ايشلەنن چۇخ سايلىنى ئىرلى لۇغەت ۋە دىالكتكلر، ۲۶- جى صحىفەسىندە ايسە فرىدون محمدى اردىبىلىن «چاناق بولاغ» ئىندا، محمد اصغرى ۋە حسين مىسلمى فرىدون دە ايشلنن ئىرلى سۇز ۋە دىالكتكلرى تۇپلايىپ چاپ اتتىر مىشلىر.

ھىمىن بۆلۈمدە چۇخ سايىدا ئىنە تۇپلانمىش باياتىلار، گرايلىلار، تصنىفالر دە اۋز عكسىنى تاپمىشىدۇر.

كىتابى ۴۵- جى صحىفەسىندە آتالار سۇزۈنە ئىر وثرىلىمىشىدۇر. فرامىز شەبازى چۇخ سايىدا ايشلەنن، لاكىن قلمە آلىنمايدان آتالار سۇزۇ تۇپلايىپ ھىمىن بۆلۈمدە چاپ اتتىر مىشىدۇر. كىتابىن ۶۲- جى صحىفەسىندە خراسان تۈركلىرىنىن دىلى ھاقىقىندا اسماعىل نعمتى پايدار گىنىش معلومات وثرىمىشىدۇر.

خراسان تۈركلىرىنىن اكثرىيىتى آذربايجاندىن گىتىمە ۋە اۋرادا ئىرلى تۈركلەرلە آسىمىلاسىيىتا اندىب، قاتنايىپ قارىشىمىشلار. لاكىن تاسۋىفلر اولسون ايكى مىليون خۇدودوندا اولان بو تۈركلرىن مدنىيىتى، تارىخى، ادبى، ادبىياتى ۋە فۇلكلۇرو اۋىرنىلمە مىشىدۇر. دىققەتدن كىناردا قالان بو تۈركلرىن دىل ۋە ادبىياتىنىن دا ھىمىن چىچىۋەدە آراشدىر ئىلىپ تدقىق اندىلمەسى عىتىنى زاماندا اۋنلارنىن دىل خۇصوصىيەتلىرى، لەجەلرىنىن اۋىرنىلمەسى، دىالكت ۋە فۇلكلۇرلارنىنىن تۇپلانمىلماسى تىكجە اۋنلار ۋە آذربايجان اۋچۇن دىئىل، بۆتۈن تۈرك دۇنياسى اۋچۇن بۇيۇك اهمىيەتتە مالىك دىر.

اسماعىل نعمتى پايدار تدقىقى مقالهسىنىن اولىندە يازىر: «خراسانىن قوزنىيندە ايكى مىليون خۇدودوندا تۈرك دىللى يوردداش ياشاماقدايىر. بونلارنى يارمى مىليونىا ياخىنى مۇقدەدس مشھد شەھرىندە ياشايدان آذربايجانلىلاردىر. قالانى خراسانىن ئىرلى تۈركلىرى دىر كى، اۋرادا كۆردەدىللى كورمانىچ اۋىماغا، فارس، ۋە تۈركمەنلەرلە ياناشى ياشايدۇرلار. بونلارنى دىللىرىندە آذربايجان، تۈركمەن، اۋرتا آسىيا تۈركمەنلرىنىن اۋزلىكلىرى گۇرۇنۇر».

اسماعیل نعمتی خراسان تۆرکلرینین دیللرینی دیلچیلیک باخیمیندان آراشدیردیقدان سونرا اونلارین دیلی نین فوننتیک قورولوشو و... اؤزه للیک لرینی قئید ائدیر. داها سونرا خراسانین مؤختلیف بۆلگه لرینده یاشایان همین تۆرکلرین مؤختلیف لهجه لریندن و فۆلکلوروندان دا نۆمونه لر وئرمیشدیر.

جنوبی آذربایجاندا وایراندا یاشایان تۆرکلرین دیل و مدنیتی ایله باغلی گۆرۆلن هر بیر ایش تکجه اونلار اۆچۆن دئیل، عۆمۆم آذربایجان اۆچۆن بۆیۆک اهمییه مالیکدیر. سۆزسۆز کی، اوزون ایللرین یاساقلاری سبب اولموشدور، چۆخلو ساحه لر ایشله نیلمه سین و ایندی جیددی و اوپراتیو تدقیقاتین واختی گلیب چاتمیشدیر.

«اتل دیلی و ادبیاتی» و بئله مرکز لرین یارادیلماسی قئید اولونان مقصد اوغروندا ان دۆزگۆن، منطقی و ئمره لی ایش حساب ائدیلیلر. آرزو ائدیریک کی، اونلارین خالق و میللت اوغروندا گۆردۆکلری ایشلر اوغورلا داوام اتتسین. «اتل دیلی و ادبیاتی» نین نشری داوام ائدیر و ایندییه دک ایکی سایی نشر ائدیلمیشدیر. اونلار بو مۆقددس یولدا اوغورلار آرزو ائدیریک.

ئىزلى سۆزلەر

زىنجان

توپلايانلار: مصطفى رزاقى، محمد رزاقى

- آراغاج Arağac ھىرە غاش / ھىرە باش،
 واختىنىدان تىز ەملە گلن.
 آرايش Arayış زىنجان، (ترە چايئى كىندى)
 تىز، جلد، باخ سۆزلۆك:
 ارآغاج ۱- آدام آرايش ترپشە گىنجە
 قالمادان پاخچى دىر].
 آزكىفیر Azkifir (اردىيل) آغزى آجى،
 ايشلرى دۆز گىلمە يىن آغزى كىفیر ۋ باشى
 حددن آرتىق شولوق، قىزغىن پوزغون
 اوزونۆ ايتيرمىش شىخس. [آز كىفیر سىن نە
 اولوب؟ مىنى آز كىفیر ائىلە مە. يامان آز
 كىفیرم. آز كىفیر دۆشۈب = چۈخ عىصبانى
 دىر].
 آوار Avar (قىدار) ياۋاش، آرام، [سويون
 فيشارى آز اولاندا دىيەرلر سو آوار گلير].
 آيماق Aymaq (زىنجان) ياد ائىتمك.
 [دۈست مىنى آيىش، بىر قوزونان، ايجى دە
 بوش اولسون. آتالار سۆزۈ].
 ائىلى جىزماق Enli cizmaq (تبرىز)
 ائىلى جىزماق، بىلە كىمك كى بىخىشە
 گۆتۈرمە يە. يىكە دانىشماق. حددن آرتىق
 ايتىظار. [اونلار چۈخ ائىلى جىزىرلار =
 ايتىظارلارنى چۈخ - چۈخ يوخارى دىر].
 ارآيش arayış (زىنجان) اكىندە تىز
 يىتىش مىحصل، باخ ھىرە غاش، ارآغاج.
 [بوايل، ايل ارآيش دى].
- افل əfəl (اردىيل) السىز آۋارا.
 انە دۈنە ənə dənə اردىيل دە بىر خالق
 اوخوماغىندا ايشلىيىب. انىتىمالن دۈنە دۈنە
 آنلامىندا. قىلان خانىم اۋىناسىن انە دۈنە
 اۋىناسىن، گىتىس اۋىنە باش چكىس
 گلسىن گىنە اۋىناسىن.
 اونوخماق unuxmaq (زىنجان چىلاندار)
 سۈد دن كۆسكى، [خىتۈننى او قىدەر
 امىشدىرمە دىز اونوخىدو. دائى امىر. آدام
 اونوخوب = سىسىم اولوب، گىچ
 اولوب]. [سانكى اسكى قايدا سىنى
 اونوتىموش، ا. ھادى]
 اوۋىسنىمك övsənmək (زىنجان
 ترە چايئى) تۈك ۋ سايىرە نىن يىل يىندە
 داغىلماغى. باخ سۆزلۆك: ھۈۋىسىمك.
 [تۈكلرى يىل دىندە اوۋىسىردى].
 ايسقىنماق Isqınmaq (عجب شىر)
 آختارماق، چايشماق، دىققەت ائىلەمك.
 [شاگىرد - تاپمادىم اۋردا دىتىلدى. اوستاد -
 بىر ايسقىن داپىلە اۋردا اولال. (اىز -
 اىزقىنماق - ايسقىنماق - ا. ھادى)
 ايسنىشمك isnişmək (تبرىز) باخ
 شىناشماق. باخ سۆزلۆك ايسنىمك.
 ايلخىماق Ilxımaq (خۈى) ايلقىماق،
 يۈگۈرمك، يىتىن گىتمك، يىرىندىن قالىخىب

پۆلكە بايرامى: Pölkə bayramı (بناب)
بۆيۆك چيله نى قوزوندا اود يانديريئليب،
توتولان شنليک.

پۆللتەمک Pöllətmək (عجب شىير)
(بعضن: پللتەمک) اوشاغى جىش توتماق.
[پۆل، بۆل، پۆل، ... پۆللە].

تور Tur (اردبیل) ال- آفاق سئیز، آوارا.
[تورون بیرى تور= بی دست آلاتین بیرى
بی دست آلات، یازیق].

تولازدیرما Tolazdırma بوش
دانیشماق، گۆپلاماق. تۆولاییب آتما،
[تولازدیرمایتان ووردوم یاندی].

تیس باسماق Tis basmaq (شرقی
آذربایجان) یالان. (فا. خالی بند).

جیگیش Cigiş (بناب) کۆرپە اوشاق
(تعییبله). [جیگیشی وئر اوتنادیم گۆرۆم].
چاپچالانماق çarçalənmaq (اردییل)
سوئون یتکه قابدا لپلنمەسی. چالپالانماق،
باغ چیچچالانماق.

چىچىلمەك çeçəlmək (بىناپ) قورۇ
چۈرۈەين اۆستۈنە سو چىلەنىب
يۈمۈشانىمى: [چۈركلرە سوچىلە، سۇنرا
قۇي بىر آز كىچىسەن چىچىلسەن =
يۈمۈشانىن].

چله Çələ (زنجان چیلاندار) نازیک دیرک، (فا. شمع). [چله ووروں گیرده کانئین لاخلارئ ایتمه سین شینماسین]. (جالاق/جالقاق، سۆزۆندن ← جالا ← چالا ← چله. ا. هادی).

گوٽورولمڪ. [انله کي دنمه ديم بيله سينه آغان
گلير، انله ايلخيدى گل گوٽره سن].

اینیشمک inışmək (عجبشیر) اوشاق
اۆتونلاریندا ایکی نفرین بیر- بیرینن یا
باشقا دسته ایله، اۆیون قایدا لاری خیلاقتا
اولاراق هیلمشمک، ال بیر اولماق، تباخی.
[اونلار بیر بیر ایله اینیشیلر].

باش سىز پىرخ سىز Başsız pərxsız
(زىنجان) بۇيۇك سۆز، اۆز باشىنا اوشاق.

بودانماز Budanmaz (زنجان) چیلاندار
کندی، آرادان گنتمه تین شئی، چوځ داواملی.

بوينوز پولو Buynuzpulu (زنگان)
 قديم مال ساتان مال آلان، ساتانين
 اوشاغينا وئرديكي پول، بند پولو، شاگردانه.

Бөйүшә **vermək** **بۆيۈشە وئرمەك**
 (تېز) ظوھور، مۆباليغە ائتمەك، اۈزۈندىن
 دېمەك، اۈزۈنۈ بۆيۈتمە. [اۈزۈنۈ بۆيۈشە
 وئىرىر. = هر تىردە اىستىر اۈزۈنۈ گۈستىرە].

بيجه، جه Bicehca (سراب) اورتا بوئ
 كوزە، باخ سنە.

پىلەتەك Pellətmək باخ: بۆلۈتمەك.
پى Pəsəy (عجب شير) (بعضن: پىسر)
ئۈۋىن ايچ سقى.

پوتا **pota** (زنجان، تره چائی کندی)
 چیلاندار کندی، ۱) دۇنقوز بالاسی. [دۇنقوز
 پوتاسی.] ۲) باخ سۆزلۆکی.

پۆلكە Pölkə (بىناپ) يىر نوۋى بىر
 آلاولانان يىتكى ياناچاغى، يىر نوۋى يىتكى دىر
 [گلىن پۆلكە ياندۇراق].

دامدا بىچاخ Damda bixax (بناب، اردبيل) دالدا بوجاق، (اوشاق اۆيۈنۈ) گىزلىن پانچ.

داناش - داناش Danaş- danas (زىنجان، تىزە كىند) دانا، دانا، دنە - دنە. [داناش - داناش تۈكۈلە].

دوغماق Doğmaq (اردبيل) دۇنماق [سو بوز دوغوب] البتە چۈخ آز ايشلەنر. دۈلۈككە Dülükke (سراب) ان كىچىك كۆزە، باخ: سەنە.

دونقالان Donqalan (خسۇئى) دىك - اوجا. كۈندەلن، دۇنبالان.

دونقالان اوتورماق Donqalan oturmaq (خسۇئى) بىر نۇۋ اوتورماق وضعىيىتى، بىر بالدېر اۆفۇقى ۋ ۋان آلتىندا بىر بالدېردا عمودى ۋ اۆنۈن دېزى دېرسك آلتىندا. [دونقالان اوتوروب باخىرمەنە].

دونوخا گىتمەك Dunuxa getmək (مشكىن) باخ: دويۇخا گىتمەك.

دويۇخا گىتمەك Duyuxa getmək (مشكىن) دالماق، فېكىرە دالماق، تومماق. [گۈر نە جۆر دويۇخا گىدىپ؟].

دېزدىياغى Dizdəyağı (زىنجان) دېزدىياغى، قديم غىنىلەر گۈرە تۈيۈدا گلېن اۆتورماقدان ايمىتىنغ ائدەر ۋ بەيىن طرفى اۆنە دېزدىياغى آدىلى انعام ۋىرر كى اۆتورسون.

دىللى تۈپ Dilli top (بناب) گىزلن - پانچ اۆيۈنۈندا گۈز قۇيان شىخىن دىندىيى ايصطىلاح: دالدا قالان، قاباقدان قالان دىللى تۈپ. باخ: قىللى تۈپ.

چۈپسۈنمەك Çöpsünmək (مشكىن) خىتوانىن مېجىلەنرک اۆتلاماسى. (خىتوانىن جۈپ آختارېپ، اۆتلاماسى).

چۈپسۈنمەك Çöpsünmənəmək (مشكىن) چۈپسۈنلەمەك، غذا يىتىدە مېجىلەمەك. [چۈپسۈنمە تىز اول].

چونقوللاتماق Çunqullatmaq (زىنجان) ايشەمەك.

چۈنگۈللەتمەك Çüngüllətmək (زىنجان) ايشەمەك، باخ چونقوللاتماق.

چىنچالانماق Çipçalanmaq (زىنجان) سوۋو تىكە قابدا لېلەمەك، داشلانماق. باخ چاپچالانماق.

چىرىن Çırın (زىنجان) چىلاندار كىندى. كىرناس، خىس، قىتمىر. [چىرىن آدم].

چىنكەدانى گۈزۈكمەك Çinəkdani görükmək (زىنجان) مجازن بىر شىخىن دايناز معلوماتى اۆلەماسى. [كىچىك شاعىرلەرنى چىنكەدانى گۈزۈكۈر].

خىشەك Xəşənək (خسۇئى) كىنە. [چۈخ خىشەكلى دىر = يادىندان چىخارتماز، كىنەلى دىر].

خويار Xuyar (زىنجان) چىلاندار) آداما يا خىتوانا عادت اتمىش اۆنسيت تاپمىش، خسۇ تاپماق. [قاتىر آتا يا ائششگە خويار اۆلار آيىراندان آغلانار].

خىرەلىق Xirrəliq خىتوان يا اىنسانى آيىراندان ناراحتلىق اتمەك. [خويار خىتوانى آيىراندان خىرەلىق ائدر].

خىلاخوب Xilaxub (خسۇئى) ساكىت، آرام. [اوتاق چۈخ خىلاخوب ايدى].

eləmələ (زنجان، تره چائی کندی) اوجقار

سەمە Səmə (وئریقان) گیج، سر سەمە.

ايصطلاح: دالدا قالان، قاباقدا قالان، قىللى
توپ. باخ: دىلى توپ.

كۆرپە Körpə (زىنجان) ۱ گىچ اكيلب
گىچ يىتىشەن محصول، ۲) اوتلارى گىچ
گۆزىن ايل. [ايل كۆرپەدى].

كوشۇمەك Köşümək (خوئى) آياغىن
چوخ زامان حرەت سىز قالىب ياتماسى،
كئىمەك.

گىندە Gedə (سرەين - اردىيل) اۇغلان
[قېزدى يا گىندەدى؟].

گىنچە Geycə (خوئى) پشە دە، (جرە)
ترتیب، سەمان، نەزم. [اۋودە] وسائىل لرى
گىنچەلە = ساهمانلا، مۆرتب ائله].

لەلەمەك Lələmək (خوئى) يالوارماق. [بىر
آئى گرەك لەلەسن بونون چۆن].

لۈللەتمەك Lüllətmək (زىنجان) باخ:
پۈللەتمەك، چۆزگۈرمەك، ايشەمەك.

لۈۋۈلەمەك Luvüləmək (بناب)
يىرغلاماق، تەرپتمەك. [اوشاغىن بشىگىنى
لۈۋۈلە = تەرپت].

لۈۋۈلەندى قىشۋۇ Luvüləndi qışov
(بناب) كۆف. [گىل لۈۋۈلەندى قىشۋۇ
گىندەك].

مانسىئىرلىق Mansırıq اردىيل دە،
مانسىئىرلىق، عاغىل سىزلىق، سارساقلىق،
[اۋزۋ ووروب مانسىئىرلىغا].

مىزەر Mezər مىانادا آيران يا سۈد
سۆزمەك اۋچۈن آغزىنا پارچا چكىلن قاب.

مىزمەك Mezmək (اردىيل و مىانا)
سس سىزجە آرادان چىخماق، سۈزۈلمەك.

يئردە اوغرونون آدمى اۋلدۆرمەسى. [آدامى
قرەجە بوغاز ائلهلر].

قرە دوغراماق Qərə doğramaq
(اردىيل، بناب) پىس فال وورماق. [ايندىكى
قرە دوغرادين، گىتمىرىك].

قوپاراق Qoparaq ھرىس دە، قاچىرىب
قۇۋالاما. [قۇپاراغىنى گۆتۈردۈم =
قۇۋالادىم].

قوروشماق Quruşmaq (زىنجان) قۇئى -
گۆتۈر ائتمەك، باخ: اينىشمەك.

قونۇشماق Qonuşmaq (ھرىس) ۱) بىر
يئشە يىغىلان نىچە آداما قارىشىپ
قۇشولماق. [اوشاقلارا قۇشۇشۇدۇ = قۇشۇلدۇ].
۲) تىبانى ائتمەك. ۳) گۆنۈل وئرمەك. [كۈنلۈم
قۇشۇشۇدۇ].

قۇۋۇر Qovur (زىنجان) سارى، (قۇنۇر =
قۇۋەى) [قۇۋۇر قاش گۆز آدام: سارى قاش
گۆز آدام].

قىراس Qıras (زىنجان) قۇزا، شاھ دنە،
چىرس، بىر نۇۋ اوۋۇشۇدوروجو مادە.

قىشۋۇ Qışov بناب) كۆف، ساللانچاق.
[قىشۋۇ آسىيلار. باخ: لۈۋۈلەندى قىشۋۇ].

قىلباش Qılbaş (زىنجان) درىدن چىخان
ايلاننى درى سىنە ال وورماقدان عملە گلن،
و بىدنى شىشىردن مرض. [چىل ايلانلار
درى سىنە ھىن دۈلوران قىچ قۇلوما - ھىن
كۆكلىدەر اۋدرى ھىتىكلى، قىلباشلى زامان،
شەبان كرىمى].

قىللى توپ Qılı top اردىيل دە، گىزلىن
پانچ اوۋونوندا گۆز يومان شىخىن دىندى

ياردان قولو Yardanqulu (زىنجان)
كېچىلدىجى بىر ضمير، قىلاننى معناسىندا،
گندە، طرف!...

يارىم لىق Yarımlıq (اردىيل، موغان)
صوبىحانە.

يالمانماق Yalmanmaq (زىنجان)
چىلاندار كندى، قوروماغىن قاباغىنى آلماق
اۆچۈن، دىل دۇداغى تىكرارن؛ يالاماق. باخ:
ئىل دىلىسى و ادبىياتى: يالينماق.

اۆلمەك، گىتىمەك [گۆردۆ ايچمەلى آش
دئىيل، مئزدى].

مىتىل سالماق Mitil salmaq
عجب شىردە، ياتاق سالماق، بىرىنىن ائويندە
حددن آرتىق قۇناق قالماق. [اۋن بىش
گۆندۆ قايتانام مىتىل سالىب بورا گىتىمەدە
بىلىمىرى]. مىتىل: كۆهنە يۇرقان. مجازن: تىل
آدام.

مىدىلنمەك Midilənmək (مشكىن)
بۇش يترە دولانماق، گىرەلنمەك، سۆلنمەك،
مىجەلنمەك، اۋتالانماق.

مىنقەلەمەك Minəqqələmək (زىنجان)
مرجىنى، دۆيۈنۆ، نۇخودو، الگە تۆكۈپ
سۆل الە ساخلايىپ، ساغ الين ايكى
بارماغى ايلە (ايشارت و آرا بارماغى)
ايچرى يۇنلدەرك، گۆيە آتماق بىلەكى،
الگىن مۇحتوياتى اۋنون ايچىندە قىرلايىپ
و مچۇر- چۇپلر اۋنون مركزىنە تۇپلاشا.
ناققا بالىخ Naqqa balıx بۇيۇك بالىق،
نەنگ.

نۇختا Noxta (زىنجان) حنىوانلارى
تاپىشىپ چكىمەك اۆچۈن وسىلە، جىلوۋ،
يولار (فا. افسار).

هۇشۇللەمەك Hüşülləmək (زىنجان)
دانىشلندا هۇشت سسى چىخارماق. [قاباقدا
ايكى دنە دىشى دۇشۇب دانىشاندا
هۇشۇللۇر].

هىمىنشەمەك Himnəşmək (بناب)
هىمىلشەمەك، بىر ايشى گۆرمەك اۆچۈن ال بىر
اۆلماق، تىبانى. [بىز هىمىنشەدىك سنى
اۆلدۈرك].

ئىتولى سۆزلەر

قرەداغ*

تۇپلايان: فریدون محمدی

دۆردمە Dörd əmə دۆرد نالا [سن

چاپدین آتیشنى دۆرد امه دۇنيا].

دېشە Dişə گۈنەرنىن نىن ايلک گۈنلردە

جۇجريب يثردن چىخماسى. تۇرپاقدان

دېشارىئا گلن بېتگى.

سىس Sis دومان، دومانىن قالئىنى.

قۇۋاق Qavaq قۇۋاق، قلمە آغاجى،

(زىنجان: راجى).

قۇزاي Quzay تېنن گۈن دۈشمەين

يئرى، قوزنى.

قېغىلداشماق Qıgıldaşmaq اوشاق

كىمى سس چىخارتماق، قوش لارین

بىر- بىرايلە دانىشماغىنا ايشارە دىر.

ائەلەجەدە اۈزۈنۈ اۈزە چكىمک اىستەين

يئنى يئتمە گىنج لره دئىەرلر: [فىلانكس

قېغىلدايئر، من دە واران!].

قېمىر Qımir حىر ص. گىچىک.

افىللەنمک Əfillənmək اۇيان بويانا

اسرکن، اۈت- علفین دالغالاندیغى حالت.

[گۈى اۈتلارین يۈموشاق واختى يئل.

اسىب، اۈلارئ افىللەندىرە].

اۈچۈنماق Uçunmaq (اۈچماق) بىر

يۈنە دۈغرۈ جان آتماق، علاقە ایلە بىر

زاددا مئىلى اولوب اۈنا آتىلماق.

بىزۈۈشە Bizövşə بىر بېتگى نۇۋۆ دۆر.

چايىن دملەيىب اىچرلر.

تۈلنمک Tülənmək ۱) تۈكۈنۈ

تۈكمک ۲) اۈتۈلمک، اىچىن- اىچىن

يانماغىن بىر نۇۋۆ دۆر.

تۈمماق Tummaq فېكرە دالماق،

هۈپ تۈتۈب قالماق. سس- سىمىرسىز

اۈلماق.

خىسىن- خىسىن Xısin- xısın

ياۋاش- ياۋاش. سس سىزدن آغلاماق.

*- قايناق: قۇشمالار- قۇشمالار، يازانى ائل اۈغلۈ.

يالمانماق Yalmanmaq يالوارماغىن
بىر نۇۋۇددۇر. خاص بىر ھدف اوچۇن
يالمانارلار. او ھدفى اۆزە چىخارمازلار.
[ايلان دا چالاندان قاباق بىر يالمانار].

ئىزلى سۆزلەر

قرەداغ توپلايان: گۆلدۆرلۈ ولى
ايش يىئون işbiyun (روسجا)
جاسوس، خبرچى.
بادنوس Badnus (خارىجى)
ساماوار آلتىنا قۇيولان سىنى.
پىسە pesə اسگى، ايشلنمىش پارچا.
مىھرەبا mehrəba باخ سۆزلۈك:
مىھرەبا.

كۆبەر Kōbər (كۆبە) پالتار كىمىلردە
قىراق، حاشىيە.

كۆشە (يول) köşə داغا دىرمانان يول.
گىلوۋشە Gilövşə قاراداغىن اۋشتۈيىن
يۈۋرەلرېنە مخصوص نار نۇۋۇددۇر.

لۈتگە Lötgə قايتىق، بالاچا گىمى.
وۋغال Vuğal اۋد تونقالى، تۈستۈ آلاۋ،
ياش اۋدونون آيىشماسى.

يىلكەلشەمەك Yelkələşmək بىر-
بىرىنىن بىرچىكلرىندىن توتوب يۈلماق.
قادىن خايلاغىنىن دالاشمالارى.
ياپالاق Yapalaq خىستەلىك دىر،
ساغالماغى آغىر ۋىجىتدە اولان
خىستەيە دىئىرلەر. ياتاقدا چۈنخ اولان
خىستەيە دىئەرلەر. يۈرغان- دۈشەيە
دۈشمەك.

ياستانچا Yastanča داغلاردا يا تېلردە
اولان ھامار يىش، ياستان.

آتالار سۆزۈ

زىنجان

تۈپلايان: ثريا بخشى

- تەسەن ترسە سىنچار.
- تىنبل آدام فىكىرلى اولار.
- تىنبل دىئەر، يىرىمىكىدىن، دايناماق، دايناماقدان، اۆتورماق، اۆتورماقدان، اوزانماق يىيىدى.
- تىنە قاناد، انولرە بىلد.
- تۈپ وئىراسان (ووراسان) داغىلماز.
- تۈپو دا سىنن، تۈپالاغىدا.
- تۈپۈر دۈيۈن يالايش.
- تۈت قاچان، تىز يۈرۈلار.
- توتار قاتىغىن، توتماز سۈتۈن.
- تۈخلۇق يىيەلىنى كۈكۈن قازار.
- تۈربادان دا يىيىر، آخوردان دا.
- تۈرپاق سىرىن ايكن يۇقۇشۇ (يۇخۇشۇ) چىخاق.
- تۈرش آشى ياكىشىدى؟ بىر گۈن سىزدە، بىر گۈن بىزدە.
- تۈرشلۇقدان چىخان، خۇشلۇغا دۈشر.
- تۈرشۇ يىمەسە بىر زاد اولار.
- تۈرك ھارا، كرىلا ھارا.
- تۈسباغا چايدان كىچىمىزدى، بالاسىن دالىئا ئلىردى.
- تۈسباغانى چى اۋلدۈرەسن، چى دالى
- اۋستە چتۈرەسن.
- تۈسباغايا بالاسى، ھەر كسە اۋز بالاسى.

- تىرىياكى من چكىرم، پىنەگىن قارداشىم وئىرار (وورار).
- تىز- تىز دى يادىندان چىخماستىن.
- تىز دوران اۋكۈز، گىچ دوران اۋكۈزۈن باشىنا سىنچار.
- تاتىن گلىشى، تۈركۈن گىدىشى.
- تارازى گۈتۈ يىرە دۈيۈر.
- تارى قارقىننى، پىنەمىر آغاچ ايله وئىرار (وورار).
- تارىنى چاغىران، تازىنى بوراخار.
- تازا چىخان دايلاقلار، چولونا گۈرە اۋىنلاقلار.
- تازا گۈتۈنە يىر ائەلىب.
- تازا كۈزەدى، سۈيۈق.
- تازى ايتىدىن دە مىنداردىر.
- تازىنى شىكار وختىنىدا، كۈپك كىمىن ايشەمەك دوتار.
- تازىنىن آغاسى وەر، دۈوشانىن تارىسى.
- تامارزىدان آل وئر دادانانا.
- تەسەنە وئر (وور) چۈرەيىن آل.
- تىنەمە يۈمۈرتالارنى سۈيۈنار.
- تىسبىچىن سۈيا چكىر.
- تىقىر اۋلىندە اولار، اۋلدۈرەندە يۇخ.
- تەلدن قۇرتارمىش تۈلكۈ تەنە دۈشمەز.

- تۆيۈك قوڭۇرغۇ بۇز اولار، دول آرواد
 دىل باز اولار.
 - تۆلگۈ گىرر داوارا، قوردون آدى اولوب
 بد قارا.
 - تۆلگۈ لوواسىنا گىندنمز، قوڭۇرغونا
 سۆپۈرگە باغلار.
 - تۆلگۈ يېتەنى شىردە قوسدورا بىلمز.
 - تۆلگۈ، تۆلگۈلۈيۈن بىلىندىرىنچە،
 درى سىنە سامان تېرلر.
 - تۆلگۈنۈ درىسىنە گۈرە دوتارلار.
 - تۆلگۈنۈن عرضەسىن اوخوينا، درى
 بوغاز اولار.
 - تومانسىزلىقدان ائودە قالىپ.
 - تومانىما پىشىك سالما.
 - تۇتيا، تۇتيا، نە تۇتيا، اوسدوران گۈتە
 نە تۇتيا.
 - تۇتيا پولو ايلن، ائو پولون آلاە يىتيرر.
 - تۇتيا تۇخفەسىز، گلن يىنگەسىز اولماز.
 - تۇتيا دىئىلر، تۇتيا صاحابىن باغرى
 چاتدامانا.
 - تۇتيا گىجەسى گلن ائودە، ياس
 گىجەسى اولۇ يىردە قالماز.
 - تۇتيا گىندەسن اوشاقسىز، گۈرا گىندەسن
 عذابسىز.
 - تۇتيدان سۇنرا حنانى گۈتە ياخاللار.
 - تۇتيدان سۇنرا تۇتانا وئرن چۇخ اولار.
 - تۇتوغون بىر قىچى وئار.

- تۇيۇق جۇجەسىنە خاطىر، قارقا ايلن
 قابلاشار.
 - تۇيۇق ھەم يۈمۈرتار ھەم زىل سالار.
 - تۇيۇق كىمىن دىمىدىگى يىردە.
 - تۇيۇقلار نىنە گىرمەيىپ.
 - تۇيۇن كى اوئىناماقدى، ياسىن كى
 آغلاماق.
 - تۇيۇن، تۇتيا يىرى وئار، ياسىن ياس
 يىرى.
 - تۇيۇندا الك ايلن سو داشىيىم.
 - تۇيۇ كۈللۈكدە چالئىيىر.
 - تۈك باھالانىپ قاراجى ساچىن كسىر.
 - تۈكلرىن دىيرماندا آغارتمايىپ.
 - تىكان اولوب باتىنجا، گۈل اول ياخايتا
 سانچىل.
 - تىكە ايلە دۈست اولان، ايللرە چان
 دۈشمان اولار.
 - تىكە، تىكە يە كۈمكىدى.
 - تىكەنى دولاندىرىپ، آغزينا قۇيۇر.
 - تىكەنى قۇي انگينە، شۇقو چىخسىن
 رنگينە.
 - تىكەنىن شۇقو اۆزدە اولار.
 - تىكەنى اوئىنادان داششاقلايدى.
 - تىكەن بىر تۈتە مالدى.
 - تىكەن شىبە چىخىر.
 - ترەلى چالئىر، تۇربالى اوئىنور.
 - تۇردى وئار.

آتالار سۆزۈ

اھر

- آت مېنن چاپار، حق يۈلۈن تاپار.
- آتېم آت اولونجا، يېتەسى مات اولار.
- آج آدم اوشۇتەر.
- آج ايت، آرىق ايتىن گۈ...ن يالايتير.
- آجدىن چۈبان، يۈرۈلدۈن ساربانا.
- آجلىق اولسون، دىئىب گۈلمك اولسون.
- آخماق دا آدمدان اولار.
- آدم اوتانماسا اوتىناماغا نە وار.
- آدامسىزلىقدان ايت بۇتنو قۇجاقلانيريق.
- آدىن قولاغۇدا دىيىپ.
- آرادا كاسىب سى...ى سىنار.
- آرشىن گىتير بىزىوى آپار، چاناق گىتير
- قۇزۇوۇ آپار.
- آرىق اۈز يىرىندە كۈكەلر.
- آز خرچلە، اۈزۈۈە بىر نۇكر توت.
- آز يارات، آدم يارات.
- آزدان آز قىرىلار، چۇخدان چۇخ.
- آغا دورور، آغاجان دا دورور.
- آغاجى آجى، مېتۈەسى شىرىن.
- آغاجى وورسان سىمتىنە يىخىلار.
- آغاجىن بىرى عاردير، بىرى ناموس،
- قالانى تاپا- توپدور.
- آغىللى باش تۆك ساخلار.
- آفتابا گۈرمەين گۈ... آفتابا گۈرندە
- خۇرۇلداتار.
- آلا قارقا بورادا بالا چىخارتماز.
- آلتدا قالانىن جانى چىخىتىن.
- آلدىم قۇز، ساتدىم قۇز مەندە قالدى
- دىققىلى قۇز.
- آللە درد دە وثرىپ، درمان دا.
- آللە قاباغىنا قۇيۇبدور.
- آللە وثرىدىكجە، بىندە گۇمانا دۇشۇر.
- آللە ووران بىندەنى، پىتىغىمىر عصاسى ايلە
- دۇير.
- آللەدان قۇرخمايان، بىندەسىندىن دە
- قۇرخماز.
- آللەدان گىزلىن دىئىل، بىندەسىندىن نە
- گىزلىن.
- آلىن! آلىن! قاققا ساتان گلىدىر، وثرىن
- وثرىن حىقنىن آلان گلىدىر
- آند ايچن چىرچى نىن انىشەتىنىن قىچى
- سىنار.
- آە چكەمە، آھىن داغلارا.
- آولارا باغىندا سرگردانام.

- آياغىمىز گۆ... وئەن قىرىستانلىغىغا كىچىپ.
- آي توتولاندا مىللەتتە ضررى وار، گۆن توتولاندا دۆۋلەت.
- آيى يۈۋاسى، آسما اۆزۈم.
- آيىنىن بىر كال آرمود اۆستە مىن بىر اۆيۈنۈ وار.
- انىشك انىشكلىكىنن داها بىردە پالچىغا باتدىغى يىردن كىچىم.
- انىشك جاماكى دان باخىر (عئىنك وئوران آداما دئىەرلر).
- انىشك دە اولدۇ، پالان دا يىرتىلدى.
- انل ايله اوتور، انل ايله دور.
- انل ايله اول، انلەه اولما.
- انل ايله گلن بالا (بلا)، تۆي بايرامدۇر.
- انل گۆزۈ ترەزى دىر.
- انلە اونا دئىب چكىلمە منە، چكىلىم سەنە.
- انلە بىل دىل اۆتۈ يىتىپ.
- انلە بىل ناخىرچى اليندن قۇدۇق قورتارىپ.
- انلە بىل كىسك باش آپارىر.
- انلە بىلىركى كۆكۈ سودادۇر.
- انلە تۈبستۈ سالىپ انلە بىل اىستەيىر تۈلكۈ تۈتا.
- انلە ياتىپ، انلە بىل قارا باغدان فعلىكەدن گلىپ.
- انلىن آغلاماغى، ايتىن اولاماغى.
- انۋە مالا تىشە گىرسە چىتىن چىخار.
- اتە وار، مە وار، اىستۇتا يۇخ.
- اتى مىندن اولماسادا، سۆمۆيۈ مەندەندىر.
- اتىن چىتى ات گىتەر، چۆرەيىن چىتى درد گىتەر.
- احمد انولندى، ماحى (محبوبە) دىللىندى، باجارانمادى قاجدى گىزلىندى.
- احمد، احمد، سەنە نە زىمەت.
- ار ايله آروادىن تۈپراغىنى بىر يىردن گۆتۈرۈبلر.
- اربابىن انۋىن آت يىخار، كندلىنن انۋىن عىناد.
- ارەقەش سندن كىچىپ.
- ارە گئەن اولمادىق، بخت آچان اولدۇق.
- آز يىتەرەم حكىمى گۆرمەرم، دۆز دولانارام حكىمى گۆرمەرم.
- اسنك اسنك گىتەر، حائىف انبارداكىنا.
- الحذر اۆچ زاددان، گۆزۈ گۆي، اۆزۈ قىرمىزى، تۆكۈ سارى دان.
- الى ايله ايتىرىپ، آياغى ايله آختارىر.
- الیمە چاتمايان آرمود دەم انحسانىندا.
- الیمین اىچى قاشىنىر. (الیمە پول كەجك).

- اهرين اۆچ آيى قىشدىر، دوققوز آيى قىمىش دىر.
- اۆزۈ بىزەك، ايجى تىزەك.
- اوزون سۆزۈن قىساسى، ايسىتەمىرم ونىسلام.
- اۆزۈنە گۆزەنن داغ آشار.
- اۆس...روب هله ايندى آيىلىپ.
- اۆست انگى، آلت انگىنى چىنىنەيىر.
- اوشاغىۋا آد قويما، جاماعت قۇتاجاق.
- اوشاغىن، سۆز يادىندان چىخماز.
- اوشاق ايله اوشاق، بۇيۇك ايله بۇيۇك اول.
- اۇغرو بىلە اۇس...ورور، دۇغرو بوجاغا سىخىلىپ.
- اولان اولوب، كىچىن كىچىپ، آلاە سۇنكو پىشمانچىلىق وثرەمەسىن.
- اولان ايش اولاجاق.
- اولدۇرمەمىش درىسىنى سۆيۈر.
- اولمامىش اوغلانا! دۇن بىچمە.
- اولمەسىن او يامان، يىرىنە ياخشى گله.
- اولۇ آت آختارۇر ئاللىنى چكىسىن.
- اولۇ دالىشىجا دانىشمازلار.
- اولۇ دوروب مردەشۈرۈن اۆزۈنۈ ئويۇر.
- اولوب مچىد قاپىسى، نه يارماق اولور نه ده ياندۇرماق.
- اۆزۈلۈ قاپىنىن بىر عىببى اولسا، آچىق قاپىنىن مېن عىببى واز.
- اۆزۈنۈ تۈلكى بى، اۆزگە ئۆيىندە مۆلكۈ بى.
- اۆزۈ چاتاغى اۆز باشىندا چاتلاستىن.
- اۆزۈ سى اۆزۈنە خوش گلير.
- اۆزۈ گۆزۈندە دىرەيى گۆرمۈر، اۆزگە گۆزۈندە چۆيۈر گۆرۈر.
- اوزاقدا مېنىم اولسون، ياخشىدا بىرىم اولمەسىن.
- اۆزگە پۇ...نون اۆستۈندە گۆجەنير، اۆز گۆجۈ دىيىل.

- اولۇمە چارە يۇخدور.
- اووما! بارماغىمدىر.
- اون، بىش دە اۆستۆنە قۇي اولسون اون بىش.
- اونون آت گىتىمىز يوللارنى چۇخدور.
- اونون باشىندان حالدا ايىسى گلىر.
- اونون بىر آز فرماننى چاثير.
- اونون چۆرۈمۈش اپى ايلە قويۇسا دۆشمەك اولماز.
- اونون دا دىنى دۇنۇب.
- اونون دائى آتنى سودان كىچىپ (چلتىشى چىمدن چىخىپ).
- اونون دۇرددە وئىرەجەنى، بىشەدە آلاجاغى يۇخدور.
- اونون گۇ...ندە آغ تۆك وئار.
- اوئورتلارنى باتىيدى.
- اىپ قىرىلمىر، جان چىخىمىر.
- ايتال چكىر، ايندى دە تولاال چكىمىر.
- ايت كۆرسىكە ياتىپ.
- ايتال اوتورۇپ، كۆچۈكلەر ھۆرۈر.
- ايتە دە بىر چۆرەك بۇرچلۇتام.
- ايتى اولمۇش چوبانا دۇنۇب.
- ايتىك تامان اولار.
- اىچەرىسى اۈزۈمۈ ياندىرىر، دىشارىشى خالقى.
- اىچى دۇلدور بۇشونان.
- ايرى دۆزۈ بىتەنمىر، بو دا بىزى.
- ايش اىچىندە گرەك ايش گۇرەسن.
- ايشلار ترسىنە فىرلانئىر.
- ايش ايشدن كىچىپ.
- اىگىت امك ايتىرمز.
- اىگىت باسدىغىنىنى كىسمز.
- اىگىت يارسىز اولماز.
- ايل تىزەلدى، پول تىزەلدى.
- ايلان اولدۇز گۇرەتىنچە جان وئىرمز.
- ايلان ووران قارا چاتىنى دان قۇرخار.
- ايت اولاسان، سۇن بىشىك اولماياسان.
- اينسان گۇزدن قىزىشار.
- ايكى آتاغىنىنى بىر باشماغا سۇخور.
- ايكى ايكىن دۇرد ائلەر.
- ايكى دلى زنجىرى قىزار، بىر دلى بىر آغىللى قۇيماز اىپ قىرىلا.
- ايكى گۇزۇم دە بىر قۇزۇ اۈستەدە.
- بىچەم قاچىپ، اۈزۈم كى قاچمايىشام.
- بىز تومان تىدىرە گىرەمكىن پىس دىر.
- بابلى بايىن تاپار، تورشۇلو قاين.
- باجاناق باجاناغى گۇرەندە گۇ...قاشتىنار.

- باجىن ايسفاھاندا اوس...وب، نارىن ئىن ئىل
- پارىب، ايرىسىندىن سىنە چۆرەك پىشىرمىش.
- بارماغىمى كىسە ايدىلر خبرىم اولمازدى.
- باشى گۆ...نە آغىرلىق ائله ئير.
- باشماقچى نىن باشماغى ئىرتىق اولار.
- باغا ئىرىشەنمە ئيردى، بالاسىن دا دالىسىنا
- آلدى.
- باغىم وار، نە ئىم وار، نە ئىم وار، تومان
- باغىم وار.
- بالىغى هر واخت سودان توتسان تزه دىر.
- باھالىق بىر ايل گئەدەر، تۆھمى مىن ايل.
- بت- برەنى باغلايىش.
- بزەنيرم خانىمىدان قۇرخورام، بزەنمىرم
- آغادان.
- بو ائودن ائو اولماز، دولدور قابى (قلىبرى)
- بىر دە وئىر.
- بو اوندان دا قالان دئىل.
- بو ايشىن ايچىندىن اولۇ الى چىخاجاق.
- بو ايلكى سىرچە، بىلدىركى سىرچە تە
- جۆك جۆك اۋىرە دىر.
- بو قولاغىندىن آل، اۋ بىرى قولاغىندىن وئىر
- گئىسىن.
- بو گۆن ايتى وئورسان قالاقدان ائىشىتە
- چىخماز.
- بو گۆن بولامىز وار.
- بو گۆنۆن ايشىنى صاباھا قۇيما.
- بۆنۆۋرەدن ايرى اولانئىن باشى عرشە
- دېسە دە قىل دى، كى قىل دى.
- بو زورنا اۋ زورنالاردان دئىل.
- بۇش سۆفرە تە صلوات اولماز.
- بۆلىۋۆن اۋخوئانى قفسە اولار.
- بى باغلى چىخىدۇر.
- بىر آروادىن ايكى كىنى اولماز.
- بىر اللە ايكى قارىز توتماق اولماز.
- بىر تىكە چۆرەك اولدو (ابتدى).
- بىر تىكە چۆرەك اۋوسانايلا دۆشدۇ.
- بىر دلى مىن ائو ئىخار.
- بىر قىرانا گۆللە آتتىر.
- بىلمە مىشىدىم، آدىۋا بىر قدىر آغاجى
- اكردىم.
- بىلمىرم توتماز، أمما توتسا نە اولار؟
- بىلمىرم تىكەسى كىمدن دۆشۈب.
- پارچا آغزى ايله بۆتۈۋ كۆفتە قاچىردىر.
- پالتارى هر كسىن ائىنە تىكرلر.
- پائىئىز گىردى، قىش گىردى، پائىئىز
- چىخىدۇ، قىش چىخىدۇ.
- پۆ... نە دىر كى كۆلگەسى نە اولار.
- پۆ...دان كۆمۈت دۆزەلدىر.

- چۈبانىن داياغى گلىنن آياغى.
- چۈخ مەتتەن مەزىمە گىلر.
- چۈخاسى چىنمادى، شالوارا وئىرىك.
- حائىش كى مەزىمەتەر قۇچالا، نامەزە
- گە مەزىمەتەر باج آلا.
- حاق سۆز آچىدۇر.
- حاق قاپىدا، ناخاق گىرەر اچەرى.
- حۆر، حۆر، چىن دامى كۆر، اوتىناش بىر
- اولار نەكى بىر سۆر.
- خالامدان بىر شىئى اىستەم، وئىرەر وئىرەر؛
- وئىرەر وئىرەر.
- خالامىن داش... غىنى اولسايدى دايى
- دىئەردىم.
- خالان گىدىب مەزىمە، تاماشادىر گىلندە.
- خالوى دۈەلەر قۇتسون.
- خالقىن تاسى دامدان دۈشندە، اونون اۈزۈ
- دامدان دۈشۈب.
- خالق دۈنيانى ايكى اللى توتسا، بو دۈرد
- اللى توتور.
- خىل جىل دالىسى گىلر.
- خۆرۈز اولماسا، سحر اولمور؟
- دىئەسن بوئىزۈتون دىبى جىجىشېر.
- دىئەسن ئىنەدە پىشېك آسقىرىپ.
- دابانلارنى چكىلر.
- دار گۆ... مە گىرىب كىنەن سىلەمە.
- داش... غىنا قاتما باغلايتىلار.
- داشىن آغىرى اۈز ئىرىندە قالار.
- داغلار اوجاىب، يا رەم قوجاىب.
- داغىن اۈستۈنە آرتماسا، داغ دا قالماز.
- دام اىلە شام آراسى نەتە لازىمدۇر.
- داها آفتافاتا لافلافا دىئىر.
- داها اۈز گۆزۈمەدە اىنەمىر.
- داها اونو گۆرەنمەز، او دا بوپودور نازدا
- گىلر.
- ددە اولارسان ددە قىدرىنى بىلەسن، نە
- اولاسان نە قىدرىنى.
- ددەمىزىن مالى شىركىلى دۈشۈب.
- ددەن حامامدان صابون اوغورلايتىب
- آپارىيلار شەربانىتە.
- ددەن سۇغان، نەن سارىمساق، هارادان
- اولدون گۆلمە شىر تارباغى.
- ددەوين آغزىنا آرى پۇ...و اولسون.
- دىئەدا قىزىل سالىق اۈتەنەن.
- (شۈمشۈرۈدۈر).
- دىئەل آيرىلىق گىرەر.
- دلى اىنك وئىرىنى سۆتۈ جالانار.
- دلى چاى قىراغىندا گەر.

- دلى دلى دنسە، آغىللى دەۋەسىز
ياخشى دىر.
- دلى نىن سۇغان يىلدىي دە دلى دىر.
- دىمىر قاپى نىن دا تاختا قاپى يا ايشى دوشىر.
- دۋە دىزىنى بىتەنەر، ھەرە اۋزۇنۇ بىتەنەر.
- دۋە ساتان كۇششك آلانماز.
- دۋە گۇردۇن، قىغىنى دا گۇرمەدىن.
- دۋە چى ايله آشينا اولانن قاپى سى گشن
گرەك.
- دىرمان دولوسو اوستادان سا، نۇنۇ دولوسو
سو ياخشى دىر.
- دىرمان نۇبىت ايله.
- دىرماننن ياراشىغى تۇرپا داغارچىقدىر.
- دۆز آدم دۆز ئىردە قالار.
- دۆز اينجەلەر، قىرئىلماز.
- دۆز يۇل آدمى يۇرار.
- دۇشاب آلدىق، مۇراببا چىخدى.
- دۇعانى بىز ائلەدىك، ياغىش آيرى ئىرە
دۇشۇدۇ. (ياغدى).
- دۇتلى نىن بارماغى قاناسا، كاسىب اتەنن
ئىرتار. (جىرار).
- دۇنن قاقا ايدى، بو گۇن باجى اولدۇ.
- دۇنەنى نىئىلېرسن، دىء بو گۇنۇ.
- دۇنيا اولۇم - ايتىم دىر.
- دۇنيادا ائلە اوشاق اولاسان.
- دۇنيانى نە جۇر توتسان اۇ جۇر گئدەر.
- دىل ياغالار (ياھالار)، دۇغروسونو سۇتلىر.
- دىلى ياغلى، الى باغلى.
- دىنچ اول، دىنچ اولاسان.
- دىندىر مە دىمىر چىنى، درد دۇشپەرە اىچىنى.
- دىنمە تەنن دە دىنەنى وار.
- روزوسو دارى، چوۋالى سىد.
- زر قدرىن زرگر بىلەر، نە دلى دىۋانە.
- زۇر گلندە فت (فند) باجادان چىخار.
- سىرچە تە دىدىلەر: گۇ...ۋە بو دىرەك.
دندى: ياراشسا نە دىتىرم.
- ساخلا كۆچۈك، گمىرە باش!؟
- ساغ اولسون، صداسى گلسىن.
- سامانلىقدا ايشە آختارار.
- سىلى دۇشمن، سىس سىز دۇشمندىن
ياخشى دىر.
- سىن آتلى من بىتادا، ھارادان اولدۇق ھىم
بىتالا؟
- سىن اوخۇدوقلار ئۇنى من يازمىشام.
- سىن اولۇنچە دۇشماننن اولسون.
- سىن گۇردۇيۇن آغاچلارنى، كۆرەكلىك
كسدىلەر.
- سىن مەرنى كس.

- سندن پهلوان چىخماز، اۆستۈ باشىوئى
- سۇزۇ ساققىز كىمى آغزىندا چىتىنەيىر.
- جىرما.
- سنى آدام ائلەينىچە، اۈزۈم آداملىقدان
- سۇغانى سۇيۇرسان سۇيۇرسان، داھا نىشە
- چىخدىم.
- سنىن اۈغلوندور؟ بىلىمىرم، نەسىندن
- سۇرۇش.
- سنىن جىيىن منىم جىيىم، منىم جىيىم اۈز
- جىيىم.
- سنىن سى...ين دورونجا منىم گۈ...مۇ
- كۆلك آپارۇر.
- سنىن كى سىندە، منىمكى مىندە.
- سو آخار ئۇلۇن تاپار.
- سو اولان ئىردە تىممۇم باطىلدىر.
- سو باشدان بولانئىقلىدىر.
- سو بىر ئىردە قالسا ايىلەنر.
- سو گىيرەن دىئىلدىن، گىلىفلىرى ئاش
- ائلەدىن.
- سۇتلۇ قۇتۇنو سۇرۇدن چىخارتمازلار.
- سۇدۇيۇ كۇپۇكلەنىپ.
- سۇرۇدن اوزاق دۇشن، قۇتۇنو قورد آپارار.
- سۇز دانىششۇرام، سىد گۈ...ندن گىلاس
- تۇكۇلمۇر كى؟
- سۇز سۇزۇ گىيرە، آرشىن بىزى.
- سۇز وار اتۇ ايچىندە، سۇز وار اتل ايچىندە.
- سۇزۇ ساققىز كىمى آغزىندا چىتىنەيىر.
- سۇزۇ ساخلا ئىرىندە دى.
- سۇغانى سۇيۇرسان سۇيۇرسان، داھا نىشە
- آغلايۇرسان.
- سۇفرەدە چۇرەك اولماسا، ايتە چول ائلە.
- سۇن كى پىشمانچىلىق داھا فايدا وىرمز.
- سۇئىمە قول آتامى، سۇئىمە ئىم بى آتايى.
- سۇيۇموز بىر آرخا گىتىمىر.
- سۇيۇن شىرئىلتى سۇنا قولاق آس.
- سۇكىمك راحت، تىكىمك چىتىن دىر.
- سى... آلتىندا قالار، سۇز آلتىندا قالماز.
- سى...مايىر كى قارنىم آجار.
- سى...مدن نفس چكىرم.
- سى...يىمىن اتىنى ئىتتەرم، قصاب مىتتىنى
- چكىمەرم.
- سىچان يۇواسىنا گىرەنمىردى بىر سۇپۇرگە
- دە قۇيۇرغونا باغلادى.
- سىس سىز انىششى جۇت جۇت مىنرلر.
- سىكىزبۇە دۇققوز گىتىرمىشم.
- شىر قۇجالاندا، تۇلكۇ اونون داش...اغىلا
- اۋىتار.
- شالوارىنا گىۈە دۇشۇب.
- شاھ خانىم اولسون، تىز اولسون.
- شىجاعتىن آغزى باغلاننىن.

- شەھەرلىنى ات اولدۇرەر، كندىلىنى ايت اولدۇرەر، اتلاتسى ات اولدۇرەر.
- شوخلوغون آخىرى داغۇنا چكر.
- شۇربا ايله داغىلان انوى، كۆفته پيشير تىز داغىلىتىن.
- صدر دۆيۈسۈ باش آغرىسى گتيرەر.
- صلوات گۆجە باغلى دىر.
- طرف خانلىغا گندىب. (قاينا ئۆينە قوناق گندىب).
- عارى يىتىپ، ناموسو دالىسىنا شلەلەيىب.
- عالم بالا دۆنسە، قارقا خۇرەيىن تانىر.
- عالمى عالم ايله، كىچل خاتم ايله.
- عزرائيل ايله پاسور اوينايرام.
- عقرب كىمى قويروغونو بىلىنە آتىب (ھىرسلەنىپ).
- غذانى يىشېر ياغ اولار، گلېنىن اۆزۈ آغ اولار.
- فرلى جۆجە يۇمورتادا جۆككۈلدەر.
- فرهاد اولۇپ، كۆلۈنگۈنۈن سسى گلېر.
- فقط اولۇم گۈنۈمۈ بىلمىر.
- قاپى دان گلېر، باجادان گندىر.
- قار اكىنىن اۇرتۇدۇر (يۇرقان دۈشەيى دىر).
- قارا يىش غىنىيوى اۇرتسۇن.
- قارداشېن نىجە آدامدىر بىلمەيىرم، ھلە يۇلداشلىق ائلەمەيشم.
- قارقالار بىزىمدىر، يۇمورتاسېن گۆرمەدىك.
- قارقا ئا دىدىلر يۇوان بلەنىيدىر، بىر آيرى يۇوا قور. دندى بو گۆ... كى، مندە وار ھارا گىتىسم بلەرم.
- قارى بولوت يىتەر.
- قارى سى... يلىندىن سۇنرا تومان باغىنىى برك باغلار.
- قارى نە ايش تۇخويور.
- قارىشقا توتوب دەۋەنى مينىر.
- قارىنىن بىھىشتىن ساۋاى ھاراسى وار؟
- قازانىن دىيىنى يالاپانىن تۇيۇندا قار ياغار (قازماق يىتەيىن تۇيۇندا قار ياغار).
- قاسدان باسېرسان، ائلە جىركى، ياماق توتسۇن.
- قاشىن غىنىيىنى گۆزە ائلەيىر.
- قاتىرا دىدىلر آتان كىمدىر، دندى آنام آتدىر.
- قالىنىن گلن خمىر - چۆرەيە.
- قان ائلەيىن قان ائلەيىب، خىرچى قان ائلەمەيىب.
- قەۋەچى شوخلوق ائلەسە، مۆشترىيىن سى... قىلاندا اوتىنار.

- قۇجانىن صبرى آز اولار، ايتىپتار ئى چۇخ.
- قۇرخوسوندا سىچان دىلىنى ساتىن آلىر.
- قورد اۆرەنى ئىتىپىدەر.
- قورد گۇرمىك ئاخشى اولار.
- قورد ئوۋاسىندا سۆمۈك اسكىك اولماز.
- قورد كىچى نىن بىر شىننىن ئىتمە ئىپىدەر كى.
- قوردالاما، قوردو چىخار.
- قورددان اولان قورد اولار.
- قوردون اۆزۈ آغ اولسا، نىيە گىجە گزىر؟
- قوردونان قىتامتە قالار.
- قوردو ازەرىك، اونا دا دۆزەرىك.
- قوش جۆرۈ ايله گزەر.
- قوش گۆرنە قاناتىن، سىچان گۆرنە
- دىشىنى گۆستەرىر.
- قولاغىۋا قورقوشوم دۆلسون.
- قولاغىم گلىر.
- قولتوغونا قارىز وثرمە.
- قۇناق ئوۋ صاحىبى نىن دەۋەسى دىر، ھارادا
- خىخىر تىسا اۋرادا خىخار.
- قۇناق اومووغون ئىدى.
- قۇناقدا سالدېرماق قىمت دىر.
- قۇۋونو گۆردۆم، سى...دئ خىتارا.
- قۇۋى بىش شاھى دا اونا چىخىشىن.
- قۇيودا سو اولماسا، قىراقدا اونا سو
- تۇكمىك كار وثرمز.
- قۇۋونو كىسمە مىش، درىسىنى سۆيۈر.
- قىرمىزى آلما چۇلاق الدە.
- قىرمىزى اۋكۆزۈن جانى قىزارا قىزارا
- چىخار.
- قىز ائوئىندە پىلۋ سۆزۈلۈر، اوغلان ائوئىندە
- دۇداق بۆزۈلۈر.
- قىش اولاندا دىئىر چۇل تۇخوۋور، ئاز
- اولاندا دىئىر: نىلە ئىرم، ھر دىۋار ئىن دىبى بىر
- ائوئىر.
- قىشدا بائىق گۆتۈلۈ اىستەن، گرەك گۆ...ن
- بوزا باغلان.
- قىلىنچ قىنىنى كىسمز.
- كىچىن گۆنە گۆن چاتماز، سالاسان گۆنۈ
- گۆنە.
- كىچىلە دىندىلر باشىۋى يودون، دىدى بلى
- يودوم، دارادىم دا.
- كىچى نىن گۆ...نە آراق تۇكسن، گىدز
- قورددان دەدە مالى اىستر.
- كار ائىتىمز، ياراشدىرار.
- كاسىئىن اىلدە نە قەدەر جەننم پولوسودور.
- كاسىئىن بىخى كىمى ئاتىپىدەر.

- كاسيئين خستهسى، وارلى نئين قهبهسى بيلينمز.
- كسيك باش سۆيىلەر اولار.
- كفگير قازانئين ديبينه ديب.
- كلک کلک، دائى تا دا کلک؟
- كنده تزه دللهك گليب، كاكيشلى يانندان قۇتور.
- كندى تانىمير، كادداسئين (كدخداسئين) خبر آئير.
- كۆتك بېھىشتدن گليب.
- كۆر گۆزدن ياش اومما.
- كۆرپۆ سالدئق، گۆ... آغرىسى بيزه قالدئ.
- كۆزەنى باغلاميشئق.
- كيليم، گبه هئچ ايشدير، اۆركن تۇخوماق چۇخ ايشدير.
- ككلىكى آزيدير.
- كۆرپۆدن كئچنده گۆ... گۆ... ديميشيك (تانيش اولموشوق).
- گئت آغزئويى صلواتلا (سويتا چك).
- گنج گلدين، تتر اۆيره ندين.
- گاه ائنيش اولار، گاه يۇققوش.
- گلين داشى آغير اولار.
- گۆ... اۆپمكدن آغيز مئندار اولماز.
- گۆبهيىمى كسەندە بورايا آتشيلا.
- گۆرۆلن ايشدن گۆل ايئيسى گلر.
- گۆز گۆردۆيۆندن اومار.
- گۆز گۆرمەسە اۆز دۆنر.
- گۆزه گلەيئن گلينين سالامى دا آجى اولار.
- گۆزەلين آلماغى چتين دير، ساخلاماغى آسان.
- گۆل ايدى ووردو چيچك ده چيخارتدئ.
- گۆن قيزدئ، جين قيزدئ.
- گۆندۆز شام (شمع) يانديران، گنجە شام سيز (شمع سيز) قالار (قارانليقتا قالار).
- گۆنۆ باجادا، سويو كۆزه ده گۆرۆبدۆر.
- لارئ خۇروز يارئ گنجە بانلاماز، آنلامازا هر نه دنسن آنلامايئيب آنلاماز.
- مچيد داغليسا دا منبريندن بللى دير.
- محبت گۆزده اولار.
- من اولسايدئم، ايكي قارنيئم اولسايدئ، ايكيىنى ده ئيىرتاردئم.
- من چالديغئم بالابانئين سحر سسى چيخار.
- من سنيين واختيئندا حامامدا لوت گزه ردئم.
- منى گۆرنده ائله بيل ننه سنيين اوتناشيئنى گۆرۆر.
- مۇفته سیرکه بالدان شیریندير.

- موللانئىن جىيىنە بىر قىران پۇل سالىسان،
اگر چىخاردا بىلسن.
- مىلابىي ايجىنە دۈشۈپ.
- نىجەسن قانمايتام، قالاسان ئانا-ئانا.
- ناخىرئى ايتىرىپ، آلا دانانىي آختارىر.
- نامردە بىل باغلاما.
- نانجىيە (قرەقولا) بىلىك وئردىلر، نەسىنن
امجەئىنى كىسدى.
- نەسىنن امجەئىنى كىس لردندىر.
- نە آچئى (آچىر) نە ياغئى (ياغىر)، ائلە
چىزەلەتير.
- نە اۆستدە اون اولدوق، نە آلتدا كىك.
- نە ايتىرىپ نە آختارىرسان؟
- نە دالىدا درىز، نە قاباقدا زەھى.
- نە مىندە قويروق داغى، نە سىندە اوغول
داغى.
- نۇختاسىن قىرىپ.
- نورى ائودە؟ بلى! قىزىدا ائودە. بس اوندا
نورعلى نور اولدو.
- نۇكر اولما، آغا اول اوڭ بىندىندە.
- ھىج بىر بىتىم دە يۇخدور.
- ھاراپا كىدىرسىن؟ كىدىرم دۈگىۋ...ۋ
ياغلىتام.
- ھاردان گلىرسىن ماچاندان، تاراشئىر قىچ-
پاچاندان.
- ھامىي ايلە باجارئىرام، اۋزۇم ايلە
باجارانمئىرام.
- ھامئىسى سىنن اولسون (چىچى ئىن آداما
دئىئەلر).
- ھامئىسى لئى ووردو، بىزىم كىمى تۆكۈ
داغىلان اولمادى.
- ھانكى گىجە سحر اولمايئىب.
- ھاۋايا مئە گلندە سارى نئىن (آد) جانئى
چىخار.
- ھەردەسىنن گۈزۈنۈ چىخاردانا كۈز اوغلو
دئىمزلر.
- ھەرشئى اينجەلئىنىدىن، اينسان
يۇغونلوغوندىن سىنار.
- ھەكس اوڭ ايشى نىن آشاۋىنىي بىلەر.
- ھەكس بىر كىشى نىن اوغلودور.
- ھەنە ايشە ال قۇتور، قىلچى اىندە قاتىر.
- ھەرنىن آغزىندىن بىر ھاۋار گلىر.
- ھەنەغان قار اولماز.
- ھەنە آغزى سۆت ايشى وئىر.
- ھەنە بىدەر، سو اىستەتير.
- ھەنە...نۇن اۆستۈندىن دورمايئىب.
- ھەنە گرەك يۈز ايل قانقال اوتلاتا.

- ھەلىك اولدو ھمىشەلىك.
- وتوران اييت (آدام) دائى سىنا گىنەشمز.
- يىتن اولر، اوتن اولمز.
- يىددى درەنن سويونو بير بيرىنە قاتىر.
- يىددىيىن سى...مايىب (آغىر شىنە دىئەرلر).
- يىر يالانى، يوخسا گوئى يالانى؟
- يىنەدە قىنەمە يە سىغىر اتى.
- يىنكە قارىن آدامىن دوستو اولماز.
- يا اوزو گلر يا دا نامەسى.
- ياتارام يا آللاه، دورارام اينشاللاه،
- دورانماسام اشھدان لالە اللہ.
- ياتماقدان اولمەدى، اوزولدو اولدو.
- ياخشى ئىق ايتمز.
- يارالى بارماغا ايشەمير.
- ياس يىرى آختارما، اريوين شالوارىنى
- تىك.
- ياشادان ياشاتار.
- ياغلى الوبى اوزگەسىنن باشىنا چك.
- ياغمايىب بىتمەيىب.
- يالانچىنى قاپى سىنادك گرەك قووماق.
- يامان گونون عومرو آز اولار.
- يانماسا يانماز، يا اته گلە يا يىئىلە.
- ياي گونونون قاباغىندا، قىزىم اوتورسون
- اوغلو قوجاغىندا، ياز گونونون قاباغىندا
- گلىنم اوتورسون قىزى قوجاغىندا.
- ياي گونونون آغارىشى، قىش گونونون
- ياوانلىغى.
- يايىدا آيرانسىز، قىشدا يوزقانسىز.
- يايىدا باغدا، قىشدا حمامدا.
- يايىدا ترلەمە يەنى قىشدا سوتوق وتورار.
- يوخو گوزوبسن خىئر اولار.
- يوخودا سو گوزمك آيدىنلىق دىر.
- يوز آجىنى بير شىرىنە اودورام.
- يول قىراغىندا، سىل آغزىندا چورەك
- اولماز.
- يولا نردىوان قوتاق.
- يولا يولداش لازىمدىر.
- يولا كورپو سلاق.
- يولچو يولدا گرەك.
- يولداشنى قارا باغدا.
- يومورتاسى ترسە گلىب.
- يومورتايان تويوغون باشىن كىمىزلىر.

شمگیرلی آشتیق حسین

(۱۸۱۱-۱۸۹۱ میلادی)

جواد دربندی

آشتیق حسین قوربان اوغلو ۱۱۹۱ گۆنش ایلینده، قانانلی کندی، شامخور ماحالیندا قوزئی آذربایجاندا، دۆنیایا گلیب و ۱۲۷۱-ده قالا کندینده، گنده بی ماحالیندا دۆنیادان کۆچۆبدۆر. او ایگیرمی یاشیندان آشتیقلیق صنعتینی شاعیر کبله قوربان کی، شعرده مجنون تخلص ائلمیش، اؤیره نیب، آشتیقلیق درسینی اوندان آلمیشدیر. آشتیق علسگرله دوستلوق ائله ییب و اونونلا دئییشیدیر. بو آشتیق اوچولوغا، یاخشئی آت چاپیب و گۆلله آتماغا معروف اولموشوموش. شعر و آشتیقلیق ساحه سینده مینه (۱۰۰۰) قدهر مؤختلیف قوشمالار یازیب و اوچ داستان یارادییدیر و بو وضعیتده چۆخلو شاگردلر بئجریب کی، تانیتمیشلاریندان آشتیق محمد بورچالی، آشتیق چارداخلی، آشتیق میکیش، آشتیق پناهی آد آپارماق اولار. آشتیق حسین شمگیرلی نین شاعیر بیگ چوبانیله دئییشمه سی اونلارین آشتیق قودرتینه، اورنک دیر و ایکی مؤختلیف کۆلتۆره و دۆنیا باخیمینا. ایشاره ده دیر کی، بیرسی کاینات- ارکان فلسفه سی نه و او بیرى چوپانین دۆنیا وارلیغی و تخصّصّ قویونا باغلیدیر.

«دئییشمه لر»

آشتیق حسین:

مندن سلام اولسون دوران چوبانا
گل ایکیمیز، بو جاهانندان دانیشق
هانسی گۆنده دۆنیا برقرار اولدو؟
یتردن، گۆتدن، آسمانندان دانیشق.

بی چوبان:

مندن سلام اولسون آشتیق حۆسیننه،

گل ايکيميز بو قۇيوندان دانيشاق.

بش يۆز قۇيون بير ياتاغا سيغيشار.

شۇرا كتدن، بيئابانندان دانيشاق.

آشيق حسين:

حاققين درگاهيندان كيم قاچان اولدو؟

كيمي هوندور اولدو، كيم آلچاق اولدو؟

كمرستهلردن كيم قۇچاق اولدو؟

رؤستم-ي زالدان، قهرمانندان دانيشاق.

بي چوبان:

منيم پهلوانيم قۇچدور، قۇيوندو،

قارا قۇيون سۆدۆ ياخشى اويوندو،

آخساغين درمانى داغدئ، دويۇندو،

ساغالماسا او قطرانندان دانيشاق.

آشيق حسين:

كيميدي دۇنيانى بش اللى توتدو؟

كيمي جنتدن آتئب قوولاتدئ؟

كيميدي دينىنى دينارا ساتدئ؟

معريفندن، گوهر - كانندان دانيشاق.

بي چوبان:

چوخ بد اولار آغ قۇيونون كۆرهسى،

اووشار وثرمز ترس قومرائين مەمەسى،

اولماز قاچاق قۇيون چوبان كۆرهسى،

قوزوسونو آلماتاندان دانیشاق.

آشئق حسین:

آشئق حسین آدلئ دیله گلمه دی،

گئندی گؤزل سونام گؤله گلمه دی،

چؤخ چالیشدیم، چوبان اله گلمه دی،

دندیم، بلکه یؤل- ارکاندان دانیشاق.

بی چوبان:

اجل قوشو گلدی کئچدی قارشئمدان،

آب-ی نئئسان جار اولدو گؤز یاشئمدان،

بی چوبان دا: گل آچئل سن باشئمدان،

نه ایسیرسن وئریم، اوندان دانیشاق.

آشئق حسین شمکیرلی نین آشاغئدا گلن قئغئل بندی، کی رحمتلیک آشئق علسگر

اونا جاواب وئریم نظرینیزه چاتئیر:

وئریر

بوگون بیر حئیوانات گؤردؤم، زنبور کیمی شان وئریر،

خؤره ئی یؤک ایله گلیر، نفسی دومان وئریر،

دیندیریرسن دانئشماغا، ناله وئریر آسمانا،

نه یئردندی، نه گؤئدندی، صدری اؤسته یان وئریر.

•

بیر باشئ وار بیر آتاغئ، گؤر نئچه بارماغئ وار،

ایکی قولو، بیر بوغازئ، تک بیرجه دؤداغئ وار،

ایلشئیدی بیر مقامدا، نئچه مین اولاغئ وار،

انشیدین سیز آی حضرات، هر گله نه نان وثریر.

*

گل بنچارا آشیق سوئۆن، قیل درسینی مؤختصر،
آب اونا کۆللو اولاندا، اولور دلی، دنگه سر،
انشیده نلر، فیکیر وثرین بو سۆزۆمه سربه سر،
اگر کی، عاوام اولماسا، صیدقینه گۆمان وثریر.

*

عاشیق علسگرین جاوابی و قیفیل بندی آچماسی:

گلنده اوستاد کلامی کۆهنه یارام قان وثریر،
مؤوجه گلیر بحر-ی چشمیم، قطره-ی باران وثریر،
دانه نی تۆرپاق ایچینده گۆنردیر کان-ی کرم،
بیر جۆت ملک مۆقربدیر، بیزلره ارزان وثریر.

*

شیندان دان دن گلمه ینده دۆشر بیر قئیری حالا،
دهانشندان آتش قالخار، آه چکر قالخار نالا،
قضیبندن لنگر وثره ر، گاه قاباغا، گاه دالا،
های وثردیکجه آلوۆ سپیر، دود قالخیر، دومان وثریر.

*

هایدی کولا، خینزیر اوغلو، شیمدی دورما قارشیدا،
باشول کچورت، ایدی دوراک، سنی وثرره م یاد سودا،
اوخورام «آنافتحنا»، مطلب آلام یا خودا،
شاه-ی مردان نۆکریتیم، درسیمی پۆنهان وثریر.

*

آنلاماز نادان انشىدسه، دئتهر هزئاندئ بو سؤز،
 اهل-ى عيرفان مجلسينده لعل مرجاندئ بو سؤز،
 مۆختصرى، تۆركۆ زبان، بيل «دگيرماندئ» بو سؤز،
 آب، شجره، آهن، سنگه، گۆر نئجه جوولان وئيرير.

*

سؤروشور آشئق علسگر: درسى كيمن آلئيسان؟
 ناحاق يئردن ساز گؤتۆرۆب، خالقا قوؤغا، سالمئيسان،
 اوچ كلمه سؤزدن اوئرو سنكى، معطل قالمئيسان،
 ناحاقدئ، ايران تاتلارئ، ميكائئىلا، دؤوران وئيرير.

فايناق: آذربايجان آشئقلارئ و ائل شاعيرلرى

چاپ ۱۹۸۳: باكى: عئلم نئريئاتئ.

آلقىشلار

توپلايان: فریدون محمدی

- آلاله گۆلۆنۆ سئویندیرسین.
- آلاله هر ايکي جاھاندا عزيز ائله سين.
- آلاله ياخشى يول وئرسين.
- آلاله يامان گۆزدن ساخلاستين.
- آلاله مين بيرليشینه امانات.
- اوغلو، سنى مين بوداغ اولاسان.
- باشيوا خئيير.
- بيز ئىديک، آلاله آرتيرستين.
- تۇرپاغى توندوقچا قىزىل اولسون.
- تۇرپاغى سانى ياشاستين.
- خئيير قاباغيزا چيخستين.
- دوشمانئوين گۆزۆ چيخستين.
- گنجەنيز خئييره قالستين.
- يولون پامىيق اولسون.

قارقىشلار

- آغزىن تۆكۆلسۆن.
- آغ گۆنە چيخماياسان.
- آلاله برکتين کسسين.
- آلاله جانيوي دوققوز قيسطا آلسين.
- آلاله کۆلگه وي يتره سالماسين.

اردبيل - چاناق بولاغ کندی

- آلاله آچيق يول وئرسين.
- آلاله اخيريوي خئيير ائله سين.
- آلاله آغزىندان اشيتستين.
- آلاله الدن آتاقدان سالماسين.
- آلاله اوددان - آفادان ساخلاستين.
- آلاله اۆره يين ايسته ديتيني وئرسين.
- آلاله ايشيوه برکت وئرسين.
- آلاله ايشيوي، گۆزۆز راست گتيرسين.
- آلاله باختى ايله گۆلدۆرسۆن.
- آلاله باشىندان تۆكسۆن.
- آلاله بدنظردين ساخلاستين.
- آلاله بيرين مين ائله سين.
- آلاله چتين ليک چکديرمه سين.
- آلاله دۆکتۆره موحتاج ائله مه سين.
- آلاله دوشمان شربندن ساخلاستين.
- آلاله دۆيۆنۆزۆ آچستين.
- آلاله سنى منه چۆخ گۆرمه سين.
- آلاله قادادان بالادان ساخلاستين.
- آلاله کۆمه يين اولسون.
- آلاله کيشيوي ياخشى گۆردۆيۆندن ياد ائله مه سين.
- آلاله گۆل اۆزۆنۆ سۆلدورماسين.

۱. ﺍﻟﻼﻩ ﻧﻔﺴﯩﻮﻩ ﺗﺎﺋﯩﺮ ﻭﺗﺮﻣﻪﺳﯩﻦ.
 ۲. ﺍﻟﻼﻫﯩﻦ ﻗﻀﯩﺒﯩﻨﻪ ﮔﻠﻪﺳﻦ.
 ۳. ﺍﺋﯘ ﺍﯞﺟﺎﻏﯩﻦ ﻳﺎﻧﺴﯩﻦ.
 ۴. ﺍﺋﯘ ﻟﺎﺩﯨﻨﺪﺍﻥ ﺍﯞﻻﺳﺎﻥ.
 ۵. ﺍﺋﯘ ﻳﯩﻦ ﺑﺎﺷﯩﯟﺍ ﺍﯞﭼﺴﯘﻥ.
 ۶. ﺍﻝ - ﺍﯞﯞﭼ ﺁﭼﺎﺳﺎﻥ.
 ۷. ﺍﻣﻪ ﻳﯩﻢ ﺑﻮﺭﻧﻮﻧﺪﺍﻥ ﮔﻠﺴﯩﻦ.
 ۸. ﺍﻧﺎﻣﯩﻦ ﻛﺴﯩﻠﺴﯩﻦ.
 ۹. ﺍﯞﻏﯘﻝ ﺍﭼﯘﺑﯘﻏﯘﯞﯞﻥ ﺩﯦﺒﯩ ﺑﺮﻛﯩﻤﻪﺳﯩﻦ.
 ۱۰. ﺍﯞﺧﯘﺩﯞﻏﯘﻥ ﻛﯩﺘﺎﺏ ﺳﯩﻨﻰ ﻭﺗﯘﺭﺳﯘﻥ.
 ۱۱. ﺍﻳﻜﯩ ﮔﯜﺯﯞﻧﺪﯨﻦ ﺍﯞﻻﺳﺎﻥ.
 ۱۲. ﺑﺎﺵ ﺑﯩﺸﯩﻨﯩﻦ ﭘﺎﺗﺪﺍﺳﯩﻦ (ﭘﺎﺭﺗﻼﺳﯩﻦ).
 ۱۳. ﺑﻮﺭﻧﻮﻧﺪﺍﻥ ﭘﯩﻠﺘﻪ - ﭘﯩﻠﺘﻪ ﮔﻠﺴﯩﻦ.
 ۱۴. ﺟﻪﻧﻨﻤﯩﻦ ﺩﯦﺒﯩﻨﻪ ﮔﻨﺪﻩﺳﻦ.
 ۱۵. ﺟﯩﺘﺎﺭﯨﻦ ﺩﯗﻏﺮﺍﻧﺴﯩﻦ.
 ۱۶. ﺣﺎﻗﯩﻘﯩﻦ ﺭﺣﻤﺘﯩ ﺍﯞﺳﺘﯘﻧﺪﯨﻦ ﻳﯩﺘﻞ ﻛﯩﻤﯩ
 ۱۷. ﻛﯩﭽﯩﺴﯩﻦ.
 ۱۸. ﺩﺍﺩﻟﯩ ﺟﺎﺗﯩﻨﺪﺍﻥ ﺍﯞﻻﺳﺎﻥ.
 ۱۹. ﺳﯩﻨﻰ ﺁﭼ ﺍﯞﻟﻪﺳﻦ، ﮔﯩﭽ ﺍﯞﻟﻪﺳﯩﻦ.
 ۲۰. ﺳﯩﻨﻰ ﮔﯘﻟﻠﻪ ﺍﻳﻠﻦ ﮔﻨﺪﻩﺳﻦ.
 ۲۱. ﺳﯩﻨﻰ ﻭﺗﯘﺭﻏﯘﻥ ﻭﺗﯘﺭﺳﯘﻥ.
 ۲۲. ﺳﯩﻨﻰ ﻳﺎﻻﯞﺗﺎﻥ (ﺁﻻﯞﺗﺎﻥ) ﮔﻨﺪﻩﺳﻦ.
 ۲۳. ﺷﯩﺮﯨﻦ ﺍﻧﺪﺍﻣﯩﻨﺪﺍﻥ ﺍﯞﻻﺳﺎﻥ.
 ۲۴. ﻋﺰﺭﺍﻳﻠﯩﻦ ﻗﯩﻠﯩﻨﭽﯩﻨﺎ ﮔﻠﻪﺳﻦ.
 ۲۵. ﻛﯚﻝ ﻛﯘﻣﯘﺭ ﺍﯞﻻﺳﺎﻥ.
 ۲۶. ﮔﯘﺭﯞﭖ ﮔﯘﺭﻩﺟﻪﻳﯩﻦ ﺍﯞﻟﺴﯘﻥ.
 ۲۷. ﮔﯘﺯ ﺗﯩﻜﻪﻧﯩﻦ ﮔﯘﺯﯞ ﭼﯩﻨﭽﯩﺴﯩﻦ.
 ۲۸. ﮔﯘﺯﯞﻧﺪﯨﻦ ﺍﯞﻻﺳﺎﻥ.
 ۲۹. ﮔﯘﺯﯞﯞﻩ ﻣﯩﻞ ﺑﺎﺗﺴﯩﻦ.
 ۳۰. ﮔﯜﻥ ﮔﯘﺭﯞﭖ ﮔﯘﻟﻤﻪﻳﻪﺳﻦ.
 ۳۱. ﻟﯩﺒﺎﺳﯩﻦ ﺗﺮﻩ ﻗﺎﻟﺴﯩﻦ.
 ۳۲. ﻟﯩﺒﺎﺳﯩﻦ ﺳﯘﯞﺧﺎﻳﺎ ﻗﺎﻟﺴﯩﻦ.
 ۳۳. ﻣﯩﻨﻰ ﻗﯩﻨﺎﻳﺎﺗﯩﻦ ﺑﺎﺷﯩﻨﺎ ﮔﻠﺴﯩﻦ.
 ۳۴. ﻧﯘﺣﯘﺳﯘﻥ ﺍﯞﺯ ﺑﺎﺷﯩﯟﺍ ﺩﯗﺷﺴﯘﻥ.
 ۳۵. ﻭﺗﯘﺭﻏﯘﻧﻮﻥ ﮔﯘﭼﻠﯘ ﮔﻠﺴﯩﻦ.
 ۳۶. ﻫﺮ ﺁﻳﯩﺸﯩﯟﯨﺘﯩ ﺗﯘﺭﺑﺎﻕ ﺍﯞﺭﺗﺴﯘﻥ.
 ۳۷. ﻫﺮ ﺗﯘﺗﺪﯗﻏﯘﻥ ﺗﯘﺭﺑﺎﻕ ﺍﯞﻟﺴﯘﻥ.
 ۳۸. ﻳﺎﺷﯩﻦ ﺗﯘﺭﭘﺎﻗﺪﺍ ﺳﺎﻳﯩﻠﺴﯩﻦ.
 ۳۹. ﻳﯘﺭﺩﯨﻨﺪﺍ ﺑﺎﻳﻘﯘﺵ ﺍﯞﺧﯘﺳﯘﻥ.

قوناقلانۇيىنەسى

نگار خياوى

انۇيىنەسىنىن آتىنا، قوناغىن گۈزۈ دۆشۈر، آتىن نىجە الە كىچىرمەسىنى دۆشۈنۈر. قوناغا تەر تۈكۈر، سالىب چىخىر، اۇبىرى طرفدن دە انۇين قىزىنىن گۈزۈ قوناغا دۆشۈر.

دئىير: من قوناغا گىندەسى، قوناغدان بىر اۇغلو م اولاسى، آدىنى ابولقاسىم قوناسى، اودا دۆشۈب بو دامدان اولەسى، دىزىنە باشىنا دۆيۈب آغلايىر، «آى ابولقاسىم... وائى ابولقاسىم...» قىزىن نەسى گىلىب دئىير: قىز نە اولۇب؟

قىز دئىير: «نە قوربانىن اولوم، من قوناغا گىندەسى، قوناغدان بىر اۇغلو م اولاسى، آدىنى ابولقاسىم قوناسى، گىلىب بو دامىن اۋستۈندە اۋىتاركن دۆشۈب بوردان اولەسى، آى بالام، وائى بالام».

نە ايسە اۋتورور قىزىن يانىندا، دىزىنە دۋىتەر ك آغلايىر: قىزىم گىندەسى... وائى بالامىن بالاسى... ھەن سۆزلىرى تىكرار ائدىر.

دەدە گىلىركى نە اولۇب؟ آرواد، تىكرار ىنە ھەن سۆزلىرى سۈىلەيىر، دەدە دە قىز ايلە آروادىلا برابر اۋتوروب «وائى ابولقاسىم، وائى ابولقاسىم» سۈىلەيىر ك آغلايىر. قوناق گىلىر دئىير: «نە اولۇب؟» دەدە دئىير: قىزىم سە گىندەسى، سندن بىر اۇغلو م اولاسى... و عىنى سۆزلىرى دئىير. قوناق دا بىر آز باش گۈزۈنە دۆيۈب، آغلايىر: من بو قىزى آلاسى... وائى بالام، وائى بالام. سۈنرا دئىير: ايندى بونون آراسىن نە آچار؟ كىستى دئىير: «دائى ايشدى اولۇب، كىچىب، نە تەر دئىيرسەن، ائلە اولسون». قوناق دئىير: «ايندىكى منىم اۇغلو م سىزىن دامىزدان دۆشۈب اولۇب آغلاماغا گلەم، اۇغلو مۇن قانىنىن ىترىنە اۋ آتىنىزى وئرىن مە» و آتى آلىب آرادان چىخىر.

عباس مهیار ۱۳۱۵- نجی ایلین شهر یوز آیتیندا، توفارقاندا «آذر شهر» دۆنیاغا گۆز آچیدیر. مهیار ۱۳۳۷- نجی ایلده دانیسسرائی قورتاریب، اؤز شهرینه قایتیدیب و توفارقانین کندلرینده درس دئمهیه باشلائییدیر. مهیار دانیسسرادا ایلک شعر کیتابین جهانگیر معصومی ایل «فوت ۱۳۷۱ش» دو شاعر آدی ایل چاپ ائلهئییدیر.

بو حالدا دانیسگاها یول تاپیب و ۱۳۴۵- نجی ایلده ادبیات ریشته سینده تبریز دانیسگاهیندان لیسانس درجه سین آلییدیر.

مهیار ۱۳۵۱- نجی ایلده تهرانا ساری یتیر دیشیدیر. تهراندا درس دئنه حالدا ایران رادیوسو ایل «فرهنگ مردم» برنامه سینده ایشلهمهیه باشلائییدیر. مهیارین یازیلاری بو دؤرده «زمستان» کیتابیندا ایکینجی جیلد، «تمثیل و مثل» کیتابیندا بیرینجی و ایکینجی جیلد و «قصه های ایرانی» کیتابیندا اؤچونجو و داها او بیرسی کیتابلاردا کی، «فرهنگ مردم» طرفیندن چاپ اولوردو گلییدیر. مهیار بو گۆنه قدر حؤدؤد ۲۶۰ مقاله و مطلب جۆریه جۆر مؤوضولاردا ایران مطبوعاتیندا چاپا یتیریب. مهیار ۱۳۷۸- نجی ایلده ده با خلوت گزیدگان خاک آدیندا بیر کیتاب چاپ ائلهدی.

شېئە چىخارتما گاۋگاندا

عباس مھيار

گاۋگان توفارقانىن اۆست الينده بير كىچىك شەھردىر. اورومىيە دىنىزىنىن گۆن چىخان الينده قرار تاپىدۇر. قاباق ايللردە شېئە چىخارتما گاۋگاندا بۇيۇك مەھبى رەسم لردن ايدى. عاشورا گۆنۆ ھامى كندلردن ۋ بۇيۇك شەھرلردن تۆكۆلۆب گاۋگانا گلردىلر. بونو دىنمەلىم كى آيرى كندلردە دە شېئە چىخارتما ۋار ايدى. اما گاۋگانىن كى، چۇخ گۆركملى ۋ سائاق داراقلى ايدى. او دور كى، من بو يازىمدا گاۋگانىن شېئە چىخارتماستىن گىنىش بير سائاقدا سىزىن اۆچۆن يازىرام.

من بو رىۋايىتى اذر آيىندا ۱۳۴۸- نجى ايلده «گۆن سائى»، ۋ ۱۳۸۹- نجى ايلده «آى سائى» ۋ ۱۹۶۹- نجى ايلينده بير يترە يىغىب ۋ ايندى تۆركۆ دىليجە سىزە رىۋايت ائىلەيىم. □ عاشورا گۆنۆ، سحر تىزدن گاۋگانىن بۇيۇك مئىدانىن سولايت سۆيۇرلر. مئىدانىن كنارى، دام دوۋار، كۆچە، دربند آدمالار ايله (كىشى- آرواد، قىز- اوغلان) دولار. مئىدانىن بير طرفينده نىچە خىتمە ۋ چادىر ايمام حسينىن اهل ۋ عىالى اۆچۆن قورارلار. ايمامىن اهل ۋ عىالى ھامى قرە كۆينك ۋ قرە چادىرلا اۆزلىرىن گۆرلردن گىزلەدرلر. ايمام حسين ۋ اونون يار ۋ انصارى ھامى سى قرە گىنىب ۋ ياشىل عمامە باشا قۇيۇب خىتمەلر قاباغىندا گىت گل ائىلەرلر.

ايمامىن قرە علمى باشلارنى اۆستە اسر. اونلارلا اۆز بە اۆز، مئىدانىن كنارىندا «ابن زياد»- ئىن قۇرقۇسو قورولار. نىچە قىر مىزى چادىر، اون- اون ايكى سىنج سىندل ۋ بير دانا رنگى قاچمىش مىز «ابن زياد»- ئىن اوردوگاھىدۇر.

شمر، عمر سەد ۋ آيرى سركردەر، كى بير يترە اونلارلا اشقىتا، دىئىللر چادىرلار قاباغىندا سىندل اۆستە اۆتوروب دورارلار. اوزون شمشىرلر بىلدە قاتىن چكىمەلر آياقدى، آدم

قۇرخودان دىمىر بۇركلر باشدا، گۆمۈش توققا قرە قاينىش لار بىلدە اوزون اپىك قىرمىزى شاللار بۇيۇن بوجاقدا، ال اوزون بوغلار چكىلىپ، قىزىلە اوتورانلار و دورانلار باخىپ، بو سۆز ھامىئا دۆشۈندۈرلر كى، بىز ايمام اۆلدۈرمەنە گلمىشىك. كىشى - آرواد بىر بىرىنە قارىشىپ آغلاشارلار.

نەچە دانا تىل و يىرىمەن آت ايمامىن خىيىمەلر قاباغىندا دايتانىپ و اۆچ - دۆرد دانا بىندىن قىران آت «ابن زياد» - ئىن قۇرۇغوندا گۆرسەنر.

ھەر زاد يىرىن آلاندا سۇنرا، ايمام اھل و عىالى ايلن، بىر طرفدن مئىدانا آياق قۇتار. بو حالدا سالام - صلوات گۆنە قۇوزانار. ايمام تاشىل عمامە باشدا ايلن ھامىئى دىنىمەمەنە چاغىزار. ھامى ساكىت اۆلاندا سۇنرا، ايمام اوجا سسىلە، اۆچ كرە سسلەنر: اللە اكبر، سۇنرا دالىسەن توتار: لاحول ولا قوۋە الا باللە.

بو زامان ايمامىن كۆمكلرىندىن بىرى، اوجا سسىلە باشلار آدان وئرمەنە. ايمام بىر آز قولاق آسىپ سۇنرا دىئەر:

اينا صحابە بو گۆن گل منە سن ايلە بيان

ھنوز ظھر دىئىل، اۆلمايىبدى وخت - ى آدان

آدان وئرن مئىدانىن بىر گۆشە سىنە ايشارە ائىلەر، كى «حر» و اونون لشگرى اوزاقدان

گۆرسەنر و سرنىزەلرى گۆن قاباغىندا پارىلداتىر و ايماما طرف گلرلر. آدان وئرن دىئىر:

چۇخ ائتمىش بو يىتاباندن گۇزاركۆنان

و لىك گۆرمەمىش من بو چۆلدە نخلستان

سۇنرا «حر» ين لشگرى سرنىزەلرىن ايماما نىشان وئىر و دىئىر: بو داھا خورمالىق.

ايمام دىئىر: انى منىم بلائىم. بوردا خورمالىق يۇخدور. سن گۆرن بىر لشگرىن سرنىزەلرى دىر كى، بىزە طرف گلرلر.

دايانىرلار. لشگر ئىتتىشير. «حر» الدە شمشير قىزى ايله ايمامىن آتىنىن جىلوون توتور و دئىير.

يزيد امرىنى بو چۆلدە مۆحترەم توتارام،
سنى گرەك قۇلو باغلى اسير اندەم آپارام.
ايمام مەرىئە دىمك حالىن اوزۇنە توتور و «حر» دئىير:
ائى جاوان سى بىلىرسىنكى كىمىن آتىنىن جىلوون توتىموسان؟ مىن «حسین»-م.
فاطمە اوغلو و پىنىغمىر نۆەسىم. مىن ايمام-ى عصرم. مىن پىنىغمىر ئىرىندە ايله شىم.
مىنىداندان اولانلار قان آغلانلار دىلار و «حر» اوزۇنە گىلىب. ايمامى تانىش. ايمامىن

آتىنىن جىلوون بوشلاش و اوجا سىيىلە دئىير:
عزيز-ى فاطمە آرام-ى جان-ى پىنىغمىر،
جهاندا دايەسى روح الامىن سالام علئىك.
نشانە-ى اسدالله و ئادىگار-ى على،
مدىنە شاهی ايمام-ى مبین سالام علئىك.
ايمام دا «حر»-ە دئىير:

كى ائى جاوان-ى سعادەت نشان علئىك سالام،
اولان بو گۆندە مەنە مەهربان علئىك سالام.
بو گىلمە ئىندە ندىر مطلبىن مگر كىمىسن؟
مىن-ى قىرىبە گل ائىلە بىتان علئىك سالام.
«حر» كى، ايمامى راضى گۆرۆر، اوزۇن تانىتىدۇرماق اوچۇن ايمامە دئىير:
آدىمىدىر «حر»-ى دىلاور امىر-ى جىنىش-ى عرب،
بودور حۆضورىوۋە گىلمك لىشىمدە ايندى سىب.
اندئىيدىر حۆكم «عبد-ى زىاد» بد فرجام،

علاج یۆخدو سنی شهر کوفه نه آپارام.
ایمام مؤحکم سسیله «حر»-ه دئییر:
کیمین نه حقی وئر اول فیکره موبتلا اولسون،
نه بی خبرسن؟ آنان ماتمینده ایلشسون.
بو شاهئی باغلا یاسان قول کی، عرشه لنگر دیر،
آتاسی حیدر-ی کرار باباسی مؤرسل دیر.
«حر» خیجالتیندن باشین آشاغی سالیب و دئییر:
ملامت ائتمه منی چون بو ایشده مجبورم،
امیر-ی کوفه منه حوکم اندیددی، مأمورم.
بو کاروانی گرهک قونما یام کناره گنده،
سوؤای-ی کوفه، داهی آیرئ بیر دیتاره گنده.

بو زاماندا ان آغلاشماق سسی گۆنه قوززانیب، قوجا- جاوان- دیزلرینه چالارلار. بو
آغلاشما تین آراسیندا «ابوالفضل»- قضب ایله شمشیر الده «حر»-ین قاباغینا چیخییر.
«ابوالفضل»- ی علم دار و ایمام «حسین»-ین سالار-ی لشگری دیر. بو نقشی اوینایان گاوگاندا
بیر گؤزل اوجا بوئی قره قاش- گؤز جاواندیر کی، اونون گؤزه للیتی دیلده- دیشده دیر.
«حر» بنی هاشم جاوانلارینین اوره ک لرینه قورخو سالیب و «ابوالفضل»- بو ایشدن
قضبلنیدیر. لشگرین قاباغیندا، چیلپاق شمشیر الده اؤز بنی هاشم جاوانلارینا توتوب و دئییر:
ائی هاشمین جاوانلارئ منیداندئ قورخمئتون،
برق-ی بلا بو چؤلده نوما یاندئ قورخمئتون.
آماده-ی قیتال-ی صف-ی اشقینا اولون،
شاه-ی مدینه دن بئله فرمان دی قورخمئتون.
ال تیغ آبداره و ورون یا علی دئین،

کرب و بلا دنیل، عربیستان دئی قوزخمیئون.

«حر» کی، «ابوالفضل»-ین شجاعیتین گورور و جنگه آماده اولماغین یقین ائیله ییر،
دالی چکیلیب و ایمام قولو باغلی کوفه یه آپارماقدان اوز چئویریب و یالوارماق حالتی ایله
اوز ایمام «حسین»-ه توتوب، بئله دئییر:

بودور حوضوریوه بیر ایلتیماسیم ائی سرور،
کی آز قالدیدی سوسوزدان هلاک اولاشگر.
حقیری لطف ایله بو چولده فیض یاب انده سن،
بیر آز سوايله بوعدوانی کامیاب انده سن.

ایمام اوزون منیداندائی جماعته توتوب و دولو اوزه کله و آغلار گوزایله بیر اوزه ک
یاندیران مرثیه اوخویور و کربلاده سوسوز قالان اوشاقلارا ایشاره ائیله ییر. بو حالدا
چوخلارئی آغلامقدان غش ائیله ییر و ییخیلییر. سونرا ایمام «حسین» اوغلو «علی اکبر»-ه اوز
توتور و دئییر:

مدینه شاهینه سن سن اوغول علی، ناظیر،
دئنه قولاملارا اتسین لر تشتلری حاضر.
«علی اکبر» ایمامین بو دستوروندان تعجب ائیله ییر و دئییر:
نه سیری وار مگر ائی پادشاه-ی عرش و قباب*
کی باغلیانلارئی یول بیزلره، انده ک سیراب.
ایمام اوستو اورتولو طعنه ایله دوشمنه، «علی اکبر»-ه بئله جاواب دئییر:
بودور منیم قرضیم بونلارا ائدک جوړمت،
کی، بلکه سو ایجه لر قوللارئی تاپا قووت.

*- قباب: قوتملر.

«على اكبر»-ين نقشين بىر سادە جاۋان اۆتەتتى. بىلە بىلەم تازە دىپلوم ئالدىدىن.
تاراشىغى «على اكبر»-ە يۈخدور. ھا بىلە ايمام «حسین»-ين نقشين بىر تاراماز آدم اۆتەتتىكى،
تاتىمىيان آدمالار خوش گلىر. گاونگاشين اۆز اهلينه ياپىشمىر. بو سۆزلردن كىچىك.
«على اكبر» ايمامين دستورون ايطاعت اندىر. سو مشكلىرىن و مىس كاسالارىن
قولاملارين يىنە وثرىپ «حر»-ين لشگرينه سو پايتلاماغا باشلايتتى. «على اكبر» بو حالدا نازىك
سىسى ايله سو پايتلامالارين قاباغىندا يۈل گندىر و دىتتىر:

سىزىن سوسوزلۇغونوزدان ايمام اولوب آگاه،
سو گۈندەرىيدى سىزە اتى جماعت-ى گۈمراه.
گلىن بو جامى «على اكبر»-ين يىندن آلين،
ولمى بو تىشنە لمى كرىلادە يادە سالتىن.

دىتار-ى كىر بولادە گرەك عوض اندەسىز
سوسوز قالاندا سكىنە او طيفلە سو وثرەسىز.

سۇنرا سىسنىن ھاۋاسىن چۈندەرىپ، رىز اوخوماق حالىندا يىنە دە اوخويور:
اتى بو چۆلدە بىزلرە يۈل باغلانلار السبىل،
كرىلادە خىنجر ايله دۇغرويانلار السبىل.
سو اىچىپ سىراب اولون اتى كرىلا قاتىل لىرى،
آتى-ى سوز عطشدىن داغلىتانلار السبىل.

«حر» ايمام «حسین»-ين كىشىلىشىدىن خىجالت اولوب، ايمامدان اىستەنمىدىكى، اۋنو
باغىشلاستىن. سۇنرا دىتتىر: آزادسان ھاراپا گندىرسىن گندە بىلرسىن. منىم سىن ايله اىشىم
يۈخدور. سۇنرا اۋز لشگرينه دستور-ى حرىك وثرىر و يۈلون چىكىپ گندىر.
ايمام بىر مەنەشە اوخويور. اۋندىن سۇنرا لشگرە حرىك وثرىر و كرىلايا يۈل
باشلايتتىرلار. مەنەشە نەچە قەد يۈل گندىرلر. مەن كرىلايا ياخىنلاشتىرلار. نەچە مەنەشە كرىلايا

قالیش، سودابه آددا بیر یئرده خئیمه گۆرسه نیر. ایمام اؤرایا یتیشیر. بیر عرب خئیمه دن

چیخیئر و ایمامی تانیئیر و دئییر:

السلام علیک یا ابا عبدالله

به ابی انت و امی یابن رسول الله.

ایمام «حسین» دئییر:

علیک السلام یا اخ العرب.

عرب ایمام «حسین»-ین قاباغیندا نئچه دهه- قوتون قوربان کسیر. ایمام او قوربانلارا

باخاندا کر بلا یادینا دوشور و دئییر:

ایا شینوخ-ی قبایل بولار نه قورباتیدیر،

عجب قریب علامت بو دم نؤماناندیر.

عرب بیر حالدا کی، گؤزلی یاشیلا دولوب و اؤره کدن قان آغلائیردی دئییر:

بو رسم دیر آرامیزدا کی هر عظیم الشان،

گلیب قبیله میزه بیزلره اولار منه مان،

او تاجداره نیثار ائیلهریک گره ک جانلار،

اونون اوچون گره ک اولسون مینووقا قوربانلار.

ایمام «حسین» عربه محبت ائیله نیب، سوروشور:

بو یئر نه یئردی من-ی زاره انتگیلن ایظهار،

باخان زاماندا هاواسیندا قم علامتی وار.

عرب دئییر یا ایمام-ی زامان:

فدا اولوم سنه ائی پادشاه-ی عرش-ی مقام،

بو دشت-ی پورخطره پوربلا دئیهرلر نام.

ایمام دئییر: عرب قارداش فقط آدی پوربلادیر یا آیری بیر آد دا اونا دئیهرلر:

صريح سۆيلىگۈرۈم انى عرب به صيدق و صفا

اولور گينه بو يترين اوزگه بير ده آدى اولاي؟

عرب بير آز فيكيه گنديب سونرا دئير:

داهى بير اوزگه آدى ديلده ديشده جاريتهدير،

قريبلر بئله سۆيلىرله دشت-ى ماريتهدير.

ايمام يئنه ده سوزوشور: عرب قارداش بو يترين داهى آيرى آدى يوخدور؟

عرب اوزره كدن بير آه چكيه و دئير:

بير اوزگه آدى دا وار انى مه-ى سنيهر و جلال

اوزره كلره يئتيشير ديكه اولاندا، حوزن و ملال.

بلا چولونده نوماتان اولان بلادير بو،

صريح سۆيلىيهرم دشت-ى كربلادير بو*.

ايمام اوزره كدن بير آه چكيه، اوز اهل-ى بئته و يار و يولداشا توتور بئله دئير:

«هذا مكان كربلا» و سونرا آغلاماغا باشلاير. جماعت مئيداندا قينامت ائيله ييرلر.

بو حالدا ايمام ياولاش - ياولاش عربدن اوزاقلاشير. اوز خنيمه گاهه قوتوب اهل و

عئالئينين يانينا گندير. سونرا اوزون جنگه آماده قئلان حالدا «عمرسعد» قورقوسونا سارى

گنديركى، اگر اولسا اونو نصيحت ائله يه و يوخودان اويادا و بيلديره كى، كيم ايله داعواتا

گليب.

«عمرسعد» ايمام «حسين»-ى گورجك يتريندن قالخيب بير حالدا كى، بير ائشمه

اينده و دال با دال اونو چكمله رينه وورور و او بيريسى الى ايله شمشيرين دسته سيندن

توتوب ايماما طرف گليب و دئير:

* - كربلا اصلده كوور (Kovr) بابيلدير. معناسى بابيل شهري. سونرا شههر آرادان گندير و چول اولور. كربلا

واقعه سيندن سونرا يئنه ده شههره دؤنور.

خوشدور اندىب بو دۇۋرۇمە دۇۋران، عجب-عجب،

قىلام «يزىد»-ى خۆرم ۋ خندان عجب-عجب.

«شىت» ۋ «سنان» ۋ «خولى» ۋ «شم»-ە ۋ ثرىلە تاج،

سعد اوغلونا خلعت-ى الوان عجب-عجب.

سۇنرا دانىشنىڭ داۋا ھالىنا چۈندەرىب، چۈخ عىبانى ۋ قىزىلى- آمما گوش

ۋزىلە- رجز اوخوماغا باشلايىر ۋ شەرى ادا ائەلەندىن سۇنرا چىكمەلى آتاقلايىن ئىرە ۋوروب

ۋ اوجادان چىڭغىر- باغىر سالىر كى، مەن چۈخ پەلوان ۋ قولچۇماغام ۋ جىگە آمادەيم ۋ

اوخويور:

مەن اۋ سەدم مەھب ۋ ايمانيدىن ال چىكىشم

آل-ى سيفتان عشقىنە قورآن آلىب، آند اىچمىشم.

گلىشم بو كربلادە كىنەمى بىلدىرمەنە،

بىر اىچىم قانىندىن اۋتۇرى مەن اىمام اۋلدۆرمەنە.

سۇنرا رجز اوخوماغىن دىشىب، بىر آيىرى ھالە ايلە مەن ائەلە مەك ساياغىيلا دىئىر:

گر «حسین» قانىن بو صحرادە سىپىل ائىدىرمەسم،

روز-ى آخر فاطمە خىئىر النسا كىسىن مەن.

«زىنە» ۋ «كلثوم»-ى عۆرىان ناقەنە مەندىرمەسم،

عیزت-ى زەھرا چىكەن آھ ۋ نوا كىسىن مەن.

باغلايىب قىئەد-ى طنابە «مەرقىسى» قىزلارنى

پا پىئادا گزىدىرم شامىن اوزاق يۇللارنى،

گۆرسەدم عالمە ظۆلم-ى پايدار ايلقارنى.

ائەمەسم مەن، حۆرمەت-ى آل مەك كىسىن مەن.

سۆنرا ایمام عصبانی حالتی ایله اؤز یتیرنه قایتدیب و صندلینده اؤتورور. ایمام اؤز خئیتمه گاهینا اؤز چئویریر. ایندی «شمر»-ین نوؤبه سی دیر. شمر بیر حالدا کی، باشدان آناغا قیرمیزی گئیینیب و چکمه لری برق وثریر و شمشیر و یاراغی گؤز قاماشدیئریر، یتیرندن قالخیب، ایمامین خئیتمه گاهینا گلیب و اوجا و قیشقریق سس ایله رجز اوخوماغا باشلائیئر:

خبر خبر دهید به زینب که ای اسیر محن

رسید بر در دروازه شمر ذوالجوشن

سۆنرا اؤز لشگره توتوب دئیئر:

انی کوفه و شام اهلی بو گون کرب و بلایا،

من گلمه میشم تاج-ی زرافشان دن اؤترو؛

فیکریم بو دئییل قانا باتا «اکبر»-ی دیلدارا

ناشاد اوللا «قاسم» دؤشه یا قولسوز علم دار.

قصّاب کیمین «شمر» چکیب خنجر-ی خونخار

[بو حالدا «شمر» خنجرین بئیلندن چکیب اله توتور]

یتیمیش ایکی لب تشنه بو قوریان دان اؤترو.

های-های آغلاماق سسی مئیدانی بورؤیؤب. جاوانلارین هیرس بوغارسئیقلا رین

کسیب، امما اللریندن بیر شئی گلمیر. قوجالار قیامت احوالین یادا سالیب اؤره کدن دئیئر لر:

نییه بئله «شمر» لر و «شمر»-صیفت لرین گؤزؤن دؤنیا مالی توتوب و دینی آباق آلتیندا

قؤیوبلار. [«یزید»-ه لعنت]، مئیدانیین هامی یتیرن توتوب. «شمر» امر ائیله مک حالیندا دئیئر:

آللاه-آللاه بیلیمیم بو چؤلده توفاندیر، نه دیر

ایندی بو چؤلده قویان قوؤقادان آللاه ساخلاستین.

سۆنرا «شمر» خنجرینین اوجون ایمامین خئیتمه گاهینا طرف توتوب و دئیئر:

«اکبر» آدلئ اوغلونو بو خنجریله دؤغرام،

حلقى-ى «اصغر» ناوك-ى پىڭكان اولان گۆندۆر بو گۆن
 من او «شمر»-م تازەدن سۇدا دۆشۈبدۆر باشىما،
 ايستەسم بىر شىست ايله دۆنيانى اۆلدۈرۈم بو گۆن،
 من «حسين»-ين الف قەدىن قافە گر دۆندرمەسم،
 قادىر-ى قەھار اولان قەھر خدا كىسىن منى.
 گۆلشەن-ى آل-ى عىبانى ظۆلم ايله سۆلدۈرماسام،
 «مىصطفى» ختم-ى رۆسۈل، خىئىرالئىسا كىسىن منى.
 «شمر» سۇنرا آجىقلى اۆزۈن «عمر سعد»-ە توتۇب دىيىر:
 انى زادە-ى «وقاص» بو نە فىكىردىر سەندە،
 داعۋا ايشىنى سالىمىسان آخىر بىلە لىنگە.
 يۈز مىن قوشونو ائىلەمىسن بىند بو چۆلدە،
 بىلىم نەدى باعىث بىلە تاخىر اندەسن سەن.

«آردى ۋار».

چالدىران

توپلايىب يازان: اوروجلى دوزنانى

شاھ عابباس قارا ئاھا پالتارىندا گزىپ، اولكەدە باش وثرن اولايىلاردان (ھادىيەلەردىن) خېرى اولاردى. گۈنلەرنى بىر گۈنۈندە، شاھ عابباسىن دۆربۈنۈندە، شاھ بىر كۈچەدىن كىچىركىن بىر ئوتۇن زىرنە- بالابان سىسى ئاشىدىر. قاپىنى دۆيۈپ قۇناق اولماق ايجازەسىنى اىستىر. شاھ عابباس وڭىرى ايلە بىرلىككە دروئىش پالتارىندا اىچەرى گىرەرلەر. ئوۋ يىتەسى قۇناق سئور بىر آدم ايدى. شاھ عابباس لا وڭىرىن آپارىپ اۆست اوتاغدا اگلىدىر. قاپاقلارنى يىتمەك- اىچمەك قۇتار. آشىقلار دئەھ! قۇناقلاىن ساغلىغىنا شىن ھاوالاردان چالئىن. آشىقلاردا چالارلار.

شاھ عابباس اۋۇۋىلە وڭىرىن دروئىش كىمى تانىتىدىرىدىقدان سؤنرا، ئوۋ يىتەسىنىدىن سۈرۈشار! سىنىن ايشىن ندىر؟ نە قەدەر گىلەرنى واركى آشىق گىتىپ چالدىرىرسان. ئوۋ يىتەسى دئەھ: مەن بىر باشماقچىئام. گۈندە آلتى عابباسى ايشلەيىپ دۆكانىمى باغلايئام. اۋچ عابباسى ئوۋىمە خىرجلەم. اۋچ عابباسى دا آشىقلار وڭىپ ھەر گۈن اۆست اوتاغدا چالدىرىرام.

شاھ عابباس لا وڭىرى دروئىش پالتارىندا اۋ گىنجەنى چالدىراننىن ئوۋىندە سحر اندەرلەر. شاھ عابباس صاباخ تەختە اۋتورۇب بوۋوردو، چار چكىدلەر. شاھىن بوۋوردو غو ايلە بۆتۈن باشماقچى دۆكانلارنى باغلايىلار. شاھ لا وڭىرى آخشام گىلەپ گىنەدە باشماقچىنىن ئوۋىندە قۇناق اولدولار. گۈردۈلركى باشماقچى يىنەدە چالدىرىر. شاھ باشماقچىنى دندى:

- ئاشىتمىشەم شاھ بۆتۈن باشماقچى دۆكانلارنى باغلايىپ. بو يۈل آلتى عابباسىنى ھاردان تاپىيسان؟ باشماقچى دندى:

- سحر گۈردۈم دۆكانىم باغلاتدىرىپ گىندىپ ھامماللىق ائلەدىم. آلتى عابباسىنى قازاندىم ايندى چالدىرىرام دا.

صاباھلارنى شاھ عابباس ھامماللىغىنى دا قەدەن ائلەدى. آخشام شاھ لا وڭىرى گىلەپ باشماقچىنىن قاپىسىنى دۈيۈلەر. شاھ دندى: قۇناق اىستەمىرسەن؟ باشماقچى دندى:

- گلین ایچەرى، قۇناق آللاهین دوستودور. شاه عابباس گۆردۆ باشماقچى كینهده چالديرير. شاه سۇروشىدو: انشيتميشم حماماللىقدا قەدەن اولوب بو گۆن آلتى عابباسىنى هاردان تاپدين. باشماقچى دندى:

- گۆردۆم حماماللىق قەدەن اولوب گئتديم بايق اولاماغا. آلتى عابباسى بايق دوتدوم ساتديم. ايندى چالديريرام دا. صاباح شاه عابباس بايقچىلىقى قەدەن انلر و باشماقچىنىن انويته گنديب اونا قۇناق اولار. شاه سۇروشار: انشيتديم شاه بايقچىلىقى قەدەن انلەئيب آلتى عابباسىنى هاردان تاپدين. باشماقچى دئيه: ائوده بير سو مشگيم واريدي. اؤنو آپاريب سو ايله دولدوردوم، گتيريب ساتديم. ايندى گۆرۆرسن چالديريرام.

اوزون سۆزۆن قيسساسى، باشماقچى هر هانكى ايشه گئتدى، شاه عابباس اؤنو قەدەن انلەدى. بير گۆن بو ايشده، صاباح او ايشده. هر گۆن باشماقچى بير ايشه گنديب آلتى عابباسى قازانيب چالديرار. شاهلا وزيرى اؤنو بابا پىلاوى تانينيپ اونا چوخ قۇناق اولارلار. شاه عابباس گۆره اؤنون چالديرماغينين و قۇناق سئورليگينين قاباغين آلديرا بيلمەيهجك. هر گۆنده شاه اونا قۇناق اولوب، گتير-گۆتۆرۆنۆ (طمطراقىنى) گۆرۆب گيجيگلهنيردى. بير گۆن شاه آدمالارين يۇللار باشماقچىنا دئيهلر: شاه بوئوروب سن گرەك شاها جالاد اولاسان. آى باشى حوقوقونو آلاسان. باشماقچى چاره سيز قايىب شاها جالاد اولار. ايلك گۆن پولسوز اولوب قىلنجين بيراوز قوتار. آلتى عابباسى آليب يئنهده چالديرار. شاه عابباس گليب اؤنون چالديرماستىنى گۆره. شاه سۇروشار: انشيتميشم شاه عابباسا جالاد اولوبسان. جالادلار آى باشى پول آلا. پولو هاردان تاپيب چالديريرسان؟ باشماقچى دئيه:

- قىلنجى گيرۆن قوتوب آلتى عابباسى آليب چالديريرام.

صاباح شاه عابباس تخته چىخار. قيرمىزى گئينه. بير نفر وئركى وئرمەميشدى اؤنو اولدورتدۆرمەك ايستەر. جالادلار وئركى (ماليات) وئرمەيەنين يان دۆرهسپنه دۆزەر باشماقچىنا دئيه:

- گل بونو سن اولدۆر.

دئمە باشماقچى قىلنجين يئرینه بير تاختادان قىلنج قويמושىدو. شاها دئيه:

- شاه ساغ اولسون. من بونون بۆتونون وئورارام. آنجاق آلاھدان عھد ائله ييرم، اگر بونون گۇناھى اولسا قىلئىنجىم بۆتونون دوغرايىب كىسىن، يۇخسا گۇناھسىز اولسا، قىلئىنجىم تاختايا دۇنسۇن. ھامى گۇرەر كى، قىلئىچ تاختايا دۇنۇب. جاماعات چىغىرىشىب دئىەرلر:

- او سوچسوز دور. اۇنو بوراخىن.

شاه چارەسىز قالىپ محكومو بوراخار.

شاه آخشام يئىنەدە باشماقچى نىن انويىنە گلىب دئىەر:

- بو گۆن پولو ھاردان تاپىيسان. باشماقچى دئىەر:

- گىروۋا قۇندوغوم قىلئىچ، چۇخ قىيمىتلى قىلئىنجىدۇر. او قىلئىنجى ساتىب ايندى چالدىريرام دا.

شاه گۆلۆب دئىەر: بۆتۆن باشىنا بلالرى گتىرن من شاه عابباسام. باشماقچى دئىەر: بس سن نيىتە تخت اۆستە اۋجورسان، بوردا بوجور. شاه عابباس دئىەر:

- اۋردا شاھلىق پالتارى گتتىرم، بوردا درۋىشلىك.

شاه دئىەر كى، قىلئىنجىن پولو حالالون اولسون، صاباحداندا ھر ايش گۇرسن آزادسان، باشماقچى يئىنەدە دۆكانىن آچىب آلتى عابباسى قازانار، گۆندە چالدىريرىب مطلبىنە چاتار. سىزدە مطلبىزە چاتاسىز.

قارئين باش

على كريمى

بىرى وئار ايدى، بىرى يۇخ ايدى. آلاھ ياراتمىشدى بىندە چۇخ ايدى. بىر كىشى وئار ايدى اوشاغى اولماز ايدى. گۆنلر بىر گۆنۆندە بىر دروئىش گلير بو كىشى نىن قاپشېندا اوخوئور. كىشى بونو قوناق ائلىر دروئىش گۆرۆر كىشى نىن كئفى ناسازدى. دئئير بس نىئە ناراحات سان. دئئير والله، گۆل-ى مۇولا ساغ اولسون اوچاغىم كۆردو، اوشاغىم اولمور. اودو بى كئفم.

دروئىش دئئير من بىر ايش گۆره رم سنىن اوشاغىن اولار، امما گرەك سن اوشاقلار ئىن بىرىنى، اولاندان سۇنرا، وئره سن منە. كىشى دئئير: مانئع يۇخ. دروئىش گئندە بىر دانا آلما وئير كىشى نە، دئئير: بونون يارئىش ئىن اوزۆن ئىئەرن يارئىشېندا وئره رن آرواد ئىن ئىئە. كىشى دروئىش دئئەنى انجام وئير، بونون اوچ اوغلو اولور.

آيلار، ايللر كئچير، بىر گۆن دۆبارە دروئىش گلير بونون قاپشېندا اوخوئور. وظيفە وئيرلر آلئير. دئئير منىم بىر قرار ئىم وئار ايدى. دئئيرلر قرار ئىن نە ايدى. دئئيركى، قرار ايدى، بونلار ئىن اوشاغى اولاندان سۇنرا، اوشاقلار ئىن بىرىن وئره لر منە.

بۆيۆك اوغلانى وئيرلر دروئىش آپار ئىر. يۇلدا گئندە، يۇل قىراغىندا بىر قورو كللە دن سس گلير ائوئىن ئىخىلئىش ئىن اوغلان! سن مىندن آرتئىق اولاجاغان، گۆر منى نە گۆنە سائىب. اوغلان سسى ائشيدىر قايئىب قاجئىر. گلير ائوئە. دئئە بو دروئىش دؤئ ائمىش دروئىش جىلدئە گىرمىش ائمىش.

بۆيۆك اوغلان كى قاجئىر، دروئىش دە اونون دائىشئىجا گلير دئئير، والله اوغلان قايئىدى. نە ائلە ئىك. دئئيرلر او بىرسىن آپار. او بىرسىن آپار ئىر. او دا همىن جور قايئىد ئىر گلير. آخىردا كىچىك اوغلانى آپار ئىر. كىچىك اوغلان قايئىتمىر. دروئىش نىن گئدىر.

درويش اوغلانى آپارير بير ائوۋ. اوغلانا بير قورباغا وئيرير. اوغلانا دئير گرەك بو قورباغانى ئىتەسن. اوزۇ دە چىخىر گندىر گزماغىنىن داللىجا. اوغلان گىيرير قورباغانى دۇيۇر، ائلىر خمير كىمين. آپارير قۇيۇز قاپنىن داوانىنا. درویش گلىر دئير، اوغلو دئير؟ دئير بلى ئىدىم. چاغىرير قورباغا! قورباغا دئير قورر. دئير هارداسان؟ جاواب وئيرير قاپنى داوانىندا. دئير چىخ گل. بير سىللى دە وورور اوغلانىن اوزۇندىن، سەن دئيرمىشىدىم بو قورباغانى ئىگىن. بونو گرەك ئىتەسن اوغلان صاباسى قورباغانى دۇيۇر آپارير قۇيۇر ئىددى دىرمان داشىن آلتىنا. دئير بوردان چىخىپ گلە بىلمز. درویش گنە گلىر دئير اوغلو دئير. دئير بلى ئىدىم. دئير قورباغا دئير قورر. دئير هارداسان؟ دئير ئىددى دىرمان داشىن آلتىندا. دئير چىخ گل. قورباغا آتدلىر چىخىر گلىر. درویش بير سىللە دە وورور اوغلانىن اوزۇندىن. دئير سەن دئيرمىشىدىم گرەك بونو ئىتەسن. سەن نىتە ئىتەمىش. ئىتەسن صابا اولدۇرەجەيم. اوغلان فىكىرە گندىر نەمە ائلىشىمەن بو قورباغانى ئىتەبىلمەم صاباسى قورباغانى دۇيۇر، دۇيۇر بير تىكە دىمىلىن باغلىر اۆرەيىنىن باشىنا. درویش گلىر دئير: قورباغا. قورباغا دئير: قورر. دئير هارداتان. دئير اۆرەك باشىندا تام. دئير قالمالى تان قال.

بير گۆن درویش ائىلىر تىدىرە اوغلان فۇورن درویشى ايتەلىر سالىر تىدىرە آغزىنى دا قۇيۇر. درویش ئانىر. چىغىرير آى منى چىخارت اولدۇم قولاق آسمىر. درویش ئانىر كۆل اولور. سۇنرا باخىر گۇرۇر درویش دن بير دىستە آچار قالىب.

آچارلارنى گۇتۇرۇر. دورور اوتاقلارنى قاپىلارنى بيربە بير آچىر. گۇرۇر اوتاقلارنى بيرىندە وحشى حىواناتى اسير ائەلىب. بيرىندە بير عىددە آدمى چارمىخە چكىب. بيرىندە قىزىلدان. گۇمۇشدىن ئىغىب، خۇلاصە اوتاقلارنى اوتوز دۇققوزونا باخىر ئىتتىشير آخىرىنچى اوتاغى آچىر گۇرۇر ھىچ زاد بۇخ. فقط بۇش اوتاقدى. دىققەتنىن باخىر گۇرۇر بير جوت بولاق وار. گندىر اولارى ايمتاجان ائلىر. گۇرۇر بيرىنە ھەرنەمە ووروران گۇمۇش اولور، بيرىنە

هر نمه وئوروران قىزىل اولور. گلير حئيواناتى، آداملارنى آزاد ائلير. حئيواناتىن هرەسى اۆز تۆكۈندىن اونا بير قەدر وئيرىرلر هر وخت ايشىن اولاندا بونلارنى تۆتۈزدۈر بىز گلەرىك.

سۇنرا اوغلان گليب بير خورجون قىيمتەدە آغىر وزىدە يۆنگۈل يىغىر سۇنرا بير بۆرچەينىن باسئىر بولاقلارنىن بيرىنە قىزىل اولور او بيرى بۆرچەينىن دە او بيرسىنە باسئىر گۆمۈش اولور. دورور تىبەلىتى سالىر آتىن اۆستۈنە مېنىر حرەكت ائلير. چۆلدە بير چۇبانا توش اولور دئئير: آى چۇبان قارداش او داوارلارنىدان بير دنە ساتارسان منە؟ چۇبان دئئير يۇخ ساتمارام. دئئير من بيرزاد ائلمەيرم اتىنى دە وئىرم اۆزەن فقط قارنى منە لازىمدى. چۇبان راضى اولور. بير دنە داوارلاردان ساتئىر بونا. داوارنى كسىر قارنىنى چىخاردئىر پاكلىر. اۆزۈنە گۆتۈرۈر. اتىنى دە وئىر چۇبانا چۇباننىن ياننىندان حرەكت ائلير گلير بير شەهرىن يۇخونلوغوندا آتىن چۆلۈيۈن باغلىر اۆستۈنە آتى وىلير. قارنى كئچىردىر باشىنا گئدىر گىرىر قالئىر بير خرابە قلايچە دە.

گلين سىزە كىمدىن خبر وئىرم. او شەهرىن پادشاھىنىن كىچىك قىزىندان. بير گۆن گۆرۈر بير اوغلان سودا چىمىر آما بير بۆرچەينى قىزىلدا، بير بۆرچەينى گۆمۈش دن. قىز بير گۆيۈلدن مېن گۆيۈلە اوغلانا عاشىق اولور. آما بير گۆرۈر اوغلان سودان چىخدى بير قارنىن گئچىرتدى باشىنا. گئدى گىردى قلايچە. قىز گلير باجىلارنى دئئير. داي بىزىم ار واختىمىزدى. شاھ بابامىز گرەك بىزە بير فىكىر قىلا. دئئيرلر: نە ائلەيك، باجىلارنى دئئير: من بىلىرم نە ائلەيك. اونلاردا دئئيرلر: خوب هر نە ائلىرن ائلە. بير قارپىز آلئىلار كسىرلر. اوچ دىلىم قارپىزدان قۇيۇرلار سىنى ئە هرەسىنىن اۆستۈنە بير پىنچاق سانجىرلار. اۆستۈنە دە بير دىسمال چكىرلر يۇللورلار شاھىن قوللوغونا.

شاھ سۇروشور بو نەنەدى. دئئيرلر قىبلە-سى عالم ساغ اولسون قىزلارنى پاي يۇللايىب. پائىن اۆستۈن آچئىر گۆرۈر. اوچ دىلىم قارپىز. هرەسىنىن اۆستۈنە بير پىنچاق سانجىلىب. شاھ بيرزاد باشا دۆشمۈر. وزىرە دئئير بو يانى نە اوللا. وزىر دئئير بۇيۇك قىز دئئير مېنىم ار

واختىم گىجىب. اوندان كىچىك دئىر منىم ار واختىمدى. كىچىك قىزدا دئىر من ار اىستىرم. شاه دئىر خۇب نىمە ائلەيك. وزير دئىر دستور وئر خلائىق ئىغىلىستىن شەھرە مئىدانان قىزلار قوش اوچورتسونلار. قوشلار هر كسىن چىيىننە قۇنسا قىزلار ئ وئر اولارا. جارچىلار جار چكىرلر صابا ئىغىشلىن مئىدانان شاهىن قىزلار قوش اوچورداجاق.

صابا مردۆم ئىغىشلىب گلير. بۇيۇك قىز اوچوردور گندىر قۇنور وزيرىن اوغلونون چىيىننە. اوندان سۇنرا كىچىك اوچوردور گندىر قۇنور وكىلىن اوغلونون چىيىننە. كىچىك قىز اىستىر اوچوردا قوش اوچمور. شاه سۇروشور ئىردە قالان اولما ئىب كى، دئىرلر قىلە-ى عالم ساغ اولسون شەھرىن اهلى ھامى ئىغىشلىب گلىب آما فىلان قلا ئىچەدە بىر كىچل وئر او قالىب. شاه دئىر گندىن اۇنو دا گتىر گندىرلر كىچلى گتىرلر. كىچل اوزاقدان گۇرۇكۇب گۇرۇكەمەمىش قوش گندىر قۇنور كىچلىن چىيىننە. شاهىن گۇمبەزىنە چۇكۇر. دئىر بۇيۇگۇن قوشو گندىر گندىر قۇنور وزيرىن اوغلونون چىيىننە. كىچىش كى گندىر قۇنور وكىلى اوغلونون چىيىننە. بو صغىرىنكى گندىر قۇنور كىچلىن چىيىننە. دستور وئرير كىچلى آپارىن سالىن تۇلەنە. قىز گىنە قوش اوچوردور. قوش گنە گندىر قۇنور كىچلىن چىيىننە. اوچۇنچۇ يۇل دئىر تۇلەنەن قاپ- باجاسىن بركىدىن ھىچ يۇل اولماسىن. قىز گنە قوش اوچوردور. قوش گندىر دىوارى دلير گندىر قۇنور كىچلىن چىيىننە. شاھا دئىرلر اوچ اولدو ايش قوتاردى. شاه بۇيۇك قىزى وئرير وزيرىن اوغلونا، وسط قىزى وئرير وكىلىن اوغلونا ھرەسىنە بىر عالى عىمارت وئرير. كىچىك قىزى دا وئرير كىچلە اولارادا بىر تۇلە وئرير.

بىر گۇن خبر دۇشۇر شاه مريض اولوب، دۇكۇرلر دئىرلر: شاه گرەك قوش اتى قولان سۇتۇ ئىنە ئاخچى اولار. ھامى دئىر شاهىن نردۇى- نردۇى. كۆرەكنلرى وار، گىتسىن اۇو وورسونلار گتىرسىنلر، شاه ئىسىن تۇختاسىن. وزير اوغلونا بىر آت وئريرلر آتلا ئىر، وكىلىن اوغلو بىر آت گۇتۇرۇب آتلا ئىر. گندىرلر شىكارا كىچىك قىزدا گلير دئىر ددە بىر دنە آت وئر كىچل ددە گىتسىن شىكارا. دئىر ائى بابا چىخ گىت گىن، وزيرىن اوغلو، وكىلىن اوغلو ھلە

گتيريبىلر اودا گئتسين؟ آرواد دئير ائوين يىخيلستين كيشى، بودا ائله قيزين دئ دا، قلىبنى سىنديرما. بلكه ائله كنجل گئندى ووردو گئدى. شاه دئير جهننمهكى، اوچولاق آتى وئرين بودا گئتسين.

كنجل چولاق آتى مينيب. ياواش- ياواش شه هردن چىخىر ائشىگه. آتى شه هرين كناريندا ويللەيب. حئيواناتين توكون توتوزدورور، توكولوب گليرلر. دئيرلر امرين نەدى. دئير والله بوجور، شاه مريض اولوب گلەشم قوش اتى قولان سوتو اوچون حئيوانات گئديب تايىب گتيريرلر.

اواندان وزيرين اوغلو، وکلين اوغلو دولانسيرلار هنجزاد تاپا بيلميرلر، الى قولوندا اوزون قايدىب گليرديلر. يولدا گورورلر شه هرين يوخونلوغوندا بير نفر اوتوروب. بير بوزچه يى قيزيل بير بوزچه يى گوموش.. اطرافى دا دولودو حئيواناتان. اولار ايسته ين اودا اوردا وار. دئيرلر بو كيشى دن پولونان آلاق آباراق. گليرلر اوغلانين يانينا دئيرلر. بو اوزدان بيزه سات. كنجل دئير من ساتميرام. دئيرلر، قاين آتاميز مريض دى دؤكتور دئيب گرهك بو اوون اتيندن يئنه ياخچى اولار. چوخ يالوار- ياخاردان سونرا دئير من بو اوون سيزه پولونان ساتمارام، اگر راضى اولساز من بو اوون سيزه باشا بير داغا وئهرەم. هرەزين يانبيزين اوستوندن گرهك بير داغ باسام. وزيرين اوغلو باخير وکلين اوغلونا، وکلين اوغلو باخير وزيرين اوغلونا، دئيرلر بورداكى هنج كيم يوخدو. راضى اولورلار. اول وزيرين اوغلو شالوارين سىثيرير آشاغى، بير داغ بونون يانينا باشير. يانير كؤل اولور آما سسين چىخارتمير و اوزونه دئير من سس ائله سم وکلين اوغلو ائيلمز داغ ياسا. منيم گونومو قارا ائله ر. اوندان سونرا وکلين اوغلو شالوارين سىثيرير آشاغى بونوندا يانينا بير داغ باشير. آما بو دايانا بيلمير، داد- بيداد ائير آتيلير گؤته.

خولاصه اوغلان اووزو کسیر دئییر: «توؤ لشینه، دادی باشینا». وثریر بولار گوتورؤب گلیرلر. اونلارگئنددن سونرا بودا حیثواناتسی موزخص ائلر. جئیراتین قارئینی کئچیردیر باشینا، باش گوتورؤر یاواش - یاواش ائوه ساری گلمه‌غا.

- وزیرین اوغلو بیر قاب اتدن پیشیریپ یوللور، وکیلین اوغلو بیر قاب پیشیریپ یوللور شاه یتیر بتر اولور. کئچل ده آروادا دئییر: بو باشدان بیر آز پیشیر سویونو آپار ددهن اوچون. آما ایکی دنه ائششک تزه‌یی سال آندان آپار. قیز جامین دیینه دیققیه سو تۆکۆر، ایکی دنه ده ائششک تزه‌یی سالیئر، گتیریر دده سینین یانینا. دئییر آتاجان کئچل اووز ووروبو اونون سویوندان دیققیه گتیرمیشم. دئییر: بابا وزیرین اوغلو، وکیلین اوغلو ووروب گتیردیلر نمه ائله‌دی، لاپ‌دا بتر اولموشام. بوشلا گوتور گئت.

آرواد دئییر: ائو خراب بودا ائله اوشاغین دئی دا یتیرن یتمه، اقللن بارماغین باتیر. شاه بارماغین باتیریر گوردؤ بتر دادلی‌دئی. دئییر بتر دادلی‌دئی بو، آئی آرواد بیر تیکه چۆرک گتیر من بونو دؤغرویوم یتیم. شاه سویو دؤغرور قاشیغینی چکیر آج قورت کیمین یتیر. هردن بو ائششک تزه‌یی‌لر دئیردی قاشیغا بله بیلیردی اولاردا اتدی. ساخلیئر آخیردا یتیه. قوتاراندان گورور قاین دیینده ایکی دنه ائششک تزه‌یی. دئییر آئی بالا، جۆنمبر گۆره‌سن، یاخچئی تاملی ایدی آما ایکی دنه ائششک تزه‌یی وار ایدی ایچینه. دئییر آئی دده، وزیرین اوغلونا بیر ساختیمان وئردین وکیلین اوغلونا بیر ساختیمان وئردین، او تۆله‌ده ده ائله بو ائششک تزه‌یی اولاردا. بیلیمیشم دؤشۆدۆر، دای نمه‌ائله‌یم. شاه ایچیندن بیر آز آلیئیر. دئییر دۆز دئیزدا بو دا ائله منیم قیزیم ایدی دا.

صباحی وزیرین اوغلو، وکیلین اوغلو پیشیریرلر، تۆکۆرلر، چۆخ - چۆخ یوللورلار شاهین یانینا. شاه هئچ اولارین کینا باخمیر. کئچل دئییر بو گۆنلری ایکی دنه قیشیق سالان آپاران. شاه کئچلین گۆنده‌ردیگی سویو دؤغرویوب تئز - تئز یتیر آخیردا گورور ایکی دنه قیشیق. دئییر آئی بالا جۆنمبر گۆره‌سن گنه ده‌کی قیشیغی وار ایدی. دئییر دای نمه ائله‌یم دده

تۆۋەندە بوندان آرتىق اولمازكى. وزيرين اوغلونا، وكيلىن اوغلونا بير عيمارت وئردىن. بيزە دە وئردىگىن اولدو بير تۆۋە. شاه گنە ناراحت اولدو. اۆز- اۆزۈنە دندى ائى خنئيره سر اوغلو خنئيره سر، بو دا الله سنین قيزين ايدى دا هئچ فرقى يۆخ ايدى اولارنان، نته بس بونا فرق قۇيدون.

خۇلاصە، شاه قوش اتين يئىير تۆختور، شاه تۆختايتاندا سونرا وزيرين اوغلو دئىير من تۆختاتدئىم، وكيلىن اوغلو دئىير من تۆختاتدئىم. قارئين باش دا دئىير من تۆختاتدئىم. بونلارئين سۆزلرى چېلشير، قارئين باش دئىير من تۆختاتمىشام، سيزده منىم قولومسوز. دئىير يۆخ سن بيزىم قولوموزسان. آخىردا دندى خنئير شالواريزى سيئيرين آشاغئىئا. شالوارلايئى سيئيرديلار آشاغئىئا، گۆردۆلر هرەسینين يانئىندا ايکى دنە يئکە داغ . بولار باخديلار بير- بيرينه قيزاردیلار. قارئين باشدا قارنى باشيندان چىخارتدئ گۆردۆلر او...ۋە گئچمەلى جاوان دۆيۆل. شاه چکدى كيچىک کۆره کنين آنديندان اۆپدۆ. دندى بالام من قۇجالمىشام سنین دە شاهليغا ليياقتين وار. شاهليغئين اورد ا وئردى كيچىک کۆره کنينه. اولار يئدى ايچدى شاد اولدو سيز دە يئئين ايچين شاد اولون.

ريوايت ائدن: على كريمى، دۇغوم ايلي ۱۳۴۳ هيجرى شمسى، ساۋادئ يازيب اوخوما حددينده.

ئبت ائدن: شعبان كريمى، دۇغوم ايلي ۱۳۵۶، دىپلوم.
ريوايت يئرى: زنگان، چيلاندار^۵ كندى.

۵- بو كندين آدئ رسمى سندلرده شيلاندار يازيلىر آما خالئين دىلينده چيلاندار (çilandar) دئىيلىر.

ناغیلین ایضاحاتی

دبقفیره diqqirə باخ دبقفیر.	آند And آئین.
شابابا Şababa شاه بابا.	بۆرچک bürçək بیرچک، ساچ.
قاپ- باجا Qap- baca قاپی- باجا.	بوگونلری Bu günləri بو گون.
قلايچه qəlayçə قالاچا، کیچیک قالا.	تنبهلیت tənbelit خورجون.
قیمتده آغیر وزنیده یونگولا، qiymətdə ağır vəznidə yüngül	توتوزدورمک tütüzdürmək یاندیریب
قیزیل- گوموش.	توتونونو چیخارتماق.
قینیق qıyıq قیغ.	توو لشینە دادی باشینا Tüv leşinə
گورؤکمک görükmək گورؤنمک.	دادی başına تۆپورجک لشینە، دادی
گول-ی موللا Gül-i movla اسکی	باشینا گل سین. لشی حرام اولسون باشینا
زامان درویش لرەدئیلن مؤحترمانە خیطاب.	دادلی اولسون.
گۆمبەزینە قار چوکمک gümbəzinə	جولوی Cülöy جیلوو، آتین نۇختاسی،
qar çökməl اۆره یینی قارا قم آلماق،	اؤوسار.
چوخ شیددتلی ناراحات اولماق.	جونمبر گورمک Cönəmr görmək
نردوی- نردوی nərdöy- nərdöy	اولمک، جاوان اولمک (قارقیش دیر).
نردنو- نردنو، یتکه- یتکه.	ختیره سر اوغلو ختیره سر xeyrəsər
وظیفه vəzife درویشه وئرلن پول،	oğlu xeyrəsər آنلاماز اوغلو آنلاماز.
جینس.	داوان Davan دابان.
ویللەمک villəmək بوراخماق،	دوی döy دئو.
بوшлаماق.	دویؤل döyül دئیل.
	دبقفیر diqqır چوخ آز.

اؤجشمه لر و ساقاشمالار (۲)

باقر رشادتی

دنکین قاتارا!

— قاتارا!

— آپارسین سنی تاتار.

دنکین قاتیرا!

— قاتیرا!

— گوزوم سن اؤچون آتیر.

دنکین قلیب!

— قلیب!

— نازلئ بیزه گلیب.

دنکین قلم!

— قلم!

— قاباغئنا تۆکۆم کلم.

دنکین قمزه!

— قمزه!

کئچل اولوب حمزه.

دنکین قپیک!

— قپیک!

— اوئنا، چالیم چپیک.

دنکین قرض!

— قرض!

— قاباغئنا قوزوم چرز.

دنکین قتی!

— قتی!

— گئت ییء دونوز اتئ.

دنکین قینمه!

— قینمه!

— یاخاندا یوخدو دۆیمه.

دنکین قیرغئ!

— قیرغئ!

— گوزونور شالوارین جیرئغی.

دنکین قوواق!

— قوواق!

— گل قولاغئنی اؤواق.

دنکین قویون!

— قویون!

— اولدون ائری بویون.

دنکین قوزو!

— قوزو!

— گئت یئی بوزو.

دنکین قول!

— قول!

— چاتماز سنه پول.

دنکین دابانا!

— دابانا!

— آدین اولدو قابان.

دنکین داوا!

— داوا!

— باشئنا گلسین هاوا.

دنکین دازا!

— دازا!

— الیدن دۆشسون ساز.

دنکین دای!

— دای!

گئت قونولارئ سائی.

دنکین دارا!

— دارا!

* - قپیک: منات، روسیئنین پول واحیددی.

* - قتی: کامیلن.

- اۆستۈنە ياغىشىن قار.
دنگىنن دارى!
— دارى!
— قوجا ئايىب اولاسان قارى.
دنگىنن داشقىن!
— داشقىن!
— ھەر ايشىدن اولاسان چاشقىن.
دنگىنن دلە!
— دلە!
— گىلمە مىسنى اغىلا ھلە.
دنگىنن دلەمە!
— دلەمە!
— كىرى، قۇتۇن كىمى ملەمە.
دنگىنن دىمىر!
— دىمىر!
— سۆز سۆمۈك گىمىر.
دنگىنن دەرە!
— دەرە!
— گىت ئاير جەرە.
دنگىنن دىلىم!
— دىلىم!
— تۇخو مىنىمچۆن كىلىم.
دنگىنن دىنار!
— دىنار!
— گل قاپشما اك چىنار.
دنگىنن دىرى!
— دىرى!
— اۋتور يترىندە كىرى.
دنگىنن دىشى!
— دىشى!
— سىندن اولماز كىشى.
- - دۇوڭا: قاتتىق آشى.
• - يۇوشان: بخاراگوشى - درمنه.
• - دۇنقار: لاغر، نحيف، ضعيف.

- دىگىنىن دۇخسان! —
 دۇخسان! —
 بو گۆن دۇرخسان، صاباح يۇخسان.
 دىگىنىن دۇيۇش! —
 دۇيۇش! —
 گلن - گىدنلە سۇيۇش.
 دىگىنىن دۇل! —
 دۇل! —
 اوتور يىرىندە اۇل.
 دىگىنىن دۇردا! —
 دۇردا! —
 گىت قاپىنى اورت.
 دىگىنىن دودا! —
 دودا! —
 باتىب قالاسان سودا.
 دىگىنىن دول! —
 دول! —
 اولاسان منە قول.
 دىگىنىن دۇزا! —
 دۇزا! —
 دۇش اورتادا سۆز.
 دىگىنىن ائىوان! —
 ائىوان! —
 گىت اوتار حىيوان.
 دىگىنىن عىتنى! —
 عىتنى! —
 ايتىب بونون بىتنى.
 دىگىنىن ائل! —
 ائل! —
 آپارسىن سنى سئل.
 دىگىنىن ادا! —
 ادا! —
 آدىن اولدو گىندا.
 دىگىنىن ازل! —
 ازل! —
 گىت سۇپۇر خزل.
 دىگىنىن عىال! —
 عىال! —
 آپارسىن سنى خىال.
 دىگىنىن ايمە! —
 ايمە! —
 بۇتۇۋۇ كىسمە، پارايتا دىمە.
 دىگىنىن اكە! —
 اكە! —
 بۇيۇيۇب اول تىكە.
 دىگىنىن اللى! —
 اللى! —
 ايشلىرىن اولدو بللى.
 دىگىنىن امىر! —
 امىر! —
 باشىنا دىسىن دىمىر.
 دىگىنىن املىك! —
 املىك! —
 گىت مىنىم اۋچۇن يىغ يىملىك.
 دىگىنىن انجىر! —
 انجىر! —
 بۇيۇنونا سالىم زىنجىر.
 دىگىنىن اتكا! —
 اتكا! —

• - يۇنقار: تراشه، براده.

• - دودا: دود.

دنگين ايل! — ديه جك سنه كوتك.
 ايل! — دنگين اته نه!
 — اته نه!
 دنگين ايلمه! — گنت ييغ چتنه.
 ايلمه! — دنگين اهنگ!
 — اهنگ!
 دنگين اينجى! — بئيلنه ساريشيم سهنگ.
 اينجى! — دنگين زاوال!
 — زاوال!
 دنگين ايت! — گنت چال قاوال.
 ايت! — دنگين زالخا!
 — زالخا!
 دنگين ايش! — گنت يالوار خالخا.
 ايش! — دنگين ذليل!
 — ذليل!
 دنگين يابا! — آدين اولدو جليل.
 يابا! — دنگين زيركا!
 — زيركا!
 دنگين ياغ! — آل اليه كورك.
 ياغ! — دنگين زوغال!
 — زوغال!
 دنگين يازى! — اليندن دوشسون قوغال.
 يازى! — دنگين زورنا!
 — زورنا!
 دنگين يايلاق! — آدين اولدو دورنا.
 يايلاق! — دنگين زوتچوا!
 — زوتچوا!
 دنگين يال! — كويلا ما آ كوتچو.
 يال! — دنگين ايكي!
 — ايكي!

— سوزونه - سوزونه چيخ بو ديكى.

* - كوت: كه، توده (پشگل).

- گۆزۆنه دۆشسۆن خال.
 دنگینن یالان!
 — یالان!
 — بئلینه باسیم پالان.
 دنگینن یاماق!
 — یاماق!
 — نیته اولدون داماق.
 دنگینن یارا!
 — یارا!
 — گنت پیریز ساچینی دارا.
 دنگینن یاساق!
 — یاساق!
 — قولاغینا شیرغا آساق.
 دنگینن یاسدی!
 — یاسدی!
 — بیت یاخانئ یاسدی.
 دنگینن یاخشئ!
 — یاخشئ!
 — آدین اولدو باخشئ.
 دنگینن یاش!
 — یاش!
 — باشینا دتسین داش.
 دنگینن یاشار!
 — یاشار!
 — دائیشما دیلین چاشار.
 دنگینن یتین!
 — یتین!
 — سحرردن آخشاما جان دتین.
 دنگینن یتل!
 — یتل!
 — الینه آل بئل.
- دنگینن یتنئ!
 — یتنئ!
 — گنت تمیزله هینی.
 دنگینن پیشیک!
 — پیشیک!
 — شالوارین دالئ دئشیک.
 دنگینن یودا!
 — یودا!
 — اللرینی یاندیرستین اود.
 دنگینن یونجا!
 — یونجا!
 — سۆزۆن یول بوئونجا.
 دنگینن یورغا!
 — یورغا!
 — جیبینه تۆکۆم قوؤورغا.
 دنگینن یورغون!
 — یورغون!
 — نه گزیرسن اوغرون* - اوغرون.
 دنگینن یوخ!
 — یوخ!
 — اۆره یینه ووروم اوخ.
 دنگینن یووا!
 — یووا!
 — آغلینا یازیم دوعا.
 دنگینن یون!
 — یون!
 — اؤستۆنه سپیلسین اون.
 دنگینن یوردا!
 — یوردا!

* - اوغرون - اوغرون: دزدکی.

- قولاغینا گیرسین قورد.
دنگینن یوزا!
— یوزا!
— گولچهده اوز.
دنگینن یوروش!
— یوروش!
— تنز بوردان سوروش.
دنگینن کال!
— کال!
— باشینا اورتوم شال.
دنگینن کالان!
— کالان!
— اتوینه دوشسون تالان.
دنگینن کارلی!
— کارلی!
— اولمایاسان وارلی.
دنگینن کاسا!
— کاسا!
— گت یاتینی باسا- باسا.
دنگینن کاسا!
— کاسا!
— سن اول، من گلیم یاسا.
دنگینن کئی!
— کئی!
— اوتان- بوینا له له هئی.
دنگینن کله!
— کله!
— قوروم سنه تله.
دنگینن کلک!
— کلک!
— تویوق توكسون للک.
دنگینن کلچه!
— کلچه!
— باشین اولوب نیمچه.
دنگینن کلته!
— کلته!
— باشینا باغلا شلته.
دنگینن کره!
— کره!
— وثریم سنی اره.
دنگینن کهر!
— کهر!
— بلینه قونوم یهر.
دنگینن کیلیم!
— کیلیم!
— ایته سن ایلیم- ایلیم.
دنگینن گوزا!
— گوزا!
— نه دنسهر دوز.
دنگینن گوی!
— گوی!
— یاخشینئ قوی، یامانی اوی.
دنگینن کوت!
— کوت!
— پالتارین ایتسین قالاسان لوت.
دنگینن قاولی!
— قاولی!
— اولاسان باشی هاوالی.
دنگینن لله!
— لله!
— یاسشین سنی شله.
دنگینن لپه!

- لپه!
— اوستونه تورپاقدان ووروم تپه.
دنگین لوتو!
— لوتو!
— باییرا چئیم ائوده اوتو.
دنگین مایا!
— مایا!
— باشینا اوچسون قاتا.
دنگین مالا!
— مالا!
— گت بۆرۆن شالا.
دنگین مارقا!
— مارقا!
— ساچین گۆرمه سین داراق.
دنگین مارال!
— مارال!
— باشینا چکیم خارال.
دنگین مات!
— مات!
— دوش گۆلدە بات.
دنگین ماشا!
— ماشا!
— باشین دئیسین داشا.
دنگین مئشه!
— مئشه!
— آياغینی کسین شۆشه.
دنگین مزه!
— مزه!
— کۆتته تین قالشین تزه.
دنگین ملک!
— ملک!
- باشینا آچیم کلک.
دنگین ملهفه!
— ملهفه!
— باشینا چکدی کلهفه.
دنگین من!
— من!
— تۆیوقلارا سب دن.
دنگین منه!
— منه!
— باشینا داراششین گنه.
دنگین مره!
— مره!
— وئیریم سنی اره.
دنگین مرزا!
— مرزا!
— گت باغلا درز.
دنگین مستان!
— مستان!
— اک اوزونه بوستان.
دنگین میان!
— میان!
— قانئات تیپان.
دنگین مین!
— مین!
— نه دائیش، نه دین.
دنگین میسکنه!
— میسکنه!
— الینی کسین ایسکنه.



بی‌تا الکتریک

BITA

Electric



محافظ الکترونیکی لوازم خانگی و صنعتی

دارای مجوز از وزارت صنایع تهران

کد : ۳۱۱۰۱۵۱۷ ISIC

دفتر مرکزی : ۲۵۱۸۶۹۳ - ۲۱

کارخانه : ۲۱ - ۲۳۰۰۲۲۰ - ۲۱

فاکس : ۲۳۰۰۲۲۲ - ۲۱